

دیوان

گزینہٴ حسینی

صافی

جلد اول

اثر: مرحوم کریم صافی

بہ اہتمام

انتشارات منشوری

دیوان
گنجینہٴ حسینی
«صافی»

جلد اول

اثر: مرحوم کریم صافی

بہ اہتمام

انتشارات منشور

تبریز - اول خیابان شریعتی شمالی - جنب رادیولوژی مہرگان

ساختمان ۱۵۰ - طبقہ اول - واحد اول - انتشارات منشور

تلفن: ۵۵۵۴۲۱۹ - ۵۵۳۵۳۸۹

صافی تبریزی، کریم، ۱۳۰۰-۱۳۴۸	موسسه
: دیوان گنجینه حسینی (صافی) / اثر کریم صافی به اهتمام انتشارات منشور	علوان و یخدا آور
: تبریز، منشور، ۱۳۸۵	مشخصات نشر
: ۶ ق.	مشخصات فزاعری
: (ق. ۱) 964-6015-21-2 (ق. ۲) 964-6015-22-0	شابک
: فریا	پرداخت کلی
: شعر فارسی -- قرن ۱۳ ق.	موضوع
: شعر ترکی -- ایران -- قرن ۱۳ ق.	موضوع
: شعر منجلی ترکی -- قرن ۱۳ ق.	موضوع
: شعر منجلی -- قرن ۱۳ ق.	موضوع
: انتشارات منشور	شناسه افزوده
: PIR ۷۷۶۷ ۹ ۱۳۸۵	دسترسی کلانگه
: ۸۱۵۱/۵	دسترسی دیجیتال
: شماره کتابخانه ملی: ۸۵-۴۹۹۱	شماره کتابخانه ملی

شناسنامه کتاب

نام: گنجینه حسینی (صافی) - جلد اول - چاپ اول

شاعر: مرحوم کریم صافی

ناشر: انتشارات منشور تبریز - سال ۱۳۸۵

حروفچینی و صفحه‌آرایی: آذین کامپیوتر

لیتوگرافی: واژه - تبریز ۱۰۰۰ جلد

چاپ: نیکنام قطع: جیبی ۵۴۴ صفحه

ISBN: 964 - 6015 - 21 - 2

شابک: ۲-۲۱-۶۰۱۵-۹۶۴

حق چاپ در انحصار ناشر می‌باشد.

قیمت



قال رسول الله (ص):

إني تاركٌ فيكم الثقلين كتاب الله و عترتي...

جلد دوم

گنجینه‌ی حسینی

بسم الله الرحمن الرحيم

سپاس به جد و ثنای بی‌حد خدایی را سزد که یکتا و قادر و توانا
و کمال قدرتش در خلقت انسان آشکار و هویداست و درود نامحدود
بر اولین مقصود معبود احمد محمود و اوصیای او که علت عالم ایجاد
عالم غیب و شهودند و سرلوح کتاب وجود بعد حقیر سراپا تقصیر
کریم صافی تبریزی به امید غفران و به خواهش جمعی از دوستان
اشعار نوحه وافر خود را که به مرور زمان گفته شده تمحیض و به
معرض استفاده‌ی عموم علاقه‌مندان و تعزیه‌داران حضرت خامس
آل عبا علیه‌التحیه و الثنا گذاشته و موسوم به گنجینه‌ی حسینی گردید
متمنی است که مطالعه‌کنندگان با نظر عفو و اغماض نگریسته و با
دعای خیر در حال حیات و معات یاد و شادم فرمایند.

کریم صافی



تاریخ سال فونٹس نھنی جئین سرودہ
ما را کھان کہ گرد جنت مکان
بہ صافی
۱۳۳۸
قمری

ای دل ز دل برآور انک روان بہ صافی
خون باش تا دو چشم سازد روان
بہ صافی

آخرین عکس مرحوم مغفور شادروان شاعر عالیقدر اہل بیت اطہار(ع)
جناب آقای کریم صافی(رہ)

نوشته‌ای از

جناب آقای حاج محمدصافی پسر مرحوم کریم صافی (ره)

بسمه تعالی

شاید بیشتر از ۶۰ سال از چاپ و انتشار کلیات دیوان مرحوم پدرم گذشته باشد که آن هم در مدت کمی نایاب گردید و چون مشتاقان اشعار مرحوم صافی خواهان تجدید چاپ و به دست آوردن کتاب بودند ناشر دیگری اقدام به تجدید چاپ این کتاب نمود که با داشتن نواقص و غلط‌های عدیده املایی و انشایی مورد انتقادات بیشتری از سوی خریداران و خوانندگان کتاب قرار گرفت با وجود تشویق و تعقیب از سوی افراد مختلف و طالبان اشعار مرحوم صافی اقدام به تجدید چاپ کتاب را به فرصت مناسب محول می‌کردم تا این که با تشویق و تقاضای یکی از آشنایان سببی به نام آقای سید محسن رجایی خلف مرحوم آقای سید حسین رجائی شاعر ارزشمند و نامی تبریز و با معرفی ایشان بعد از اطمینان از صداقت و امانت جناب آقای صدرالدینی مدیر و مؤسس انتشارات منشور در تبریز کلیه اشعار دست‌نویس مرحوم ابوی حتی غزلیات فارسی در اختیار نامبرده قرار گرفت و هیچ‌گونه چشم‌داشت مادی در نظر گرفته نشد

فقط مقرر شد در چاپ کتاب دقت و توجه لازم مبذول گردد که عیویات و نواقص قبلی مرتفع شوند تا رضایت خریداران را از هر نظر تأمین نماید و این کار الحمدلله با همت و دقت و تلاش بی‌وقفه آقای صدرالدینی که در زمینه چاپ و انتشار کتب مذهبی و دواوین شعرای سلف و معاصر تجارب بی‌شماری را دارند به صورت دلخواه و تا حدودی عاری از غلط تدوین و آماده چاپ گردید که محققاً باعث شادی روح پرفتوح سراینده اشعار خواهد بود و جا دارد از تمام کارکنان این مؤسسه و مخصوصاً از مدیر و مؤسس محترم آن و همچنین از آقای سید محسن رجائی که واسطه خیری در این امر خداپسندانه بود بدین وسیله سپاسگزاری بنمایم و همچنین از ذاکرین و مساحین محترم تقاضا می‌نماید در مسحافل عزاداری روح مرحوم جناب آقای کریم صافی و حقیر و بانیان این کار خیر را از دعا فراموش نفرمایند.

والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته

حاج محمد صافی

بسمه تعالی

با سپاس بی‌کران به خدای لامکان و با درود و سلام به چهارده معصوم علیهم‌السلام:

نوشتن مقدمه به کتاب نفیس دیوان مرحوم صافی این شخصیت ارزنده در خور استطاعت حقیر با این بضاعت مزجاة معنوی نیست ولی با درخواست آقای حاج محمد صافی خلف صالح شاعر معروف آذربایجان و امتثال از اوامر جناب آقای صدرالدینی که افتخار شاگردی مشارالیه را از ایام جوانی داشته‌ام و همیشه مدیون بزرگواری‌های ایشان بوده و هستم ناگزیر از انجام این تکلیف شاق گردیدم. ولی قبل از شروع به مطالب اصلی جهت روشن شدن اذهان مقدّماتاً به صورت گذرا از اشاره به سیر تاریخی و تطور اشعار مذهبی نیز مجبور بودم.

با بروی کار آمدن پادشاهان آل بویه و سلطنت آنها در قسمتی از این سرزمین پهناور که از حمایت و پشتیبانی علویان بقیه‌السیف از عربستان به ایران پناه آورده و در نواحی شمالی زندگی می‌کردند برخوردار بودند لذا لزوماً مذهب شیعه در قلمرو حکومت این پادشاهان دادگستر نضج گرفت و سرودن اشعار مذهبی بخصوص وقایع جانگداز شهادت سالار شهیدان حضرت اباعبدالله...الحسین(ع) مورد توجه شاعران این دوره گردید که حدوداً مدت سیصد سال به طول انجامید و هم‌چنین در زمان حکومت صفویان و با انقراض

حکومت‌های محلی با رسمیت پیدا کردن مذهب تشیع در ایران یکپارچه با ظهور شاعرانی چون محتشم کاشانی فرهنگ و ادبیات عاشورایی رونق بسزایی گرفت و زمینه و میدان وسیعی برای جولان طبع شاعران پیدا شد که تمام سراینندگان این دوره بخصوص شاعران خطهٔ عراق عجم با پیروی از محتشم به سرودن اشعار مذهبی مخصوصاً ترکیببند در مورد وقایع جانگداز عاشورا روی آوردند و مایهٔ اعتلا و غنای اشعاری از این دست گردیدند و بعد در دورهٔ حکومت شاهان قجر با پیروی از اشعار شاعران فارسی‌گو کم و بیش در مناطق ترک‌نشین این مرز و بوم شاعران ترک‌زبان به سرودن اشعار رثائی در زبان محلی خود می‌پردازند. اواخر حکومت قاجار را می‌توان دوران شکوفایی اشعار رثائی در زبان ترکی دانست و در این دوره است که شاعرانی مانند شکوهی مراغه‌ای، بیضای اردبیلی، راجی صراف، قمری، خازن و سایرین که ذکر نامشان موجب اطناب کلام خواهد شد در این عرصه ظهور می‌نمایند که شعر عاشورایی را به اوج اعتلای خود می‌رسانند که هر کدام در توبهٔ خود از نوادر زمان محسوب می‌شوند و عجیب این که اغلب اینها یا از سواد کافی بی‌بهره بودند و یا برخی مثل خازن مرحوم از داشتن سواد کم هم بی‌بهره بوده‌اند ولی در عرض یک قرن سروده‌های آنها زینت‌بخش محافل و مجالس عزاداری سیدالشهداء بوده و هنوز اشعارشان در این مدت طراوت و تازگی خود را حفظ کرده و ورد زبان خاص و عام می‌باشد.

بی شک یکی از این نوادر می توان مرحوم صافی را قلمداد کرد و اگر صافی را با رعایت تمام جوانب احتیاط و انصاف و به دور از اغراق گویی نتوانیم اولین و بهترین شاعر تلقی نماییم می توانیم بدون شک او را در اعداد پنج و یا شش شاعران نامدار طراز اول محسوب نماییم و به جرأت می توان گفت شعر هیچ شاعری به اندازه ی صافی از اقبال روزافزون برخوردار نبوده است و تمام سروده های ایشان در این مدت سینه به سینه و دهن به دهن گردیده مثل:

سیر گوندی بسو گونون ملکالر آغلار

زه سرا باش آچوب پیغمبر آغلار

که بی شک صفت زیبای و مستنوع در این شعر معنی پیدا می کند و گوینده این شعر ساده و روان و عامه پسند و وقتی می نویسد:

گوردوله تشنه جان ویرور منبع چشمه حیات
حیرته دوشدی قدسیان جمله ملائیک اولدی مات

علاوه بر این که مقام والای ادبی این شخصیت برجسته در سرودن اشعار سطح بالای ادبی را مسجل می سازد در عین حال نشان از احاطه و تسلط وی به دقایق ظرایف ادبی و هنری بوده مسایل و نکات دقیق عرفانی را نیز آشکار می سازد حتی تقارن و توازن موسیقایی بعضی از اشعار می نماید که مرحوم صافی از مسایل و علم موسیقی سنتی این مرز و بوم اطلاعات مبسوطی داشته است.

صافی مرحوم با این همه شهرت و آوازه محققاً بی نیاز از تعریف و

تمجید می‌باشد و داد سخن دادن دربارهٔ این شخصیت ادبی در حوصله این وجیزه و مقوله نمی‌باشد همین قدر که کلیات اشعار نامبرده چند سال بعد از وفات ایشان چاپ و در اندک مدتی نایاب گردید و در این مدت بنابه اصرار و تقاضای مشتاقان شعر مرحوم صافی چند سال پیش برای دومین بار مجدداً کتاب در دو جلد از روی همان نسخ قدیمی چاپ و منتشر شد ولی با داشتن اغلاط املائی و انشایی متعدد و عدم دقت در چاپ و داشتن نواقص باکمال تأسف نمی‌توانست نظرات خوانندگان محترم را تأمین نماید و از طرفی عیب بزرگ چاپ اول و دوم که این عیب در سایر دیوان‌های شاعران دیگر نیز محسوس است نداشتن شرح حال مبسوط و مفضل از زندگانی این نامداران است. حقیر نیز مثل همهٔ دوستداران مفاخر ادبی این مرز و بوم همیشه در صدد آشنایی با یکی از افراد و نزدیکان و بازماندگان این نام‌آوران بودم که خوشبختانه این آرزوی دیرینه با وصلت یکی از نوادگان پسری مرحوم آقای کریم صافی با یکی از نزدیکان بنده محقق گردید و وسیله شد بنده از نزدیک با تنها فرزند برومند ذکور مرحوم صافی یعنی آقای حاج محمد صافی که یکی از تجار خوش‌نام تبریز مقیم تهران می‌باشد آشنایی و مراوده پیدا کنم. متأسفانه بعداً پی بردم آقای حاج محمد صافی بیشتر از یک سال از عمر پربرکت پدر خود را درک نکرده و اطلاعات ایشان نیز از نحوهٔ زندگی و سایر مسایل در حد مسموعاتی است که از دوستان و اطرافیان و مردمان پدر خود

شنیده است ولی نفع کلی که این آشنایی پربرکت داشت این بود که در اثر تحریر و تشویق حقیر برای چاپ کلیات مرحوم صافی رضایت ایشان با طیب خواطر جلب گردید و با معرفی آقای صدرالدینی توسط حقیر به خدمت آقای صافی ابن آرزو محقق گردید و این خلف صالح با کمال میل و سعه صدر تمام و کلیه دست‌نوشته‌ها و دیوان اشعار مرحوم صافی را با تمام اشعاری که تا امروز چاپ گردیده و حتی غزلیات فارسی را که به طور شیوایی نوشته در اختیار آقای صدرالدینی جهت تحقیق و چاپ قرار دادند و ناگفته نماند که دیدن دیوان دست‌نویس آن مرحوم با خط زیبا و پخته شکسته که از جنس خطوط قدیمی بود و فرزند برومند ایشان در این مدت ۷۰ یا ۸۰ سال آن را مانند گوهری گرانبها از حوادث زمان محفوظ و مصون نگاه داشته شور عجیبی در من برانگیخته بود و گویی در لابلای آن اشعار با خط زیبا چهره‌ی نورانی و ولایتی مرحوم صافی را می‌بینم به هر حال جناب حاج محمد صافی تمام اشعار را بدون هیچ گونه چشم‌داشت مادی در اختیار آقای صدرالدینی قرار دادند و قرار شد اگر از چاپ و فروش کتاب حق و حقوقی نسبت به صاحب اشعار یا وراثت ایشان تعلق گیرد به طور منصفانه توسط آقای صدرالدینی در اختیار یکی از مراکز خیریه تبریز قرار گیرد و این کار به وسیله آقای صدرالدینی انجام گردید و تنها نظر و دغدغه خاطر ایشان این بود که کتاب به صورت زیبا و آبرومندانه عاری از نقص و عیب در

اختیار خریداران و مشتاقان اشعار آن مرحوم قرار داده شود و باعث شادی روح آن مرحوم گردد و نکته دیگر این که این کتاب با تلاش و کوشش شبانه روزی استاد محترم آقای صدرالدینی مدیر و مؤسس انتشارات منشور که با اقدام و چاپ و انتشار دیوان شعرای سلف و خلف خدمات ارزنده و بزرگی به عالم ادبیات انجام می دهند به صورت بسیار نفیس و ارزنده بعد از اتمام مسایل چاپ اکنون در اختیار خوانندگان و خریداران و مشتاقان شعر صافی مرحوم قرار می گیرد و زحمات و تلاش های آقای صدرالدینی با همه گرفتاری های شغلی و زندگی در سنین نسبتاً بالایی از عمر بدون داشتن دستیار یعنی دوست عزیزمان مرحوم فیروز جوانشیر که در این مواقع مددکار خوبی برای ایشان بودند، کاری بود بسیار سخت و طاقت فرسا چون تفکیک و تطبیق اشعار با نسخ قبلی و نوشته های آن مرحوم که قطعاً در این مدت کم از حروف و کلمات کم رنگ یا اساساً محو گردیده و یا الزاماً بعضی خط خوردگی و قلم خوردگی کار را برای ناشر دشوار می سازد و این همه تلاش و کوشش را نمی توان با مسایل و معیارهای مادی سنجید و مقایسه کرد فقط این همه را می توان به حساب یک عشق عمیق روحی نسبت به حضرات معصومین و صداقت و امانت داری گذاشت. و به قول مرحوم شهریار:

این هنرور ادیب ما شاید زین هنر قصد دیگرش آن بود

که نماید به سایرین کاین کار با همه مشکلیش آسان بود

و لذا اینجانب توفیق روزافزون ایشان را در زمینه این خدمات از خداوند متعال خواستارم و همچنین از مراحم و الطاف آقای حاج محمد صافی سپاسگزارم و ناگفته نماند که یکی از بانیان چاپ مرحوم جوانشیر شاعر ارزنده بود که با اصرار و تشویق ایشان این کار عملی گردید که خداوند روح این عزیز از دست رفته را قرین غفران و رحمت قرار دهد و امیدوارم مداحین و ذاکرین و خوانندگان گرامی در موقع مضان استجابت دعا کلیه بانیان این کتاب نفیس را و اموات حقیر بخصوص پدرم را از دعای خیر فراموش نفرمایند و با غمض عین از کاستی‌ها و نواقص جزئی ما را مورد تشویق قرار دهند.

امین یارب العالمین

سید محسن رجائی

(مجنون)

بسمه تعالی

سخن ناشر

با سپاس به درگاه خداوند متعال و با درود به محضر برگزیدگان خلقت حضرات چهارده معصوم (ع) لطف الهی سبب شد که دوست بسیار مشفقم جناب آقای محسن رجائی (مجنون) فرزند مرحوم مغفور شاعر شیرین زبان آقای سید حسین رجائی (ره) موجبات آشنایی اینجانب با آقای حاج محمد صافی را فراهم آوردند و بهترین و پرارزش ترین ثمره‌ی این آشنایی همانا دریافت دفتر خطی اشعار مرحوم مغفور جناب آقای کریم صافی (ره) بود که انگیزه‌ی چاپ کلیات دیوان مرحوم مغفور را در اینجانب برانگیخت و چون آقای حاج محمد صافی تنها پسر ذکور و وراثت مرحوم مغفور کتباً انتشار کلیات صافی را به اینجانب محول فرمودند ملزم به چاپ آن شدم. لازم به تذکر است که در مقدمه کتاب چاپ شده‌اش خود مرحوم مغفور نام کتاب را «گنجینه حسینی» نامیده بودند. اینجانب هم نام این کتاب را «گنجینه حسینی» (صافی) نهاده در دو جلد اول و دوم به چاپ رساندم.

ضمناً ۱۸ ماه در تنظیم و اصلاح آن فعالیت کرده‌ام و از آنجا که نمی‌توان کاملاً به سعی خود اطمینان داشت امید است ارباب علم و هنر نقایص را مورد اغماض قرار دهند. و بهره‌یابان از اشعار پر محتوای ایشان، مؤلف و بانیان چاپ و اینجانب و والدینم را از دعای خیر فراموش نفرمایند.

سید علی اکبر صدرالدینی

در مدح حضرت رسول اکرم (ص)

خوب است ز مه صورت زیبای محمد (ص)
بوداده به گل روی دل آرای محمد
از هر گذری با قد چون سرو چو بگذشت
ایستاد همه بهر تماشای محمد
بر گردن عشاق کمندی است مبرهن
تا بنده شده زلف چلیپای محمد
آراسته ثوبی است پر رویی و خوبی
شد دوخته آن بر قد و بالای محمد
دل نیست پریشان نشود از سر زلفش
سر نیست نگیرد سر سودای محمد
جز نقش محمد به زمین اشک نریزد
در مردم دیده است مگر جای محمد
ابروی کجی در کف شیر است چو شمشیر
شد آخته بر خواری اعدای محمد

در خوبی و شریفی سخن جای سخن نیست
مَنْت بنهد گر به زمین پای محمد
«صافی» نه پی حسن مجازی است نخواهد
در هر دو جهان غیر تولای محمد

فی التوحید

ای گوز حقیقت اخذ ایله دلدن خدانی گور
 سیر ایله صنعه قادر قدرت نمائی گور
 ویرمه مکان نسبتی بر ایله مؤجده
 هر بیر مکاندا مخترع لامکانی گور
 وار بیر بیله وجود آرا بیر واجب الوجود
 باخ ممکن الوجوده خدای جهانی گور
 مطلق گورن عمارتی بناسین آختارور
 مخلوقه باخ او خالق ارض و سمائی گور
 برهان اتی دور بو که کشف ایلدیم گوزوم
 فکر غرور کبر ایلمه کبر یانی گور
 گونه چخوبدی گوندوز اولوبدور تفکر ایت
 اثبات روزه گونده کی نور و ضیائی گور
 خورشید تک بو گونده موجود دور خدا
 گوندوز کیمی وجوده گلن مایرانی گور

گورسن نعوذبالله اگر اولما اقلقین
 اولده اهل عالمی خلقتده فانی گور
 اما و حال آنکه خداوند وار یقین
 پس کون عالمی او وجودین نشانی گور
 بیله دلیل مثلنی برهان لَمی بول
 بو نوعیله ادلّه‌نی عالم بیانی گور
 ایله نظر گونه آیا باخ بیر گویه یره
 یوخ حاجتی ستونه بو محکم بنانی گور
 لازم دگل کلام مطول بو بابده
 بو مختصر سوزیمده بیان و معانی گور
 مخلوق ایچینده دقتیله سالگان نظر
 مسولا سنه یقین ایدن اهل و لانی گور
 پرگار وار نقطه تسو حید بساشنه
 دور ایملین بو دایره انبیانی گور
 باخ انبیایه درگه والای حقه
 سیر ایت مقام عالیّه امتحانی گور

بو امتحان مقامه اول قویان قدم
 آدم ابوالبشر شرف اصفیانی گور
 ترک بهشت ایلدی گلدی بو عالمه
 محکوم حکم خالق جل و علانی گور
 بیر بیر او صلبدن گلن ارواح محترم
 ارباب صدق صاحب مهر و وفانی گور
 نوح نجیه باخ که نجه ویردی امتحان
 بیر عمر گوزلرندکی اشگ روانی گور
 آخر سفینه قصه سی آندیردی رتبه سین
 دقت گوزیله من زکب قد نجانی گور
 جرجیسی گوسترور زکریا قضیه سی
 صابر بلای حقه ایکی مبتلانی گور
 دوزدیله دوست زحمتنه اوف دیمزدیله
 باخ صبره همت آینه سنده جلانی گور
 ذکر اللهون حلاوتی صحرانشین ایدوب
 یحیاده عشقه باخ او اوجالدان صدانی گور

آخر کسبیدی باشی قزل طشته شورہ باخ
معنادہ سن شرافت طشت طلانی گور
تسلیم محضیدی آتیلاندا اودا خلیل
باخ خُلْتَه قضای جلیله رضانی گور
اود گلستانہ دوندی خلیل اللہی گوروب
سندہ صفای باطن اہل صفانی گور
مطلق عجب ہوادی اود ایچرہ ہوای دوست
یا دوستیلہ تاپان ایلہ خوش گلستانی گور
کوی وفادہ شادیدی باش ویرماقا ذبیح
سیر ایت صفا و مرویہ کویہ منانی گور
باشدان باشا اوخی وَفَدَیْنَاهُ آیہ سین
ذبح عظیم اولان آدی قابل فدانی گور
یونس کہ بطن حوتدہ ایلردی ذکر حق
بولمہ عجب حلاوت ذکر خدانی گور
ایوب صبری ایمدیده دللرہ ذکر اولور
مین نوع زحمتیلہ گورن ایتلانی گور

یعقوبی یوسف آیریلیقیله سناردی حق
 بسیت الحزنده ناله و ایوسفانی گور
 یوسف آدین گوروب قد غندور دینمه دی
 بیر عمر نی کیمی اونا مونس نوانی گور
 بی نور اولدی گوزلری ازبسکه آغلادی
 بیر دقتیله شدت حزن و بکانی گور
 شیرین ثمر و یروب اونا اولشور گوز یاشی
 گلدی قمیص یوسف همان ماجرانی گور
 یوسفده قعرچه ده و یروب امتحانی
 چکدی دیار مصره خیال قضانی گور
 یعقوب عزیزین ایلدی محبوس عزیز مصر
 محبوسه باخ او محبسی زندان بانی گور
 بیر مدّت مدید سناندی مال کار
 یتدی جلال و سلطنته عزّ و شانی گور
 موسی نی قویدی عالم حیرتده طورده
 محبوبدن حبیبه یتن خوش ندانی گور

غش ایلدی آیلدی چکوب حسرتیله آه
 بیر کلیمه کلیمه ده شوق لقانی گور
 قویبدی قدم مسیح بسلا اوسته عالمه
 روح اللّهون باشنداکی ذوق بلانی گور
 اول گلنده داعی حق گلدی شاهدی
 اتانی الکتابة باخوب مدعانی گور
 دوزدی تمام عمرینی درد و مشقته
 بیر آز زماندا چوخ غمیله آشنانی گور
 صحرالر اولدی مسکن و ماواسی عاقبت
 دنیاده امتحان ویرن عرش آشیانی گور
 بسدور مقدمات گچن جمله دن مراد
 نعلینی عرش زینتی بیر مصطفانی گور
 هادی دین نبی مبین ختم مرسلین
 مرآت حق نهای زمین و زمانی گور
 اما بشر لباسی گیوب گلدی عالمه
 مصداق مطلب آیه قل انعمانی گور

اولده گرچه هادی دین مبین ایدی
 قِرْخ سنّده رسالته مبعوث اولانی گور
 لیکن چکوب ایگرمی اوچ ایل بعد بعثتی
 چوچ چوخ بلالره دایانان آز زمانی گور
 مَا أُوذِيَ النَّبِيُّ الْوَنُودَةَ دَیْل دور
 باخ شانه بو اذیته بیر کس دایانی گور
 چوخ ظلم لر اولوندی او پاکیزه طینته
 بی شرم امتننده اونون سن حیانی گور
 مسموم قیلدیلار اونسی کرات امتی
 ترک ایلین او حاليله دار فنانی گور
 گه موقوف عبوریده توپراق آتاردیلار
 گه کُل توکردیلر باشنه اشقیانی گور
 گاهی داشیله وردیلا سندیردیلار دیشین
 گه بارماقین یارالادیلار امتحانی گور
 حَـدِیْثِی یَسْـأَمُحَمَّـدَ عَرَبِـلَر دِیـر دِیـلر
 ایلردی وعظ وضع شه مقتدانی گور

ساحر دیوب ویرردیله نسبت جنونیه
 بساخ عقل اوله سبب اصطفانی گور
 صدیق عالمین هسارا کذا بلیق هسارا
 بهتانه باخ یالان سوزه باخ افترا نی گور
 بو قدر ظلمه دوزدی بیر اسلامدن اوتور
 سن دینه باخ شرافت اسلامیانی گور
 ویردی اوز امتحانی گوستردی راه راست
 بسو مستقیم خطّه دوشن کاروانی گور
 ویرمشدی امتحان اودی آسوده ویردی جان
 پیغمبر کریم و شه انس و جانی گور
 بو رشته ده که مشی ایلدی مصطفی اوزی
 دورت تک وجود باقی اهل کسانی گور
 چون اولدی نیز دالنجا گیدن اوز عزیزه سی
 گوز آچ ازل قضیه خیرالنسانی گور
 اون سکز ایل تمام او خاتونون عمریدی
 آز عمریله باشنداکی چوخ چوخ بلانی گور

قسالدی آتا ایونده ازل نصف عمرینی
 یاخشی گونی او گونلری سای خوش اوآنی گور
 دو قوز ایسلین که گلدی علی خانداننه
 محنت انیسی بول گله غم همزبانی گور
 چوخ وقت علی ایونده او خاتون قالوردی آج
 پنهان ایدردی باشدا وفادن هوانی گور
 بولدورمزیدی آجلیقنی تا عم اوغلی سی
 غم ایتمه سون محبته باخ آشنانی گور
 مزدور اولوب یهودیه دستاس چکمه
 وجه معاش دختر خیرالورانی گور
 وورمشدی وصله باشداکی چادر شبه زبس
 سلمان یاناردی دور بد آسمانی گور
 بو نحویله گچیندی آتاسی اولان زمان
 اوندانصورا کی حالنه باخ هر جفانی گور
 اولگونکه جانویروب آتاسی ختم مرسلین
 اول سرورین نه چکدیله یرده قالانی گور

قویدیللا یرده سید عالم جنازه سین
 جمع اولدیلار سقیفیه آل زنانی گور
 فاسد خیالی اول و ثانی و ثالثین
 نه نوع اولادی او باشندا قرانی گور
 پیغمبرون عزا سنون اتمام اولان گونی
 یعنی اوچومجی گونده اولان مساجرانی گور
 ثانی گلوب امین خدا اذن ایستین
 درگاهه دق بساب ایلدی داستانی گور
 گسلدی قاپو دالینه خانم فاطمه اوزی
 کیمن دیدی گوز آچ او اوجالان صدانی گور
 ویردی جواب ثانی دی گلسون عم اوغلووا
 مسجدهده بیعتته ستم ناروانی گور
 بولم هارا سئوال و جوابی یتوردیلر
 اود گلدی درب یاندی یانان آستانی گور
 دیسوار یسله قاپو آراسندا قالبوب خانم
 غش ایلدی یخیلدی او ظلم عیانی گور

سندی قابور قاسی قولی سقط اولدی محسنی
 بو ظلمه بیرکسون گلور آخر گمانی گور
 بشگون اوچ آی و یا ایکی آی برده نصف ماه
 عمر ایلین قالان آتاسندان صورانی گور
 آغلاردی متصل گجه گوندوز بو مدتی
 آغلا گوزوم او ایلین آه و فغانی گور
 بیر سایه درختی ده چوخ گوردیلر اونا
 ظلم و جفای دشمن و جور عدانی گور
 باطن گوزیله برجه بقیعه نظاره قیل
 هر گوشه سنده ایمدیده زهرا امانی گور
 زلفی آغاردی قدی بو کولدی آز عمریله
 قلبی یارالی قامتی غمدن کمانی گور
 داغ فراق فاطمه دن قلبی داغلانان
 مولای انس و جان علی المرتضانی گور
 غسلین ویروب گجیله کفن ایلوب قویوب
 زهرانی قبره همت میر هدانی گور

بوگونلره دوزوب ویروب اوز امتحاننی
دنیایه باخ شفیعۀ روز جزانی گور
بیر شمه ده گرک دیوله اول جنابدن
سلطان اوصیا و شه اولیانی گور
ناحق یره یرین خلفای ستم شعار
غصب ایتدیله خیانت قوم دغانی گور
بیر نوعیله آپاردیلا مسجده بیعته
یانسون دلیم دیم او قباوردانی گور
دقتله بیرجه قدرته باخ دست ظلمده
دست خدانی باغلیان اول ریسمانی گور
اونلار که بخ بیخ دیمشدی غدیر خم
سندردی بیعتین بیله فاحش خطانی گور
اولموب قبول غصب فدکده شهادتی
انزال رتبه شرف قل کفانی گور
مسموع اولمادی سوزی حق بستولده
مظلومی قسیم جهیم و جنانی گور

بیر مدت اولدی خانه نشین میر مؤمنین
 ناچار اولان قبول ایملین انزوانی گور
 بیر کس که اولدی جزو رسالت ولایتی
 قالدی بولود دالندا او شمس الضحانی گور
 ذلت لریله دوستلرین انجیدیردی لر
 مولایا ناردی صبر شه اتقیانی گور
 باخ قصه ابو ذره چوللرده آج سوسوز
 نه ذلت و حقارتیله ویردی جانی گور
 سب ایلیوب آدین آپاروردیلار چوخ حقیر
 بو ظلم فاحش و ستم ناروانی گور
 آخرده ملجم اوغلی اونون توکدی قانی
 مسحرابده باشنداکی منکر یارانی گور
 بیر ضربتیله دوشدی یدالله ایاقدن
 شم شیر زهر داری او باشندان ورانی گور
 جان ویردی عشر آخر شهر صیامده
 بر ایله گوند کی غم بی انتہانی گور

اولدی علی یرنده حسن مخزن محن
مظلومیت مجسمه سی مجتبانی گور
دنیاده بیر نفرایله مظلوم اولمیوب
تاریخ حال جمله پیر و جوانی گور
مسموم ایدن او صابر آفاقی ظمیلله
اوز همفراشی جعدۀ بی شرمی ثانی گور
سسال یاده یوم عاشر ماه محرّمی
میدان کربلاده شه کربلانی گور
ایلوبدی تکیه نیزه سنه ضعف حالی وار
تکیه گه ملانک ایچون متکانی گور
اطرافنی آلبودیلا بی رحم کوفیان
قرخ مین نفر النده خدنگ و سنانی گور
سانسیز یارالارندان آخار قانی سو کیمی
خون خدانی سال نظره خونبھانی گور
قولسوز دوشوبدی سرو قد صاحب علم
بیر یاندا مشکی بیر طرفنده لوانی گور

ہم قتلگھدہ اکبر گلگون قبایہ باخ
 ہم خیمہ گھدہ لیلی بی اقربانی گور
 غم حجلہ سنده تازہ عروسی تصوّر ایت
 قان دجلہ سنده قاسم نوکدخدانی گور
 گل میش رباب نالیہ نی تک سزیلدری
 آغلار گوزیلہ اصغر شیرین زبانی گور
 «صافی» النجہ آغلا حسینہ فغانہ گل
 ہم نالہ بو مصائبہ قدوسیانی گور

وفات حضرت رسول اکرم (ص)

بو گونده جانو یروب یتدی حضور یاره پیغمبر
 گنه معراج شوقیله گیدر احضاره پیغمبر
 ازل بیر محفل عالی قوروب حق صدر خلقتده
 ایدوب اشخاص معصومی قوناق اول بزم وحدتده
 داخی خلق ایتیموب بیر کس اوندورت کیمسه عزتده
 ولی اول دیوب گلسون اوزی احضاره پیغمبر
 بو احضاریله عزرائیل دایاندی باب امیده
 آلوب رخصت سلامه دل آچوب تعظیم و تمجیده
 خبر ویردوقجا جاناندان گلوردی شکره تحمیده
 دیردی جان ویرور مژده بیله اخباره پیغمبر
 بیله عرض ایتدی درگاه رسوله قاصد جانان
 که جانان جانبندن وار سیزه فرمان بودور عنوان
 اگر دنیایه وار میلی قایت گل اولما نافرمان
 وگر مشتاقدور گلسون بیزه دیداره پیغمبر

يتوردی یار پیغامین دیدی اول پیک فرخنده
 بو ایکی امره محکومم اگر هر حکم اولا سنده
 بیوردی جانیمی تیز آل جهانندان دویمشام منده
 زبس بسی شرم آتدن دوزوب آزاره پیغمبر
 یتوب اولدم امین وحی ایدوب تعظیم شأننده
 پیمبر گوزلرین آچدی گوروب جبریلی یاننده
 بیوردی قارداشی قارداش قویار تک بو زماننده
 مگر بولموردون آخر جانویرور دلداره پیغمبر
 کنارین آلدی اولادی او حال احتضارنده
 یغلدی باشنه یکسر باشین آچدی کنارنده
 بوگون گورسندی بیکسلوق توی زینب عذارنده
 گلوب بو حاله باخدوقجه چوخ آه و زاره پیغمبر
 بیوردی یا علی قویما حسینیم چوخ فغان ایتسون
 بو وقتمده منی آغلار گوزیله باغری قان ایتسون
 حسن اوغلوم گلوب داده یوزه اشگین روان ایتسون
 بولورسن بو ایکی نوره اولوب گهواره پیغمبر

ویرنده شوق جانانلا بو گون جان صادر اول
 اولوندی مصدر حقدن شفاعت آیه سی مُنزل
 پیمبر صدرینه قویدی او ساعت اوز حسینی آل
 حسینی که اُپردی گل یوزین همواره پیغمبر
 امیر مؤمنان اولموب رضا گورجک بو احوالی
 بولوردی جانویرن دم دور او دم پیغمبرین حالی
 حسینون اللرین گوتدی کناره ایلدی حالی
 بیوردی جان ویرور جَدون اوغول بیچاره پیغمبر
 گلیدون یا علی دشت بلایه روز عاشورا
 نه ظلم ایلور گوریدون بیر حسینه لشگر اعدا
 یارالی سینه سی اوسته دیردی شمر بی پروا
 گرک باشی آچوق عجزه گله کُفاره پیغمبر
 آچوب قانلو گوزین اوغلون گوروب شمری گلر داده
 بیوردی چوخ اثر ایلوب عطش احشا و اکباده
 منه بیرجرعه سو یاندیم سوسوزدان باخ بو فریاده
 جوابون وار گله سنله اگر گفتاره پیغمبر

دیدی دنیانی سو دوستا سنه مندن سو ویرمک یوخ
 سنی سیراب ایدن خنجر دی شمشیر جفادور اوخ
 دی گلسون سو گتورسون یا حسین آخر دیر دون چوخ
 آتام ساقی کوثر دور بابام احراره پیغمبر
 دیمه بیر تک حسین باشین کسوب شمر ستم پیشه
 ال آچدی غارته سویدی عیالین سالدی تشویشه
 اسیر اولدی هامی عورت او شاق بیر بیله بد کشیه
 نولور حالی گوره زینب قالبب آواره پیغمبر
 داخی یازما دایان «صافی» دو توب اود دفتر و خامه
 پیمبردن صورا جرأت تاپوب کفار اسلامه
 همان جرأتله قول باغلو عیالین چکدیلر شامه
 باخوب گه زینبه یاندی گهی بیماره پیغمبر

در مصیبت حضرت خاتم الانبیاء (ص) و امام حسن (ع)

آغلار بو گون ارض و سما و امصطفا و امجتبا
دوتموش عزا شاه و گدا و امصطفا و امجتبا
پیغمبر رحمت بو گون کسدی جهاندان اُفتین
کسموب گنه اوز رحمتین خلق ایچره قویدی عترتین
زهر جفا ایچدی حسن آلدی حسینون طاقتین
آغلار تمام ماسوا و امصطفا و امجتبا
دولدی مدینه آهیله بوگون حجازی دوتدی شور
گلدی فغانه مرد و زن ترک اولدی آئین و سرور
قیلدی وفاسیز جعهدهدن بیر ظلم بو گونه ظهور
کسیم فاطمه ایلر نوا و امصطفا و امجتبا
هنگام رحلتده بو گون پیغمبر پاکیزه خو
یغمیشدی اصحابین باشا ایلردی صحبت گفتگو
اما حسن که سو ایچوب بیر کیمسه ایچمز ایله سو
سسلردی یاندیم یا اخوا و امصطفا و امجتبا

آخر نفس ختم رُسل آرتوردی اوز فریادینی
 تاپشوردی چوخ تاکیدیلہ قرانیله اولادینی
 بو گون حسن مسموم اولوب اودلان دیروب اکبادینی
 هر دم گلور گویدن ندا وامصطفای و امجتبا
 تولدی رسول حق بو گون باب کرم باغلانمادی
 جان تاپشوراندا ایچدی سو لعل لبی دوغرنامادی
 تایوت ایچنده اوغلی تک نعشی اونون اوخلانمادی
 اود دوتدی قلبیم ای خدا وامصطفای و امجتبا
 گندی پیمبر چرخ دون ظلمین کناره قویمادی
 اولادینه بیر باره دن امید چاره قویمادی
 بیگانه لر دفن ایتماقا اوغلون هماره قویمادی
 مظلوم اولوب آل عبا وامصطفای و امجتبا
 آخر حسینی ایتدیلر کرب و بلاده چون شهید
 چکدی دمشقه جبریلہ آل اللہی قوم عنید
 اوز مجلسینده گوردولر بی شرم لوق ایلور یزید
 سسلندیلر وامر تضا وامصطفای و امجتبا

طشت ایچره تازینب باخوب گوردی حسینون باشنی
فریاده گلدی آغلادی توکدی یوزه گوز یاشینی
گوردی او طشتی یادینه سالدی حسن قارداشینی
ذکر ایلدی و امجتبا و امصطفا و امجتبا
«صافی» تخلص یازمیوب بیله رسا اشعارینه
واله اولوب «صدری» اونون طرح ایلین گفتارینه
دورت مصرعی ملحق ایدوب عالم خدا کردارینه
وردی اولوبدور صافیا و امصطفا و امجتبا

شہادت حضرت رسول (ص)
و حضرت امام حسن مجتبیٰ (ع)

دولدوروب جہانی رسول حق محنت امام حسن غمی
 بو ایکی وجودی نہ زحمتہ سالدی درد ملت وطن غمی
 عالمینہ نعمت پیمبری سالدی امتی چوخ مشقتہ
 صبر ایدوب دایاندی او شانلہ نوع نوع رنج و اذیتہ
 اولدی لیک مافوق ہر غمون عاقبت او دریای رحمتہ
 تابع جہالت بیر امتی سست عہد و پیمان شکن غمی
 درک ایدوبدی بیر بیلہ گون اجل شافع قیامت پیمبری
 مجتبیاہ ویردیلر زہرکین قلبی یاندی دوغراندی بلبری
 سندہ آغلاای شیعہ روزوشب آغلادوب بوگون آل حیدری
 ہم رسول اکرم مصیبتی ہم او پادشاہ زمن غمی
 بو جہاندا مظلوم اولمیوب بیر نفر امام حسن کیمی
 دوزمیوبدی ہرگون شماتتہ کیمسہ بو غریب وطن کیمی
 بوامامہ توہین ایدردیلہ اور بوزونده دشمن گورنکیمی
 بی نہایت ایلر اثر منہ بو شہنشہ ممتحن غمی

قویدی یرده نغشین پیمبرون مجلس ایتدی امت سقیفہده
 شور ایدردی بیر جمع بی وفا اوردا انتخاب خلیفہده
 قویمیویلا هرگز قصور اولا ثالث ایله نسانی وظیفہده
 یتدی گور او گونده نه پاییه اول وصی حق بو الحسن غمی
 خاندان عصمتده قوردولار بوگون آل طه بیر انجمن
 سس سسه ویروب گلدیلر هامی ایل قبیلہ فریاده مردوزن
 آشدی باشینی خیرة النساء تا نهایته یتدی بو محن
 غملنور اگر اهل عالمه قسمت اولسا بو انجمن غمی
 چون بو گون وفا عندلیبیون بیر خزان یتوب گلستانه
 یرده بو خزاندان صورا داخی بو بهار گلمز گمانته
 گه آتاسینه آغلیوب یانار گه عزا دوتار مجتباسنه
 گور او بلبله نه چتین گلور گلشن افتراقی چمن غمی
 فکر ایدنده هر بیر غمی دوشر کر بلا غریبی خیالیمه
 گوسترور خیاله گلن غمی دیدة دل پُرملاایمه
 بو حسین آدیندا نه وار ویرور اوزگه نوع تغییر حالیمه
 نیلیوم قیاس اولموری داخی بیر غمه او گلگون کفن غمی

بولمورم حسینون خیال ایدیم هانسی غملوبیر ماجراسنی
 اصغرین دیوم اوخشیوم یانوم گل بوغازینون اوخ یاراسنی
 یا که قاسیمین یادیمه سالوم طوی او طاقنی قان حناسنی
 آغلادوب امامی او نوگل بوستان او گل پیرهن غمی
 یاد ایدنده اکبر جمالنی باتمیوم نه جراتدی یاسه من
 عطر کاکلین خوش نشان ویریر نکهت گل یاس یاسمن
 عارض شیبیه پیمبره نسترن مشابهدی یاسمن
 هانسی گلشنون بلبلنده وار بیله سوسن و نسترن غمی
 چکسه انبیاء وار یری اگر تک به تک ابالفصل رشکنی
 هر قدر که قولاری واریدی حفظ قیلدی او خدان سومشکنی
 مشگی او خلانوب گیتدی سویره جام دیده دن تو کدی اشگنی
 ایمدیده حسینی سز یلدادور قبرده او قولسوز بدن غمی
 «صافیا» حسین ابن فاطمه هر سوزده مؤید اولا اوزی
 سوزدین گنهکار اولسادا بو سببیدی شیرین گلور سوزی
 آغلا گوز یاشندان اُتور نولن آختارور تاپا آغلیان گوزی
 سالماسون سنی رنج زحمته سوز یازاندا شیرین سخن غمی

زبان حال حضرت فاطمہ زہرا (س)

ہر یانا باخور فاطمہ یانور گوزلریم سنی اختارور بابا
گوزیاشیم آخور قلییم اودل انور گوزلریم سنی اختارور بابا
نسگل اولدی تیز دفن اولونما دون دولدی سینہ و دل ملالیله
قویدی نعشوی یرده گیتدیلر بعض امتون بیر خیالیله
کییمسه بولمدی تک او دملری باشه ویرمیشم من نه حالیه
من چکن غمی اوزگه نه قانور
گوزلریم سنی اختارور بابا
بسکه ای بابا چوخ گران گلوب درد و محنت و فرقتون منہ
سنله اولدوقوم گونلری سالوب یاده گلیمیشم داد و شیونہ
قویسالار اگر من گجه گونوز نوحه ایلمرم آغلارم سنہ
باخارام یوزوم یکسرایسلانور
گوزلریم سنی اختارور بابا

ایلدون بابا سن عم او غلومی برگزیده امر خلافته
تا که دوشمسون سنسبز امتون اوز جهالتندن ضلالتنه
اوزگه فکر ایدر بو جماعت بی وفاده سن باخ جهالته
بولمور آنلامور حقوی دانور

گوزلریم سنی آختارور بابا

بو جماعته ایلدون بابا سن نصایح نغز دل پسند
ایتمدی اثر جاهل امته قیلدیلار مقابله ریشخند
ساده چون تلقی ایدردیلر اولمادی همان پند دلپسند
کیم کیمون سوزین ساده سوزسانور

گوزلریم سنی آختارور بابا

کربلاده سالام خیالیمه بیر یتیمه نون حال مضطربین
قلتگاهده گزدی تاپمادی اوز آتاسنون نغش اطهرین
سسلنوردی بابا هارا گیدیم یوخدی باشلاری بویدنلرین
نیلیوم باشون اولسا گوزتانور

گوزلریم سنی آختارور بابا

غربت الكده قالمیوب داخی بیر نفر بیزیم دادخواهیمیز
 سنسن ای بابا هر یانا گیداخ هم امیدیمز هم پناهییمیز
 خُرداقیزلارون ورماقاستون بولموروخ ندورهیچ گناهمز
 قمچیدی گلور آلدہ قوزانور
 گوزلریم سنی آختارور بابا
 اود ووروبدیلار خیمه گاهوه جانیمه دوشوب اودزبانہ سیز
 کیسه یانمادی آل مصطفا قالدی لانه و آشیانہ سیز
 بو کیوتران حرم هامی دوشدیلر چوله آب و دانہ سیز
 آشیانہ لر ایسمدیده یانور
 گوزلریم سنی آختارور بابا
 آز زماندا بو پر خطر چولی چوخ گزوب بابا آزدولانمشام
 گاهی قاچموشام گاهی دور موشام گه حیاتدن من اوسانموشام
 هم سویولموشام هم تالانموشام هر جفا یتوب سهل سانموشام
 دامسنیم آلوب آتش اودلانور
 گوزلریم سنی آختارور بابا

نوحہ دور ہو یا بیر مقالہ دور «صافیا» حقیقت نشانیدور
یا ایکی آتاسیز یتیمہ نون وصف حالیدور خوش بیانیدور
جان قولاقنہ ہر زمان یثن ہو سوزی دین قیز فغانیدور

ہر یانا باخور فاطمہ یانور

گوزلریم سنی آختارور بابا

غدیر خم و گریز به محاربه حضرت ابوالفضل (ع)

مُراد عالم ایجاد مبدن محبتدور
 بو کون خلقتی بیر حَبَدَن عبارتدور
 خدای خلق او گزلین خزینه مصداق
 سووب تانیماقنی اولدی عالمه خلاق
 بو خلق عالم خلقتده جمله یکساندور
 یهود و کبر و مسیحیدی یا مسلماندور
 سووب یاراتدی بو مخلوقه جسم و جان و یردی
 هدایتیله ضلالت یولین نشان و یردی
 مسحین ایلدی خلقه آیت ایسمان
 نجه که کفره ضلالتدن اولدی بُغض نشان
 تمام خلقه محبت گوزیله ایتدی نگاه
 قویوب محمّد و محمود آدین حبیب الله
 ولی محبتّه بو خلق ایچون مراتب وار
 هامی مراتبه دار فناده صاحب وار

ہم قتلگھدہ اکبر گلگون قبایہ باخ
 ہم خیمہ گھدہ لیلی بی اقربانی گور
 غم حجلہ سندنہ تازہ عروسی تصوّر ایت
 قان دجلہ سندنہ قاسم نوکدخدانی گور
 گل میش رباب نالیہ نی تک سزیلدری
 آغلار گوزیلہ اصغر شیرین زبانی گور
 «صافی» النجہ آغلا حسینہ فغانہ گل
 ہم نالہ بو مصائبہ قدوسیانی گور

وفات حضرت رسول اکرم (ص)

بو گونده جانویروب یتدی حضور یاره پیغمبر
 گنه معراج شوقیله گیدر احضاره پیغمبر
 ازل بیر محفل عالی قوروب حق صدر خلقتده
 ایدوب اشخاص معصومی قوناق اول بزم وحدتده
 داخی خلق ایتمیوب بیر کس اوندورت کیمسه عزتده
 ولی اول دیوب گلسون اوزی احضاره پیغمبر
 بو احضاریله عزرائیل دایاندی باب امیده
 آلوب رخصت سلامه دل آچوب تعظیم و تمجیده
 خبر ویردوقجا جاناندان گلوردی شکره تحمیده
 دیدی جان ویرور مزده بیله اخباره پیغمبر
 بیله عرض ایتدی درگاه رسوله قاصد جانان
 که جانان جانیندن وار سیزه فرمان بودور عنوان
 اگر دنیایه وار میلی قایت گل اولما نافرمان
 وگر مشتاقدور گلسون بیزه دیداره پیغمبر

يتوردي يار پيغامين ديدى اول پيک فرخنده
 بو ايکى امره محکوم اگر هر حکم اولاسنده
 بيوردي جانيمي تيز آل جهاندان دويمشام منده
 زبس بسى شرم امتدن دوزوب آزاره پيغمبر
 يتوب اولدم امين وحى ايدوب تعظيم شأننده
 پيمبر گوزلرين آچدى گوروب جبريلي ياننده
 بيوردي قارداشى قارداش قوبار تک بو زماننده
 مگر بولموردون آخر جانويورور دلداره پيغمبر
 کنارين آلدي اولادى او حال احتضارنده
 يغلدى باشنه يکسر باشين آچدى کنارنده
 بوگون گورسندى بيکسلوق توزى زينب عذارنده
 گلوب بو حاله باخدوقجه چوخ آه و زاره پيغمبر
 بيوردي يا على قويما حسينيم چوخ فغان ايتسون
 بو وقتنده منى آغلار گوزيله باغرى قان ايتسون
 حسن اوغلوم گلوب داده يوزه اشگين روان ايتسون
 بولورسن بو ايکى نوره اولوب گهواره پيغمبر

ویرنده شوق جانانلا بو گون جان صادر اول
 اولوندی مصدر حقندن شفاعت آیهسی منزل
 پیمبر صدرینه قویدی او ساعت اوز حسینی آل
 حسینی که آپردی گل یوزین همواره پیغمبر
 امیر مؤمنان اولموب رضا گورجک بو احوالی
 بولوردی جانویرن دمدرور او دم پیغمبرین حالی
 حسینون اللرین گوتدی کناره ایلدی حالی
 بیوردی جان ویرور جدون اوغول بیچاره پیغمبر
 گلیدون یا علی دشت بلایه روز عاشورا
 نه ظلم ایلور گوریدون بیر حسینه لشگر اعدا
 یارالی سینهسی اوسته دیردی شمر بی پروا
 گرک باشی آچوق عجزه گله کُفاره پیغمبر
 آچوب قانلو گوزین اوغلون گوروب شمیری گلر داده
 بیوردی چوخ اثر ایلوب عطش احشا و اکباده
 منه بیرجرعه سو یاندیم سوسوزدان باخ بو فریاده
 جوابون وار گله سنله اگر گفتاره پیغمبر

دیدی دنیانی سو دو تسا سنه مندن سو ویرمک یوخ
 سنی سیراب ایدن خنجر دی شمشیر جفادور اوخ
 دی گلسون سو گتورسون یا حسین آخر دیر دون چوخ
 آتام ساقی کوثر دور بابام احراره پیغمبر
 دیمه بیر تک حسین باشین کسوب شمر ستم پیشه
 ال آچدی غارته سویدی عیالین سالدی تشویشه
 اسیر اولدی هامی عورت او شاق بیر بیله بد کشیه
 نولور حالی گوره زینب قالبب آواره پیغمبر
 داخلی یازما دایان «صافی» دو توب اود دفتر و خامه
 پیمبردن صورا جرأت تاپوب کفار اسلامه
 همان جرأتله قول باغلو عیالین چکدیلر شامه
 باخوب گه زینبه یاندی گهی بیماره پیغمبر

در مصیبت حضرت خاتم الانبیاء (ص) و امام حسن (ع)

آغلار بو گون ارض و سما و امصطفای و امجتبا
دوتموش عزا شاه و گدا و امصطفای و امجتبا
پیغمبر رحمت بو گون کسدی جهاندان الفتین
کسموب گنه اوز رحمتین خلق ایچره قویدی عترتین
زهر جفا ایچدی حسن آلدی حسینون طاقتین
آغلار تمام ماسوا و امصطفای و امجتبا
دولدی مدینه آهیله بوگون حجازی دوتدی شور
گلدی فغانه مرد و زن ترک اولدی آئین و سرور
قیلیدی وفاسیز جعددهن بیر ظلم بو گونده ظهور
کیم فاطمه ایلر نوا و امصطفای و امجتبا
هنگام رحلتده بو گون پیغمبر پاکیزه خو
یغمیشدی اصحابین باشا ایلردی صحبت گفتگو
اما حسن که سو ایچوب بیر کیمسه ایچمز ایله سو
سسلردی یاندیم یا اخوا و امصطفای و امجتبا

آخر نفس ختم رُسل آرتوردی اوز فریادینی
تاپشوردی چوخ تَأکیدله قرانیله اولادینی
بو گون حسن مسموم اولوب اودلان دیروب اکبادینی
هر دم گُلور گویدن ندا و امصطفا و امجتبا
نولدی رسول حق بو گون باب کَرَم باغلانمادی
جان تاپشوراندا ایچدی سو لعل لبی دوغرنامادی
تابوت ایچنده اوغلی تک نعشی اونون اوخلانمادی
اود دوتدی قلیبم ای خدا و امصطفا و امجتبا
گتدی پیمبر چرخ دون ظلمین کناره قویمادی
اولادینه بیر باره دن امید چاره قویمادی
بیگانه لر دفن ایتماقا اوغلون هماره قویمادی
مظلوم اولوب آل عبا و امصطفا و امجتبا
آخر حسینی ایتدیلر کرب و بلاده چون شهید
چکدی دمشقه جبريله آل اللّهی قوم عنید
اوز مجلسینده گوردولر بی شرم لوق ایلور یزید
سسئلندیلر و امرتضا و امصطفا و امجتبا

طشت ایچره تازینب باخوب گوردی حسینون باشنی
فریاده گلدی آغلادی نوکدی یوزه گوز یاشینی
گوردی او طشتی یادینه سالدی حسن قارداشینی
ذکر ایلدی وامجتبا وامصطفا وامجتبا
«صافی» تخلص یازمیوب بیله رسا اشعارینه
واله اولوب «صدری» اونون طرح ایلین گفتارینه
دورت مصرعی ملحق ایدوب عالم خدا کردارینه
وردی اولوبدور صافیا وامصطفا وامجتبا

شہادت حضرت رسول (ص) و حضرت امام حسن مجتبیٰ (ع)

دولدوروب جهانی رسول حق محنت امام حسن غمی
 بو ایکی وجودی نه زحمتہ سالدی دردملت وطن غمی
 عالمینہ نعمت پیمبری سالدی امتی چوخ مشقتہ
 صبر ایدوب دایاندی او شائلہ نوع نوع رنج و اذیتہ
 اولدی لیک مافوق هر غمون عاقبت او دریای رحمتہ
 تابع جہالت بیر امتی سست عہد و پیمان شکن غمی
 درک ایدوبدی بیر بیله گون اجل شافع قیامت پیمبری
 مجتبیایہ ویردی لر زهرکین قلبی یاندی دوغراندی لب لری
 سندہ آغلای شیعہ روزوشب آغلادوب بوگون آل حیدری
 ہم رسول اکرم مصیبتی ہم او پادشاه زمن غمی
 بو جہاندا مظلوم اولمیوب بیر نفر امام حسن کیمی
 دوزمیوبدی هرگون شماتتہ کیمسہ بو غریب وطن کیمی
 بو امامہ توہین ایدردیلہ اور بوزونده دشمن گورنکیمی
 بی نہایت ایلر اثر منہ بو شہنشہ ممتحن غمی

قويدی یرده نعشین پیمبرون مجلس ایتدی امت سقیفه ده
 شور ایدردی بیر جمع بی وفا اوردا انتخاب خلیفه ده
 قویمیولا هرگز قصور اولا ثالث ایله ثانی وظیفه ده
 یتدی گور او گوئده نه پاییه اول وصی حق بو الحسن غمی
 خاندان عصمتده قوردولار بوگون آل طه بیر انجمن
 سس سسه ویروب گلدیلر هامی ایل قبیله فریاده مردوزن
 آشدی باشینی خیرة النساء تا نهایته یتدی بو محن
 غملنور اگر اهل عالمه قسمت اولسا بو انجمن غمی
 چون بو گون وفا عندلیبیون بیر خزان یتوب گلستانه
 بیرده بو خزاندان صورا داخی بو بهار گلمز گمانه
 گه آتاسینه آغلیوب یانار گه عزا دوتار مجتبا سنه
 گور او بلبله نه چتین گلور گلشن افتراقی چمن غمی
 فکر ایدنده هر بیر غمی دوشر کربلا غریبی خیالیمه
 گوسترور خیاله گلن غمی دیده دل پرملا لیمه
 بو حسین آدیندا نه وار ویرور اوزگه نوع تغییر حالیمه
 نیلیوم قیاس اولموری داخی بیر غمه او گلگون کفن غمی

بولمورم حسینون خیال ایدیم هانسی غملوبیر ماجراسنی
 اصغرین دیوم اوخشیوم یانوم گل بوغازینون اوخ یاراسنی
 یا که قاسیمین یادیمه سالوم طوی اوطاقنی قان حناسنی
 آغلادوب امامی او نوگل بوستان او گل پیرهن غمی
 یاد ایدنده اکبر جمالنی باتمیوم نه جراتدی یاسه من
 عطر کاکلین خوش نشان ویریر نکهت گل یاس یاسمن
 عارض شیبه پیمبره نسترن مشابهدی یاسمن
 هانسی گلشنون بلبندده وار بیله سوسن و نسترن غمی
 چکسه انبیاء وار یری اگر تک به تک ابوالفضل رشکنی
 هر قدر که قولاری واریدی حفظ قیلدی او خدان سومشکنی
 مشگی اوخلانوب گیتدی سویره جام دیده دن توکدی اشگنی
 ایمدیده حسینی سز یلدادور قبرده او قولسوز بدن غمی
 «صافیا» حسین ابن فاطمه هر سوزه مؤید اولا اوزی
 سوزدین گنهکار اولسادا بو سببیدی شیرین گلور سوزی
 آغلا گوز یاشندان اُتور نولن آختارور تاپا آغلیان گوزی
 سالماسون سنی رنج زحمته سوز یازاندا شیرین سخن غمی

زبان حال حضرت فاطمہ زہرا (س)

هر یانا باخور فاطمه یانور گوزلریم سنی آختارور بابا
گسوز یاشیم آخور قلییم اودل انور گوزلریم سنی آختارور بابا
نسگل اولدی تیز دفن اولونما دون دولدی سینه و دل ملالیله
قویدی نعشوی یرده گیتدی لر بعض امتون بیر خیالیله
کیمسه بولمادی تک او دملری باشه ویر میشم من نه حالیله
من چکن غمی اوزگه نه قانور
گوزلریم سنی آختارور بابا
بسکه ای بابا چوخ گران گلوب درد و محنت و فرقتون منه
سنله اولدوقوم گونلری سالوب یاده گلیمش داد و شیونه
قویسالار اگر من گجه گونوز نوحه ایلرم آغلارم سنه
باخمارام یوزوم یکسرایسلانور
گوزلریم سنی آختارور بابا

ایلدون بابا سن عم او غلومی برگزیده امر خلافته
تا که دو شمسون سنسبز امتون اوز جهالتندن ضلالته
اوزگه فکر ایدر بو جماعت بی وفاده سن باخ جهالته
بولمور آنلامور حقوی دانور

گوزلریم سنی آختارور بابا

بو جماعته ایلدون بابا سن نصایح نغز دل پستند
ایتمدی اثر جاهل امته قیلدیلار مقابله ریشخند
ساده چون تلقی ایدردیلر اولمادی همان پند دلپستند
کیم کیمون سوزین ساده سوزسانور

گوزلریم سنی آختارور بابا

کربلاده سالام خیالیله بیر یتیمه نون حال مضطربین
قلنگاهده گزدی تاهمادی اوز آتاسنون نعش اطهرین
سسلنوردی بابا هارا گیدیم یوخدی باشلاری بویدنلرین
نسیلیوم باشون اولسا گوزتانور

گوزلریم سنی آختارور بابا

غربت الكده قالميوب داخی بير نفر ييزيم دادخواهيميز
 سنسن ای بابا هر يانا گيداخ هم اميديمز هم پناهيميز
 خرداقيز لارون ورماساقسنون بولموروخ ندورهيج گناهمز
 قمچيدی گلور آلدہ قوزانور
 گوزلريم سنی آختارور بابا
 اود ووروبديلار خيمه گاهوه جانيمه دوشوب اودزبانہ سيز
 کيمسه يانمادی آل مصطفا قالدی لانه و آشيانه سيز
 بو کبوتران حرم هامی دوشديلر چوله آب و دانہ سيز
 آشسيانه لر ايسمدیده يانور
 گوزلريم سنی آختارور بابا
 آز زماندا بو پر خطر چولی چوخ گزوب بابا آزدولانمشام
 گاهی قاچموشام گاهی دورموشام گه حياتدن من اوسانموشام
 هم سويولموشام هم تالانموشام هر جفايتوب سهل سانموشام
 دامنيم آلب آتش اودلانور
 گوزلريم سنی آختارور بابا

نوحه دور بو يا بير مقاله دور «صافيا» حقيقت نشانيدور
يا ايكي اتاسيز يتيمه نون وصف حاليدور خوش بيانيدور
جان قولاقنه هر زمان يتن بو سوزى دين قيز فغانيدور
هر يانا باخور فاطمه يانور
گوزلريم سنى آختارور بابا

غدیر خم و گریز به محاربه حضرت ابوالفضل (ع)

مُراد عالم ایجادِ بدین محبتدور
 بو کون خلقتی بیر حُبدن عبارتدور
 خدای خلق او گزلین خزینه مصداق
 سوُوب تانیماقنی اولدی عالمه خلاق
 بو خلق عالم خلقتده جمله یکساندور
 یهود و کبر و مسیحیدی یا مسلماندور
 سوُوب یاراتدی بو مخلوقه جسم و جان و یردی
 هدایتیله ضلالت یولین نشان و یردی
 محبتین ایسلدی خلقه آیت ایمان
 نجه که کفره ضلالتدن اولدی بُغض نشان
 تمام خلقه محبت گوزیله ایستدی نگاه
 قویوب محمّد و محمود آدین حبیب الله
 ولی محبتنه بو خلق ایچون مراتب وار
 هامی مراتبه دار فناده صاحب وار

گوروب که تیر جفا مشکین ایلدی پاره
 توکولدی سو پره یوخ دردینه داخی چاره
 امید رشته سنی قطع ایدوب حیاتندن
 رضا اولوب نولومه کسچدی اوز نجاتندن
 گلوب بیر اوخدا اوز آنندا دگدی بند اولدی
 دوباره گوزلرینون جامی قانیله دولدی
 چخاتماقا او اوخی گر چه اللری یسوخیدی
 شجاعدی ولی از بس رشادتی چوخیدی
 باشین قویوب دیزینه ایستدی که زور ویره
 اوخی چخاتدی ولیکن عمامه دوشدی یره
 آخا آخا یوزه قان چشم نازنیندن
 ایکسی دیسزیه چخاتدی اوخی جبیندن
 آشاقه سالدی باشین تا آچوق قالوب باشی
 دولوب گوزندن آخان قانیله آیر قاشی
 خضوعه سیر ایله بیر کثرت خشوعنه باخ
 دالنجا سجده سی وار ایمدیده رکوعنه باخ

زیسار تنده او خورسانک یانقلی بیر دلیله
 که نولدوروبله سنی هم دلیله هم ایله
 یتوب او وقتده بیر ظالم ستم پیشه
 بیلوب که یوخ داخی علت هراس و تشویشه
 آت اوسته بیر دوزلوب آهنین عمود آلده
 ووروب او بیگسه بیر دل یاراسی اولده
 دیدی که بس نیه عباس ایلمورسن جنگ
 مگر که ایتمه میسن عرصه نی بو لشگره تنگ
 بویوردی اوندا گلیدون که قولاریم واریدی
 او شاهبازیدیم اوچماقه شهپریم واریدی
 الیم که یوخدی اوزومدن ایدم مدافعه من
 دلیوی باغلا الون آچ ایله نه ایتمه لی سن
 دیدی سنون گر الون یوخ ولی منیم وار الیم
 الیمون اولماقنی ایمدی بیلدیریر عملیم
 دمیر عمودی ایله وردی کاسه سرینه
 که کاسه سنده اولان گلدی دولدی گوزلرینه

ايله شكت تاپوب بير دمير عموديله
 كه اول باشين عدمي بير اولوب وجوديله
 اولوبدى كيسه سرپاره بير نمودى قالب
 توخونموشى توكلوب بيرجه تار پودى قالب
 بوشالدى كاسه سى مشكلدى بيرده دولدورسون
 شكست جاميده ممكن دگل كه سو دورسون
 دولانسدير ايرى وار «صافى» اوز تكلمنى
 چكه بيانه او شاهون گنه تيممنى
 بيلوب تيممنى باعث اوز تقدمينه
 دوباره ايستدى مشغول اولو تيمومينه
 ير اوسته مسح ايده تپراقى يوز گوزى اوسته
 عقابدن يره سالدى اوزين يوزى اوسته
 دوشنده سسلىدى گل قويما سريم اولسون فاش
 يساراليم الورم قارداشيوى تاب قارداش
 باتاندا گل يوزى تپراقه سجده حالنده
 واريسدى كسر تيمم گنه خيالنده

او سجده‌نی گوروب افلاک شوریلہ دولدی
 تیمتمده همان سجده‌سی بیر عضو اولدی
 یارا سیزیلدسی اوز ناله‌سی او شوریلہ
 ووروب مقابله طبلین او عرصه طوریلہ
 بر اوسته‌صاق صوللازبس یوزینی سورتردی
 تمام صورتنی تپراقیلہ اورتردی
 بیلوردی ایسته‌سه یتسون تمام مقصوده
 گرک یوزین ایلسون خاک و خونه آلوده
 که باشی اوسته گلنده او شاه عرش اساس
 قویا قدملرینه بیله بیر یوزون عباس
 گنه خیالیمه بیر سوز گلور که مجبورم
 اونی دیماقا گذشت ایلیمون که معذورم
 او نکته‌نون بریدور من گرک بیان ایلیم
 اگر چه سر خفی‌دور گرک عیان ایلیم
 بسدنده ال بو قدر محترمدی علتی وار
 ایکی الون هامی اعضاجه قدر و قیمتی وار

تمام عضودن آل جامع منافع دور
 که زحمته متحمل بسلايه دافع دور
 ايکي ال ايليوب آسوده نوع انساني
 هميشه حفظ قيلان الدي ساير اعضاني
 ال اولماسا بو هنر لر مگر گلور عمله
 هامی وجودیوی محتاج بول بو ايکي اله
 اگر چه عقيله هر بير مقامه قابل سن
 وليک چوخ عمله اللرونله عامل سن
 يتنده صدمه بيوک سهلدور کيچک اوشاقا
 مميّز اولسا يقين اللرين ويروور قاباقا
 مجتم ايله گوزونده او دشت و صحرائي
 او وضع حال علمداری قائلو ميدانی
 نه چکدی نازل اولاندا يره عقاب اوستن
 آنوب نه زحمتيله پله رکاب اوستن
 دمير عمودی باشندان و ران زمان دشمن
 ازل او بي کسين آلتندارم يثدی توسن

اونون او حالی گنه قلمه شَرَر سالدی
 نچه قدم بیر ایاقی اوزنگیده قالدی
 وفا یولون گیدن عشاقی هوشیار ایتدی
 یوزیله تپراقی نچه قدم شیار ایتدی
 دینرم که بو نچه قدمده نه چکدی
 بو قدر تخم وفانی او تپراقه اکدی
 الی یوخیدک دوتا مرکبین اوزی یالین
 گوگل دونر قانا فکر ایلینده احوالین
 علاوه باشدان ایاقه بدن دولی اوخیدی
 نه بیر نه یوزنه مین آخر یاراسی چوخچوخیدی
 دوشنده سهلیدی آتدان یتنده جان دوداقا
 باشین کسندهده آل اولسادی ویره قاباقا
 هامی خیالی هامی فکری باشدان آتدی
 یوزاوسته تپراقه تا دوشدی مقصده چاتدی
 گوروب او پیکری تیر و خدنگ خوش یریدی
 یره دگنده او اوخلار دوباره دن یریدی

یتشدی تا سسی سمع امام مظلومه
 نه یوز ویروب اونی اللہ بیلور او مغمومه
 سوار اولوب آتنا یوز قویوبدی مقتلنه
 وراردی حسرتیله هر ایکی الین الٰنه
 گیده گیده توکولوب اشگ چشمی آخدی یره
 دایاندی مرکبی دوردی امام باخدی یره
 گوروب که قارداشنون اللری دوشوب یرده
 گوتوردی اللری دولدوردی گوزلرین بیرده
 ازل او اللری جان تک باسوبدی آغوشه
 گتوردی قارداشنون عطری قارداشی هوشه
 اگر چه سینیله باسمشدی قارداشین یرینه
 او سینه ده ایکی ال مسح اولوندی بیریرینه
 امام عالمیدی چون عمل تجسمنه
 بو مسحی عضو بیلوب قارداشین تیمتنه
 تیمتم عضوینی قویوبدی ناتمام امام
 اولوب تیمتم ناقص امام الیله تمام

گلوب یتوب باشی اوستنده باشلادی فریاد
 باخوب نه گوردی وار اونیدی سنگدل جلاّد
 بسیری بسیرینه او لشکر تبادر ایلوردی
 او باشی کسمگه تک تک تفاخر ایلوردی
 ووروب داغیتدی او ظالمیری شه دوران
 قاجاردیلار قباقدان او لشکر شیطان
 قایتدی حسرتیله دوردی قارداشا باخدی
 سرشگ دیدهسی باخدوخجا گل یوزه آخدی
 بولنرم نجه شه ذوالجناحدن اندی
 آنوب ولیک نولوم حالی اوندا گورسندی
 گوتوردی باشینی آلدی ایکی دیزی اوسته
 قویوب او قانی آخان آلری ریزی اوسته
 بیوردی گوزلرون آج ای مه بنی هاشم
 گوزوم ایشقلقی روحیم وفالو قارداشیم
 سنی نه دللریله اوخشیوم ایدیم افغان
 بو قدر وار دیه بیلم اوزوم سنه قربان

وفا و مهر و محبت ندور نشان ویردون
 تمام قوت قلبيله امتحان ویردون
 نه دل دوتور نه گلور سس نه وار علاج مفید
 آزالدی چارم اولوب سنسيز انقطاع امید
 گوزونده کی قانی سیلماقا یوخ الون بولم
 غم ایلمه اوز الیمله او قانی من سیلم
 منه بلا و مصیبت گونونده یولداشیدون
 اوغول برابری ایستردیم آدی قارداشیدون
 دوباره من گورورم اکبریمی جان اوسته
 گرک یانام نجه یاندیم او نوجوان اوسته
 خیال ایتمه بو محنت لریله دنجلم
 او قدر گچمیه جاق منده بویولی گلم
 مگر گیدر بو قدر داغ سینه و دلدن
 نه نوع اکبر و عباس آدی دوشر دلدن
 گوزیوی آچگله باخ سیلمیشم گلن قانی
 که گور نه حاله سالوبسان بو دیده گریانی

اوزوم خوشام دیمورم محنت و ملالمه باخ
بو قدر وار گوزی یولدا قالان عیالمه باخ
وصیتون وار اگر رشته بیانه گتور
اورکده قویما قالا سوزلرون بیانه گتور
امام نالهسی تا یتدی جان قولاقینه
گوز آچدی اونداکمی یتمشدی جان دوداقینه
مسیح عصر او دم مرده جسمه جان ویردی
همان او قالب بی روحه بیر روان ویردی
باخاندا گوردی دوتوب کربلانی شور حسین
احاطه ایلیوب اول سرزمینی نور حسین
ایدر جمال منیرنده جلوه نورالله
گرک اوزین بیله عباس فی حضورالله
غریبه حالده یتمشدی یار محضرینه
خیال ایدردی که سورته یوزین قدملرینه
همان او حالده مبهوت قالدی موسی تک
توکوردی سیل سرشگین یوزینه دریا تک

دانشمآقا اوزی چون شه اجازه ویرمیشدی
 او کهنه قالبه بیر روح تازه ویرمیشدی
 کمال عجزیله عرض ایتدی ای امام نبیل
 کلیمه نطق مسیحه روان خلیله دلیل
 سنی قسم ویریرم جّدون رسالتنه
 آناوین عصمتنه هم آتان ولایتنه
 نقدر منده نفس وار آپارما خیمه لره
 بو التماسی آل عین لطفله نظره
 سو اولمادی بیلوسن من نقدر منفعلم
 نه تک سکینه هامی اهل بیتدن خجلم
 آپار بو مشگیمی قوی نعشیمی قالا یرده
 سوسوزلارین یوزینه من باخانمارام بیرده
 گورن سو مشگنی بو پاره پاره صورتده
 بیلر که منده قصور اولمیوبدی خدمتده
 علاوه چوخلاری آگه دگل بو حالیمدن
 قوشون هنوز منیم چخمیوب خیالیمدن

بیلہ بیلوٰہ ہمان صولتیلہ من قالورام
ہنوز بولموی قان ایچرہ ال ایاق چالورام
ہنوز یوزدہ بیری بو صفوف دشمندن
نہ واردی آنلامیوب بسی خبردیلمندن
اورکلریندہ منیم ایمدیدہ ہراسیم وار
سبب اودور سنہ بیر بیلہ التماسیم وار
اگر خیامہ آپارسان منی بو حالتدہ
جری اولور سنہ دشمنلریم او ساعتدہ
دیہدیہ سوزین عباس گوزلری آخدی
آخا آخا گوزی حسرتلہ قارداشا باخدی
کہ یعنی ای گل باغ وفا خداحافظ
قتیل عشق و شہ کربلا خداحافظ
امام قبلیہ ایستردی دوندرہ یوزینی
باخون محبتنہ ہیچ ایترمدی اوزینی
چو وورمدی یوزینی قبلہ انامہ طرف
ویرندہ جان یوزینی دوندروب امامہ طرف

بولوبدی قبله اصلی دوروب باشی اوسته
 شهادتیننی بیر بیر دیردی آهسته
 وصیتی بونیدی هر قدر وار اوندا نفس
 خیامه نعشنی حمل ایتمسون شه بیکس
 نه مانع اولدی آندن صورا او غم حشمه
 که نقل ایتمدی قارداش جنازه سین خیمه
 آپارسون ایستدی عباسی خیمه گاهه طرف
 گوروب که اولموری ممکن قیلوب فسوس واسف
 یارا گوتور موشیدی بسکه جسم زیباسی
 ورا نندا ال داغیلوردی تمام اعضاسی
 بیری بریندن اولوردی او گل کیمی جسدی
 بو مشگل امره امامون یوخیدی چون مددی
 دوشن یرنده قویوب قارداشین جنازه سنی
 نشانه گوتدی ایکی الده خون تازه سنی
 الی بسلینده گلوردی ولی امیر حرم
 مخدرات حرم پیشوازه چخدی او دم

نه گوردیلر او شه دین الی بیلنده گلور
 اوزین گتورمیوب اما آدی دلنده گلور
 اشاره ایله یتوردی بسلالی زینبیه
 ایتورمیوب اوزینی پرده چکدی مطلبنه
 گلوب او حالده بیر خیمیه اولوب داخل
 یسقوب عیالی بساشه او شاه دریادل
 وفالو قارداشنا ساخلیبیدی ازل یاس
 هامی بو حالی گوروب بولدولر نولوب عباس
 بیری برینه قارشیدی او عترت یاسین
 اوشاق بیوک هامی دوتدیله یاسین عباسین
 اوزی امام توکوب قانلو یاش سنق باشی تک
 آتاکیمی دیوب اوخشاردی تک نه قارداشی تک
 سکینه گوردی حرم اهلی بو حالتیه
 ساخاردی بیریر او جمعه کمال حیرتیه
 امام عالمیدی چونکه قلب عالمیدی
 بیلوب سکینه نون آخر او دم اُن دمیدی

دیدی بو مجمعه بیر شیون دوباره سالون
 گلون سکینه نون اول باشینا قاره سالون
 غبار قلبنی تا چشم اشگباری یوسون
 بلی بو آب گرک دلده کی غباری یوسون
 غسریبه عالمیدی عرصه گاه محشریدی
 باخیدون هر کسه محزوندی مکتزیدی
 سو مشگنی قویوب اثنای بزم ماتمه
 گسورونمیوب بیله ماتم سرا بو عالمده
 گرک تسلی ویریدی امام عترته
 اوزی قارشمیشدی اهمل بیت عصمتنه
 بیری دیردی عموم وای بریسی قارداش وای
 بیری دیردی عموديله بیر سینان باش وای
 بیری دیردی آناسی یاندا گر یوخدور
 آنا کیمی باش آچوب آغلیوب یانان چوخ دور
 حرمده قالمادی آخر آچیلیمیان بیر باش
 ویروبله سس سسه عورت او شاق خانم قره ووش

بیلوردیلر ایله یوخ دور و پَرده نامحرم
 تمام باشلارین آچمیشدی بانوان حرم
 ایدردی ناله خواتین پرده اعزاز
 حرملر اولموشیدی بیریریله هم آواز
 ووراردی گه یوزه گه سینه خانم قیزلار
 چخارتدی یاددان اوغول ماتمین اوغولسیزیلار
 آچیلدی عقده پرچینلر آه و زاریله
 دونوبدی چینه حرم زلف مشکباریله
 توکردی گونه رز فامه جمله سیم سفید
 ساری گل اوسته داغیلمشدی عقد مروارید
 عبث دگلدی بو غم بیله دلنشین اولدی
 خانملارین چون اسیر اولماقی یقین اولدی
 محقق اولدی داخی زینبه اسیر اولماق
 دیار شامه کیمی شمره دستگیر اولماق
 سفر تدارکی گوردیله «صافیا» شامه
 الیوی ساخلا دایان بسدی اود دوتوب خامه

قارشماسون بو غمه بیر مصیبت دیگر
 که شام قصه سنه و ورسان ال یانار دفتر
 سنه بو مطلبه هادی اولان او پیر اصیل
 دیوب که حضرت عباسه سال اوزیوی دخیل
 اگر چه اکیره همنامدور او روشندل
 اولوب بو وقعه ده عباس ذکرنه مایل
 او خالق که باغشلار قایتسه دشمنیده
 باشغلاسون اوینده حاضرینده منیده

در مصیبت حضرت امیرالمؤمنین علی(ع)

ای گوزوم جود ایله اشکون یان گوگل بو ماجرادن
رحلت ایلیوب جانشین مصطفا دار فنادن
چون ولیّاه اعظم گوردی بو آفاقی مظلم
تاپدی بیر نورانی عالم گتدی دار ابتلادن
آختاروب وصل حبیبی بولدی نولماقدور نصیبی
کسدی اول حاذق طبییی احتیاجین هر دوادن
بیله بیر گون اولدی یاران کوفهده محشر نمایان
عرشه چخدی آه و افغان عترت خیرالوردان
شیعه لر یکسر آچوب باش دمبدم گوزدن توکریاش
من نولیدیم سویلر ای کاش هر یتن اهل وفادن
دو تدولار همچون گل یاس قیزلاری اوغلانلاری یاس
بیر طرفده آغلور عباس مشق آلوبدور مجتبادن
تک حسینون شور و شینی دولدور و بدور عالمینی
گوردی تا زینب حسینی یاندی آرتوق مرتضادن

گور میوب گورمز زماندا بیر باجی قارداش جهاندا
 بسو وفاده بسو نشاندا تک دیلر قالو بلادن
 بیر بیرینه چون و پروب دل بی خبر اولسونلا مشکل
 مین ایله اولدی مقابل بیر گجه هجران قضادن
 اوندا کیم دشت بلاده یعنی میدان وفاده
 بسو حسینون کربلاده کسدیله باشین قفادن
 قالمادی جسمینده جامه نه عبا و نه عمامه
 قسمت اولدی اهل شامه خامس آل عبادن
 ووردیلار باشین جدایه باشلادی تکبیر و آیه
 یعنی زینب گل نوایه من سسون آلام جدادن
 خولی بسیدین و کافر زینبی قویدی مکدر
 سرور دینون باشیله چیخدی اول کربلادن
 کوفهده بیرحم قاتل اوز ایوینده ویردی منزل
 حشره دین گتمز بو نسگل قلب پاک مصطفادن
 وار او باشون گور نه شوری طور ایدوب کنج تنوری
 مطبخی دولدوردی نوری بلکه گچدی نه سمدن

کشف اولوب صبح همان شب کوفه بازارینده مطلب
قارداشون تا گوردی زینب آگه اولدی ماجرادن
ایله ووردی محمله باش اولدی خون آلود گوز قاش
سسلدی بیر نوعی قارداش یاندی زهرا بو صدادن
«صافیا» ایسر کفایت هر مُصیبتدن اشارت
یتیمیوب هرگز بو محنت انتهایه ایتدادن

شہادت حضرت امیر المؤمنین (ع) گریز بہ

شہادت امام حسین (ع)

بو غم اولوب مؤثر درگاہ کبریایہ

ماتم دوتوب ملک لر سلطان اولیایہ

سگان عرش اعظم عرشہ چکوبله قارہ

لاہوتیان گلوبله فریاد و آہ زارہ

ہر آن علی مقامین فکر ایلوب دوبارہ

محزون اولولاً یکسر مفہوم قل کفایہ

جنت دگل اگرچہ جای فغان و ماتم

بو غمدہ غملنوبدی واردور نقدر عالم

آلمیش اجازہ حقدن نوح و خلیل و آدم

ارواح پاک گلیمیش سڑی اودور نوایہ

جنات عدن ایچندہ بیر بزم غم قوروبلار

اول مجلسی نبی لر ارواحی دولدوروبلار

ختم رسل یانندا صف صف ہامی دوروبلار

بیربیر ویرور تسلی مصداق ہل اتایہ

سارا خدیجه مریم باشه قرا سالوبلار
خاتون روز محشر اطرافنی آلوبلار
شیر خدا غمنده بیر حالتہ قالوبلار
دونموش سرای بهجت بیر تعزیت سرایه
بیر مجلس عزادده یرده قوروب عیالی
بی انتها پوزولموش هر خاص شیعه حالی
تقسیم اولا حسینون دردی حسن ملالی
بسدور کفایت ایلر بو غمده ماسوایه
ترحیمه حاضر اولموش اشراف کوفه یکسر
اصحاب شیون ایلر احباب اولوب مکدر
حال تأسفیله بیریر ویرور گلنلر
که تسلیت حسینہ گه اوغلی مجتباہ
مرسوم اولوبدی یاران بو قاعده جهاندا
یاسین دوتار قالانلار هر کس آن زماندا
چوخ غملو سوزلریم وار بو سوزده بویاندا
گیتسن اگر منیلہ صحرای کربلاہ

بولم حسین نولنده کیم قوردی بزم ماتم
ماتم دونان امامه کیم اولدی یار و همدم
آغلاردی خیمه سنده یالقوز او قلب عالم
سن گور تسلی ویردی کیم صاحب عزایه
اولدمکه شمر کافر آلدوردی تشنه شاهی
رأس حسین الینده قصد ایتدی خیمه گاهی
چکدی دوباره خنجر تاپجاق او بی پناهی
لازم بولوردی ملحق اولسون اوغول آتایه
گورجک بالاجا قیزلار شمرین النده خنجر
سسلندی واعلیتا دیشره توکولدی یکسر
سعد اوغلنا پناهه گلدی عیال حیدر
لعنت بو روزگاره بو چرخ بی وفایه

شہادت حضرت امیر المؤمنین (ع)

کاش اولیدی زاده ملجم الی شل یا علی
 چکدی حق مصحفده ناحق قانی جدول یا علی
 گوئیآ مدعوّدون سن بزم قربه میهمان
 اول ضیافتخانیہ شاباش گوتدون نقد جان
 باشوی یوخسا یارالی ایسته مشدی میزبان
 یوزگوزی قانلو بو بور مشدی قوناق گل یا علی
 یا علی سن تک هانی پروانه شمع وصال
 احتراق وصل ایچون یاندون دایاندون بی مقال
 اول درونی سوزدن عالمده قویدون بیر مثال
 اود دوتوب یاندی ووران دامانوده ال یا علی
 بولمدی بیر کیمسه هرگز قلب آگاهوندا کین
 ایتمه دون محروم فیضوندن سر راهوندا کین
 قویمادون سن ناامید اولسون کمینگاهوندا کین
 قاتله ویردون نشان مقتول و مقتل یا علی

ملجم اوغلی بولمدیم قتلون نه منظور ایلدی
 دین ایوین یخدی دنی دنیانی معمور ایلدی
 کافر اولدی حقی حقّ چشمنده مستور ایلدی
 ثبت اولوندی دفتره اشقا و ارزل یاعلی
 دولدی قانلا دایما ایقازمه مستثنی گوزون
 یرده یاتماز بیله قان کیم دوتدی وجه الله پوزین
 آیت کبرای حقسن اسم اعظم سن اوزون
 ذکر اولاندا ذکر اولور اعلادن اول یاعلی
 اوندا کیم محتاجیدی اعضای آدم بیر دمه
 محض تشریفوندی حقندن دم یتشدی آدمه
 مَحَبَبِ اموات سنسن ویردون ابن مریمه
 ایلدی سندن یتن عیسانی اکمل یاعلی
 مُردیه دم بخشیلر سندن آلوردی فیض دم
 نه روادور سن کیمی موجوده بو بی حد ستم
 ابن ملجم قتلوه اقدام ایدوب قویجاق قدم
 انبیا باش آچدی مرسل غیر مرسل یاعلی

ووردی بیر ضربت سنه اولکافر غدار شوم
 گلشن پیغمبره واقعه اسدیردی سموم
 بیر قصور ایتدی که تجدید اولدی قانون رسوم
 واردی بو تقصیره بیر شرح مطول یا علی
 حشره دین هر گونه ظلم اولسا بو ضربت دور سبب
 مجتبا زهرا یچدی جان ویردی حسینون تشنه لب
 قان حق قان صاحبی ایلر بونا حقدن طلب
 اول زمان کیم قان آلور الله آعدل یا علی
 یا علی سن قربه گتدون تک یارالی باشیله
 گیتمدون باش الدهه یتمش بیر نفر یولداشیله
 اوچ اوغول قربانی آلتی مهربان قارداشیله
 گیتدی اوغولون ایلدی قربی مجلل یا علی
 گرچه اصحابون سنون یکسر جهاندان کچدیلر
 اهلدن ایودن ایشکدن خانماندان کچدیلر
 سهل دور اوغول حسین اصحابی جانندان کچدیلر
 باش کسوک شامه گیدردیله معجل یا علی

شبه احمد تک هانی دورنده جان قربان ایدن
یا علی اصغر کیمی پیکان دمیین پستان ایدن
یوخدور عباسون کیمی فرمانوه اذعان ایدن
باش ویرن کیمدور ابو الفضلوندن افضل یا علی
نه بولوب بولم بو مجلسدن ایدن احساسدن
هم اوزوندن گوتدی ال هم قارداشی عباسدن
بیر نچه الدن علاوه دوتدی سایر ناسدن
باش ویرن الده ویرور جاناننه بل یا علی
شاه مات اولدی پیاده قالدی حیرتدن وزیر
دوشدی اسبندن سواران محبت سربزیر
سن مال کاره باخ اولدی قالانلاردا اسیر
زینبه رخ ویردی بیردن بیله معضل یا علی
دوتدی بیر بیر اللرین مندیردی زینب ناویه
رام اولوب دینمزدی کشف اولموشدی مطلب ناویه
زینبی نه نوعیله مندردی یارب ناویه
بیر نفر بیمار قالمشدی معطل یا علی

«صافیا» سحر آفرین طبعون عجب موزون گلور
سوزسوز اوستہ نظمیلہ چون لؤلؤ مکنون گلور
دوت علی داماننی محشرده بیل مغبون گلور
هر او کس ذکر ایتمسه بوگون مسلسل یا علی

شہادت مولانا امیر المؤمنین (ع)

یا علی ماتم دوتوب پیغمبر خاتم سنہ
ساخلیوبلار عالم و آدم هامی ماتم سنہ
یا علی سن باعث ایجاد مهر و ماہیدون
سز غیب عالم لاریب دن آگاہیدون
باء بسم اللہہ مکتوم سز اللہیدون

بی سبب اطلاق او نموب لفظ اسم اعظم سنہ
عالم کونہ سن اولدون باعث فیض و نجات
رزق مقسومہ سبب سنسن یتوب بو کاینات
سن ویروبسن آدم و نوحہ مهالکدن نجات
نوحہ ایلر نوح آغلار حضرت آدم سنہ
صفحة ایجادہ گر چہ نچہمین عالم گلوب
قصہ واضحدی کہ هر عالمده بیر آدم گلوب
سندن اشرف کونہ بیر پیغمبر خاتم گلوب
عالم و آدم طفیلوندور هامی با ہم سنہ

یا علی سن جانشین احمد مختار سن
 مرشد راه هدایت سید ابرار سن
 صاحب تیغ دو پیکر حیدر کزار سن
 سویله موب قارداش عبث پیغمبر خاتم سنه
 قاتله اوز مقتلون ای سرّ حق ویردون نشان
 اولمیوب بیر کیمسیه بو نکته غیبی عیان
 بسولمرم هانسی دلیله یا علی ایلوم بیان
 نه جسارتدی بو ایتدی زاده ملجم سنه
 باخمادی سن قورموسان جانانیله بیر بزم راز
 ووردی برضربت باشونندان حقدن ایتموب احتراز
 سجده گه قانیله دولدی تاپدی زینب جانماز
 فخر دور هر قدر عالم وار بو خوش عالم سنه
 یا علی سندن آلوب عشاق یکسر مشقنی
 درس عشقین هر سیاق خطنی هر مشقنی
 یاخشی ویردون اهل ذوقون باشله سرمشقنی
 جان فدا استاد یوه ایلوب عجب ملهم سنه

ماتمونده یا علی دوتموش جهانی شور و شین
ناله و فریاد ایدر آغلار تمامی عالمین
جان و یروب بولم نجه سندنصورا و غلون حسین
ذکر اولاندا مایه غمدور اوزی بو غم سنه
ایله بیر خدمت ایدوب کیم ذکر ی عالمگیر اولوب
نازنین جسمی اونون صدپاره شمشیر اولوب
اوغلی قارداشی اوزی آماج تیغ و تیر اولوب
ایمیدیه بو ماجرادن غم یتر هر دم سنه
اوندا کیم صد پاره دوتموشدی بسلا میداننه
غیر یا سبوح گلمزدی لب عطشانه
آخر عمرنده گسنه مشغولیدی جاناننه
تا بعیت ایلمشدی قلبدن محکم سنه
گر چه دوتموردی دلی غافل دگلدی شکردن
ایله بیر سوز عطش چخماز ثولنجه فکردن
یتدی شمر بی حیا قویدی او شاهی ذکردن
قوبمادی حرمت او حالنده اونا محرم سنه

«صافیا» بیله سوز اولماز بیله مبکی شرح حال
غیبدن بی شک مؤیدسن دگل جای مقال
اهل دلدن ایلدیم شیرن بیان سرین سؤال
سویلدی یتمش یقین روح القدسدن دم سنه

در شهادت

مولای متقیان امیر المؤمنین علی بن ابیطالب (ع)

گلون شیعه هامی آه و فغانه

دو نایق ماتم امیر مؤمنانه

بو نه غم دور نه مصیبت

بیت الاحزان اولدی جنت

بشاش آچسوب ختم رسالت

آغسلا دی شاه جهانه

حسینیه حسن هم آچدی لار باش

دیسردیلر آیدوخ بیز بابا کاش

گلون بیزده توکاخ گوزدن یوزه یاش

ویراق باش ساقلقی صاحب زمانه

چکلدی منیر و محرابه قاره

یاناردی هر کیم ایلردی نظاره

هامی اوخشاردی لار ابر بهاره

ویروب یوز بیله بیر غم شیعیانه

نولنده ایلمیشدی چون او حضرت
گجیله دفن اولونماقین وصیت
حسینیه حسن قیلدی اطاعت
قسویولار قبریله گزلین یانه یانه
گوتورموش گوردیلر جبریل تابوت
قالوب قدوسیان حیرآن و مبهوت
باتوب یکسر عزایه اهل لاهوت
باخون بیرجه نولنده عز و شانه
تماماً انبیایا گلدی نمازه
ملانک قیلدی تشییع جنازه
چخوب ارواح یکسر پیشوازه
مبارک روحی نقل اولدی جنازه
گنه گوگلولوم گلوب فریاد و داده
حسین اوغلی بوشاهون دوشدی یاده
سالوب بیر آتش سوزان نهاده
آلشدی جسم و جان چکدی زبانه

او دم کیم دشت پرشور محبت
 حسینہ اولدی بیر طور محبت
 وجودین دولدوروب نور محبت
 خیالین آلدی محبوب یگانه
 گوروب یر گر چه صحرای بلادور
 دگل کرب و بلاکوی وفادور
 قلع اوخ وار گلستان صفادور
 قدم قویدی مقام امتحانه
 بو اولدی عشقون آتاری باشندا
 ویروب بیر فدیہ اون سکز یاشندا
 گورنده لخته لخته قان قاشندا
 دیدی مرحبا سن تک جوانه
 نجه قربان آدی اکبر نه اکبر
 بعینه خلقاً و خلقاً پیمبر (ص)
 قلجلاندی باشی مانند حیدر
 باتوب زلفی گوزی رخساری قانه

گیدوب بیریر و پروب جان یار و انصار
بویاندی قانه اصحاب وفادار
نگون اولدی علم نولدی علمدار
امامین قامتی دوندی کمانه
نه تک آل چکدی عون و جعفریندن
نه قاسمدور نه دل سیز اصغریندن
همی باشندان کچوب هم اللریندن
گجه خلوتده ویردی ساریانه
بو نسگلدور که اولموب بیر مسلمان
جنازه قالدی اوچگون یرده عریان
گلنده قتلگاهه آل عمران
تساپانموب اول بدنده بیر نشانه
دویونجا آغلیان اولموب امامه
سالندی بسکه سرعتله نظامه
علی اولادینی چکدیله شامه
گله لعنت و فاسیز کوفیانه

اوزاق یولآردا چوخ چکدیله زحمت
پیمبر عترتی اولمازدی راحت
عجب دور بلبلان باغ وحدت

قالوب بی لانه و بی آشیانه

قولی باغلی کمک سیز پا پیاده
اوزی عزت گورن بیر شاهزاده
ایده ایستردی ناله باخ عناده

ووراردی هر یتن بیر تازیانه

دایان «صافی» قلم اوددوتدی یاندی
مطول اولدی سوز مطلب اوزاندی
نه ظلم ایلوبدی دشمن بو عیاندی

عیال پاک شاه انس و جانه

شہادت حضرت علی بن ابیطالب (ع)

نچہ غمدی بو غم آخر او جالوب فغان زینب

آتا محنتندہ عرشہ چخوب الأمان زینب

او جالوب فغان زینب

غم مرگی مرتضانون بیله آلدی اختیارین

کہ ملکلر ایتدی ناله ایشیدندہ آہ و زارین

آتاسیز گوروب دولاندی داخی دور روزگارین

پوزولوب بہار عیشی یتشوب خزان زینب

بلی عالم ازلدہ ایلیوبدی غملہ آفت

کہ گرک النچہ چکسون اولا ہر قدر مصیبت

ایلسون قبول جان و دلیلہ بلا و محنت

غمیلہ مخمر اولموش رگ؟ استخوان زینب

بابا ماتمندہ باشندان باشا سالدی قارہ معجر

باش آچوب فغان و ناله ایلدی او زار و مضطر

آنا آلدی تازہ لندی غم ماتم پیمبر

گنہ اولدی گوشہ غم او زمان مکان زینب

بو بلا کشیده زینب هله چخما میش عزادن
 یتشوب قولاقه ناگه بو صدا حرم سرادن
 باجی گل دلیم دوداقیم جگریم یانوب جفادن
 منه زهر ویردی جُعهده یانا تا که جان زینب
 یوخودان دوروب هراسان حسنی گوروب آچوب باش
 باشینی آلوب دیز اوسته ایلدی روانه قان یاش
 دیدی ایتدی منه رحم سنه زهر ویردی قارداش
 نجه بیله درده دوزسون دل نساتوان زینب
 اثر ایتدی کسر بلاده ولی زینبه بو نسگل
 که بو امر حسین نولنده اونا اولدی سخت مشکل
 نه حسین باشین کناره آلا قویدی قوم باطل
 نه دویونجا ویردی مهلت اوجالا فغان زینب
 او زمان حسیننه یتدی که یارالی گوردی عریان
 نه بدنده باش نه آل وار باشا ووردی ایتدی افغان
 دیدی ای یارالی باجون سنه کاش اولیدی قربان
 بیله ظلم و بو جفایه یوخودی گمان زینب

آتام اوغلی بیله مندن نیه ترک الفت ایتدون
گوتوروب یانونجا بیر ایل سر کوی یاره گیتدون
منی غم النده قویدون سن اوزون مرامه یتدون
گیدیر ایمدی شهر شامه هانی پاسبان زینب
اوجالوب فغان زینب

زبانحال حضرت زینب(س)

یا علی سنسبز نه نوعی گلمسون فریاده زینب
اولماسون مین گونه رنج و محنته آماده زینب
ای امان درد دوران الندن باغریم اولدی گنه قان الندن
هر کسون وار خلقتنده بیر مقدر قسمتنده
بیر گولر گوز حسرتنده قالدی بو دنیاده زینب
بسکه غم لردن کشاکش چکدی آدلاندی بلاکش
گلدی اولدن جفاکش بو خراب آباهه زینب
گاهی پیغمبر عزاسین دوتدی گیدی غم لباسین
اوخشیوب زهرا آناسین گاهی گلدی داده زینب
گه باشوندا بیرجه یاره گوردی رهبر کوی یاره
ووردی آهیله شراره صفحه ایجاده زینب
قالمادی صبر و قراری سلب اولویدی اختیاری
خوش گونی خوش روزگاری گورمدی رؤیاده ینب

ای کلام ناطق حق ای ولی الله مطلق
 ووردی کوی عشقه بیدق صبریله آزاده زینب
 گوز آچوب بیر وقت او یاندی مجتبا به باخدی یاندی
 لخته لخته آغزی قاندی گوردی بو ائتاده زینب
 آرتدی تا پچاق شور و شینی خنجر آلتندا حسینی
 جان ویرن دم نور عینی یالواروب جلاده زینب
 نیزده اولجاق نمایان رأس سلطان شهیدان
 شه و صایاسین کماکان سالدی بیر بیر یاده زینب
 نور حق قیلجاق تجلی تابدی فیض آلماق محلی
 ویردی هر یرده تسلی سید سجاده زینب
 شامه رهبر قیلدی شاهی گوستروب شه شاه راهی
 گاهی خیزان گیتدی گاهی زلفی تک افتاده زینب
 «صافی» آل مصطفادور رابط فیض خدادور
 معطی اجر جزادور خاصه بو افراده زینب

در جلالت و شهادت حضرت زهرا(س)

دوشنده ظاهراً شأن و جلالون یاده یا زهرا
گرگل مبهوت اولور بو خلقته معناده یا زهرا
نه عصمتده نه عفتده نه عزتده نه شوکتده
گلوب مثلون سنون بو صفحه ایجاده یا زهرا
سنیله بیر بیر اصحاب کسان خالق سبحان
تسانیتدی جبرئیله عالم بالاده یا زهرا
کمینه بیر کنیز اولسا سزادور هاجر و حوا
یقین واردور بو حسرت مریم و ساراده یا زهرا
بشر فرض ایلمس عین خطادور نور وحدتسن
گوروب کیم بیر بشر بو صورت و سیماده یا زهرا
سنون تک بیر بلاکش گورمیویدور دیده عالم
گوروب بیر تک سنی بو دامن غبراده یا زهرا
او گوندن کیم قدم قویدون جهانه گورمدون خوشگون
ملال و غصه چکدون دائماً دنیاده یا زهرا

اولوب اون سکز ایل عمرون سنون بو دار دنیاده
 باشا ویردون بو عمری یثرب و بطحاده یا زهرا
 آنان پیغمبر رحمت ایونده دو قوز ایل قالدون
 ازلدن اولدون هر بیر محنته آماده یا زهرا
 گلوب دو قوز ایلنده خاندان بو تراب ایچره
 گچیدون سن همان ایامی سالام یاده یا زهرا
 گیجه گوندوز قالوردون آج گتورمزدون یوزده هرگز
 گزردون شاد و خندان خرم و آزاده یا زهرا
 عم او غلون راضی اولمازدون سنون دردونه غملسون
 گورنمزدون غم اولسون خاطر مولاده یا زهرا
 او قدری باشداکی چادر شبه سن وصله ویرمشدون
 که اسباب غم اولموش جمله اوتاده یا زهرا
 گیردون کهنه جامه ایلمزدون زیور و زینت
 شرافت گورمدون سن جامه دیباده یا زهرا
 پیمبردن صوراقویموب عدو اوچ گون سنه حرمت
 قاپو یاندی جلال و جاه گیتدی باده یا زهرا

گوگردی قولارون سندی قاربوقان جور اعدادن
 نولوب بطنونده کی سقط اولدی بو اثناہ یا زہرا
 عم اوغنون چکدی لر قولاری باغلی مسجده امت
 دیوب یانام او ظلمہ رحمسیز اعدادہ یا زہرا
 اوزون غش ایلمیشدون ہوشہ گلدون آغلادون یاندون
 گیدردون وقریلہ سن مسجده اعدادہ یا زہرا
 گوروب بو حالی فضہ دوردی گلدی ایلدی نصرت
 سنہ ہمدرد اولوب بو محنت عظامہ یا زہرا
 گلیدون کربلاہ روز عاشورا گوریدون سن
 نجہ زینب گزردی ہولیلہ صحراہ یا زہرا
 گیدوب گہ قتلگاہہ مہربان قارداش باشی اوستہ
 بدن لرزان ہمی خیزان ہمی افتادہ یا زہرا
 گلور گہ خیمہ گاہہ باش چکور باشیزلارا دورمور
 گہی ایلور عتاب رحم ایتمین جلادہ یا زہرا
 نقدکہ یالوارور اول سنگدل شمرہ اثر ایتمور
 بلہ دلستلیق یوخ صخرہ صتادہ یا زہرا

گوروب رحم ایلمور ناچار خنجر دن دو تور قویمور
واریدی بو کشاکش اول صف هیجاده یا زهرا
او گون بو جان فشانلوق گورسنوب صدیقه صغرا
قیزون محبوبه غم زینب کبراده یا زهرا
کسیل سین نسلی شمرون کسدی قربان ره عشقون
باشین لب تشه آخرده لب دریاده یا زهرا
یازیلیمیش بیر نفر سئید ایونده بو کتاب غم
یازان «صافی» دیر آغلار گلور فریاده یا زهرا
آدی یوسف هامی اخلاقی احسن حسن یوسف تک
ویروبلر نسبتین سندن اولان اولاده یا زهرا
سنی اوغنون حسینون جانی لطف ایله شفاعت قیل
منه هم حاضرینه هم اونا عقباده یا زهرا

عرض حال حضرت فاطمه (س) به پدر بزرگوارش

تنگ اولدی منیم آغلار گوزیمه

سنسيز بو هامی دنیا باباجان

نه نوع دوزوب هجرونده سنون

قان آغلاماسین زهرا باباجان

بیر عمر منه هر چند بابا درد و محن غم همدیدی

آج قالماقیم من یانمازیدیم سن عالمیدون نه عالمیدی

چون سن واریدون غم بولمز دیم قلییم خوشیدی دل خر میدی

نه نوع دوزوم قان آغلامیوم ممکن اولی بو آیا باباجان

بوندان صوراکیم سن کیمی منم دلدن آلاجاق درد دلیمی

کیم زایل ایدر سانسيز غیمی حل ایلیجا ق کیم مشکلیمی

ایتموم نجه من سنسيز باباجان زندان بلا اوز منزلیمی

کیم فاطمه نون دردینه یتر احوالین اولور جويا باباجان

حقیق بودی بو نعلش اوسته یانام تا وار نفسیم فریاد ایلیم

زلفیمی آچام باشیمه ورام افغانه گلم من داد ایلیم

خون دلیمی اشکیمله قاتام اوز چشمیمه بیر امداد ایلیم

بی سر دگل قان آغلاماقیم بو ناله دگل بی جا باباجان

سنسيز باباجان هر دمده منه هر آنيده مين غوغا يتشور
دنياده بو غم تقسيم اولونا هر بير كسه بير دنيا يتشور
راضى دگلم قالماقما من از بس ستم اعدا يتشور
قويمور قوروسون دشمن كفنون شرم ايلميرى اعدا باباجان
چو خداندى بابا نولموشدى انام بير مدته دين گلمزدى يوزوم
فرياد و فغان همراهمدى هر شام و سحر آغلاردى گوزوم
بير عمريده من سنله خوشيديم سنسيز داياتوم نه قسم دوزم
واردور يري بو دنيانى دوتا گوزياشيم اولا دريا باباجان
ياد اولدى گنه ميدان وفا صحراى غم و اندوه و بلا
دوشموش يارالى گل پيكريله قان دجله سنه شاه شهدا
قول باغلو تا پوب بى كس اتانون باشسيز بدنين بير خرده بالا
سسلردى اويان دور بير يو خيدان قالديم نجه گور تنها باباجان

زبانحال فاطمه زهرا(س) به حضرت علی(ع)

ای رخ زیبای گون تک مطلع انوار عم اوغلی
گورنجه اولموش گوزیمده روز روشن تار عم اوغلی
بیر نفس اول منه یار عم اوغلی
قالماسون دلده اسرار عم اوغلی
آب و خاک و باد و آتش گورمیوب من تک بلاکش
هانسی غمکشلر کشاکش گوردی زهرا وار عم اوغلی
دوقوز ایل دار فناده گر چه بو دولت سراده
سنله اولدوم هم اراده ایلدیم رفتار عم اوغلی
بیر نفس اول منله بسدور خوش دمیم چون بونفسدور
قصة پروار هوسدور بیر بودم دیدار عم اوغلی
گجدی روز و روزگاریم آه و افغان اولدی کاریم
قالدی مندن یادگاریم دیده خونبار عم اوغلی
ایلیم قویمازدی امت اوز ایویمده ناله راحت
گورمدیم بسدور بو محنت سایه دیوار عم اوغلی

گور سنور افسرده گلده وار نه لر بو غنچه دلده
 نه دیوم من یو خدی دلده طاقت گفتار عم اوغلی
 گر چه بو انواع صحبت درد سردور رنج و محنت
 فرض دور اما وصیت ایلمک اظهار عم اوغلی
 اولاً عرضیم بودور سن اختیار ایتسن اگرزن
 اولسا خلقی خلقی احسن اختیارون وار عم اوغلی
 هر گجه ذوق و خیالون صبحه دین خوش قیلسا حالون
 بیر گجه جمع ایت عیالون باشه اول غم خوار عم اوغلی
 وار یری اولسا گلستان زینب و کلثومه زندان
 پای بند وصله هجران سخت اولور دشوار عم اوغلی
 بیرده عرضیم منکه آلم هر نه واقع اولسا بو تم
 جنت ایچره سانما گو تم قیلسان آه زار عم اوغلی
 ویر گجه غسل ایله تکفین قویما قالسون صبحه تدفین
 نارضایم گورسه بدیین زمرة اشرار عم اوغلی
 خواهشیم وار بیرده سندن کچ قصوریم اولسا مندن
 بو حسینیه حسندن اینجمه زینهار عم اوغلی

باغلیوب روحیم علاقه بو ایکی غم اتفاقه
 جفت دور اوخشالاً طاقه بیردی بو آثار عم اوغلی
 بونلار حقیقده مکرر چون دیردی بعض سوزلر
 عالمه رحمت پیغمبر احمد مختار عم اوغلی
 آشکارادور بو مطلب بدوده اولموش مرتب
 بو ایکی رخشنده کوکب چوخ گورر آزار عم اوغلی
 بو که اوغلوم مجتبادور قسمتی زهر جفادور
 چونکه تقدیر خدادور بو مقدر کار عم اوغلی
 بولموشم اوغلوم حسینیه بو نجات عالمینه
 قوت جان نور عینه نیلر اهل نار عم اوغلی
 ذکرری کچمیش اولنده قتل هر کس مقتلنده
 قاتل اولموش شمر النده خنجر خونخوار عم اوغلی
 کربلاده نور یزدان بی خبر اولجاق فروزان
 ایسلر عشاقین شتابان جلوه دلدار عم اوغلی
 تا دوتار شور حسینی آرتورور نور حسینی
 آدلانور طور حسینی قان دولان کھسار عم اوغلی

کُل آچار اوخ پیکرنده خنجر آغلار حنجرنده
سهلدور باش اللرنده قطع ایدر کفار غم اوغلی
«صافیا» اولموش نه حادث بو قدر تطویلہ باعث
قورخورام آچسون مباحث اولسا چوخ تکرار عم اوغلی

زبانحال صدیقه کبری فاطمه زهرا(س) به

حضرت امیر(ع)

یتوب دور موسم هجران عم اوغلی
غنیمت دور همین بو آن عم اوغلی
وار ایمدیکه عم اوغلی الده فرصت
گل ایلوم من سنه نچه وصیت
ویروم تا جانیمی آسوده راحت
اولوم گوزیاشوه قربان عم اوغلی

منیم بو سوزلریم ای کان رحمت
تماماً درد سردور رنج و زحمت
ولیکن یوخدی اظهارینده طاقت
اولوب گوگولوم زبس سوزان عم اوغلی

آلاندا بیرده یالقوزلوق قرارون
گر عورت آلسان آل وار اختیارون
ولی مندن صورا اولسون شعارون
نقدری ایله سن امکان عم اوغلی

منیم اولادیمی سالما گوزوندن
آناسیزلار کسلمز گوز یوزوندن
آیرما زینبی هرگز اوزوندن
اماندور ای عزیز جان عم اوغلی

حسن جسم ایچره جانیمدور بولورسن
حسین روح و روانیمدور بولورسن
نه محنتلو زمانیمدور بولورسن
اودم کیم ایتسه لر افغان عم اوغلی

گنه گیتدی خیالیم نو عروسه
جگر یاندی او حال پرفسوسه
گلنده قتلگاهه پای بوسه
دیردی ای مه تابان عم اوغلی

گوزوم وار قانه باتمش گوزقاشوندا
اولوم قربانی یار و یولداشوندا
آسر روحیم او زلفوندن باشوندا
اگر بیر تل اولافشان عم اوغلی

گلِ سردور قلج زخمی سرونده
اولوب اوخ دسته گل مه پیکرونده
عطش آثاری غنچه لبلرونده
گنه وار ای گل خندان عم اوغلی

نولم بو نکته نی ایتمم فراموش
که اولدوم منده زلفون تک سیه پوش
عجب قویموش سنی مدهوش و بیهوش
تجلای رخ یزدان عم اوغلی

منی گور چکدی عشقون نه مقامه
که قول باغلی سنه گلدیم سلامه
وارام باشونله گتسن شهر شامه
خوشام گزدوقجا سرگردان عم اوغلی

کناره دوشدی سوز بس نولدی علت
قایت گیت مطلب اوسته ایله همت
ایسدوبدور فاطمه بیله وصیت
قولاق ویر جسمیم ایچره جان عم اوغلی

ازل عرضیم بودور سن شہریارہ
گجیلن غسل و کفن ایت قوی مزارہ
گلور روحیم یقیناً آہ و زارہ
گلہ تشییمہ عدوان عم اوغلی

مبادا ایلیہ کلثوم نالہ
او حالی هر زمان سالسام خیالہ
باتار روحیم بهشت ایچره ملالہ
گورنم دیدہ سین گریان عم اوغلی

دایان آل ساخلا «صافی» یاندی خامہ
بو کار عشقدور یتمز تمامہ
مکرر سویلہ عرض ایتدی امامہ
یتوبدور موسم ہجران عم اوغلی

در عزای حضرت زهرا (س)

قان آغلار حضرت زهرا غمنده آل پیغمبر
 یانار صدیقه کبریٰ غمنده آل پیغمبر
 کلثوم و زینب ایلتله ناله شاه شهیدان باتمیش ملاله
 بهشت عدنده هر چند یوخ غم
 گسزر ساکنلری خندان و خرم
 ایدله ناله سارانیله مریم
 بسو خواتونون اولوب حوّا غمنده زار و مکدر
 عبت اولادی آه وایه گلموب
 خواتیندن اونسا همپایه گلموب
 بیله مظلومه بسو دنیایه گلموب
 وار اشگ چشم بیر دریا غمنده جود ایتسه گوزلر
 اولان بیر خوش گونه دنیاده حسرت
 معین دور چکوب نه قدری محنت
 داخلی اهل دله ایلر کسفایت
 همین بیر مختصر ایما غمنده اولسا مکدر

بیر عورت کیم اونون اون سگز ایلده
آغارسون ساچلاری بیر سوزدی دلده
خزان آثاری گورموش غنچه گلده
یانار بو زهره زهرا غمنده تا روز محشر
آتاسندان صورا بیر آز زماندا
مصیبت قالمادی گوردی جهاندا
گورونموب بیر بلاکش بو نشاندا
که یانسون عالم بالا غمنده یعنی فلکالر

زبانحال شیعیان

در ماتم سیده عالمیان حضرت زهرا(س)

یا فاطمه غمونده آل پیغمبر آغلار
گلمیش نوایه یکسر اولاد حیدر آغلار
اولاد حیدر آغلار آل پیمبر آغلار
یاده سالاندا هر دم سن ایلین فغانی
آغلار قویار او حالون اولاد مصطفانی
گورسه مخالفین گر شور حجازیانی
ایلر نوا اولار تک شور اوسته یکسر آغلار
عمامه سی النده اوغلون حسن چکر داد
سن گوردوگون ستملر فکرة دوشراولور ییاد
گاهی ایدر حسینون مین حسرتیله فریاد
ذکر مصائبوندن سویلر مکرر آغلار

بیر یاندا زینب زار افغانیله آچوب باش
 هر دم دیر آنا من سنسیز تولیدیم ای کاش
 واردور یری اگر قان اولسا گوزومدکی یاش
 بیر نوعی اول بلاکش اولموش مکدر آغلار
 کلثوم بیر طرفده باتمیش غم و ملاله
 نی تک گلور نوایه ایلر فغان و ناله
 غم چکدیقون زمانلار ناگه دوشر خیاله
 بی اختیار بگردن اول زار مضطر آغلار
 خلد برینده ایمدی آغلار رسول اکرم
 اولموش سرای عشرت بزم عزا و ماتم
 نسکرون ایدر یاد ازبس ولی اعظم
 سنسیز توکر گوزوندن قان یاش اوسرور آغلار
 باغ جناندا گر چه اولماز گلن نوایه
 اما آنان خدیجه باتمیش ایله عزایه
 هر دم ویرور آتانلا بگردن صدا صدایه
 سارا و مریمیه حوا و هاجر آغلار

زبانحال جناب زینب(س) در ماتم صدیقہ طاہرہ(س)

زینب آغلار گجه گوندوز سنه ایوای آنا وای
آناسیزلیق غمی بسدور منه ایوای آنا وای
ای بلاکش آنا چکدون او قدر محنت و غم
که بو آز وقتیده اگدی قدیوی بار الم
کیمدی سن تک آغاران زلفی اولان قامتی خم
صبر ایدن هر ستم دشمنه ایوای آنا وای
آنا سالدوقجا گورن گونلروی یادیمه من
چوخالور بو دل زاریمده کسی اندوه و محن
اوز ایوین سهلدی قویمازدیلا صحراده دهسن
بیر دیونجا گلهسن شیونه ایوای آنا وای
دوقوز ایل چکدون آتام حیدر ایونده دم آنا
بو قدر مدتی غم یتدی سنه هر دم آنا
سونس آه سحری ناله شب همدم آنا
گورونوب هانسی بلاکش زنه ایوای آنا وای

باخورام برج جلالته ایشق کوکبوه
 یانورام دلدن آنا وصله چادر شبوه
 مایه غصه دی بو نکته ز بس زینبوه
 عمریم اولسا دیرم سن سنه ایوای آنا وای
 هانسی محنت لروی یاد ایدیم ای کان شرف
 بو شرافتله مشقت اوخنا اولدون هدف
 چوخدی مزدور یهود اولماقوه جای اسف
 گوز یاشون آخماقنا دامنه ایوای آنا وای
 ایتمدون جسموه پیرایه زر و زیوریله
 خوش کچیندون هامی عمرون سن آتام حیدریله
 آج قالوردون گجه گوندوز آنا اوچ گونلریله
 صبر ایدوردون دایانوردون گنه ایوای آنا وای
 بسله دون گل تک حسینیه حسن قارداشیمی
 سهلدور قویمازیدون منده توکم گوز یاشیمی
 باشون اوسته یری وار یولسام النجه باشیمی
 توکسم اوز زلفمی پیرامنه ایوای آنا وای

وقت رحلتده اگر چه او رسول مدنی
 سالم اعضائیله بو امته تاپشوردی سنی
 قوریسون قویمادی ثانی آنا جدیم کفنی
 قولارون دوندی گل سوسنه ایوای آنا وای
 اولمادی ثانی رضا گولماقا بیر لحظه یوزون
 اود وروب اودلادی درگاهوی آغلاتدی گوزون
 محسنون سقط اولوب آخر قالب آغزونداسوزون
 آغلارام حشره کیمی من سنه ایوای آنا وای
 نگران قالما گله نایبه ام منده سنه
 مین بیله غم یتر هر آنده هر دمده منه
 نلر ایلر بولورم امت حسین و حسنه
 دیرم سنسیز آنا وای منه ایوای آنا وای
 حسن اول بولورم ظلمیله مسموم اولاجاق
 محنتنده هامی عالم آنا مغموم اولاجاق
 اوز یرنده وطننده ایله مظلوم اولاجاق
 دونه جاق بیر پوزیلان گلشنه ایوای آنا وای

باشه یتمز نه دیوم چو خدی بلاسی باشیمون
 کربلا قصه سی وار منله حسین قارداشیمون
 گوره سن موجنی دریا کیمی بو گوزیاشیمون
 اونداکیم گلدون همان مسکنه ایوای آنا وای
 عقل حیران قالی شمرون آناجان کینه سنه
 گه چخار اوغلون حسینون یارالی سینه سنه
 قویار اوز نحس ایاقین ستر حق آینه سنه
 بولمز هرگز یتشوب ایمنه ایوای آنا وای
 تاپشوروب چون آنا جذیم بو سوزی امتنه
 گوسترور سو هامی قربانه او سوز حرمتنه
 اوز حسینی ویری جان تشنه گیدر خدمتنه
 لعن حق زاده ذالجوشنه ایوای آنا وای
 بسی وفا امت آنا سانما جفادن دو یا جاق
 تشنه باشین کسه جاق سهلیدی رختین سو یا جاق
 کهنه بیر پیرهن اوسته اونی عریان قویا جاق
 ایمدیدن یانام او پیراهنه ایوای آنا وای

راہ جاناندا حسینون بیلہ بیر جودہ گلور
کہ ایلہ جود تعجب ہامی موجودہ گلور
او سلیمان بولی بجدل کہ نہ مقصودہ گلور
ویری بارماق اوزوک اهریمہ ایوای آنا وای
آغلا «صافی» گورہ ہرکیمسہ نون آغلاردی گوزی
ویرجاق گوز یاشنون صاحبی بول اجرین اوزی
ذکر قیل زینب مظلومہ دلنچہ بو سوزی
آناسیزلیق غمی بسدور منہ ایوای آنا وای

زیانحال

حضرت زینب در مصیبت حضرت زهرا(س)

زینبون آغلار یانار سنسیز آنا

جان و دلدن اودلانا سنسیز آنا

باغریم اولوب قان آغلارام

وار جاندا تا جان آغلارام

گولمدی بیر لحظه دنیاده یوزون

شام تک تیره اولوبدور گوندوزون

یاده سالدوقجا سنون آغلارگوزون

زینبون آغلار یانار سنسیز آنا

گورمدون خوشگون هامی عمرونده سن

متصل چکدون غم و درد و مَحَن

نالہ ایسلولہ حسینیله حسن

زینبون آغلار یانار سنسیز آنا

بو آز عمریله چوخ اولدی محنتون
 ہار غم اگدی کشیدہ قامتون
 گیتدی الدن صبر و تاب و طاقتون

زینبون آغلار یانار سنسبز آنا

ایتمیوب بیر کس سنون تک آہ و زار
 گورمیوب مثلون بو چشم روزگار
 روز و شب ہر قدر تا دنیاہ وار

زینبون آغلار یانار سنسبز آنا

ظلم اودیله تا قاپون یاندی سنون
 حقوی غصب ایتدی ناحق دشمنون
 ضرب سیلیدن اوجالدی شیونون

زینبون آغلار یانار سنسبز آنا

ظلم ایوین چون چرخ آباد ایلیوب
 دادہ گلم بسکہ بیداد ایلیوب
 تازیانہ یرلرین یاد ایلیوب

زینبون آغلار یانار سنسبز آنا

شهادت حضرت امام حسن (ع)

ظلم ایله ای کج روش فلک
مجتبایه ویردون نه سودی بو
ویرمدون حسیننه نه سزی دور
جان ویرنده سن بیرجه شربه سو
کسدی باشینی تشنه لب عدو

آلمادون نندن ای سپهر دون جعدۀ ستسکار قدرتین
سالدی آشکاره اورکدکی مجتبایه منسوب عدواتین
اوز عنادینی ظاهرایتماقین تاپدی وقتنی بیلدی ساعتین
مکریله او مکاره نصف شب زهری ایلدی داخل سبو
ناگهان شه منتحن حسن اضطرابیله دوردی خوابدن
گوردی تشنه لق شدتی سالوب رشته دل و جانی تابدن
کوزهنی یتورجک دوداقنه اودلانوب وجود التهابدن
دوغرانوب جگراولدی دیده تریاندی لبری اوددوتوب گلو

ایشدوقی سودا آنلادی نه واردیشره چنجدی پزمرده حاليله
 گلدی زینبون باشی اوستنه سسلدی اونی بیر خیاليله
 خوابدن اویانندی او غمکش عالسی دل پرملاليله
 ایلدی قیامت قیام او دم مهر ماهيله دوردی روبرو
 قارداشا باجی تکیه گاه اولوب ویردی بیرده عودت فراشنه
 لبلرندکی لخته قانلارا باخدی ووردی حسرتله باشنه
 گورمدی نمر ایلدی گنه جدّ و جهد سعی تلاشنه
 دوشدی بو خیاله که ایلسون بلکه بیر ره چاره جستجو
 عرض قیلدی قارداش بیورگوروم کیم سنی سالوبدی بو حالته
 سویلدی باجی ایلمه سنوال قوی جزاسی قالسون قیامته
 ایچمیشم همین من بو کوزه دن دوشموشم بو رنج و مرارته
 یوخدی قدرتیم دلده صحبتته قالسیوب داخی تاب گفتگو
 دورما باخمایانما شتاب قیل گنت حسینمه ویر خبر باجی
 نازین وجودیمده زهر کین بولموسن ایدوب نه اثر باجی
 آز قالور نولم گورمیم یوزون ایلیم بقایه سفر باجی
 بو فنا جهاندان روا دگل من گیدیم اورکده بو آرزو

قارداشی حسینی گتورماقا غم کشیده زینب اولوب روان
 منزل اولدی خلوت امام اوزی جعدیه خطاب ایتدی اولزمان
 من نه ایلمیشدیم سنه مگر قیلدون آخر عمریمده باغری قان
 بی وفا بو نه سودی قومادون نه اوزونده نه سوده آبرو
 زینبيله باهم گلوب حسین بولورم نجه گوردی قارداشین
 چاک ایدوب گریبان صبرینی گیتدی اختیاری آچوب باشین
 چکدی آهی آه اوسته آغلادی سیل تک روان ایتدی گوزیاشین
 خانه دل بی قرارینی اشگ چشميله قیلدی شست و شو
 بهیریا نقلی قلبيله عرض ایدوب ای عزیز دل روح جسم و جان
 سنده گوردو قوم منظره ندور بو نه حال دور بو نه لخته قان
 سویلدی که بو کوزنون سونی ایلدی منی بیله ناتوان
 دوغرادای دلیمی دوداقمی بولمدیم برادر نه سودی بو
 گوتدی کوزه نی بردن ایستدی کوزه نین سو یوندان ایچه حسین
 مانع اولدی زینب دو توب الین باشنه و یروب قیلدی شورشین
 سو مضر تيله عجب دی بو جان و یروب بو نورین نیرین
 بو حسن سوا یچدی نولوب حسین تشنه نولدی سو ویرمدی عدو

واقفم اوزوم خادم اولماقا آستانوزه یوخ لیاقتیم
«صافیم» بودر باره منتصب بسته دور سیزه نام و شهر تیم
حسرتیم او ایتگین مزار یوه واردی آرزوی زیارتیم
قورخورام اجل درک ایده منی اولمیا محقق بو آرزو

احوال حضرت امام حسن (ع)

گرچه ایچمیشم من بو کوزه دن اوددو توب وجودیم یانار باجی
 تشنه وصال حییبیدیم بولمدیم بو سودا نه وار باجی
 ایمدی عالم نومده گوروب آفتاب چرخ رسالتی
 اولدی داعی بزم وصل حق جدیمون یتوب بو اشارتی
 منده جان و دلدن باجی اوزوم ایلدیم اجابت اودعوتی
 بولدوم اوز وفادار عاشقین مهربان نگاریم سانار باجی
 ایلینده رؤیاده ایمدی من جدیمیله باجی مکالمه
 عرض قیلدیم اوز وضع حالیمی خوش جواب ویردی سئوالسه
 مزده وصال اللهیله یتدی بیر مسرت بو حالیمه
 شوقیله او یاندیم باجی اودور بولمه دیم بو سودانه وار باجی
 قارداشیم حسینه و یرون خبر من یتشدیم ایمدی فراغته
 حجت خدادور گلوب گرگ حامل اولسون اسرار حکمته
 محترم وجودی اولور اونون برگزیده امر امامته
 بو نکات سربسته سزینی غیر نه بولر نه قانار باجی

گرچه ای باجی زهر کینیله بو وجودیمی دوتموش احتراق
 قارداشون بو حالی آلورسنون صبریوی ایدیر طاقتوی طاق
 وعده ویرمیشم کوی وحدته واردی منده بیراوزگه اشتیاق
 بولمدیم اودور جسم و جانندی بو اوددوتوب یانار اودلانا باجی
 ایلمه بیله ناله آغلاما ویرما سینیه آچما اوز باشون
 چوخ مصیبتون واردی ای باجی ساخلاسن حسینیه بوگوز باشون
 تشنه جان ویرر راه عشقده کربلا دیارینده قارداشون
 جسم نازنینی او عرصه ده تیغ و تیریله دوغرانا باجی
 «صافیا» بیانوندا ایلورم آیری بیر حلاوت مشاهده
 سحره بندوری بو کلام لر جلب ایدوب منی بیر نگاهده
 عفو قیل تخلص یازانی سن اولسا «صدری» گر اشتباهده
 سویلدی امام حسن اوگون اوددوتوب وجودیم یانار باجی

خروج اهل بیت علیهم السلام از مدینه

ای شیعه سینه‌دن دیمه هرگز بو غم گیدر
دلدن بو درد و غصّه بو داغ و آلم گیدر
بوقان حسین قانیدی ایلر همیشه جوش
بیله بولوردیلر آرالوقدا بو دم گیدر
بیرگون آلور بو قانی اوز اوغلی امام عصر
بو داغ سینه‌لردن او ساعت او دم گیدر
ایلر قیام امام زمان انتقام ایچون
بیر بیر دوتار عدم یولی هر منتقم گیدر
هر چند توسن سخنه تنگدور فضا
بو راه تنگی رخس قلم بیر قلم گیدر
ظاهرده پیچ و خم گورونور بو مقاله‌ده
هر مایقال یولانی اولسا رقم گیدر
ایله توسل آل علی مشگلون آچار
مطلبده اولسا هر نه قدر پیچ و خم گیدر

سال یادیه او وقتی حسین ابن فاطمه
 عزم عراق ایدوب او شه محتشم گیدر
 عهد قدیمی یاد ایلوبدور عبث دگل
 موعود بیرمکانه او عالی همم گیدر
 اول بسو عزمی ویردی بنی هاشمه خبر
 بیلدی او عهده هر کیم اولوب ملتزم گیدر
 بو عهده اشتراک ایلین قیز باجی حرم
 عورت اوشاق بویوک هامی اهل حرم گیدر
 زرین کجاوه لرده خواتین محترم
 هر محملون یانینجا یکی اوچ خدم گیدر
 گیمش مهار کشلری فاخر لباسلر
 اولموش تمام غرق نعیم و نعم گیدر
 زینب که سر پرستیدی آل محمده
 باش محمل ایچره باشد او مریم شیم گیدر
 اولموشدی چون شریک بو میثاقه بدودن
 بیر بیر ندور بولوبدی هامی کیف و کم گیدر

آغلاردی قبر فاطمه دن آیری دوشماقا
باطنده شاد ظاهراً اما دژم گیدر
دوشموش او غم کشون قباقنجا شجاع ناس
عیاس نامدار النده علم گیدر
بیر کاروان بو شوکت و جاه و جلالله
چخمیش مدینه دن نجه گور منتظم گیدر
قیلیدی اراده جانب بطحایه شاه دین
بولموش حرم طوافنی چوخ مغنم گیدر
مأمن بیلوب اوزینه حجازی امان خلق
بیت خدایه علت حل و حرم گیدر
تا یتدی شهر مکیّه فرزند مصطفی
بو فکریله که دلده اولان هم و غم گیدر
بیر نچه آی اقامت ایدندنصورا او شه
خلق ایچره گوردی عزتنی دمبدم گیدر
تعقیب ایدله قتلنی حکم یزیدیه
هریانه گیتسه آردیجا اهل ستم کیدر

اللّٰه ایونده بیلدی توکر قاننی عدو

گر قالسا حرمت حَرَم محترم گیدر

اوز حَجَنی خلیل وفا قویدی ناتمام

بیر اوزگه کعبه ده ایده بو کسری ضَم گیدر

گرچه مناده کسمدی قربان ذبیح عشق

دشت بلایه پادشه غم حشم گیدر

قربانلارین گوتوردی منای محبته

بیر حکمتیله مظهر علم و حکم گیدر

گویا متاع وَصَلَه خریداریدی او شه

بازار غمده ایتماقا بیع و سلم گیدر

باران فیضه قابلیدی خاک کربلا

عَلت بودور او ابر سخا و کرم گیدر

اول دشته و یروب اوزی انصاری تشنه جان

باخموبلا قان آخوب یره مانند یم گیدر

تاپدی او قانلاریله همان خاک بیرصفا

یاددان چیخار فسانه باغ ارم گیدر

گچدی جدایه باشلاری گون تک جلاله باخ
شامین یولین او نوريله اهل ظلم گیدر
شاه شهید باشنی هر کس گوروب دیدی
بو باش بنای ظلمی ایدوب منهدم گیدر
معشوق ایسته مشدی کسوک باشلار اوزلری
شامه بدون صحبت لا و نعم گیدر
یانندی تالاندی لانه و کاشانه ظلمه
بیر دسته آهوان حرم قیلدی زم گیدر
هفتاد اوج نفر خانم عورت اوشاق گلین
بیر ناخوشین یانینجا دوشوب بیش و کم گیدر
سرسلسله امامیدی بزم یزیدیده
هر چند التماسنه سایرامم گیدر
باخ زینبون جلالنه کیم عشق راهنی
اوز قارداشیله گور نه قدم بیر قدم گیدر
«صافی» بو سخت قافیهدن آل گوتورگلن
کم کم دوشر صعوبته تاب قلم گیدر.

سن باخمایول اوزاقدی خیالونده شامه گنت
هر کیم دیسه گرک بو یولی من گندم گیدر
قیل اوزگه مطلعيله بیان شام قصه سین
سانما بو سوزلریله اورکدن او غم گیدر
چون اعظم مصائب اولاندا ستوال امام
ویردی جواب سائله الشام والسلام

سینه‌زن خروج حضرت سیدالشهداء از مدینه منوره

بوگون باغ رسالتدن حسین تک بیر گل آیریلدی
 یانینجا دوشدی شیرین دل سکینه بلبل آیریلدی
 اوزین قید علایقندن ایده ایستردی آزاده
 ازل گون ایتدیگی عهدین سالوب شاهجهان یاده
 او عهده دل ویروب جمله خبر ویردی او ائنده
 ضیافتخانه عشقه گوتوردی بیر ایل آیریلدی
 حسینون شورینی گورچک مدینه دولدی شوريله
 بسان طور اولوب یثرب جمال الله نوريله
 حضورین درک ایدن تاپدی شرف فیض حضوريله
 گورن دنیا و عقباده آلوب کام دل آیریلدی
 عیالین باشنه یغدی بلانی ایلدی قسمت
 تماماً انبیا چکدی او طرح قسمته حسرت
 ولی صغرا او قسمتدن وطن ملکین بولوب غربت
 بلا بیمارینه هجران اطاقی منزل آیریلدی

نکات عشقی فاش ایتدی که قیلسون عترتین ارشاد
 فدای دین اولوب ایتسونله آخر منزلی آباد
 جوانان بنی هاشم شعفدن چکدیلر فریاد
 فدا اولماقا بیر دسته پریشان کاکل آیریلدی
 حسین آیریلدی یثربدن گیده بزم وفاسینه
 چکه احبابدن ال جان ویره جانان رضاسینه
 ریاست کوفه دن شمردن سالوبدور ری هواسینه
 گوتوردی نیزه و خنجر اوشاهه قاتل آیریلدی
 بو آیریلماقدا چون زینب مساعد گوردی اوزبختین
 سویوندی توکدی جسمیندن علایقندن دولان رختین
 تدارک گوردی گوزیاشین گوتوردی ناله سختین
 بلا الماقلقا اولدی سوار محمل آیریلدی
 دوشوب عباس شوقیله قباقه مهر رخشان تک
 النده بیدق طاعت باسوب آغوشنه جان تک
 سرشگ دیده سین گوزدن توگردی ابر نیسان تک
 سپهر ملک عزتدن او بدر کامل آیریلدی

علی اکبر چخوب گون تک ایدوب دنیانی نورانی
 سالوب زلفین یوزه ایلوب پریشان حال لیلانی
 بولوددان ایستدی چکسون کناره ماه تابانی
 دگوب باد صبا زلفی یوزندن تل تل آیریلدی
 پریشان زلفی تک لایلا پریشان ایلدی گوگلین
 بیله قان آغلادی آغلار گوزی قان ایلدی گوگلین
 خیال روی اکبرله گلستان ایلدی گوگلین
 اوغول فکرین خیال ایتدی چومرغ بسمل آیریلدی
 امامه ظاهر اولموشدی بیر آیری نکته مستور
 بیلوردی کربلاده وار بیری نمرودن مغرور
 سوسوز اوخلانماسا اصغر اگر گلمز آله منظور
 گوتوردی اصغری بیلدی بو فیضه قابل آیریلدی
 اگرچه «صافیا» قلبون سنون چوخ صاف و روشندور
 او روشن قلبوه دست معاصی ظلمت افکن دور
 حسین کان کرم دور چاره آل بو سوز معین دور
 بو گون باغ رسالتدن حسین تک بیر گل آیریلدی

خروج از مدینه

ایلیوب حسین ترک خانمان کوی یاره بیرکاروان گیدر
راه عشقده آلدہ نقدجان ویرماقا هامی امتحان گیدر

کربلایه بیر کاروان گیدر

عالم ازلدن بلا دیسوب طالب بلادور بو قسافله
غرق بحر درد و بلا اولور تا قدم قویاجمله ساحله
بوخیالیله باش باشا چاتوب شوقیله ویروبدیله آل آله
قیز عیالی عورت او شاق بو یوک شیخ و شاب و پیر و جوان گیدر
هر او کس که بو کوی عشقده شوق وصلیله باشد اشوری وار
وار بو گتماقه بیر علاقه سی دلدہ بی نهایت سروری وار
نه علاقه ملک و مالی وار نه خیال باغ و قصوری وار
ایلیوب سر و جانیه هامی ترک خانه و خانمان گیدر
جلوه جمال و جلال حق بیخود ایلیوب نوجوانلاری
مجلس وصاله یول آختارور شاهراه دین کامرانلاری
ظاهراً دوشوب شه قیاقنه عشق راهینون جانفشانلاری
باطناً رکاب امامده دسته دسته کرو بیان گیدر

بی بدیل محبوبه دل ویرن عذہسی معین حبیبالر
 بو مسافرنده بولوبدور وار نه حظئر نه نصیبالر
 باشلارینداکی شور عشقیله بال و پر آجان عندلیبلر
 بیر گلون خیالیله ایلیوب ترک گلشن و گلستان گیدر
 طبل عشقی سلطان مُلکدین بویول اوسته خوش دمبدم وورار
 اولماسا ثبات قدم دیمه کیمسه بو فضاذه قدم وورار
 شه سالاندا رحل اقامتین پیشروده عباس عَلم وورار
 گتسه هر یانا بول قباقیجا ایله محترم جانفشان گیدر
 کربلاده آماده ایلیوب بزم وصله بیر تحفه هر آنا
 لیلی اکبرین دسته گل کیمی قاسمین سربه یانا یانا
 وار بری او کیفیتتی سالوب شیعه یاده هر ساعت اودلانا
 بیر ربابدور آلدہ اصغری غنچه گل کیمی ارمغان گیدر
 اکبرین آناسی اوز اوغلونا پند مشفقانه ویرور مدام
 حق یولوندا قربان یازیلماقی توصیه ایدیر هر صباح وشام
 هم آنادا وار بو خیال خوش هم اوغولدا وار بو گوزل مرام
 تشنه لب حضور امامده ویرماقا او شهزاده جان گیدر

قاسمه سرتیه باخور گهی قلبدن گولور عرض ایدور خدا
 درگهونده مقبول اولانولور منده اوغلومی ایلیم فدا
 سربلند اولام روز حشریده هم اولا خانم فاطمه رضا
 تاپاقا بو راه سعادتتی اکبره اولوب هم عنان گیدر
 بو سفرده غمدیده زینبون سزی واردی باطنده شوقی وار
 عاشق جمال حسین دور گردنینه چون عشق طوقی وار
 قارداشون یولوندا اسیر اولار شامه گتماقاسکه ذوقی وار
 شامه دین قولی باغلی استوار گوزده اشک دلده فغان گیدر
 چون مه محرمدی «صافیده» بیر خیالیله بیر مرامیله
 سعی وافر و جدّ و جهدیله بلکه اهتمام تامیله
 بزم ماتم شاه بیکسه آله تحفه شیرین کلامیله
 آغلیان گوزیله فغانیله هر گجه گونوز نوحه خوان گیدر

زبان حال جناب زینب (س) در روضه‌ی حضرت رسول (ص)

بابا جور مخالفدن حسین عزم عراق ایلر
حجاز اهلی گوروب شوری نوای الفراق ایلر
بابا زینب بلاکش دور کمیت بختی سرکش دور
نجه گور بیر مشوش دور حسین عزم عراق ایلر
چراغون آز قالبوب گچسون عیالون جام مرگ ایچسون
گرک زینب کفن بیچسون حسین عزم عراق ایلر
گیدن جدّا حسینمدور عزیز نور عینمدور
سبب وار شور شینمدور حسین عزم عراق ایلر
بابا دور یا رسول الله سن اول بو قصّه دن آگاه
آناسیز حیف اولا صد آه حسین عزم عراق ایلر
حسینون عشقی وار باشدا گوزی یوخ قوم و قارداشدا
دیر گوزدن اخان یاشدا حسین عزم عراق ایلر
دیوار کربلا جدّا اولور قانیله قان دریا
نه چاره ایلسون آیا حسین عزم عراق ایلر

لوای عشق آلوب دوشه گلوب جسمینده قان جوشه
 باشین الده ایدوب توشه حسین عزم عراق ایلر
 اولور غرق بلا جانیم دوتار دنیانی طوفانیم
 تاپولماز درده درمانیم حسین عزم عراق ایلر
 بودور عهدیم خدانیله اوجالدا باش جدانیله
 هسوی کسربلانیله حسین عزم عراق ایلر
 گرک قان دستماز آلسون حییبین یادینه سالسون
 یر اوزره بی کفن قالسون حسین عزم عراق ایلر

هجرت حضرت امام حسین(ع) از مدینه منوره
و وداع آن بزرگوار از روضه‌ی حضرت رسول(ص)

جداً ولیده شامدن فرمان یازوبلا

اول حسینون قتلنی عنوان یازوبلا

قربان اولوم بو روضه رضوان نموده

ایلوب خداوند جهان ذاتون ستوده

قبر ایچره گر چه غم یتر عالی وجوده

بو باره دن دنیا یوزین نالان یازوبلا

گلدیم جنابوندان اجازه حاصل ایلوم

خلوتدی قبرون ایسترم درد ایلوم

قان آغلیوم گوگلیمده حل مشکل ایلوم

درد فراقه گوز یاشین درمان یازوبلار

دوشمزدیم هرگز من باباسندن کناره

بولسیدیم آخر واردی بو تقدیره چاره

قویماز یقین بیگانه حرمت بو مزاره

چون قتلون فرماننی پنهان یازوبلار

چوخ شرح ویرماق خوش دگل جدا فراقه
 ناچارم آخر گتتاقا ملک عراقه
 کسمز حسینون نولسه ده سندن علاقه

لوح دله بو نکته نی چوخدان یازوبلار

بیر نوعله خرسند ایدوب دیدار جانان
 گل گورسنور خنجر قلع داش نیزه پیکان
 اوخ یاره سی بو سینه می ایسر گلستان

اؤل منی اوز قانمه غلطان یازوبلار

جدا نه بیر من سالکم بو شاهراهه
 یتمش ایکی جان مزده دور حکم آله
 عباس و اکبر تک ایکی آهو نگاهه

منلن برابر رقعه جانان یازوبلار

لیلا بو یولدا اکبرون ذکريله خوش دور
 اصغر آناسی لیلنون فکریله خوشدور
 گورسم دیر اصغر نولوب گهواره بوشدور

بولم منیمده اوغومی قربان یازوبلار

اوغلوں حسندن وار منیم بیر یادگاریم
قارداشیم اوغلی طاقتیم صبریم قراریم
عهدیم بودور داماد ایدم یوخ اوزگه کاریم
اما حناسین نو عروسین قان یازوبلار

زبانحال حضرت سیدالشہداء(ع)

آیریلماقا بو قبردن قان آغلارام من
آناجان قان آغلارام من
هر یان گیدم وار جاندا تا جان آغلارام من
آناجان قان آغلارام من
زینب یانار هر لحظه هر آن آغلارام من
آناجان قان آغلارام من
من ای آنا دلداده عهد الستم
صهباى لب ریزمی وحدتله مستم
ترک وطن قیلام نچون جانان پرستم
وار باشدا شوق وصل جانان آغلارام من
مدعوم اولدن دیار کربلايه
عهد ایتشم صبر ایلیم من هر بلايه
منيله گیدن اوردا دوشر اوزگه بلايه
قالسا اگر یرده او پیمان آغلارام من

وار بو سفرده هر غم و درد و بلاوار
 وار هر قدر ظلم و ستم جور و جفا وار
 مشتاق و صلح قلبده شوق لقا وار

قور تولىمىوب تا روز هجران آغلارام من

اولموش متاعيم اى آنا بار محبت
 گر ايسترم اولسون او بازار محبت
 شعله چكر گوگليمده كى نار محبت

ايلوب او آتش سینه سوزان آغلارام من

گلميش ديار شامدن نامه وليده
 عنوانى يا قتلیمدی يا بیعت یزیده
 من رد بیعت ایلدیم بیر خوش امیده

اوز قتلمون شوقيله هر آن آغلارام من

بو قبردن زینب نجه کسسون علاقه
 منله گرک باهم گیده ملک عراقه
 معتاد وصل اولماز آنا خوشدل فراقه

گورم اونى محزون و نالان آغلارام من

قارداشم ای آناکان شجاعت
 ایلر منای عشقده کسب شرافت
 هم باش ویریر هم ال تاپار فیض شهادت
 گورجک نولوب سقانی عطشان آغلارام من
 اکبر گیدر صبرین آلوب جانان هواسی
 پابند زلف اولمو^نگرک گیتسون آناسی
 گورم او آنی اکبرون چوخ وار یاراسی
 لایلا اولوب زار و پریشان آغلارام من
 قیللم او چولده قاسم ناکامی داماد
 چشم زمانه گورمیوب بیر بیله ناشاد
 سویلر مبارک باد اونا شمشیر جلاد
 طوی حمله سین ایلله ویران آغلارام من
 آل علی جمله فغان ایلر عطشدن
 خرده اوشاقلار آغلاشوریکسر عطشدن
 آخر سولار رنگ رُخ اصغر عطشدن
 گل غنچه سین گوردو قجه خندان آغلارام من

آلام الیم اوسته آلام تا بیر ایچیم سو
ویرمز اونا سو ای آنا قوم جفاچو
اوخلار بوغازین اصفیرین چوخ سهل دور بو
تشنه ویرنده جان او بیجان آغلارام من
«صافی» یوزه اشگون ندن بیله روان دور
ماه محرم دور یقین فصل فغان دور
آخر بو دل دور یا گنه بو نه بیان دور
آیریلماقا بو قبردن قان آغلارام من

زبانحال حضرت حسین(ع)

موقع وداع قبر مبارک حضرت فاطمه زهرا(س)

آنا اوز اختیار یله حسینون سندن آیر یلماز
 اگر ممکن اولابلیل یقین گلشندن آیر یلماز
 منیله یار آراسندا آنا بیر عهد و پیمان وار
 ازل گوندن او عهدیله وارام جانمده تا جان وار
 باشیمدا نشأنه ذوق هوای وصل جانان وار
 جدا اوسته چکر شامه بو نشأته مندن آیر یلماز
 شعاع جلوۀ وحدت ایدوب آینه می روشن
 گل مقصود آچوب قلییم اولوب بیر ساحت گلشن
 وجودیم عین طور اولموش دولوب نور یله پیراهن
 ترانی نکته سین تا پیمیش گوگل آیمندن آیر یلماز
 یاز یلیمیش بدو عالمده منیم حقیقه بیر منشور
 سر وعده یتوب باشدا همان منشوردن وار شور
 او فرمان اوسته باش ویزم که تا باشسیز اولام محشور
 اگر چه زینبیم مندن صورا شیوندن آیر یلماز

منی آل دامن وصله یتورماق بهره مند ایلر
 سوسوز باش ویرماقیم یکسر جهانی سربلند ایلر
 قلجلار جسمیمی دوغرار اگر چه بندبند ایلر
 کیسیسه اللریمده بو آل اول دامنندن آیریلماز
 رضائیه گرک لیلی علی اکبردن آیریلسون
 سرتیه قاسمین ویرسین رباب اصغردن آیریلسون
 الیم ایلدن قبیلمدن هامی یاوردن آیریلسون
 غم و محنت عیالوندان جفا دشمنندن آیریلماز
 اوزوم بیر گلشن عشقم یانمدا چوخ گلیم واردور
 نگاره تحفه بیر دسته گللیه سنبلیم واردور
 آنا عباس تک شمع امید محفلیم واردور
 ایله سروروان آخر بیله گلشنندن آیریلماز
 آلور اطرافیمی آخرد وداعمده بلاکشر
 بریسی سس چکوب آغلار بیری وامحتتا سویلر
 بیری قویماز دیر آیا عمو نیلوم من مضطر
 قویا بی کسلیری دشمن او پیرامندن آیریلماز

و پرو بدور خنجر شمره قضا بپیر جوهر اولده
 ولی شمر اختیار یله دوتار اول خنجری الده
 معین قاتلیم واردور من مقتوله مقتلده
 او جوهر ای آنا هرگز همان آهندن آیریلماز
 آنا گیسون گرک آل پیمبر جامه نیلی
 سکینه عارضین قیلسون گل سوسن کیمی سیلی
 او سیلی رنگتون جانان یانندا واردی تفصیلی
 اولونجه حشر بو رنگ اول گل سوسندن آیریلماز
 گرک گیتسون قولی باغلی عیالون شام ویرانه
 اولور باغ ارم رشگی خرابه آل عمرانه
 ایدلر آهیله روشن دونه ویرانه رضوانه
 صفای حقدن پرتو دل روشنندن آیریلماز
 محرم دور توکوب «صافی» یوزه اشگون روان ایله
 گتور شور اوسته دنیانی تماماً نوحه خوان ایله
 مکرر سویله باش بیستی اوزون ورد زبان ایله
 آنا اوز اختیار یله حسینون سندن آیریلماز

زبانحال

حضرت سیدالشهدا(ع) به حضرت فاطمه زهرا(س)

آنا بیگانه لر قویماز منی اوز خانمانیمده
 مگر بیر پر سنق بلبل قالور یوش گلستانیمده
 گلوبدور شامدن فرمان یزیده بیعت ایستوللر
 خیال عزت ایلوللر جلال و شوکت ایستوللر
 ایله ناپاک بیر شخصه حسیندن طاعت ایستوللر
 منه ممکن دگل هرگز ویروب باش گیتسه جانیمده
 ز بس نوک خیالیله اود آلمیش سینه می دلدیم
 آنا جدیم مزارینه گیدوب رخصت آلوب گلدیم
 بو امره باطناً راضی گوروب واقعه دنجلدیم
 خوشام سنده رضا ویرسن بو عیش جاودانیمده
 نه زحمتلر چکوب جدیم آنا اسلامی حفظ ایتدی
 بابام آلدی آتام عمری بو مقصد ده باشا یتدی
 حسن قارداشیم آخرده رجوع ایلوب منه گیتدی
 گرک منده گیدم باشدان گچم اوز امتحانیمده

منی بیجا عراق ایچره نگار بی بدل چکمز
 وصاله نقشه صورتگر داخلی بوندان گوزل چکمز
 بیلوب زنیب نه وار منده یقینمدور اوال چکمز
 گرک اولسون کشاکشده ایله بیر باجی یانیمده
 نه تک بیر منده وار جانان خیالیله هوا باشدا
 بیر اوزگه فکر گورسنمز بو قدری یار و یولداشدا
 اولوب جان ویرماقا حاضر او غولدا یادو قارداشدا
 قالان یوخ هاشمیلردن مگر بیر آز گمانیمده
 گرک حب الوطن لفظین فراموش ایلیم مطلق
 گیدوب غربتده اسلامی اوجالدام قوزیام بیدق
 اوغول قارداش ویرم قربان یازام قانیله حقدور حق
 یزیدین کفرینی اثبات ایدم هر قطره قانیمده
 ویروب باش باش اوجالدار ایله عبدالله و قاسیم
 دوتالار یاسلارین هاردا دوتولسا ای آنا یاسیم
 همی باشین ویروور هم قول تاپار بیر رتبه عتاسیم
 که افلاکه یتر فخریم او محنتلی زمانیمده

بیر او غلوم وار علی اکبر بابام پیغمبره بندر
 گیدر میدانه یول اوسته دورار لیلا یولین گوزلر
 گتورم نعلنی آخر آناسی واعلی سسلر
 ویرور جان نقدی جانانه او لب تشنه جوانیمده
 ربابین کوکب بختی ایشقدور بیر نهایتله
 دم پیکانلا اصغر سو ایچر عین رضایتله
 ایله یانام که قونداقین اله آلام شکایتله
 وفاسیز حرمله باخماز که چوخ اود وار نهانیمده
 مخالف زعمنه ترک حجاز ایتمک منه خوشدور
 آنا قان دستمازیله نماز ایتمک منه خوشدور
 باخوب محبوبه اظهار نیاز ایتمک منه خوشدور
 او ساعت کیم سوسوزلقدان دولانماز دل دهانیمده
 بیلورسن یا حسین «صافی» نه مدّت دور چکور زحمت
 او قبر پاک و غمناکون نولور بیرده اولاق قسمت
 سنی زهرا آنان ایسته بو ایل قویماقالا حسرت
 اولاق زایر بو جمعیله اوزیمده نوحه خوانیمده

زبانحال حضرت فاطمه (س) در وداع حضرت علی اکبر (ع)

گلماقون قار داش علی بی حد بو زاره خوش گلور
 خوش گلوبسن بو گلشن پروردگاره خوش گلور
 ای ماه مصری طنطنه قربان باجون صفرا سنه
 گون جمالون سالدی تا پرتومه روشن کیمی
 منزلیم اولدی منور وادی ایمن کیمی
 گورمه مشدی طورده موسی تجلی من کیمی
 اول تجلی بو دل شب زنده داره خوش گلور
 اولموشام مدّندی گرچه بسته درد و محن
 سن که گلدون گیتدی هر دردیم نه دردیم وارنه من
 صحت عاجل یتوب سن تک طبیب غیبدن
 هر مرض سندن صورا گلسه دوباره خوش گلور
 پیک آهیم ویردی تا فیض حضور یله نوید
 طالع فرخنده فالمدن چو اولدوم خوش امید
 چشم گریانمدن اولموش لیک بختیمده سعید
 سرو آزاده گذر چون جویباره خوش گلور

چون سارامیشدی غمون زر تک رخ سیمینیمی
 زهردن تلخ ایلمیشدی دردون هر شیرینیمی
 ایمدی که سن کسمیسن قارداش سربالینیمی
 هر نه آزار اولسا بو بیمار زاره خوش گلور
 بیرجه صفرا دور مگر قارداش علی زلفنده بند
 واردی هر بیر تارده یوز من کیمی بند کمند
 جان و دلدن بیله بیر زنجیره اولدوم مستمند
 سلسله چون عاشق دیوانه واره خوش گلور
 چکمیشم بیر عمریدور هجرونده هر دردسری
 بولموشم لعل لبون بیماره شربت گستری
 صحتہ یتماق گرک یقماق علی بو بستری
 بیله صحت بخش شربت هر نزاره خوش گلور
 سن کیمی مشکلدی بو عالمده بیر دلبنده اولا
 خوش او دل وصلونه دایم خرم و خرسند اولا
 نیکبخت اول کیمسه دور سندن سعادت مند اولا
 گردش دوران ایله خوش روزگاره خوش گلور

گر زمانه دونمسه دونمز منیم سندن یوزوم
 هر قدر سن دیندیریر سن بیل که قور تولماز سوزوم
 گل یوزوندن غیره باخماقه دگل راضی گوزوم
 بلبله وجه گله هر دم نظاره خوش گلور
 عالم وصلون نجه بیر قوت دلدور منه
 مین ایله قارداش علی هجرونده مشکلدور منه
 نقش رویون گر چه هر ساعت مقابلدور منه
 عین صورت عاشق صورت نگاره خوش گلور
 صاف ایدوب «صافی» سنی بیر ساقی روشن ضمیر
 هر آغزدان یوخسا بو نوعی سوز اولماز دلپذیر
 خوش گله صفرایه گر بیر کیمیادور بی نظیر
 بول که هم پیغمبره هم کردگاره خوش گلور

زبانحال فاطمه صغری (س) موقع وداع علی اکبر (ع)

علی بو کلبه بی اعتباره خوش گلدون
 عیادته من بیمار و زاره خوش گلدون
 دگلدی کلبه درویش لایق سلطان
 سن اوز وقاریوی قویدون کناره خوش گلدون
 فنا و فقرده بوندان بویوک جلال اولماز
 که خاکسار دیه شهریاره خوش گلدون
 جمالون ایتدی بو ظلمت سرانی نورانی
 اوزی گل عارضی گل مادپاره خوش گلدون
 اولوبدی گلشن فردوس منزلیم قارداش
 گل اوزلی سیم بدن زلفی قاره خوش گلدون
 علی بو مرحمتوندن زیاده خرسندم
 یقین بو خوش گله جک کردگاره خوش گلدون
 بو گلیمک ایله بلاکش باجون یتوردون عجب
 جلال و شوکت و عز و وقاره خوش گلدون

حیات تازه ویرورسن گلنده یانمه سن
 دم مسیحیله هر درده چاره خوش گلدون
 نقدر خوشدی بیلورسن گیدوب گنه گله سن
 که هر گلنده دیم من دوباره خوش گلدون
 اونی بیلوردوم اوزوم من باجون چوخ ایسترسن
 سالوب مسحتوی آشکاره خوش گلدون
 سفر لباسی گیوبسن یقین مسافر سن
 گیدرسن هر طرفه هر دیاره خوش گلدون
 اولوم او گوزلره قربان بو گتمگونده نه وار
 چوخ حسرتیله ایدیرسن نظاره خوش گلدون
 وداعه بنزیری بو گلماقون یقینیمدور
 دویونجه قوی باخوم اول گلعداره خوش گلدون
 نه وار علی بو سفردهدی منتظر قویما
 خبر گتورماقا بو انتظاره خوش گلدون
 مریضه باجوی بیر بیله وقته یاد ایلیوب
 باخوب رضای خداوندگاره خوش گلدون

بو نوعیله سنی گورماقدا گر چه اودلاندم
دوتوب وجودیمی یکسر شراره خوش گلدون
بابام گیدر علی گنت گرچه محرمیم قالمور
آلنده نعشیمی قویسون مزاره خوش گلدون
سن آغلاما منه گلسون بلاسی گوزلریوین
گرک من اوخشیام ابر بهاره خوش گلدون
اوجاتموسان باشیمی ایل قبیله ایچره علی
منی یتوردون عجب اعتباره خوش گلدون
حسین عزا سنه هر کیمسه جمع اولا «صافی»
آناسی فاطمه سویلر اولاره خوشگلدون

زبانحال

حضرت فاطمه صغری (س) به حضرت علی اکبر (ع)

گُونومی قاره ایدن بختیمی قرا قار داش
او زلفودور ایلوب بیله مبتلا قار داش
منی بو حاله سالان اول سیاه کاکلدور
قرار جانندی منه بلکه قوت دلدور
او تار طره منیم رشته حیاتیم دور
اساس بزم غمیم مایه نشاطم دور
بو درد یله بو مرضله بو خسته جان یله
ویرم نفس نفس هانسی هم زبان یله
روادی بیر بولوک ایل اقربا هامی گیتسون
تک ایوده بیر قیز عیالی قالب دوام ایتسون
بو یور گوروم منه ای حقنه سزا توصیف
منی بلاکش و بیماره بس ندور تکلیف
آتام حسینده باجمدا عمومده عممده
گیدر بو قالماقون حسنی یو خودور عالمده

بو يالقوز ايوده قالور كيم منه مصاحب اولور
 دوامى كيم گتورور حاليمه مواظب اولور
 مواظبمده اكر اولسا گللم افغانه
 مگر مقابل اولور قوم و خویشه بيگانه
 اوزوم مريضه يتيمه قيزام آنام يوخدور
 بو بارده بولوسن دلده ننگليم چوخدور
 منمده گر آنام اولسیدی بو زمانيمده
 آپارماسیدی اوزيله قالوردی يانيمده
 گر نولمه سیدی آنام ايمدی مين و سادتيله
 علاج ايدوب منی قويمازدی بيله حسرتيله
 باجيم گوريدی آنام جهد ايدور علاجيمده
 آپارماقا چالشوردی سکينه باجيمده
 بو غمليمدن علاوه سنون غمون اثری
 چخارتدی ياددان آنام نولماقيني مختصری
 او نحويله منه مشکل گلور فراقون علی
 نولوم نظردهدی قويسان کنار اياقون علی

گوزوم قالور گجه گوندوز سنون اطاقنده
یارا چتندی اگر اولسا گوز قباقنده
سرشگ دیده میله حجله گاهه سو سپرم
سنون اطاقوه یوز سورتوپ ایگلم اُپرم
گورونمیوبدی اولا بیر بلاکشه قسمت
بو قدر درد و بلا بو قدر غم محنت
اوزی مریضه اولا بی ندیم و یار و طیب
گیده آنا باجی قاردشا قالا وطنده غریب
گرک قلام گوزی یاشلو ولی اولام تسلیم
بیز اهل بیته قضایه رضا اولوب تعلیم
گلوله شیعلرین پاک طینتی «صافی»
یا زالآ دفتره بیزدن بو گونه او صافی

زبانحال حضرت صفری (س)

قارداش علی نولدورور بو درد هجران منی
 بلبل نجه تاب ایدر گلسوز گوره گلشنی
 ناخوشام آناسیزام بسیمدی بو غم
 گتسه بیر ایل اولوم من کیمه همدم
 ابر بهاران کیمی دولموش گوزوم آغلارام
 بولم که بیرده منیم گولمز یوزوم آغلارام
 هجران غمی آغلادور نه من اوزوم آغلارام
 نولم اگر اولماسا گوز یاشی دل شیونی
 نور خدا بسکه بو گل یوزده وار ای کلیم
 بیر باخماقونله سنون طوره دؤنوب منزلیم
 حقیق اودور غش ایدم یوخ دل دیماقا دیلیم
 موسی کیمی تاپموشام جلوه گه ایمنی
 سر منزل عشقیده هر بیر یولی گورموشم
 بیردم غم فرقتون نه سخت اولی گورموشم
 چوخ وقت قارداش علی نیلوم دولی گورموشم
 من بو گسل وصلیله بیر دستة دامنی

بار سفر باغلیوب بیر کاروان کوچ ایدر
 عتمه لریم هم آتام عموم عسم اوغلموم گیدر
 قارداشسیز باجی علی بیر قیز عیالی نیدر
 تک یالقوز ایوده قویار بو روزگار دنی
 قلبیم دوتار اودیانار اولدوقجا یاد آیریلوق
 هر دم یانار آلیشار کیم قویدی آد آیریلوق
 صفرا نولنجه دیر هر لحظه داد آیریلوق
 یاخشی بولورسن اوزون تقدری ایستر سنی
 من بو سفرده نه وار ممکن دگل آنلیام
 ذکرین ایسدنده ولی تتر وجودیم تمام
 بو قدری بولم علی پوزقوندی حال امام
 گویا که هر یان گیده تعقیب ایدر دشمنی
 بیر پرسنیق بلبلیم نسجه گلون بندیم
 زلفونده دلده علی بیر تک تلون بندیم
 دیلن دانش دورگیلن شیرین دلون بندیم
 طوطی کیمی شکره سن اورگدوبسن منی

بـیر عاشقـم نـعمت و صلـون آله سالـموشام
 چـون دامـن و صلـدن کام مـرام آلموشام
 آلدن نـجه بـوشلیوم بـو دامنی قالـموشام
 حـیرتـده ای گـلشن عشقون گل سوسنی
 اشکیم آخور خود به خود سزین اوزوم بولمورم
 ویرمز امان نیلیوم سانما که من سیلمورم
 گلـسه اجـل راضیم آخر نیه ئولمورم
 غـم لشکری دور ایدوب اطراف پر ایمنی
 «صافی» اوزون مور بول یالقوز سلیمان ایچون
 پای ملخ قیل حساب نظمون او سلطان ایچون
 ذکر حسین فرضیدور هر بیر مسلمان ایچون
 قیلدی او یزدان شناس مغلوب اهریمنی

زبانحال حضرت صغریٰ (س)

آغلار علی ئولنجه صفرا وطنده سنسیز
ای گل نجه دولانسون بلبل چمنده سنسیز

صفرا وطنده سنسیز

روحیم بو گل یوزوندن کسسون علاقه مشکل
بو خسته دل دایانسون دوزسون فراقه مشکل
صبر و تحمّل ایتسون بو افتراقه مشکل

نیلر باجون وصالون ییاد ایلینده سنسیز
یوخدور آنام یانیما قالسون بو حاله یانسون
دوتسون الیمی هر گون بو صحنیده دولانسون
نه نوعی بیر یتیمه بو غملمه دایانسون
سن گزدوقون مکانین نیلوم گورنده سنسیز
بو نوعی گلماقوندا گویا که بیر سفر وار
نه واردی بو سفرده بو پاینده اثر وار
چوخ مضطربدی گوگلوب من بولمورم نه لر وار
بولم بو قدری ئولم قالام وطنده سنسیز

بو درد و بو مرضله مدّتی پای بندم
 تن خسته دل شکسته تبار و دردمندم
 زلفون تلینده قارداش من بسته کمندم
 دوشمز بو مرغ روحیم اوزگه کمنده سنسیز
 یوخ احتیاجی ذکره ای یوسف مدینه
 چوخ مشتری واروندور وار آلدہ بو قرینه
 سنسیز وطنده قالماز دوزمز باجیم سکینه
 دیوانہام بولورسن بیچاره منده سنسیز
 بو فکريله دیردیم دنیاده من قالیدیم
 هر گون سنی گوریدیم دردون اوزوم آلیدیم
 خوش گونلرونده قارداش باشه گيله سالیدیم
 بیرده مگر دایانور روحیم بدنده سنسیز
 بیر ناخوشام که هر گون دردیم ملالیم آرتار
 داش اولسا قلبی هر کیم گورسه بو حالی آغلار
 تا من و ارام جهاندا بو درد و بو مرض وار
 جان تاپشورینجا یانام آدون گلنده سنسیز

آغلار گوزوم همیشه بیر لحظه سانما گوتم
سندن صورا ویرور یوز نه غم بو زاره بوتم
بیرده یوزون گورونجه اولموش یقینیم نولم
سن گور نحاله قالام من جان ویرنده سنسیز
«صافی» صفای قلبون شیرین ایدوب کلامون
اولسا قبول اوجالدور صاحب کلام نامون
گویا بیله دیردی ناخوش قیزی امامون
آغلار علی نولنجه صغرا وطنده سنسیز

زبانحال فاطمه صغری (س) به حضرت علی اکبر (ع)

آپارسان من علی قارداش دل بیمار یله گلم
 آله سالام او زلفوندن اگر بیر تار آله گلم
 اگر چه بستر غمده نه مدت دور گرفتارم
 اوزوم بیر عمریدور قارداش علیم ناخوشام زارم
 گنه آردونجا یوز اوسته سورونماقه کیمی وارم
 سن اولسان خسته جسمیله تن تباریله گلم
 علی مین بیله جسمیمده اگر ضعف مزاج اولسا
 خوشام بازار عشقونده متاع جان رواج اولسا
 گنه سندن اولور قارداش منه هر وقت علاج اولسا
 بو درد رنجدن گل تک سولان رخساریله گلم
 ز بس قارداش باجون صغری ضمیری صافدور بی غش
 دو تو بدور عشق اودی اولموش وجودی سر بر آتش
 یانار جسمی بو آتشد گجه گوندوز سمندروش
 دم خود سوزدن یرده قالان آثار یله گلم

سنه گوگلیمدن عالم سن خصوصی بیر ارادت وار
 علی هر قدر دنیاده وارام من بو محبت وار
 اوزومده بولمیرم سزین نه حکمت نه علامت وار
 وجودیمده سنون عشقون قویان اسراريله گتم
 سالاندا یادیمه قارداش بو هر گون که سیاقون من
 دوام ایلوب دوزوم مشکل چکم درد فراقون من
 یقینم دور گورم توتم قالب بوش بو اطاقون من
 اودور بو نوع یالوارام بو قدر اصراريله گتم
 مریضه حالیمه باجیم سکینه چوخ مواظبدور
 آنام یوخدور آنامدان بو منه آرتوق مراقبدور
 آپارسان غم یمم هرگز علی یاخشی مصاحب دور
 دیریلتم اوندا کیم منده او خوش رفتاريله گتم
 علی ای نوگل باغ بتول و گلشن یاسین
 نشاط جاودان دل علاج غصه دیرین
 مزاجه تقویت گتدون مذاق تلخ اولور شیرین
 سنون تک بيله شیرین دل شکر گفتاريله گتم

غم درد فراقونده رضا اُلوما دوشوم دلدن
قالوم من قالماسون هر کس وطنده بیر بویوک ایلدن
بو ذوقیله که حظّ اولسون اوزاقدان عارض گلدن
رضای باغبانیله جفای خاریله گلم
ویرر بو شعره قیمت هر کسین گر اولسا انصافی
یازار نوحه مدام آغلار بیزه مداحیمز «صافی»
دیر سیزدن بیر ایما دور منیم هر دردیله کافی
اگر بیر دعوت اولسا جمله ی حزاریله گلم

زبانحال حضرت صفوری (س)

ای بابا سنکه گیدورسن یار و غمخواریم کیم اولسون
کیم منیم دردیمه یتسون یا پرستاریم کیم اولسون
ای بابا ای بابا من یتیمم یوخ آنام بی کسم بی کفیلیم
گلسه گوز یاشیم یرینه وار یری قان گوزلریمدن
اولسا جاری هر طرفدن سیل خون اشگ تریمدن
آیری دوشسم نیلیوم من شاهزاده اکبریمدن
بس منیم شمع امیدیم ماه رخساریم کیم اولسون
ای بابا ای بابا من یتیمم یوخ آنام بی کسم بی کفیلیم
اولماسان سن شهر یثرب اودلانور سوز دلیمدن
آیریللام تولم اگر من گلستانیمدن گلیمدن
بلبلیم گل ذکرین هرگز قویمارام دوشسون دلیمدن
اکبریم گیتسون منیم بس زیب گلزاریم کیم اولسون
ای بابا ای بابا من یتیمم یوخ آنام بی کسم بی کفیلیم

چون عموم عباسه دائم بپیر علاقم وار اورکدن
روز شب قیلام دالنجا آه و ناله داد شیون
اولمارام بیرده داخی من غصّه و محنتدن ایمن
باغ عمریمده بو گوندن سرو رفتاریم کیم اولسون
ای بابا ای بابا من یتیم یوخ آنام بی کسم بی کفیلیم

زبانحال جناب فاطمه صغرا (س)

آناسیزام غملم ناخوشام اوزوم ای بابا

دالونجه آغلار قالور روز و شب گوزوم ای بابا

آتا عمو باجی قارداش

گیتسه لر من نجه دوزوم ای بابا

بیر عمریدور هر غمه رنج و محنته دوزمیشم بابا

بو بستر غمده من هر مصیبتیه دوزمیشم بابا

آنا تولومین گوروب درد فرفته دوزمیشم بابا

بیور گوروم کیمده وار بیله بیر دوزوم ای بابا

آنا یانندا بابا هر قیزا باخوب یانمیشام

سکینه نی گورمیشم جان و دلدن اودلانمیشام

آناسیزین بولموشم یوخدی عزتی قانمیشام

آنام آلدن منیم گولمیوب یوزوم ای بابا

ایشیتشم ای بابا قارداشیمدا سنیلن گیدر
 نجه دوزر باجنون قلبی داشدان اولسا نیدر
 دیردیم اکبر منیم مشکل امریمی حل ایدر
 کیمه دیوم گر اولا دلده بیر سوزوم ای بابا
 گیدیر او زلفی اولان قوت دلیم نیلویوم
 یوزه آخان اشگیمی متصل سیلوم نیلویوم
 او طره دن قالماسا الده بیر تلیم نیلویوم
 بو گوهر خالصی بیر رشتیه دوزوم ای بابا
 نه بیر عمو عمه دور ای بابا سنيله گیدن
 نه عون و جعفر قالور نه گل ریاض حسن
 روادور بیر ایل گیده من غریبی وطن
 بونی بیلورسن دونر شامه گوندوزوم ای بابا
 دگل چوخ آسان بابا بو بلا و درد فراق
 حجازی ویران قویور کاش اولیدی ویران عراق
 بو خسته جانیمده وار شدتیه بیر احتراق
 تمام عالم یانار دوشسه بیر گوزوم ای بابا

سینه زن عرض حال

حضرت فاطمه صغری (س) به حضرت سیدالشهدا (ع)

مریضه ام ناخوشام بابا سن گلنجه من نیلوم
نجه کسوم اوز علاقه می بیر قبیلده دن نیلوم
گجه گونوز ناله ایتمیوم یالقوز ایوده من نیلوم
غم فراقه دوچار اولان قلبیده توان اولماز
بو نکته بیر نکته دور عیان کیمسه دن نهان اولماز
بونی یقین بولموشم بابا من سن اولماسان اولماز
گلوب گیدن حالیمی بولن دردیمه یتن نیلوم
اوزون بیلورسن بیر عمریدور درد النده پابندم
دایانمشام گور نه قدر من سختدل هنرمندم
تمام دنیا دان ال چکوب بیر سنیلده خرسندم
بو واپسین دمده سنسیز ای شاه ممتحن نیلوم

همیشه دل گرم دیدم بابا اوز مریضه حالیمدن
 تمام غم ریمده بیر بوگون چخمیوب خیالیمدن
 علاوه اولدی بو غم منیم هر غم و ملالیمدن
 قراریمی آلدی غفلتاً یوز ویرن محن نیلوم
 بو گون یوزیمه باخان بابا غرق بحر پرنمدور
 هامی لباس سفر گیوب گتماقا مصتمدور
 گلن وداع ایلوری منی بیر غریبه عالمدور
 اولوبدی بیت الحزن منه بابا سودوگیم وطن نیلوم
 بو نه سفردور بیر ایل کوچور خاندان عصمتدن
 بغیر من قالموری بابا کیمسه اهل و عترتدن
 نجه وجودیم آلماسون بو غم و مصیبتدن
 فغانه گلموم بو غصه دن ای شه زمن نیلوم
 غمونده ای یوسف وطن اولمیوم نجه نالان
 دالونجه یعقوب تک قالوم انتظار و سرگردان
 نه بیت الاحزان اولور منه سنسیز اوزایویم زندان
 نشانه گر گلسه عاقبت قانلو پیرهن نیلوم

عراقه عزم ایلیوب گیدر سنله قارداشیم اکبر
 نچاره ایلوم علاقه وار نیلوم من مضطر
 نه نوع قارداش فراقنه تاب ایدوب دوزه خواهر
 کنار اولور مندن ایله بیر شمع انجمن نیلوم
 علاقمندم بابا من اول گلرخ دل آرایه
 او هاشمی خاله طره پرخم و سمن سایه
 بو باره ده هم عقیده ام عندلیب شیدایه
 اولورمی گل هجرینه دوزه بلبل چمن نیلوم
 عموم حسن یادگارینی گونده کی خیالیله
 گورنده شاد اولدوم ای بابا من بو احتمالیله
 ولی پوزولدوم عم او غلومی گورجک اوزگه حالیه
 دیدیم اگر طوی لباسینی ایلسه کفن نیلوم
 کیسیله لای لای سسی اگر اصغرون قولاقیمدن
 نولوم مجسم اولور کچر دمبدم قباقیمدن
 بوغازی اوخلانسا ظلمله من بو اشتیاقیمدن
 دونه اگر برگ لالیله بو گل سمن نیلوم

ألونجه «صافي» سزادی گر گلشن آه و افغانه
گجه گونوز يانسان آغلاسان بو غم عزيزانه
نقدري بو سوز اثر ايدر شهریار دورانه
مريضه ام ناخوشام بابا سن گلنجه من نیلوم

زبانحال حضرت صفری (س) در وداع امام حسین (ع)

سنیله بیر ایل کوچور گیدور بابا عراقه
 نجه دوزسون بیر یتیمه قیز بیر علیله قیز فراقه
 آغلارام یانام یانام اودلانام بابا گلنجه سیزلر
 دل و یروب بولسم اکبریم تولم اگر بو اتفاهه
 تولنجه قیلسام سزادی من فغان و ناله
 منظور ایدنده بو ساعتیم بابا خیاله
 گچن کی عمروم گونوم خوشام گله زواله
 وجودیم آی تک بو آنیدن دوشه محاقه
 همیشه گلدون بابا منی عیادت ایتدون
 یتیم لر تک مقامیمی رعایت ایتدون
 بو دفعه نولموش فراقیدن حکایت ایتدون
 تعجبیم من سبب ندور بو افتراقه
 واریمدی بسدور بابا منیم بو آه جانسوز
 نه روزگار امیدبخشی نه بخت فیروز
 قویولا بیر قیز عیالینی تک ایوده یالقوز
 یتیشسه فریادی وار یری بو نه رواقه

بلاکش عمّم گیدور کیمیم غمیمه یتسون
 سکینه باجیم قالورمگر بیرحمایتا یتسون
 روادی بیر ایو اوشاق بیوک تمامی گتسون
 چیخایدی بو جان که ای بابا یتوب دوداقه
 بو سوز سینه بو اضطراب بو گوزده کی یاش
 باجیلا قارداش محبتین ایدر بابا فاش
 علی اکبر گیدنجه من نولیدیم ای کاش
 اسیرم آخر او مه یوزه او سبز ساقه
 نجه دوزوم بیر دگل بابا غم و ملالیم
 بو بستر غمده روز و شب پوزوق خیالیم
 بو آیریلوق فکری بو مَرَض بو من بو حالیم
 تحمّل ایتمک چتیندی بو اولان تفاقه

زبانحال جناب حضرت صغری (س)

بو وصال وقتی سکینه جان غم در دفرقته آغلارام
 بو مریضه حالله روز و شب یتیشن مصیبتہ آغلارام
 او علیله بسکه سکینه غم در دینی دیدی آغلادی
 دو توب اود سکینه او حالدن یوزه سیل اشگینی باغلادی
 دیدی گرچه فاطمه محنتون بو شکسته قلبیمی داغلادی
 گنه من باجی بو سفرده کی گورونن مصیبتہ آغلارام
 بیله ذکر اولور کیم عراقده با بامون سوسوز کسلور باشی
 باجی حق یولندا فدا ایدر آنا او غلنی باجی قارداشی
 توکولن او مظهر عشقده بالا قاین دور آنا گوز باشی
 منی شمر قوبیمیا قورخورام بو زمان او حالته آغلارام
 اولا خوش بو حالتوه سنون غم و غصه شهرینه گنیمیسن
 یارالی جنازه لری گوروب باش آچوق باش اوستونه یتیمیسن
 قولی باغلو شمره اسیر اولوب باجی عجز دشمنه یتیمیسن
 سویولوراو چولده لباسیمیز - گیده چکدی غارته آغلارام

بو سفرده بولگله فاطمه - غم و درد و غصه نشانی وار
باچی من بیانینه عاجزم - بو غمون بیر اورگه بیانی وار
بو قدر بابام قوشونی سنار نولی هر نه تازه جوانی وار
بیزه تازیانه ویرار عدو - من او هتک حرمته آغلارام
بو کمند فیضیده «صافیا» سر صدقیلن ایله کشف راز
ایلسون سکینه و فاطمه سنی راه عشقده پاکباز
سوزوی قبول ایلیوب یقین ویرور آخر اوزلری امتیاز
سوله سنده من هم او بی کسه همی بو مصیبته آغلارام

زبانحال حضرت صفری(س) به حضرت سکینه(س)

نقدر سکینه نفس گلور بو غم و بو محنته آغلارام
هامی ایل قبيله گیدر باجی وطن ایچره غربته آغلارام
دیموسن بو نوعيله آغلاما گلور اکبریم گتورر سنی
باجی قورخورام هجر دن او گلنجه تاپسون اجل منی
خوش او کیمسه حالنه وصلدن دولیدور حوالی دامنی
منه فیض وصل حرام اولوب اودی درد فرفته آغلارام
باجی بستر غمه دوشموشم غم آلوبدی صبر و ثباتیمی
آپاروبدی قدرت قلبیمی بیرایدوب حیات و مہاتیمی
نولی پیک مرگ یته منیم ویره درد و غصه نجاتیمی
نچه وقتیدور هوس ایلرم بيله وقت و فرفته آغلارام
بو قدر سکینه یقین ايله منی آیرلوق غمی نولدورور
چکه هرکس هجر یله بیر نفس اونفس چکن دمی نولدورور
نجه داش گوگل اولایر یلوق اونون اولسا همدمی نولدورور
بو غم بو همد میلن بيله گنه من بو ساعته آغلارام

بولورم سنی آپارور بابام باجی چونکه واردی آنان سنون
 بوسفرده جان علی اکبرون علی اصغرون باجی جان سنون
 آتامحضری آنا خدمتی هامی عیش و نوش جهان سنون
 من اوزوم یتیمه دُچار غم اوز ایویمده ذلته آغلارام
 سن آنالیسان بولورم سنون آتامحضرینده کچرسوزون
 باجی گنت منیم عوضیمده قوی بابامون قدملرینه یوزون
 منه حق رضا سته چاره قیل ایله سن وساطتیمی اوزون
 آپارا یانینجا اگر بابام دیمرم بو محنته آغلارام
 او علیله بسکه سکینه غم و دردینی دیدی آغلادی
 دو توب اود سکینه او حالدن یوزه سیل اشگینی باغلادی
 دیدی گرچه فاطمه محنتون بو شکسته قلبیمی داغلادی
 گنه من باجی بو سفرده کی گوروشن مصیبتنه آغلارام
 بیله ذکر اولور که عراقده بابامون سوسوزکسیلورباشی
 باجی حق یولوندا فدا ایدر آنا او غلونی باجی قارداشی
 توکولن او مظهر عشقده بالا قانی دور آنا گوز یاشی
 منی شمر قویمیا قورخوام بو زمان او حالته آغلارام

اولا خوش بو حالتوه سنون غم و غصه شهرینه گتمیسن
یارالو جنازه لری گوروب یارالی باش اوستنه یتمیسن
قولی باغلی شمره اسیراولوب باجی عجز دشمنه ایتمیسن
سویولور او چولده لباسیمز گیده جاقدی غارته آغلارام
بو سفرده بول گله فاطمه غم و درد و غصه نشانی وار
باجی من بیانینه عاجزم بو غمون بیر اوزگه بیانی وار
بو قدر بابام قشونی سینار اولی هر نه تازه جوانی وار
بیزه تازیانه وورار عدو من او هتک حرمته آغلارام
بو کمند فیضیده «صافیا» سر صدقیله ایله کشف راز
ایلسون سکینه و فاطمه سنی راه عشقیده پاکباز
سوزوی قبول ایلیوب یقین ویرور آخراوزلری امتیاز
سوله سنده من هم او بیکسه همی بو مصیبتیه آغلارام

سینه‌زن

زبانحال حضرت علی اکبر(ع) به فاطمه صغرای(س)

آغلاما صفرا باجی باغریمی قان ایلمه
من سفر اوستنده سن آه و فغان ایلمه
آغلاما آغلاتما چوخ بو سفر اوسته منی
بیله کی سن آغلوسان آغلادوسان دشمنی
ایله یقین اومه سم گللم آپارام سنی
من سنی آغلار قویام سنده گمان ایلمه
سوز دلون شعله سی روشن ایدوب عالمی
شکر ایله بیر عمریدن درک ایلدون بودمی
کامل ایدر عاشقی ایل سوزی هجران غمی
سنده دایان شکوه دور زمان ایلمه
سز ضمیرون اولور رنگ رخنوندن عیان
ظاهر اولان مطلبه پرده نه لازم بیان
من بیلورم بو زمان سن نه چکورسن اینان
سوزش پروانه نی شمعه بیان ایلمه

کوی وفاده دایان گریته غم دمبدم
 قدرینی بیل حفظ ایله هر کسه یتمز بودم
 اهل محبت بیلر بو غمی لطف و کرم
 ذاکر شکر اول باجی وردون امان ایلمه
 یاد وصالیه خوش دوت دل بیماروی
 ذکر رخ یاریله ترک ایله آزاروی
 قویما کنار آنلاسون دلده کی اسراروی
 نکته سر بسته نی غیره عیان ایلمه
 من دیرم آغلاما سینوی ایتمه خراش
 سڑی وار هر عاشقون قان اولاگوزیاشی کاش
 راز دلون خلقه چون فاش ایدراول قانلو یاش
 جسموی مستغرق اشگ روان ایلمه
 فاطمه نون گوئیآ دولدوی وجودینه سس
 آلدی بو دللر دلین ایلدی قوشسیز قفس
 دوشدی بدن حسدن قالدی اوزی بی نفس
 ایلمدی دیدی سنده گل ترک بیان ایلمه

عرض ایلدی ای منیم روح روانیم علی
 قوت جان تاب دل تازه جوانیم علی
 سن گیدیسن نیلیوم نام و نشانیم علی
 بس دی داخی صحبت نام و نشان ایلمه
 نولدوری بو غم منی اولمیا قارداش اگر
 بیر بولوک ایلدن منیم هم نفسیم بیر نفر
 سن دم صبحیله دم ویر منه کسمه نظر
 مُردینه ترک دم ای عیسی جان ایلمه
 گرچه قضا بو ایشی گوردی منیم کینمه
 ووردی جفا داشنی جانداکی آنینمه
 منده بلا اوخلارین نقش ایلمرم سینمه
 قدیمی ای غم دیمم اگمه کمان ایلمه
 فرقتوه دوزمرم گتسن علی سن اگر
 بوش گوره قارداش یرین باجی دوزرمی مگر
 رحم ایله من ناخوشام قیل بو سفردن حذر
 عزم سفر ایله سن نولم اینان ایلمه

طالع خوش بیله یوز کیمسیه گوسترمدی
گلشن اقبالدن من کیمی گل درمدی
لطف خدادور یقین بو کرم سرمدی

سن کیمی قارداش دیور باجی فغان ایلمه

قارداش علی یوز ویروب بسکه سعادت منه
عمریده کی حَظْدَن یتدی بو ساعت منه
ترک ایدرم عالمی بسدی بو لذت منه

خوش دلیلہ کیم دیر ترک جهان ایلمه

غم یمه «صافی» اولور دردیوه آخر دوا
فاطمه قویماز سنی بیله غمه مبتلاء
ذکر مضامین خوش آرتیری قلبه صفا

قابل اظهار اولان ذکر نمان ایلمه

زبانحال جناب فاطمه بیمار
با برادر خود حضرت علی اکبر(ع)

مگرایلیوبدی صبا خبر - یتوروب بو ساعتہ علی
سنى بو جلالت و شأنله - گتوروب عیادتہ علی
علی دولدوریدی او مه یوزون ایله بزم منزلی نوریلہ
که اونوریلہ بیله منزلیم بیر اولوبدی وادی طوریلہ
بیلورم کلیمہ یتشمدی بو سُرور فیض حضوریلہ
منہ شامل اولدی بو مرحمت خوش اولاسعادتہ علی
گنه دامه سالماق مرغ دل خط و زلف و خالیله گلیمسین
من اولوم فداسی گلن یولون نه عجب خیالیله گلیمسین
نیہ بس لباس سفر گیوب علی اوزگه حالیله گلیمسین
چالشور فراقویله مگر بو فلک هلاکتہ علی
علی لطف و مرحمت ایلوب منی سنده یاد یوه سالیمهان
نظر عنایتیلن باخوب نجه گور قراریمی آلمیسان
بویووین بلاسنی من آلوم نه اولوب بو حالته قالیمیسان
که بو حالون آرتری غم منیم بو غم و ملالتہ علی

بو جلال و شکوت و شأنله علی گلماقون نجه بولمدیم
 که دو شوب قدملرون آندا من یوزایاقوه قویوب نولمدیم
 سوسپوب بو مردم چشمیله او غبار راهوی سیلمدیم
 شرف وجودین اولوب سبب بو هامی شرافتیمه علی
 غم و درد النده بیر عمریدورمنه استراحت اولوب حرام
 بولوسن اوزون نه چکوب باجون بو بیر عمریده علی صبح و شام
 ولی زایل اولدی هامی غمیم سنی گورچک ای شکرین کلام
 که شفادی سن کیمی بیر طیب نظر ایتسه حالتمه علی
 نه آنام واریمدی که دردیمه یتشوب مراقبت ایلسون
 نه باجیم یانیمدا قالور دوا گتوروب مواظبت ایلسون
 نه شریک غم نه انیس دل که منه مُصاحبت ایلسون
 بو مریضه حالده کیم منیم باخاجاق رعایتمه علی
 علی فکر زلف کجونله من بولوسن اسیر کمندوم
 که خیال عمر درازيله او کمند زلفده بندوم
 دیمرم که لایق خدمتم ولی گرد سم سمندوم
 اونادا اگر چه سزا دگل باخیرام لیاقتمه علی

بولوسن بیر امردی چوخ چتین اولاعندلیب گل آیریسی
 باجی قارداش عمه آتا عمو گیده من قالام برایل آیریسی
 علی بیر دقیقیه دوزمین نولی بیر دن اولسایل آیریسی
 دوشر اود بو اولدی وجودن هامی صبر و طاقتمه علی
 علی بیر محبت خاص وار سنه بیر ارادت باطنی
 اودوی یغموشام یتشنده سن غم و درد و غصه باطنی
 گوروسن خوش اولما قیمی اوزون دل خسته عشق نشاطنی
 بولورم که گون بگون آرتاجاق باخورام ارادتمه علی
 باشیم اوسته اگلنوب ایتیمسن گنه سربلند جهان منی
 یته باشه عمر گلوب اجل تاپا کاشکی بو زمان منی
 منی ترک ایدنده گیدنده سن نولی ترک ایدده علی جان منی
 او همان قیامویله نولم یتیشم قیامتته علی
 نولی بیر نظر ایله «صافیه» دیمه خدمتنده قصوری وار
 بو قصوریله گنه خدمته همه وقت دلده سروری وار
 اوزون ایسته قبریوه ویر نجات بولوسن باشندانه شوری وار
 او شریف بقعه ده ساخلاسان خوشام اوز اقامتته علی

زبانحال حضرت صفوی (س)

علی قارداش یتوب جانیم دوداقه

قویوب بو حالده گتمه عراقه

نجه بیچاره صفرا دوزر آواره صفرا

علی بو خسته جانیم حال زاریم

بو سوز دل بو چشم اشکباریم

بو سانسیز غم بو روز روزگاریم

توانا یوخ دوزم درد فراقه

آتا عمه عمو باجی گیدیلر

بو یالقوز بیر یتیمی ترک ایدلر

آلار دلدن سوزیمی هانسی دیلر

ندور آخر سبب بیله نفاقه

علی نه واسطم وار نه وسیلم

آناسیز بیر یتیمم بیر علیم

بوگون بیرجه سنه قارداش دخیلیم

منی اسکات ایدور بیر بو علاقه

گوگلدن بو جماله شایقم من
بولور سن اوز سوزومده صادق من
اگر چه باجیم بیر عاشقم من

بو حسن و صورته باشند ایاقه

علی کیملر گیدور کیملر قالولار
قرار و صبریمی آلدن آلولار
نولوب بو زاری بو حاله سالولار

نه باعث دور مگر بو اتفاقه

ایدر کیم بیرده مندن پرسش حال
اولور سنسیز علی جو یای احوال
نولور سن گتمه قال بو گوگلومی آل

بسیمدور اولسا وصلوندن افاقه

آناسیز بیر قیزام گولمز یوزوم وار
اور کده نسگلیم وار چوخ سوزوم وار
نه چاره ایلیوم سنده گوزوم وار

اوزیمده والهیم بو اشتیاقه

منه قارداشی علی کیمدور مصاحب
اورلور کیم خسته بیر جانه مراقب
باجیم باری قالوب اولسون مواظب

دوشنده تاب و تندن احتراقه

کیمه اوز حالیمی من ایلیم فاش
نولیدیم گورمه میش بو ساعتی کاش
دوزر هانسی باجی دنیاده قارداش

بو درد محنته بو افتراقه

یقیندور «صافیدن» اولموش حواله
سنه «صدری» بیله مشکل مقاله
کفایت ایله تنها بو نواله

داخی قویما قلم دوشسون محاقه

زبانحال حضرت صفیری (س)

فراقوندا علی قارداش آغلار گوزوم وار
 باجون ٹولمور توکور قانیاش گور نه دوزوم وار
 علی اماندور گتمه دایان دور
 آز منی یاندور آغلار گوزوم وار (۲)
 نجه باجون گوتورسون گوز گل یوزوندن
 مین ایل گورسم گجه گوندوز دویمارام گوزوندن
 ندیم آخر دیورسن دوز آل چک اوزوندن
 فراقوندا علی قارداش آغلار گوزوم وار
 عسلی ای مهر دل افروز ماه مدینه
 یوزون بیر شمعی دور جانسوز باخ بو حزینه
 روادور کیم قاللا سنسنیز سکینه
 فراقوندا علی قارداش آغلار گوزوم وار
 گوگل عشقونله سرخوشدور باخ گور یوزیمه
 دوتوب آتش یانام خوشدور گر اوز اوزیمه
 ندیم گورسم یرون بوشدور تپراق گوزیمه
 فراقوندا علی قارداش آغلار گوزوم وار

دیدیم قارداش علی اکبر در دون من آلام
 هوای عشقوی بسو باشه سالام
 نسیدیم سنسبز من مضطر آواره قالام
 فراقوندا علی قارداش آغلار گوزوم وار
 آلوب آرامیمی الدن چشم سیاهون
 گسرفتار ایلیوب اولدن طرز نگاهون
 غم هجران سالوب دلدن بسدور گواهون
 فراقوندا علی قارداش آغلار گوزوم وار
 چکه بولمز علی پرده هجرانه گوگوم
 ایدر ناله گلور داده غمخانه گوگوم
 چتین آبسادی اولا ویرانه گوگوم
 فراقوندا علی قارداش آغلار گوزوم وار

زبانحال

فاطمه صغری به جناب زینب (س) در موقع وداع

عزم عراق ایلیوب گیدر شاه انس و جان عمه عمه جان
 چوخ گسترور غم بو سفر ایلم فغان عمه عمه جان
 یاد ایتیمسن صغرانی سن رفع اولدی اندوه و محن
 غم گیتدی چون سن گلمیسن یار مهربان عمه عمه جان
 قربان گلن یولاریوا رفتاریوا گفتاریوا
 گوز یاشوی رخساریوا توکمه بیر دایان عمه عمه جان
 بساخدوقجه اشگ آلیمه یانام اوزوم احوالیمه
 بولم مریضه حالیمه یوخ داخلی یانان عمه عمه جان
 سولموب گل سوسن کیمی بیر بخت قاره من کیمی
 آفت گورن گلشن کیمی منده وار خزان عمه عمه جان
 عمه بیله معلوم اولور هر کیم گیده مظلوم اولور
 بو فیضدن محروم اولور بیر بو ناتوان عمه عمه جان

دوشدوقجا هجران یادیمة آتش سالور بنیادیمة
 یتدون منیم فریادیمة یاخشی بو زمان عمه عمه جان
 نه وار آنام حالیمی بیله گوز یاشمی یوزدن سیله
 ای کاش آناسیزلار آله باغیریم اولدی قان عمه عمه جان
 بیر بال پر بسته بیر قوشام مدّتدی زارم ناخوشام
 واللّهی ئولسم دلخوشام ویرسم ایمدی جان عمه عمه جان
 سوز یوخ قان آغلار گوزلریم یاده دوشنده اصغیریم
 ئولسم گلنجه اکبریم سنده آغلایان عمه عمه جان
 من بند زلف اکبرم محو جمال اصغرم
 گنتسه اگر من نیلرم اکبر جوان عمه عمه جان
 زلفونده کی بیر تل منه خوش عمریدور بیر مین ایل منه
 هم گلدی هم سنبل منه یاندیم الامان عمه عمه جان
 نسیر منی شاه جهان قیلسا عروسه همزبان
 منده اولام شامه روان گنتسه کاروان عمه عمه جان
 «صافی» دوتوب گوگلون غبار ترک ایله دلدن هر نه وار
 دوت دامنین اولما کنار آغلا قیل بیان عمه عمه جان

زبانحال جناب فاطمه صغری (س)

ای بلاکشرین یاری زینب

یاد ایدوبسن بو بیماری زینب

من علیم بیکفیلیم من سنه عمه دخلیم

یاخشی ساعتدور عمه بو ساعت

ایلیوبسن منی سن عیادت

کیم گوروب بيله لطف و عنایت

کسمه لطفون سنی تاری زینب

من علیم بیکفیلیم من سنه عمه دخلیم

چوخ دولوب عمه چشم سیاهون

صبریمی آلدی طرز نگاهون

ای من بیکس و بی پتاهون

غم گونی یار و غمخواری زینب

من علیم بیکفیلیم من سنه عمه دخلیم

گلمیسن مین غم و محنتیله
چوخ باخورسان منه حسرتیله
بو گلش بیله بیر سرعتیله

گوسترور اوزگه اسراری زینب

من علیم بیکفیلیم من سنه عمّه دخلیم

یوخسا ای عمّه تازه خبر وار
بیله کیم گورسنور بیر سفر وار
بولرم بو سفرده نه لر وار

سویلور کیمسه آشکاری زینب

من علیم بیکفیلیم من سنه عمّه دخلیم

من وازام عمّه جان بو سفرده
یا یوخام ویر خبر چکمه پرده
بوندان آرتوخ منی سالما درده

اودلاما سن بو بیماری زینب

من علیم بیکفیلیم من سنه عمّه دخلیم

بولمیشم گیتسه شاه مدینه
عمّه بیشک دایانماز سکینه
کیم مواظب اولور بو حزینه

چوخ اولان گونلر آزاری زینب

من علیم بیکفیلیم من سنه عمّه دخلیم

اولمویبیدیم بوگون عمّه من کاش
خوشدلم نقشیمی پوزسا نقاش
گیتسه آتا عمو باجی قارداش

نیلرم باغی گلزاری زینب

من علیم بیکفیلیم من سنه عمّه دخلیم

منله درد و محن آشنادور
خسته جسمیم غمه مبتلادور
بیر مریضه قیزون گور روادور

قالمیا بیر پرستاری زینب

من علیم بیکفیلیم من سنه عمّه دخلیم

من خوشام طرزه اکبريله
بندم اول کاکل اصغريله
آغلارام گولترم ايللريله

گريره دوشسه بير تاري زينب

من عيلم بيكفيلم من سنه عمه دخليم

وار یری گل کیمی سولسام عمه

باش آچوب زلفومی یولسام عمه

اوز ایونده غریب اولسام عمه

کیم تاپار اوندا بو زاری زينب

من عيلم بيكفيلم من سنه عمه دخليم

زبانحال حضرت فاطمه صغری خطاب به ام‌السلّمه

گوزوم نه‌فته دین ای جدّه اشگبار اولسون
 گوگل نه‌فته کیمی بیله بی‌قرار اولسون
 نه‌مدنه کیمی ای جدّه یالقوز ایوده منیم
 گجه‌گونوز ایشیم افغان و آه و زار اولسون
 هانی او ایل او قبیله او گل او گئت او جلال
 هاچانا تک من اولوم بو دل‌فگار اولسون
 بو شهریده بیری اولسون خیالمه گلیمیر
 منیم کیمی بو قدر تیره روزگار اولسون
 آنا نولومونی گورسون آتا‌عمو قارداش
 باجی فراقنه بیر مدتی دوچار اولسون
 او‌گونکه گون که آنام تولدی طالعیم یاندی
 گرک آناسیز اولان قیز بو نوع خوار اولسون
 آنام‌الوب آتا‌قارداش باجی‌گیدوب سفره
 نه‌عمّه وار نه‌عمو جدّه غمگسار اولسون

نه بیر قابومی آچان وار نه بیر تجسس ایدن
 کیمیله همدم و همراز بو نزار اولسون
 نه دادیمه یتیشن وار نه حالیمی سوروشان
 باخوب نه وضعنه بیر لحظه خوش بوزار اولسون
 کیمیم واریمدی ایده جدّه پرسش احوال
 کیمیم واریمدی اونا سرّیم آشکار اولسون
 اولوبدی اوز وطنم جدّه جان منه غربت
 او کیمدی بیله غریب دیار و دار اولسون
 بو ساوقه هاموسی سلب اختیار ایلر
 بویور گوروم نقدر منده اختیار اولسون
 اوزوم ایساقه دورا بولمزم چخام دیشره
 تاپام او شخصی که پیک دیار یار اولسون
 بابام عراقه گیدندن گوزوم قالبوب یولدا
 هانی منیم کیمی بیر چشم انتظار اولسون
 نه بیر پیام نه بیرنامه وار نه بیر قاصد
 دیم که نامه یازان بیر کتاب وار اولسون

گیدون سراغ ایلیون بلکه بیر خبر بیله سیز
 که تا تسلی خاطر او اختبار اولسون
 اولور که بیر نفر اولسون عراقدن گلسون
 اولور گذاری دوشن بیر شترسوار اولسون
 بو قدر بولرم آخر بابام باشندا نه وار
 گوروم عراق عرب جده تار و مار اولسون
 گمان ایله موزم من یتیمه دن هرگز
 بو نوع بی خبر اول شاه تاجدار اولسون
 بویوردی گر قلام اکبر گلور سنی گتورور
 گرگدی قولنه صاحب او شهریار اولسون
 نه اوزی گلدی سفردن نه قارداشیم گلدی
 خوش اول ماقا نجه گوگلوب امیدوار اولسون
 اجل طبیبم اولا راضیم باش اوسته گله
 نه مدته کیمی بیر خسته سوگوار اولسون
 چوخ ایسترم من اولوم بیرده اکبریم اولسون
 او زلف پرخم و پرچین و پرنگار اولسون

که بلکه بو گِره قلبیمی او زلف آچسون
 سبب گشایشه گیسوی تابدار اولسون
 دوشوبدی تابدن آخر بو رشته جانیم
 که عمر تاری قالان عمریده اوتار اولسون
 مدینه ده او منیم عزّ و اعتباریمدی
 او اولماسا نجه ممکندی اعتبار اولسون
 بولم گلور سورنوب من یول اوسته اگلنم
 که خاکپاینه بو خسته جان نثار اولسون
 سرشگیله سولارام جدّه معبرین قویمام
 سُم سَمندنی آلوده غبار اولسون
 بونيله بیله ولی قورخورام من ای جدّه
 خیالیم عکسنه بو چرخده مدار اولسون
 نولم گلنجه او شهزاده گورمیم یوزینی
 بو آرزوی خوشوم پای قبره یار اولسون
 نقدر نسل اولار جدّه کُنچ محنت و غم
 مزوره حسرت اولان زایره مزار اولسون

محال دور منی یاددان چخاردالار عملار
 علی الخصوص علمدار نامدار اولسون
 آتام کیمی منی عباس عموم چوخ ایستردی
 رضا دگلدی یوزیمدن گوزی کنار اولسون
 نه نوع ممکن اولور بیله بی خبر قویسون
 ایشیق گونوز من محزونه شام تار اولسون
 او غم کشیده بی بیم زینبی خیال ایدرم
 گرک نه پاینده اندوهی بیشمار اولسون
 منی بو مدتی بیر دفعه سالماسون یاده
 بسو قدر غافل او گنجینه وقار اولسون
 بولنمورم بونی هر بیر یوليله فکر ایدریم
 اولور که وقعه ایام ناگوار اولسون
 یتیم لر آناسی بولمیشم او خواتونی
 بو بولدوقیمدا خطا ایله سم من عار اولسون
 گوره جاقام گوره سن جدّه باغ عمریمده
 گیدنلرون گلشيله خزان بهار اولسون

روادی گور بو مریضه قیزون بو حالنده
مصیبتی چوخالوب بیر غمی هزار اولسون
روادی بیر بالا کیم گوزله سون آتا یولونی
وطنده بیر نچه آی شغلی اضطرار اولسون
آتا سنون خبر مرگنی ایدوب احساس
مدام بیر نگران یولدا رهسپار اولسون
خبر یتشسون اونادور گیدنلرون گلدی
گلن تمام سیه پوش بیر قطار اولسون
باجیدی قارداشی نولموش آنادی اوغلی نولوب
گلن اونون یاننا جمله داغدار اولسون
روادی قارداشون قانلی جامه سین گورسون
آنا الینده گنه باجیده قرار اولسون
کیمون یوزینه نظر ایتسون اکبرین یرینه
او کیمدی بیرده بو زاره او گلعدار اولسون
رباب النده نجه قانلو قونداقا باخسون
او بیکسه عوض طفل شیرخوار اولسون

بونی ایشیتسون ایدوب اصفیرینی قان سیراب
 گنه خیالی تماشای جوپبار اولسون
 عمو سنون علمین گورسون عمه سی گتوروب
 نه قسم تاب ایلسون شغلی اصطبار اولسون
 سکینه خواهشنه بیلسه قول سو اوسته ویروب
 اونون کیمی بودا لازمدی شرمسار اولسون
 عروسین اللرینون قان حناسی گزلنمز
 اگرچه فاطمه مقصودی استتار اولسون
 قولاقنون یاراسندان اولور که قان آخسون
 نجه جفایه مبدل بو اشتهار اولسون
 گرک عم اوغلیسی قاسم غمنده تا جان وار
 انیسی آه جگر سوز و جان شکار اولسون
 نه نوع بیرده بو قیز زینب عمه سین تانسون
 قوجاقلاسون اونا هم ناله زار زار اولسون
 کشیده قامت اگلمش ساچی آغارمشدی
 نولور بیر عورته بو قدر غصه یار اولسون

آنسده اولمیا سانسیز یارا دگن کوینگ
حسیندن ندی صغرایه یادگار اولسون
روادی عزت دین رکن خانه ایمان
حسین قستیل گروه ستم شعار اولسون
روادی عرشه گیده پای داردن عیسی
مسیحه دم ویره نه نیزه باشی دار اولسون
روادی اکبر و قاسم یتشمه سون کامه
بیزید قتل حسینیه کامکار اولسون
روادی بو نولن نولسون کبوتران حرم
گراز کرکس الینه دوشوب شکار اولسون
بالاجا قزلاری دشمن او قدر قوسونلار
که گل ایاقلاری مجروح نوک خار اولسون
اوزانندی مطلیم «صافیا» اوزاق گیتمه
نظر بویندی که بروجه اختصار اولسون
ویریلدی سگه عزت اوگون حسین آدینا
آنسدی باری که تا کامل العیار اولسون

دوباره ذکر ایله صغرا آدینی ختم ایله
امیدوار سوز اونا سازه سازگار اولسون
دی آغلا بو سوزی دنیاده هر قدر وارسان
گوزوم نه وقته دین ای جدّه اشگبار اولسون

زبانحال جناب مسلم (ع) به حضرت سیدالشهداء (ع)

گلشن اماندور یا حسین ای عم اوغلی جان گلمه کوفیه
 سنسن نجات عالمین ای عم اوغلی جان گلمه کوفیه
 ای یادگار مصطفی آرام جان قلبه صفا
 یوخ کوفه اهلنده وفا ای عم اوغلی جان گلمه کوفیه
 بسی شرمدور بسو کوفیان بولمزله رسم میهمان
 سنسن توان جسم و جان ای عم اوغلی جان گلمه کوفیه
 ایتدیله اول پیشواز بیعت ایدن قیلدی نماز
 تک قویدیلار گچموب بیر آزای عم اوغلی جان گلمه کوفیه
 هر کس گلوب گوردی منی اوپدی گلن بو دامنی
 آخر اولوب جان دشمنی ای عم اوغلی جان گلمه کوفیه
 فوت ایتمیوب فرصتترین گستر دیله همتترین
 سندیر دیلار بیعتترین ای عم اوغلی جان گلمه کوفیه
 باخ اونلارین پیماننه یسوخ دیننه ایماننه
 آندویژم اکبر جاننه ای عم اوغلی جان گلمه کوفیه

رحم ایت اماندور اکبره شسبه رخ پیغمبره
لیلانی سالما چوللره ای عم اوغلی جان گلمه کوفیه
قاسم طویون ایلله یاس باخماز گیوب تازه لباس
جدیندن ایتمزله هراس ای عم اوغلی جان گلمه کوفیه
ایلله بو قوم شریر اهل و عیالون دستگیر
زینب نجه اولسون اسیر ای عم اوغلی جان گلمه کوفیه

زبانحال پسران حضرت مسلم با حارث علیه اللعنة

چو بلبلان گلستان مسلمی بر زاغ
 اسیر گشته بگفتند زاغ را در باغ
 بیا بکشتن ما حارثا چنین تو مکوش
 چراغ مسلم بیچاره را مکن خاموش
 ترخمی بنما تا یکی زنی ما را
 ز ضرب سیلی تو گوش هوش شد اطروش
 ز ما تو دست بدار ای لعین بدفرجام
 مگر اثر نکند در تو این انین و خروش
 برسم این نبود رسم میهمان داری
 که میزبان بنماید به قتل مهمان کوش
 نمی شناسی اگر مازآل طاهائیم
 به جدّ ما بنمودند قدسیان کرنوش
 مشو تو حارث تخم ستم آیا حارث
 بحق حارث حق شاه هل اتی بر دوش

بما تو دست تظلم کنی دراز بچند
نه تاب ماند و نه طاقت نه صبر ماند و نه هوش
کنیم چسند وصایا اگر کنی تو قبول
دهی تو گوش و نمائی مصونشان در گوش
اول همین بود آر خواسته است ابن زیاد
ببر تو زنده به پیشش ز قتل چشم بپوش
وصیت دگری ای ستمگر بیدین
اگر نمود تو را مال دنیوی مدهوش
مکش بگیر تو از دستمان ببر ما را
میان سوق غلامان غلامان بفروش
یکی همین تو اگر ای لعین کافرکیش
بخون ما شده گتشنه تا نمایی نوش
بده اجازه و رخصت که تا کنیم نماز
به یاد آر حق ما دو طفل دوش به دوش
بداد بار دو رکعت نماز بیر ایشان
همان ستمگر سرمست و مست جام انوش

نماز خوانده و با یکدیگر دو رشک چمن
در آن زمان جدایی شدند هم آغوش
بنال «صافی» از این بیشتر مصیبت نیست
بسوخت دفتر و خامه خموش باش و خموش

پسران حضرت مسلم (ع)

گل بیزی نولدورمه حارث خالق یکتایه باخ
 یا پیمبردن اوتان یا حضرت زهرايه باخ
 رحمه گل آخر یتیموخ بی کسوخ افتاده یوخ
 مسلمون اولادیوخ ظالم ایکی شهزاده یوخ
 بیز رهین متئوخ هر قدری بو دنیاده یوخ
 شرم قیل قورتار عقوبتدن بیزی عقبایه باخ
 بسدی بیرایل چکمیشوخ زنداندا بیز رنج و تعب
 چوخ آجیقلا نما یتیموخ قیل مراعات ادب
 بیر آنامیز وار که یول گوزلور وطنده روز و شب
 ایکی گلدن آیریلان بیر بلبل شیدایه باخ
 آز ویروب سیلی ایکی نسرینی دوندر سو سنه
 گورمیوب بو ظلمی بیر دشمن روا بیر دشمنه
 کافر اولساخ بیز قونا قوخ فرضیدور حرمت سنه
 اکرم الضیفی ایشیت بیر لحظه بو ایمايه باخ

گوئیا تقدیریمز چکدی بیزی بو منزله
 چوخ دولاندوردی گتوردی ویردی دست قاتله
 چاره یوخ بیز سلم محضوخ ایتمروخ هرگز گله
 سسن مآل کاری فکر ایله فنا دنیایه باخ
 گورمیوب بو دیده عالم بیزیم تک بیر قوناق
 هم غریب اولسون همی یالقوز کمک سیز هم اوشاق
 اوز قوناقین بیر نفر نولدورمیوب سندن قاباق
 سنده گل نولدورمه قانون شه بطحایه باخ
 گر مسلمان سان خلاف دین اسلام ایلمه
 مسلمین ایچره اوزون رسوا و بدنام ایلمه
 عامداً ظالم ایکی قتله سن اقدام ایلمه
 دوزخی یاد ایله گوز آچ خالد فیهایه باخ
 اولسا منظورون بو نولدورماقدا دنیا ثروتی
 چک بیزی بازارده سات باشوندان آت بو نیتی
 آل ایکی یوسف جمالون هر نه اولسا قیمتی
 صورت اوضاع مصری گورمه سن معنایه باخ

قستلیمیزده گر بیزیم ابن زیادین وار گوزی
 زنده تسلیم ایله گورسون بیزایکی سولموش یوزی
 سن بیزی ئولدورمه قوی ئولدورسه ئولدورسون اوزی
 قبر ایوین سال یاد یوه باشونداکی غوغایه باخ
 تنگ اولوبدی ایمدی که بو عرصه فرصت بیزه
 ئولدورورسن چاره یوخ دورقویموسان حرمت بیزه
 ویر ایکی رکعت نمازین قدریجه مهلت بیزه
 مذهب دین و شریعت صاحبی طاهایه باخ
 آدیلا رخصت نمازه ایتدیله فوری قیام
 ساغلیوب احرام بسولدوله سواللهی حرام
 سویلیوب اولده بسم الله آخرده سلام
 یوز دوتوب درگاه حقه عشقه باخ سودایه باخ
 عرض قیلدیله خداوندا بیزه یوخدور پناه
 بو ستمگر اوز ایسوینده اولمادی امیدگاه
 عدلیله حکم ایله معشرده اوزون اول دادخواه
 بیزده سن بو اشک چشمه لرزش اعضایه باخ

کلمه نفرین ایشیدجک ویرمدی حارث امان
 باشلارین کسدی سویا آتدی سورنگی اولدی قان
 بیر بیریندن آیری دوشسون قویمادی آب روان
 سنن محبت ذره سینده قدرت دریایه باخ
 سو یوزینده قول بویون اولدی ایکی باشسیز بدن
 یاد اولور بو ماجرادن اوزگه بیر درد و محن
 قول بویون اولموب حسین عباسیله آخرندن
 هم امامون حالنه هم تشنه لب سقایه باخ
 شاه لب تشنه یتنده باوفا قارداشینه
 بولمدی باخسون او سرور قارداشون گوز یاشینه
 یا کسيلمیش اللرینه یا داغيلمیش باشینه
 شیعه سنده چشم باطنله همان صحرايه باخ
 سسلدی عباس سنسيز گلموری بیرده بتلیم
 ایله بولدییم جان ویروب ایمدی هامی ارخام ایلیم
 نه دیوم جانیم سنه قربان داخی دوتمور دلیم
 بیرجه آچ قانلی گوزون بو صورت و سیمایه باخ

«صافیا» بول مُسلمون روحی اولور برزخده شاد
بو ایکی طفل یتیمی یاد ایدوب قیلدوقجا داد
وار بو امیدیم که اولسون توشه قبر و معاد
ایله خدمت ساز برگ محشر کبرایه باخ

فرمایش حضرت سیدالشهدا (ع) به

جناب محمد حنفیه

قارداش محمد قوی گیدیم گنت روضه رضوان سنون
من کربلا مهمانیم جان اول مزارون جان سنون
جبراً گرگدور من گیدم گنت اول مدینه ساکنی
پیغمبرین چک جان کیمی آغوشه قبر پاکنی
شوط ایله گاهی مسجدین گه روضه غمناکنی
قرب وصال حق ایچون اول محضر جانان سنون
قرب وصال حق منه چون کربلا میدانیدور
بازار عشقه تاجرون سرمایه سی اوز قانیدی
جان نقدینی ویرماق گرک روز ازل پیمانیدور
گرچه ملالون آرتوری بو عهد و بو پیمانندان سنون
قارداش ولیده شامدن برنامه یازمیشدی یزید
آلسون یزیدین بیعتین آل پیمبردن ولید
گلدیم گیدم منده اولام دشت بلا ایچره شهید
شعله چکر هجران اودی قلبون اولور سوزان سنون

جدیم بیلہ امر ایلیوب من قانمہ غلطان اولام
 جانانہ یتمیش بیر نفر قربانیلہ قربان اولام
 روز جزاده امّته تا شافع عصیان اولام
 بسدور تولنجه مونسون درد و غم هجران سنون
 سرمست جام الفتم باشیمده وار سودا منیم
 راه سعادتده دولوب مهر و وفادن دامنیم
 تیغ و سنان و تیرلن صد چاک اولان اعضا منیم
 بزم عزاده دایماً بو دیدة گریان سنون
 قارداش یخالار اهل کین سرو و ریاض حیدری
 یعنی دوشر عباسمون بیر اوسته قولسیز پیکری
 بیر یاندا مشکى بیدقى بیر یاندا قانلو اللری
 بو ظلمه صبر ایتک منیم دو تماغ عزاهران سنون
 باشندان آخان قانندان دولار چون اکبرون گوزکاسه سی
 دشت عراقی دولدورور افغانله لیلا سسی
 گاهی صدای طبل و نی گه آه و واویلا سسی
 قارداش اولور قارداشوه دنیا او گون زندان سنون

راه و فسادہ بولرم اکبر ندور اصغر ندور
 عباس عون و قاسم و عبداللہ و جعفر ندور
 جان ہمدمی تیر بلا باش ہمسری خنجر ندور
 عاشق دیمز جانانہ بو باش منم بو جان سنون
 مندن صورا صفرایہ سن چوخ لطف و احسان ایتگلہ
 ناخوشدی یت سر وقتینہ خوشحال و خندان ایتگلہ
 قارداش بیتمہ قیزدو چون باخ یاد قرآن ایتگلہ
 باخسان نگہدارون اولور ہر نشادہ یزدان سنون
 ای ایسی قوم اوستہ قویان یوز سینہ صد چاکلہ
 «صافی» دو توب دامانوی بیر اعتقاد پاکلہ
 بیردہ اولیدیم روبرو اول روضہ غمناکلہ
 عمریم یتشدی آخرہ من قبریوہ قربان سنون

نوحه محرم

گلوب فریاده شیعه ایله ناله

بساط کربلانی سال خیاله

یتوب فصل عزا ماتم زمانی

سالوب یاده شهید کربلانی

محرم دور دوتوب شیون جهانی

بساتوب دور عالم و آدم ملاله

بو آی گلدی ملانک شور و شینه

تماماً ساخلیوب ماتم حسینه

یتوب غصه رسول عالمینه

ویروب یوز غم رسول ذوالجلاله

آچوب باش اولیا یکسر بو آیدا

توکر قان یاش پیمبرلر بو آیدا

شهید اولموش علی اکبر بو آیدا

قویوب لیلانی حسرت گل جماله

آنا مین نقشه چکمیش لوح دلدہ
یتورموش بیر جوان اون سکز الدہ
ٹولوب اوغلی قالب حسرت گوگلده

دوشوب بیر آینده لیلا بو حاله

دوتولدی قاسمه بیر طوی آساسی
که کامه یتمه میش باشلانندی یاسی
کفن دامادون اولدی طوی لباسی

عروسی قویدیلار حسرت وصاله

دوم محرم ورود به کریلا

یتدی کوی عشقه شاه کریلا سلطان عشق
 سویلدی اول قدم یارب منم قربان عشق
 دوتدی الده نقد جان ویردی یاخشی امتحان
 قارداشی عباسه تا صادر اولوب امر امام
 بیر چوخور یرده همان حکمیله قوردورسون خیام
 ساربانلار اندیروبدی یوکلرین یکسر تمام
 شهریار عشقندن بولدی اودور فرمان عشق
 نصب ایدوب بیربیر امامین خیمه شاهانه سین
 بال بسته پر سنق بلبلرین کاشانه سین
 قوردولار باشندان اوشاهون اوز عدالتخانه سین
 بولدیلر اوردا اولور محشر گونی دیوان عشق
 گوردی شه اول سرزمینده وار ز بس بار بلا
 گرم دور بار بسلائیله او بازار بلا
 نقدجان الده قدم قویدی خریدار بلا
 مشتری اولدی متاع عشقه بازارگان عشق

آچدیلاز هر بیر طرفده بو متاعی بار بار
 اکرین اول او کالایه ثمن ویردی قرار
 بوینونا سالدی کفن گوندردی اولسون جان نثار
 دولدی عشق سرور مظلومیله میدان عشق
 احسن صورتله میداندا گورنلر اکبری
 اکبری گوردی ولی یاده سالوب پیغمبری
 عاشق جانان بو نوعی حسن خدمت گستری
 خدمتنده وار بولور مین گونه استحسان عشق
 اول زمان کیم قالمادی سلطان عشقه دادخواه
 باش ویروب گچدی ایکی الدن علمدار سپاه
 عاقبت اوز اللرینده ساربانه ویردی شاه
 سویلدی بو دورت ستون اولسون گرکارکان عشق
 عشقه باخ عاشق ویروب عشقه اوزی عالی عیار
 باش ویروب عشقین بولوندا عشقی ایتسون پایدار
 قان ویروب گلزار عشقی ایلسون دانم بهار
 جاودانی ایتسون عشقین روح جاویدان عشق

«صافیا» ویردی حسین بیر عشق درسین عالمه
تا جهان وار مشق اولوب بو عشق نسل آدمه
ایسته سن معنای عشقی باخ کنار علقمه
تا سنه شرح ایلسون فرمانده گردان عشق

زبانحال حضرت حسین(ع) در ورود به کربلا

قارداش خبر ویر گچمسون دایانسون ساربان
دوشسون بو یرده کاروان هامی پیر و جوان
چون کوی وحدتدور بو یر بزم محبتدور بو یر
عهد ایتمشم جانانیه ویرم لب تشنهجان
قارداش دیار یاردور بو دشت پر خطر
نور رخ جانان اولور دمادم جلوهگر
بیر عده معدود اولوب منیه همسفر
ویرم همان اشخاصه بو یرده امتحان
امر ایت ور یلسون خیمه لر چوخور یرده تمام
تا قورخماسون اهل حرم اولاندا ازدحام
شرم ایلمز من بولمشم حیا سیز اهل شام
دورت بیر طرفدن اوستمه قویار یوز کوفیان

قارداش اجابت ایلرم یتشه هر بلا
تسلیم محضم ویرمیشم قضایه من رضا
جانان یولندا ایتماقا محقر بیر فدا
بازار عشقه گلیمیشم الیمده نقد جان
بیجا دگل اولسون گرک بو صحرا منزلیم
بوردا گلور قارداش آله هامی کام دلیم
وار شمر سنگین دل کیمی منیم قاتلیم
باشیم جداده حالیمی ایدر یاخشی بیان
اول کسر سویولارین بو چولده قوم کین
بیر قطره سو دوشمز آله بونی ایله یقین
اوچگون قویالار تشنه لب پیغمبر عترتین
خردا اوشاقلار نی کیمی ایدر یکسر فغان
لیلانن الدن ظلمیله آلوار اکبرین
قانه بویالار گل یوزین گوزین گیسولرین
قارداش گتورم خیمیه یارالی پیکرین
فریاد ایدر اهل حرم اولور محشر عیان

الده دوتار تیره کمان وفاسیز حرمله
اوخلار بوغازین اصغرین گلور منظور آله
اثبات حق ایلر او گون همین بو مسئله
چشم زمانه گورمیوب ایله بیر ارمغان
الذن آلولار اهل کین قرارین زینبون
بیر شرح طولانیسی وار بو گزلین مطلبون
گورجک پریشان حالنی دوتقین کوکیون
قلبم یانار اشگیم یوزه اولور گوزدن روان

زبانحال جناب زینب(س) به حضرت سیدالشہداء(ع)

قارداش نہ یردی بو یر سالدی ملالہ سنی

رنگون سارالدی نہ وار قویدی بو حالہ سنی

قویدی بو حالہ سنی

نہ توزدی قوندی بو توز خورشید وار یوزیوہ

بیر غملو پردہ چکوب گرد و غبار یوزیوہ

باخدوقجہ اشگیم آخار بی اختیار یوزیوہ

ہجرون نظرده دوتوب سالدیم خیالہ سنی

ظاہرده غم یتشوب یوخ سندہ صبر و قرار

باطندہ خوش گورورم بولم بو یرده نہ وار

یتدی دوبارہ مگر پیک برید نگار

تجدید دعوت ایدوب بزم وصالہ سنی

قویجاق قدم بو چولہ رنگون سارالدی ندن

بیله گوروم دایانوم قارداش نجہ سنی من

غربت مؤثر اولوب تا دوشدی یاده وطن

یا ایل قبیلہ غمی سالدی بو حالہ سنی

لرزه دوتوب منیده نه وار بو چولده مگر
هجران غمین ویریری آب و هواسی خبر
هر گل یوزه ایدیسن آغلار گوزیله نظر
تعقیب ایدور دولانور فریاد و ناله سی
حسرتله چوخ باخوسان نوخط جوانلار یوا
تکتک آنالارینی یالقوز قویانلاریوا
بیربیر نظر سالوسان اوز جان فشانلاریوا
دوره ایدوب هاموسی مانند هاله سنی
بولم نه سزیدی بو بیر کیمسه حالی دگل
بو حال بیر نفرون غم وقتی حالی دگل
اکبر نظرده دگل اصغر خیالی دگل
عشقون عجب یتوروب حد کماله سنی

زبانحال حضرت اباعبدالله الحسین (ع) به خواهرش

بازار محبتدور بو دشت بلا زینب
جان نقدی متاعمدور جاناندی بها زینب
عشاقه بو منزلده وار شوق لقای یار
جانین گوتوروب اولموش - جو یای رضای یار
هر کیم ویری باش ایستز صورتده فنای حق
مطلق اونا حاصل دور معناده بقا زینب
دیدار رخ جانان مشکلدی بو گوزلرده
تا باغلاماسا گورمز گوزمردمی قان پرده
هر چند که ظاهر دور عشاقه هر یرده
مقصد اولوب اولده بو کرب و بلا زینب
بو یرده باجی زینب بیر عهد و قراریم وار
جان الله بو عهدیله اوزگه سر و کاریم وار
باش ویرماقه مشتاقم زیبنده نگاریم وار
یتیمش ایکی جان ویزم جانانه فدا زینب

بیگانه لره یول یوخ بو مجلس اعزازه
 اغیار گوره بولمز پرده چکلوب رازه
 اول گون ایدن پیمان بو یرده اولور تازه
 جان و دلیله ویزم اول عهده صفا زینب
 سقا سو کنارنده لب تشنه گچر جانان
 قولاری دوشر گلمز سو آلماسا میدانان
 یر اوسته قلم قولار بیر شرح یازار قانان
 گورسونله علمداریم ایلوب نه وفا زینب
 اکبر باشنون شوری لیلانی ایدر دلخون
 جانلا کچر اوغلوندان زهرانی ایدر ممنون
 بو عرصه ده هر کیمسه باش ویرمزا اولور مغبون
 سودای محبتنده ایلوبدی خطا زینب
 بو یرده خضاب ایلر قانان الینه داماد
 تازه گلنن ایلر بو واقعه دن دلشاد
 شوقیله چکر دلدن داماد آناسی فریاد
 اولدن اولوب چونکه تسلیم قضا زینب

گرچه باجی جان اصغر بیر غنچه نوگلدور
 اوخلالا الیم اوسته گیت مادرینه بولدور
 هر چند رباب آغلار بو سوزدن اونی گولدور
 سویله که رضا ویرمش بو امره خدا زینب
 ای باجی رضایم من هر قدر جفا گلسه
 اوخ یاغسا اوخ اوستندن غم گلسه بلا گلسه
 مین دفعه باشم اوسته بیر شمر دغا گلسه
 یتسه نه بلا من تک اول سنده رضا زینب
 صف صف دوزولوب لشکر قتلیمه چکر خنجر
 آخر منی یالقوزلار لب تشنه شهید ایلر
 قول باغلو گیدر شامه اولاد علی یکسر
 آیریلما سکینمدن چک جور و جفا زینب
 آغلار قویار آردینجا باجیلاری قارداشلار
 گوزلردن اولور جاری گل یوزلره قان باشلار
 ساخلالا جدا اوسته گون کیمی کسیک باشلار
 اول کوفه و شام اهلی ایتمزله حیا زینب

مشهورسن ای «صافی» عصیان و خطائیله
محشور اولاسان مشکل سن اهل عزائیله
بیر ربط یتور ایمدی شاه شهدائیله
درد دلیوه قیلسون محشرده دوا زینب

زبانحال جناب زینب(س)

نه یردی بو یر آغلاما قارداش باجون ئولسون
 قربان سارالان رنگوهای کاش باجون ئولسون
 نه توزدی قونوب آئینه قدرت یاره
 قویمور که یوزونده باخولا عکس نگاره
 قربان او گوزون یاشنه چوخ توکمه عذاره
 نه یردی بو یر آغلاما قارداش باجون ئولسون
 بو حالوی گوردوقجه دوتور اود دل زینب
 هر لحظه اولور خون جگر حاصل زینب
 دشت غم و مسحتندی مگر منزل زینب
 نه یردی بو یر آغلاما قارداش باجون ئولسون
 اول منی بو سردن آگه ایله قارداش
 بو یرده نه وار سن توکوسن گل یوزه قان یاش
 ئولم من اگر راز دلون ایلمه سن فاش
 نه یردی بو یر آغلاما قارداش باجون ئولسون

یتجک بو یره نولدی که آراموی آلدی
خوش حالیبوی پوزدی سنی بو حالتی سالدی
گل تک قزاران رنگ رخون بیله سارالدی

نه یردی بو یر آغلاما قارداش باجون ئولسون
بولم که نه وار یوز ویریری غصه و محنت
باخدوقجه سنه طاق اولوری منده کی طاقت
بوچولده عجب دور گورونور اوزگه علامت

نه یردی بو یر آغلاما قارداش باجون ئولسون
ویردون نیه اوز حالوه بو نوعیله تغیر
بسو سنده کی تغیر ایذیری عالمه تأثیر
اظهار ایله درد دلیسوی ایلمه تأخیر

نه یردی بو یر آغلاما قارداش باجون ئولسون
قارداش منی بیچاریه واضح دگو مطلب
بولم نیه حیرتده قالبوب راکب و مرکب
سزین بسویور آخر نگران دور دل زینب

نه یردی بو یر آغلاما قارداش باجون ئولسون

باجی خبر آما بو یرین درد و بلاسین
 سالما غم و اندوهه علی اکبر آناسین
 بیرده دیمه ای عالمه عترت پاسین

نه یردی بو یر آغلاما قارداش باجون نولسون
 بسوردا بسویانور قانه هامی یاور و انصار
 یر اوزره دوشر قانلو علم قولسوز علمدار
 یاندیرما اوزون آما خبر اولما خبردار

نه یردی بو یر آغلاما قارداش باجون نولسون
 قانیله حنا باغلار اله قاسم داماد
 قاره سالی باشینه عروسی اولی دلشاد
 بیرده خبر آلسان چکرم ناله و فریاد

نه یردی بو یر آغلاما قارداش باجون نولسون
 بو یرده ایدر سوز عطش اصغری بی تاب
 سو دوشمز آله آخر اولور قانیله سیراب
 بیهوده سوروشما داخی ای گوهرنایاب

نه یردی بو یر آغلاما قارداش باجون نولسون

بو عورت اوشاق جمله عطشیدن ایده جاق غش
اطرافون آلی ای باجی بیر دسته بلاکش
اصرار ایلمه یرده قوجا قلا دیزون اگلش

نه یردی بو یر آغلاما قارداش باجون نولسون

من قطع علایق ایلدیم باجی وطنندن
مندن صورا مشکلدی عدو آل چکه سندن
آخر آپارور شامه سوروشما داخی مندن

نه یردی بو یر آغلاما قارداش باجون نولسون

«صافی» داخی یازما دوتوب اود دفتر و خامه
یتمز بو مصیبت بو غم و غصه تمامه
ورد ایله که زینب دیدی اول بی کس امامه

نه یردی بو یر آغلاما قارداش باجون نولسون

زبانحال حضرت سیدالشهداء (ع) به خواهرش

بو دیارده کوی یاردن بزم وصله وار دعوت ای باجی
 گلپشم همان دعوتیله من خوشدی يتسه هر زحمت ای باجی
 بی بدل نگار یمدن ای باجی بوردا واریدی وعده وصال
 جلوة جمال جلال حق قویمیوب داخی اوزگه بیر خیال
 راضیم اگر يتسه هر قدر درد و رنج و غم غصه و ملال
 نیش دل دگل ناوک بلا نوش جانندی هر محنت ای باجی
 کربلادی بو دشت پر بلا وار بو یرده سودای عشق یار
 نقد جانندی کالاسی هراو کس اولسامنله هم عهد و هم قرار
 بولموشام خریداری یاردور قویموشام بو بازاره هر نه وار
 ایلرم ایمدن بو بارده گلسه هر قدر خدمت ای باجی
 یادگار شیر خدا باجی بوردا سندیرور قلب لشگری
 اهل کوفه نون یادینه سالور صولت و صلابتده حیدری
 بیدقی یاتار مشکی اوخلانور عاقبت قالور یرده اللری
 اوز حما تیندن ویرنجه جان چکمز ال اومه طلعت ای باجی*

گلشن بلاده دولار گله او غلوم اکبرون نخل قامتی
 غنچه تک ویروور باش او مهوشین پیکر نده بی حد جراحی
 رنگ آچار قزلقانله باجی جسمی قاش گوزی زلفی صورتی
 خوش ثمر ویروور باغ عمریده صرف ایتدوقی زحمت ای باجی
 طوی اساسی قوزام بو دشتده قارداشم حسن یادگارینه
 نوعروس الندن الین چکر باخماز ای باجی آه و زارینه
 یاس اولور طوئی قان حنا یاخار زلف و کاکل مشکبارینه
 بیر عروس و داماده بوزفاف اولمیوب یقین قسمت ای باجی
 باخماز هیچ ستمکار حرمله وار بوسینه ده داغی اکبرون
 یان دیروور جفاسی او ظالمین قلبنی بتول و پیغمبرون
 نه روادی اوج شعبه لی خدنگ گل بوغازی نازکدی اصغرون
 آغلادور ربایی اگر قالا حشر اولونجه بو حسرت ای باجی
 الدنیزه اوخ داش قلیج آجاج اوستمه قویاریوز پیاده لر
 پیکریمه سانسیز یارا دگر ایلم باجی استفاده لر
 باش آچق دوشر آت قباقرنه باشی قاره لی شاهزاده لر
 ساخلاماز پیغمبر عیالینه قوم کینه جو حرمت ای باجی

عشق یار بو عرصه گاهده ایله بی نهایت ظهور ایدر
تشنه اولماق ایدان بو مرغ روح درک التذاد حضور ایدر
گون کسیک باشی مدن منیم باجی گرچه نیزده کسب نور ایدر
هر باخان گورر اوز طلوعنه دمبدم چکر خجالت ای باجی
هر کسین بیزه وار اراتی «صافی» تک دل و روحی صاف اولار
روز و شب عزا بز مینه گیدر شغلی متصل اعتکاف اولار
آغلاسا بیزه شوقیله اگر دوزخین اودوندان معاف اولار
بیرده قوی مارام دور عمریده خلق آرا چکه ذلت ای باجی

ورود به کربلا

بو یر نه یسردی مهربان قارداش
اولموش یوزه اشکون روان قارداش
ای مهربان آرام جان قارداش
قربان بو پوزقون رنگوه زینب
نه وار بو صحراده ندور مطلب
حیران دایانمش راکب و مرکب
سرین بویور ایله بیان قارداش
نه توزدی دوتموش عارض آلون
رنگون سارالدوب پوزدی احوالون
تغییر تاپدی نولدی بو حالون
گوردوقجه اولام باغریقان قارداش
بیرده چتین گورم یوزون گولسون
چوخ آغلاما قارداش باجون نولسون
ایله عیان سرین بولن بولسون
اصحابوی قیل امتحان قارداش

قارداش نه وار يتجک بو صحرايه
 آرام صـبـيرـيم گـتـدی یـسـمـایـه
 باخـدو قـجـه یـسـانـام حـال لـیـلـایـه

بسی اختیاری ایسر فغان قارداش

غم یوز و پرور هر لحظه هر ساعت
 بسی صبر دل بیر آن دگل راحت
 بولم نه واردور طاق اولور طاقت

قالموب داخلی تاب و توان قارداش

حکم ایتموسن علت ندور بیرده
 خیمه لرون اولسون چو خور برده
 بو چول بیزه منزلدی ظاهرده

باطنده قیل نه وار عیان قارداش

کیلمردی قارداش بو گلن لشکر
 بسو پیش رو ده باغلانان صفر
 گورجک بسو لشکری گوگل تتر

اللسرده وار تیغ و سنان قارداش*

بیدقلرینده گورسنن آثار

معلوم ایدور بیگانه دور اغیار

کسوب یولون قارداش مگر اشرار

یار اولماقا وار بیر نشان قارداش

بو لشکرون حالی بو آثاری

تشویشه سالموش آل اطهاری

یکسر پوزولموش رنگ رخساری

دوشموش غمه بیر کاروان قارداش

مقصود «صافی» گرچه خدمتدور

بو مختصر ذکر مصیبتدور

مقبول اولابو سوز یقین بسدور

بو یرنه یردی مهربان قارداش

ورود به کربلا

باجی بو یر دشت غم و درد و بلادور

قربانگه اهل وفا کوه منادور

باجی کرب و بلادور

میثاق آکوب مندن باجی جانان بو یرده

قربان و یرم یتیمیش ایکی قربان بو یرده

صبر ایله گورسن نعشیمی عریان بو یرده

باشیم بدنن آیریلوب زیب جدادور

ناحق یره سو تک آخار بو یرده قانلار

توپراقلار اوسته جان ویزر رعنا جوانلار

بولمز باجی خنجر قلع نیزه وورانلار

هر قطرة قانیم منیم خون خدادور

لیلا چکر شوقیله آل اوز اکبریندن

دویماز اگر چه صورت پیغمبریندن

هم باشندان عباسیم کچر هم اللریندن

بو پایه ده گور هانسی قارداش باوفادور

یرده قالور قارداشیمون قانلو لواسی
جسمین بزر نیزه قلعج پیکان یاراسی
گلموب آناسی خوار اولا قویمون عزاسی
اوخلی سو مشکی مایه داد و نوادور
قالو بلاده ویرمیشم دل هر بلایه
منله اولان باجی دوشر یکسر بلایه
بیجا دگل من گلمیشم کرب و بلایه
مضمون عهدنامه قالو بلادور
قربانلاریم سو ممکن اولماز قان ایچلر
جانان یولوندا شوقیله جانندان گچلر
اوغلانلارینه آنالار خلعت بچلر
بو فکریله شاد اولمیان هانسی آنادور

ورود به کربلا

بو یرده آل علی گلور فغانه باجی
یتیر سنه هر زمان غم زمانه باجی
غم زمانه باجی
بو یرده کی غم لری اگر عیان ایلیم
گرگ غم و مُحنه سنی نشان ایلیم
یوخوندی طاقت باجی سنه بیان ایلیم
دیسم دوتار گوگلون اود چکر زبانه باجی
آنام نشانی باجی تحتل ایت آغلاما
صحیفه رویوه سرشک غم باغلاما
یانقلی قلبون کیمی بو سینمی داغلاما
شرار آهون سالور شَرَر جهانه باجی
ازل گون عهد ایتیشم بو نوعی جانانیه
اولا گرگ زینتی وجودیمون قانیه
نقدری وار جاندا جان و آرام بو پیمانیه
بلا دیوب آلموشام بلانی جانه باجی

اوگون که من بولموشم بلاسین اوزباشیمون
 همیشه طغیانی وار باجی بو گوز یاشیمون
 دوشریر اوزره قولی وفالی قارداشیمون
 سینار بیلم قامتیم دوتر کمانه باجی
 منای عشقه فدا واریمدی اکبر کیمی
 تمام ایدر زینتین آناسی هاجر کیمی
 نشست ایدر خانه خیاله خنجر کیمی
 آنا اوغول زلفنه ویراندا شانه باجی
 گتورموشم اصغری فدای جانان ایدم
 الیمده جان تاپشورا رضای جانان ایدم
 سَپَم گویه قانینی سزای جانان ایدم
 که تا بو قاندان قالا شفق نشانه باجی
 گروه کین نولدورور بو چولده عطشان منی
 ستمله اوز قانیما ایدله غلطان منی
 گورنده ایتمه فغانیر اوزره عریان منی
 اولاندا همسر باشیم سر سنانه باجی

یاناندا خیمه یانار اگر چه قلبون سنون
چخان یانان خیمه دن دوتار سنون دامنون
اولورسا دفع ایتگله جفاسینی دشمنون
سکینمی قویما چوخ گله فغانه باجی
سالولاً آهو صفت بو چولده دامه سنی
چکله ظلمیله چون دیار شامه سنی
گتورسون ایستر یزید باجی کلامه سنی
ویرار کسوک باشیمی ایدر بهانه باجی
نقدری محنت یته بلا گله غم گله
تعتمل ایت آغلاما مرادوی سال آله
وجودون آینه سین غمیله ویر صیقله
جمال یار عکسینی گتور عیانه باجی
ویروبدی دل «صافیا» لسان غیبی سنه
اولوب بو طرز سخن نشان غیبی سنه
بو بیت حقدن اولوب بیان غیبی سنه
بو یرده آل علی گلور فغانه باجی

ورود کربلا - دوم محرم

بو یرده گلور نالیه زهرا باجی زینب باجی زینب
 دشت غم و محنتدی بو صحرا باجی زینب باجی زینب
 بو یر باجی بیر یردی که وار جلوۀ جانان
 هر کیمسه باخوب گورسه قالور واله و حیران
 باش ساخلاماز عشاق ایدر ترک سر و جان
 آرام آپارور شاهد زیبا باجی زینب باجی زینب
 عهد ایلمیشم عالم اولده خدایه
 قربان گتورم اکبریمی کرب و بلایه
 هاجر هانی گلسون باجی بو کوه وفایه
 گورسون نجه قربان ویری لیل باجی زینب باجی زینب
 مین نوع سریته ایدر اخلاص دل اظهار
 هر لحظه ایدر قاسم و عبداللّهی ابرار
 زینت و یروب اوغلانلارینا مقتله یولآر
 بیر بیله آناکیم گوروب آیا باجی زینب باجی زینب

بو یرده چخار باجی الیم آرخام ایلیمدن
قدیم بوکولور چون گیدر عباسیم الیمدن
قارداش غمی مشکل گلی قارداشه نولیمدن
باش آچماقا اول اوندا مهتا باجی زینب باجی زینب
هر قدر مصیبت گله محنت یته سانما
شکر ایله خداونده باجی غمدن اوسانما
وورما یوزه سیلی یولوب زلفوی یانما
صبر ایتگله پوزما اوزون اصلا باجی زینب باجی زینب

کعبه مقصود

ای باجی بیر مقصود یله من بو دیاره گلیمیشم
 عهد ایتشم معبود یله من بو دیاره گلیمیشم
 دیدار یاره گلیمیشم

بیر اوزگه عالمدن باجی واردور قراریم یاریله
 ممکن دگل هرگز پوزام اوز عهدیمی دلدار یله
 جانانیمه دل ویرمشم اولده بیر اقرار یله
 اول عالم معبود یله من بو دیاره گلیمیشم
 باجی ازله قویدوقوم قول و قرارون بتدیم
 من اوز سوزومدن دونرم شیر خدا فرزندیم
 جان نقدی آله گلماقون بیر تک نه من خُرسندیم
 بیر عده معدود یله من بو دیاره گلیمیشم
 کرب و بلادور ای باجی بو یر فضای عشقدور
 بو یر مقام قرب دور راحت فزای عشقدور
 بو یرده وار وصل نگار خلوت سرای عشقدور
 بیر وعده موعود یله من بو دیاره گلیمیشم

دشت غم افزادور بو چول هر نه بلا وار بوردا وار
 نولماق سویولماق گر کسوک باشه جدا وار بوردا وار
 آجلیق اسیرلیق تشنه لیق هر ماجرا وار بوردا وار
 باجی نچه مقصوديله من بو دیاره گلمیشم
 بیجا دگل باجی گلوب اکبر کیمی تازه جوان
 قربان کوی عشقدور ویرسون گرک لب تشنه جان
 بو عرصه ده پیغمبری شام اهلنه ویرم نشان
 چون احمد و محموديله من بو دیاره گلمیشم
 بوردا چاتار مقصوده دل اکبر اولاندا بند و بند
 باشی اوجالسا نیزه ده لیسلائی ایلر سر بلند
 بیر تک او شهزاده دگل باجی بو فیضه مستمند
 نچه بیله موجوديله من بو دیاره گلمیشم
 بوردا قرین سعددور عباسون از بس اختری
 باجی دعایه قوزانور اول کسلمش اللری
 باشین آل اولماز قویماسون کسسونه آغلار گوز لری
 اول طالع مسعوديله من بو دیاره گلمیشم

اولدم که باجی قطع اولور چارم منیم هر باره دن
تولماق خیالیله آتار اصغر اوزین گهواره دن
نه جانفشانلوق باش ویرور گور طفل شیرخواره دن
اولنازنین مولوديله من بو دیاره گلیمشیم
بو شعره «صافی» بی گمان لطف حسین اولموش یقین
بو لطف بی پایاندن شعرون اولوبدور دلنشین
یاز بیرده شعرین مطلعین قلبونده آه آتشین
ای باجی بیر مقصوديله من بو دیاره گلیمشیم

فرمایش حضرت حسین (ع) در ورود به کربلا

ای باجی موسی عشقی گتورور شوره بو یر
کربلادور آدی فخر ایلیه جاق طوره بو یر
ایلمه فریاد و فغان آغلاما صبر ایله دایان
من بو صحرایه باجی گلهمیشم اوز باشیما
دیرم نکته سینی هم سنه هم قارداشیما
آغلادور شوق منی باخما گلان گوز یاشیما
مژده وصل ویرور چون دل مهجوره بو یر
می وحدتله باجی مستیدی یتمش ایکی جان
گلدی بو عالمه آلدی او میی بوردا نشان
بیر کسون گلمز او نشائه باشنا ایچمسه قان
ایچدورور قان اودی هر نشئه مخموره بو یر
حکم قتلیم یازیلوب محضر جاناندا باجی
اولمشام راضی همان حکمه او میداندا باجی
باش و جانیه و آرام من سر پیماندا باجی
چکدیرور قرمزی قانداغ خط او منشوره بویر

ویرمیشم دل باجی باش ویرماقا عباسیمیله
 عونیله جعفریله اکبریله قاسمیله
 گل نسرینیمیله نسترتین و یاسیمیله
 بیر گلستان اولی هر بلبل پُر درده بو یر
 هوس وصلیله باجی دل شیدا خوش اولور
 غم و دردی اولا هر باشد بو سودا خوش اولور
 اکبرون قانه بو یانماقنه لیلا خوش اولور
 یتورور عاشق مهجوری او منظوره بو یر
 الیم اوسته گرک اصغر باجی میدانه گله
 تا که نمرودین اوخ آتماقنه عنوان دوزله
 تشنه اوخلانماسا گلمز هامی مقصودیم آله
 بیر میتن دی همان قصه مشهوره بو یر
 نقد جان آلدی باجی مجلس یاره گیدرم
 چکسه جانان اوزی هر شهر و دیاره گیدرم
 اوز کسوک باشیمیله من سرداره گیدرم
 پایدار اولماقیمی بیلدیری منصوره بو یر

آختاروردوم باجی نور اللہیلہ فیض حضور
گنووژن باشہ بو شوری دگو جُز جلوۂ نور
گیدرم دیر نصاریٰ اولایا کنج تنور
یتوروربدور منی صد شکر همان نوره بو یر
بو آی اولدوز کہ باجی دورۂ مہرہ دوزولوب
ہامی روشندل و افروختہ چہرہ دوزولوب
اولآیتہ کہ بیر رشتہ مہرہ دوزولوب
مخزن حاصل اولو ہر لؤلؤ منثورہ بو یر
«صافیا» ایلمہ بیجا یرہ تحقیق و بیان
کربلادہ اولان اسرار دگل غیرہ عیان
بو شرافتدہ یر اولماز اونا لایقدی ہران
تہراقین سرمہ ایدہ گر بصر حورہ بو یر

*

خطاب حضرت سیدالشهداء (ع) به جناب زینب (س)

باجی بو چولده جانانلا ازلدن بیر قراریم وار
 وارام من اوز قراریمله نقدری اختیاریم وار
 نه بیر من بو قراره ویرمیشم دل گچمیشم جانان
 کچوب یتمش ایکی جان باش و جانندن بو پیمانان
 مگر بو تن بو جان بو سینه بو سر غیر جانانان
 یتوبدور بو حسینه یا اوزومدن اوزگه داریم وار
 دایانماز باش ویرور بو عرصه ده هر باشد اشورا ولسا
 آلور فیضین وجودینده اگر بیر ذره نور اولسا
 هر اول کس قابلیتله شرفیاب حضور اولسا
 گورر حق آختارانلار کیم نجه زیبا نگاریم وار
 باجی چون کربلادور هر بلاسی عاشقه خوشدور
 بلاجامیله سرخوش جان و دلخوش دیده سرخوشدور
 بویولدا جان و یروب دلخوش گیدنلر یرلری بوشدور
 گورویدی کیم نجه جان ویرمگیمده افتخاریم وار

گرک عشاقه بیر بیر بو مکاندا امتحان ویرمک
 گورونمز مهربان معشوق آدین ورد زبان ویرمک
 عجب عالمدی ایلدن الچکوب غربتده جان ویرمک
 مگر جانان دیارینه گیدن سویلر دیاریم وار
 اوزی عباس او عالمده بو پیمان اوسته قول قویدی
 نه قول قویدی ویره سر قول یکی قول صاق وصول قویدی
 بوگون جان ویرمگی از لکی گون عشاقه یول قویدی
 یانیمدا بیر ایله جان و دلیلله جان سپاریم وار
 علی اکبر نه نوعی آلماسون آرام لیلانی
 ویروب آرامنی الدن قبول ایلوب بو پیمانی
 نه حُسنی ایتمسه قانبله گلشن دشت و صحرائی
 خزانندان قور تارا دنیانی بیر تازه بهاریم وار
 گلور باجی شعفدن نوعروس قاسمون داده
 دولانور باشنه چوخ یالوارور عجزیله داماده
 اماندور ای عم اوغلی ویر باشون یالوارما جیلاده
 سنون باش ویرمگونله بیل منیمده اعتباریم وار

سکینم تک گرک اصغر عطشیدن دلکباب اولسون
 محبت عالمنده ستم پیکان شهد ناب اولسون
 دایانماز بیله ظلمه بیر آنا الّا رباب اولسون
 دیسون شکر ایلرم یارب منیمده بیر نثاریم وار
 بولورسن اوزون دشمن منی بو چولده یالقوزلار
 قالور باشسیز باشوندا قرخادین السیز ایاقسیزلار
 آلولار دور و اطرافون حرملر باجیلار قیزلار
 بیر آغلار بیر سویلر نه صبرونه قراریم وار
 هامی بلبل ویرور جان باجی بوردا بیر گل اوستنده
 رضا اولمام کسوک باشم قویولسا سنبل اوستنده
 خوشام خولی آپارسون کوفده قویسون کول اوستنده
 نچون اوردا آنام زهرا کیمی بیر غمگساریم وار
 منیم بو دشته باش ویرمگیم عین مرامیمدور
 هامی دنیاچه تحصیل ایتدیگیم حاصل بو کامیم دور
 یزیدین مجلسندن چوخ خوشام آخر مقامیم دور
 فنار و خیزرانلا اوردا بیر خوش روزگاریم وار

صفای خاطر «صافی» و یروب بیر جلوه اشعاره
مداد و دفتری گویا گتورموش نطق و گفتاره
دگل غم اولمادی ممکن او جان و یرمک بو حضاره
بو جمعیله منیمده بزم غمده آه زاریم وار

زیانحال

حضرت امام حسین (ع) به جناب زینب (س)

آب فراتی باغلادی شمر ستمگر ای باجی
قالدی بو گوندن تشنه لب آل پیمبر ای باجی
صبرایت دایان قیلما فغان اولما مکدر ای باجی
آرتار داخی بوندان صورا هر دم ملال و مسحتون
آلان گیدر آخر باجی شان و جلال و شوکتون
ایله تحمّل ذلّته اولسا مبدّل عزّتون
یوخ چاره تقدیره اولوب بیله مقدر ای باجی
صبرایت دایان قیلما فغان اولما مکدر ای باجی
من بعد قویمازلار سنون اهل جفا گولسون یوزون
دست ستمله اود دوتار قلبون یانار آغلار گوزون
ایله حقارتله باخار کیمسه ایشیتمز حق سوزون
بی شرم دور ازبسکه بو قوم ستمگر ای باجی
صبرایت دایان قیلما فغان اولما مکدر ای باجی

بوگون دوباره کوفه دن سعد اوغلنا فرمان گلوب
 ٹولسون سوسوزدان بوچوله هرکس باجی مهمان گلوب
 یولآرینی کسیدی سویون شمر الده بو عنوان گلوب
 بولمز قوناق حقتدکی تکلیفی لشگر ای باجی
 صبر ایت دایان قیلما فغان اولما مکدر ای باجی
 هر چند سندن سلب اولوب صبر و ثبات و حوصله
 گلمز داخی بیر جرعه سو بو خیمه لر ایچره آله
 بیر بیر هامی قربانلاریم تشنه گیدله مقتله
 عباس و عون و قاسمیم شهزاده اکبر ای باجی
 صبر ایت دایان قیلما فغان اولما مکدر ای باجی
 سو اوسته عباسون قولون دشمنلرایله له قلم
 ترک مواسات ایلمز کان وفا صاحب علم
 ایلر شهادت سرینی قانیه یر اوسته رقم
 سقّادور اما جان ویرور تشنه او سرور ای باجی
 صبر ایت دایان قیلما فغان اولما مکدر ای باجی

افلاکه یتسه وار یری آخر ربابون شیونی
 اصغر کباب ایلر باجی هم اوز آناسین هم منی
 سویوخ سوو اولماز نه ییلور دلسیزاوشاق بونکته نی
 ایلر بالق تک اضطراب آغلار سو ایستر ای باجی
 صبر ایت دایان قیلما فغان اولما مکدر ای باجی
 بو سهلدور یکسر قالور اولاد حیدر تشنه لب
 آل رسول و عترت ساقی کوثر تشنه لب
 عین الحیوتی نولدورر شمر ستمگر تشنه لب
 ویرمز سویا ندیم سویلرم گر چه مکدر ای باجی
 صبر ایت دایان قیلما فغان اولما مکدر ای باجی

جنگ مغلوبه روز عاشورا با لشکر شوم دغا

گریز به عارت خیم

گوگل تصوّر ایدن بیر غریبه عالم دور
 بو آغلیان گوزیمون یاشی قان اولان دم دور
 گوزومده جلوه نور صبح روز عاشورا
 صباح شام قیامت او محشر کبری
 عزیز فاطمه سالار دین شه کونین
 فدای کشور مهر و وفا امام حسین
 گجه اجازه ویروب صبحه دین گیدن گنتدی
 اوزی کیمی قالان اصحابی صبحی درک ایتدی
 گیدوب اولار که قرارین منال و مال آلدی
 اولار که آنلادی اوز قدر و قیمتین قالدی
 گیدوب اولار که واریدی محبت اولاد
 قالب اولار که اولوب قید جسمیدن آزاد
 گیدوب اولار که گوروردیله خنجر و شمشیر
 قالب اولار که دیردی نه زخم نیزه نه تیر

گندن گندوب دایانوب قالدی عدّه معدود
 تمامی حامد و محمود و طالعی مسعود
 صباح اولاندا یانندا قالان او کس لریدی
 که هر بیری هامی دنیائیله برابریدی
 معین اولماقا تعداد ایچون اگر یازیلور
 اوزی صحابه سی یتیمیش ایکی نفر یازیلور
 دیننرم او شهه من او وقت بیکیسیدی
 کمکلق ایتماقا یتمش بیرین بیری بسیدی
 او وقته قاسم و عباس و اکبری واریدی
 حبیب و مسلم و عونیله جعفری واریدی
 نیچه جوان رشید دلاوری واریدی
 نیچه وفالی علمدار لشگری واریدی
 طلوع ایلدی تا آفتاب عالمتاب
 ایدوب مقابله اعدای دینیله احباب
 قیلوبلا صفلرین آراسته هر ایکی سپاه
 اویاندا لشگر شیطان بو یاندا جُندالله

دُوَزَلدی قلب یمین و یسار لشگر کین
 بعین مثلنی ترتیب ویردی سرور دین
 دُوَرُوب او یاندا عمر سعد قلب لشگرده
 بویاندا قلب عوالم دُوَرُوب همان یرده
 اویاندا هر صفه سردسته بیر خدانشناس
 بویاندا میر سپه جان مرتضی عباس
 اویاندا امت بی رحم منقذ کافر
 بویاندا معدن رحمت شبیه پیغمبر (ص)
 اویاندا ظلمت مخصوص شمر ذالجوشن
 بویاندا مهر درخشنده قاسم ابن حسن (ع)
 اویاندا حرمله الهه دوتوب خدنگ و کمان
 بویاندا اصغره باخ اوخدان اوتری آغلار قان
 همین بو حالده سعد اوغلی ویردی امر هجوم
 یریندن اوینادی آتلی پیاده قوم ظلوم
 اوزی گیدردی او یرده که سرسپه یریدی
 او گتماقون هوسيله هامی قوشون یریدی

قویوب هجومیله هر دسته یوز خیامه طرف
 یریش آپاردی سراپرده امامه طرف
 گوروب بو جرأتی لشگر بیری بیرینده گیدر
 قلعج ورن اوخ آتان هرکس اوز یرنده گیدر
 او وقتدن که چالمنشدی طبل حاضر باش
 غریبه فکرلر ایلردی زمرة اوباش
 خیالی غارتیدی اول سپاه اعدانون
 قسباقنی نه کسر بیرده بو تمنانون
 صدای هلله و هایهویی اعدانون
 یتوب قولاقلارینا اول وفالو اصحابون
 بیری بیرین ایلیوب شوقمند دعوایه
 چخوب قباقه امان ویرمسونله اعدایه
 بو گیرداریده اهل حرم خیاله دوشر
 او خرده قیزلار اوشاقلار گورون نه حاله دوشر
 گورنده غفلتاً آواز طسبل جنگ گلور
 قوشون خیامه او وضعیله بی درنگ گلور

بسيله مصوّر اولور لوح سينه و دلده
 يوخيدى طاقت گفتار بير سوسوز ديلده
 يقين بو حالده عورت اوشاق اوزين ايتورور
 ديمه اوزين ايتورن بير يره سوزين يتورور
 نه حالديدى بوله بولمرم عيال امام
 وليک دولمشيدى آهله تمام خيام
 گهي قولاقلارا ياران وورون سسى گلورى
 گهي يخون داغيدون ياندرون سسى گلورى
 قلجلارين سسى آت شيهسى غريو سپاه
 مقابله صدى انين و ناله و آه
 سنان و خنجر و تيغ برهنه گرز و خدنگ
 او وسعتيله اولان بير فضانى ايلدى تنگ
 پياده لر يريور سسلنده پيشاپيش
 يارالى قلبلره آرتيورور بو سس تشویش
 سوارلر هاموسى چار نعل آت سوروردى
 اورکلرين غمی آرتوب باخوب بونی گورورى

قدم یریندن او قدری هوایه قاخدی غبار
ایشق گونوز او غباریله اولدی بیر شب تار
باخان گوروب او توزی بیرجه گوزیوزی گورموب
فقط سسین ایشدوب بیرده گوزگوزی گورموب
اولوب او عرصهده بیر نوع جنگ مغلوبه
که اوز سوزین یترنموب حبیب محبوبه
اوزین ایتورمیوب هرگز امامین اصحابی
وفا کتابنون ازبسرلرییدی هر بابی
اولان قسضیّه یوم آلتدن آگاه
بولوردی اوزلرینی جمله سی فنا فی الله
یتردی نعره تکبیر عرش طاقینه
وزردی سینه لرین نسیزه اوخ قباقینه
چوخ اولدی جهد او آز مختصر جماعتدن
کسیلمه دی سپه کین قباقی کثرتدن
نچون حسابده بی حد دوتوبلا اشراری
چوخ آز یازانلار اوتوزمین یازوبلا کفاری

اگر چه بعضی کتبه‌ده وار ایلین تعیین
 پیاده آتلو حساب ایله سن اولور مین مین
 صراحتاً ساینی ایتمیوبدیلر معلوم
 نجومه اوخشادوب اما او لشگری معصوم
 او قدر سبقت ایدوب اهل کوفه لشکر شام
 قلعجلا نوبدی جناحینیدن طناب خیام
 اونی دینرم اولدی خیامه داخل اولان
 نه گلسه فکریوه ایلر امامه قاتل اولان
 او دمه وار یری برپا ایدی دیسم محشر
 بیری بیرینه قارشمشدی هر یکی لشگر
 حسین کومکلری چوخ جانفشانلوق ایلردی
 اولار یرینه بیر اوزگه اولاییدی نیلردی
 دیمه ایاق دالی قویدی اولار شکست پیدی
 قضا او اللره قربان ناز شصت دیدی
 خدنگ تیر هوادن یاغاردی ژاله کیمی
 بویاندی چوخلارینون جسمی قانه لاله کیمی

بدنلرین ایلیوب تیغ و خنجره آماج
 ساچوبلا سینه گل باشلاریندا قرمزی تاج
 نه بیر یاراسنه اوخ اوخ چخاردی بردیلدن
 نه اوف دیردیله خنجر دگنده غافلدن
 نه یاره سوزشی آنلاردیلار نه سوز عطش
 وراردی ظلم اودینه اوزلرین سمندروش
 گورنده ناوک پزان گلور شهاب مثال
 ایدردیلر هامی اعضالریله استقبال
 امام گسوردی دایانماز هجومدن اعراب
 یستشدی قتله او آز دمده اکثر اصحاب
 دیدی کومکلرینه اهل خیمه یان دورسون
 خیالی غارت اولان ایتسون او دوران ورسون
 او اهل خیمه که یکسر حریم عصمتیدی
 مجسم ایله همان وضعی گور نه وحشتدی
 او خیمه نون که بو قسمیله دوره سین آلار
 دوشر نه حاله بیوکلر نیدر بالا بالالار

بالا قاچاردی که بلکه دوتا آنا اتکین
 کمال خوفیله هر کس آراردی اوز کومکین
 او جالدی ناله و افغان عیال حیدردن
 گلوب ترحتمه بیر جمع اهل لشگردن
 یتوردی اوزلرینی ابن سعه ناله کنان
 دیردیله اوتان ای بی حیا خدادن اوتان
 پیمبر عترتی آز قالدی زهره چاک اولسون
 یاخوندی آل علی قورخودان هلاک اولسون
 بو قدر قویما قوشون اهلی بی خیال اولالار
 اوشاق بویوک ایاق آلتندا پایمال اولالار
 عمر بو حالده فرمان بازگشت ویروب
 بالا خانملارا بیر مزده گذشت ویروب
 اولار که خرداجا قیزلاری قاچماقیله یوروب
 بو امریله قاییدوب هر کس اوز یرنده دوروب
 کسلدی هلهله و هایهوی لشکر شام
 گلوبلر اوزلرینه عترت رسول انام

او دیلرلیکه دو توموشدیلار سوزه گلدی
 دوباره دن او قاچان رنگلر یوزه گلدی
 آنا بالاسنی تا تاپدی چکدی آغوشه
 بیری که غش ایلمشدی گتوردیلر هوشه
 گورنده بیر قیزی کیم قورخی اگلوب جاننا
 دوشردی چاره خیالینه هر گلن یانینا
 گورنده بیر بالا تتر سولوبدی سنبل تک
 الین دوتوب اپوب ایگلردی هر یتن گل تک
 گوروندی حضرت زیبنده اهتمام تمام
 ایسدردی بیر بیر اوزی آغلیانلاری آرام
 اوشاقلارین هره سین دیندیریردی بیر دیلین
 ویروب او جمعه تسلی امید کاملین
 ولیک بیر نچه ساعت صوراً گلور نظره
 تصوّر ایلدیقیم حال اود سالور جگره
 دوشر خیالمه بیرده همان گونون عصری
 تمام سوزلریمون ختمی مطلبون کسری

او ساعتی که جهان واحسینله دولدی
 عزیز فاطمه نون امر قتلی ختم اولدی
 کسلدی باشی اولوب قید جسمدن آزاد
 آناسی گلدی او نعش اوسته باشلادی فریاد
 نه تک اوزی هامی انصار یاری ویردیله جان
 دوشوب او عرصه ده یتیمیش ایکی سوسوز قربان
 او قانلاریکه بولوردیله اهل کین ناحق
 توکولدی هر یره بیر قطره نقش اولوب یاحق
 ویروب بو حالده سعد اوغلی لشکرده فرمان
 دیدی گرک اولا خرگاه شاهدین تالان
 قوشون توکولدی خیامه خیال غارتیله
 کمال سرعیتله منتهای جرأتیله
 بو سوز که ذکر ایدرم بعضی ذاکرین سوزیدور
 صحیح اولماسادا من ایشتیقیم اوزیدور
 چخوب قباقه دیدی زینب الم پرور
 قوشون امیرنه ای شهر محض جنس بشر

ندور بو نوعیله گلماقدا لشکره منظور
ندور سیزی بو نهایتده ایلین مغرور
اگر بو لشکره مقصود مال دنیا دور
بو اضطرابه دوشنلر بنات زهرادور
اگر بو اهل هجومون خیالی غارت دور
بو بیر بولوک اوشاق عورت حریم عصمت دور
اگر بو خواب ضلالتدی بسدی بیر اویانون
یریمیون قاباقا گلمیون دورون دایانون
من ایمدی حلقه ماتم بو جمعدن قورام
گلینی قیزی حرملی اوزوم سویوندورام
اویانیدیلار قوشون اهلی تمام بو سوزون
ولیک خیمه قاپوسینی قویمیوب گوزدن
امام باجیسی زینب فسرده حال ملول
بو امر سخت مهمه اوزی اولوب مشغول
اساس خیمه لری یقدیروب کناره آتوب
الی گوزی یوزی گرد و غبار و خاکه باتوب

ویروب او لشگره تا واریدی اساس نفیس
 حرمده قویمادی قالسون داخی لباس نفیس
 واریدی هر قیزین اگننده تازه بیر جامه
 آلوب ویرردی سپاه ستمگر شامه
 گینده اگننه نازلو سکینه کهنه لباس
 وراردی باشه حرم لر دیردی واعباس
 آلودی مسین دلیلن بسی پناه اطفالین
 حریر مقنعه سین دست و بند و خلخالین
 بولوردی چون اولاجاق بالتمام بند کمند
 دیدی عبثدی قالا بیر بویوندا گردن بند
 یستنده بیر قیزا نوبت باخاردی حسرتیله
 دولوب بولود کیمی اشکین توکردی شدتیه
 دیردی عمه سویوندور هامی لباسیمی آل
 گوتور بو معجریمی باشه کهنه معجر سال
 ولی قرار دل پاره پاره مه دگمه
 سرور جانم اولان گوشواره مه دگمه

بو گوشواره لریم گر چه زرّ و زیور دور
 گوگل علاقه سی وار یادگار اکبر دور
 آیینسا عتمه یقین آرتاجاق بو گوزیاشم
 سالوب قولاقمه چون اوز الیله قارداشم
 خلاصه حضرت زینب او امرینه تمام
 اطاعت ایلدی بیر بیر ارامل و ایتم
 او امردن بری ردّ ایتمدی بویون دوردی
 اوشاق بویوک هاموسین تک بتک سویوندوردی
 بو بیر روایتدی ذکرین ایلدیم کچدی
 سوز اهلی اولسا اگر سوزلرین دوزین سچدی
 یتوب بو نحو یله هم غارت خیامه خیر
 نظامه سالماقی مندن دور اوزگه نقل ایلر
 او ساعتی که اجازه ویریلدی اعدایه
 ال آچدی لار حرم شاهدینه یغمایه
 نجه توکولدیله نه نوع سویدی لار بولم
 نه آدی لار دیه بولم نه قویدی لار بولم

برينون آديلا زردوز معجرين باشدان
 بيريني ورديلار تا چكسون اللرين باشدان
 ديمم نه قسم سويارديلار خرذا اطفالي
 گوگل آلواني شرح ايلهسم او احوالي
 عروسين آديلار بير نوع گوشواره سني
 گورر گوز اولسا اگر گوش پاره پاره سني
 اوزي بو فاجيعه نوعروس راويدور
 هامی غميله اونون بو غمی مساويدور
 دير بير آتلو منی اولقدر قووب يوردي
 تعاقب ايلماقین كعب نيزه آنديردی
 ويروب يخاندا قوری تپراق اوسته غش ايتديم
 نه اولدی بولمديم اولده هوشدن گيتديم
 گلنده هوشه نه گوردوم بلاکش عالم
 بی بیم آلوب دیزی اوسته باشیمی آغلور اودم
 باشم آچيقیدی گوشواره می چخارتمشدی
 قولاقلاریم یارالانمشدی قانه باتمشدی

دیدیم بو باشیمه ای عمّه پبرجه معجره سال
 بویوردی عمّه وی ده گور گلن اوزیوه مثال
 سرشگیله اودی دولدورموشام بو گوزلریمی
 ایدیم نچاره آلبلار منیمده معجریمی
 ولیک بئر پارا سوز وار دیماقه مجبورم
 من اوزلوقیمدا نچون کشف ظلمه مأمورم
 چکوم نه نوعیله بی حد جنایته پرده
 دینده گر چه اورک اودو دوتار گلور درده
 سکینه میر حرم خیمه سنده ساکینیدی
 حواس ظاهری مشغول ذکر باطنیدی
 سالوب قباقره بئر جانماز اوجان امام
 دیردی نولدی خدا گلمه دی نمازه بابام
 باخاردی خیمه قاپوسینه متصل نگران
 آتا خیالین ایدوب دمبدم چکردی فغان
 خبر یوخیددی آتا المگینی بولموردی
 اودور دوزوب دایانوردی فراقه نولموردی

مصوّر ایله اونون حسالنی خیالونده
 دعا ایله منی تغیر اولسا حالونده
 بو فکر دیدی که ایمدی بابام نمازه گلور
 عبادت ایتماقا معبود بی نیازه گلور
 یاناردی باطنی بولموردی لیک ظاهرده
 ایدوب مشاهده ناگه اوتوردوقی یرده
 که گیردی خیمیه شمر شرور و شوم و دنی
 تمام جانین آلوب رعشه تتردی بدنی
 آتا سنون ایگینی آلدی شمر کافر دَن
 دوشسوبدی حیرته بو هولناک منظر دَن
 باخداندا دقتیله گوردی اول وفا کانی
 النده شمرین آخار بیر کسبیک باشین قانی
 آتا گوزینه گوزی دوشدی اشگیله دولدی
 ووروب باشا دیدی ای وای گل کیمی سولدی
 بو شمر کافری نارالله ایله دوتموشدی
 جزای دادگر محشری اونوتموشدی

نه تک عناديله سجاده‌نی چکوب آلدی
ووروب یخوب یوزی اوسته او بی‌کسی سالدی
او خیمه‌ده اولانی غارت ایتدی اولدی کنار
یورولمادی گنه اوز ظلمین ایلدی تکرار
علیل امام یاتان خیمیه اولوب داخل
گوروب زمانه‌ده کیم بيله سنگدل قاتل
بیر الده باخمیا مقتولنون آخان قاننا
آتا باشی بیر النده گیده اوغول یاننا
بنات فاطمه کوردیله قویسالار او لعین
مریض امامده آلدورماقا او جالدوب الین
چکوبدی خنجری قانقان دیور مصم‌دور
تغافل اولسا سونر شمع دین مسلم‌دور
بیری دوتوب اتگندن بیری لباسندن
ایدردی لابه اوزاقدان بیری حیا‌سندن
اوشاقلارون دلیله دفع ظلم ایدردی بیری
بیری چکوب النی خنجرین اُپردی بیری

چخوبلا دیشره او ساعتده مضطرب احوال
 قوشون امیر نه قیلدیللا التجاء اطفال
 یازوبلا بیله بو غم‌نامه جهان سوزی
 بو قصه المانگیز و آسمان سوزی
 سفارشيله عمر اترک المریض دیدی
 جواب مخبره شمر شقی نقیض دیدی
 زبس اوشاقلارین اولدی امیره اصراری
 گلوبدی شمیرین الندن آلوب او بیماری
 دوباره لشگر شامه ویریلدی بیر فرمان
 خیام عصمت منهوبه نی ایدون سوزان
 او امریله که اولوب قطع خیمه لر یانسون
 النلر اُلدی قالانلاردا یانسون اودلانسون
 دییلدی اود ویرون اول حریم سلطانه
 پوزولسا خوشدی قباچجا بساط شاهانه
 وورلدی آتش کین اودلانسوبدی شادروان
 داغیلدی اهل حرم وامحمدًا گویان

زیسکه شعله‌نوب نار ظلم نمرودی
آواتشین چغار افلاکه ایمدیده دودی
همان او ایچره قالوب چون خلیل امام علیل
یاناردی آل خلیله او نسل خیر سلیل
او خیمیه که وراردیلار اود گروه لئام
قاچاردیلار او بیری خیمیه عیال امام
یتردی گوگلره داد و فغان و ناله و آه
تمامیسی آپاروردی بسیری بیرینه پناه
یغشدی بیر بوداقا قوشلار آشیان یاندی
دل اود دوتوب جگر اودلاندی جسم و جان یاندی
گلوب امام حضورینه حضرت زینب
نچون دگلدی عیان اول بلاکشه مطلب
آذبله عرض ایدوب ای سید جلیل و شریف
ندور بو االسیز ایاقسیز قالانلارا تکلیف
که یعنی گر ایلوب قارداشم قبول یاناق
اوشاق بیوک اود ایچنده قالان یاناق دایاناق

بیوردی حجت رحمن او فیض بخش وجود
 اود ایچره قالماقوزا ویرمیوب رضا معبود
 دایسانمیون داخی عته چوله فرار ایلیون
 اوزوزی بو یانار اوددان چخون کنار ایلیون
 یقون یتیمه لری قویمیون قالوب یانالار
 یانوب اورگلری لازم دگل که اودلانالار
 همان او ساعتی راوی بیله روایت ایدوب
 روایت ایلدیقی حالی چون درایت ایدوب
 یازوب بو نحویله بو غصه آرتوران خبری
 که اود سالور دل و جانه ز بسکه وار اثری
 دیرکه دورمشیدیم خیمه لر کنارنده
 حسریق خیمه تمام اولساق انتظاربنده
 یانان خیامه باخاردیم کمال دقتیله
 گوروم چخانلاری اوددان چخور نه حالتیله
 برینی گوردوم اوشاقدور چخوبدی یول تانمور
 قالوب ایکی یول آراسندا صاق وصول تانمور

برینی گوردوم اوزی قیز عالی ناله کنان
 چخان کیمی آلیری سمت قتلگاهی نشان
 بریسی طایر بَسمل کیمی اَسر تتر
 پیاده آتلو یولین قورخودان کسر تتر
 بریسنون اتگی اود دوتوب اوزی بولمور
 دانشدیراندا اوز آغزنداکسی سوزی بولمور
 دیدیم دایان اتگون آتشین ایدیم خاموش
 ایشندی تا سسیمی ایلدی فغان و خروش
 دانمیوب داخی یوز قویدی قاچدی صحرايه
 بتوردی ناله سنی طاق عرش اعلايه
 اونون بو حالی ایله قیلدی قلبه تأثیر
 تسامح ایتماقی بولدوم او دم گناه کبیر
 تعاقب ایلدیم اول بینوانی تا یتدیم
 یتن کیمی انگینون اودین خموش ایتدیم
 او طفلی شاد ایلدیم مختصر محبتله
 منی گورنده او مظلومه بو عنایتله

دله گلوب دیدی یا شیخ حاله یانوسان
 نجف یولینی نشان ویر منه اگر تانوسان
 دیدیم نجفده کیمون واردی بو خیال ندور
 بو ذکر دن ندی مقصود بو سئوال ندور
 دیدی ندیم باباما ایسترم هر ایه گیدوم
 هر ایه بارگه شاه لافتایه گیدوم
 اودمده گوردوم اوجا بویلی بیر خاتیم عورت
 یانار چادرلار ایچندن چخوب همان ساعت
 غریبه حالی واریدی دیسم گیدر طاقت
 چون آلدی قدرتمی اوندا گوردوقوم حالت
 کسوب امیدیمی یکباره شر و خیرمدن
 همان خانم منی سالدی کناره سیرمدن
 دوباره ووردی اوزین آتسه سمندروش
 احاطه ایلدی اطرافنی یانار آتش
 چخوب کناره بیر آز دوردی بیر نفس آلدی
 گنه گیروب اودا جانین هلاکته سالدی

تعجیله دیدیم بولمرم نه عالم دور
 تصوّر عالمی دور یا خیال مبهم دور
 مگر نقدر بو عورتده وار علاقه مال
 اوزین ویرور اودا بولمور ندور بو حاله مآل
 یانار اودین اثرین هرگز ایلمور احساس
 اونون او حالی اولونماز بیر اوزگه حاله قیاس
 چخاندا بیرده او خواتون کناره آتشدن
 اولوب مشاهده بو حال اول بلاکشدن
 باسوبدی سیتییه بیر نوجوان تباداری
 که آشکاریدی بسیمار اولمباق آثاری
 یتن مصیبت و درد و بلایه شاگردی
 او حالیه گنه پروردگاره ذاکریدی
 ثبات و صبرینه گر چه محبت علتدی
 دایانندیان اونی لطف خدای رحمتدی
 بو قصه خاتمه تاپماز اماندی «صافی» دایان
 خلیل وادی مهر و وفا یانان اودا یان
 حسینه آغلاماقی بول گجه گونوزده ضرور
 که آغلیانلاریله ایلسون خدا محشور

زبان حال حضرت امام حسین (ع) تضمین از کلام سعدی (ره)

گفت شاهی که چنین غلغله ماتم از اوست
عرش و فرش و مه و مهر و فلک اندر غم اوست
ناله عیسی و بر سر زدن مریم از اوست
به جهان خرم از آنم که جهان خرم از اوست
عاشقم بر همه عالم که همه عالم از اوست
ز آتش عشق نه تنها به منش اشراقی است
بهر این سوختن هفتاد و دو تن مشتاقی است
من از این شعله خوشم تا سر و جانم باقیست
بحلاوت به چشم زهر چو شاهد ساقیست
به ارادت بکشم درد که درمان هم از اوست
هر که خود را نکنند از غم جانان کامل
بهر جان دادن شیرین نتوان شد قایل
کشته ز آنم که بجز دوست ندارم قاتل
نه فلک راست مسلم نه ملک را حاصل
آنچه در سر سویدای بنی آدم از اوست

گر بسر از همه جا خنجر و تیرش بارد
 عاشق آن نیست که او تیر چو گل ننگارد
 باید او محض رضا باشد و جان بسپارد
 غم و شادی بر عارف چه تفاوت دارد
 ساقیا باده بده شادی آن کین دم از اوست
 در شب هجر خوشم از حشم عیسی صبح
 شب وصلش به غم از الم عیسی صبح
 شادی افزایش حال غم عیسی صبح
 گو غنیمت شمر ای دوست دم عیسی صبح
 تا دل مرده مرا زنده کند کین دم از اوست
 آنچه درد است در این عرصه مرا درمان است
 آنچه سخت است در این عرصه مرا آسان است
 مگرم مقصد و مقصود بجز جانان است
 پادشاهی و گدایی بر ما یکسان است
 که بدین در همه را پشت عبادت خم از اوست

هر کسی را بسر آر کشتن من شور و هواست
سر و جان دادن من لیک به هر حال سزااست
بشریحم چه ضرر بود که از سر بخطا است
آخر این رشته تسبیح تو زاهد چه بلا است
کز ازل جمله رندان جهان را رم از اوست
دست غم بر شکنند گر سر پیمانۀ عمر
هیچ غم نیست به آبادی ویرانه عمر
«صافی» سوزاند ز شمعی پر پروانۀ عمر
سعیدیا گر بکنند سیل فناخانۀ عمر
دل قوی دار که بنیاد بقا محکم از اوست

شب عاشورا

بو گجه عترت پیغمبری نالان گورورم
صبحه دین نوحه کنان دیده سی گریان گورورم
بو گیجه ویردی اجازه شه دین عترته
هر آنا صبحه کیمی دوزسون اوغول زحمتنه
حاضر ایتسون کفن اوز سرو سهی قامتنه
صبح اولاندا بالاسین قاننه غلطان گورورم
بو گیجه زینت ایدر لیلی علی اکبرینه
صبح اولونجا باخار آغلار او گوزل منظرینه
گه دارار زلفنی گه سرمه چکر گوزلرینه
زلف اکبر کیمی لیلانی پریشان گورورم
باغلامیشدی سو یولون اوچ گونیدی قوم عدو
یوخیدی خیمه اجلالده بیر مشربه سو
سسلنوردی سودان اوتری قوریان جام سبو
هامی اهل حرمی تشنه و عطشان گورورم

بیر سو کیم فاطمه مهرینه ازلدن سالالار
 گور روادور بو اونون قیزلاری تشنه قالالار
 سو خیالیله سزیلداردیله خردا بالالار
 غنچه تک لبلرینی گل کیمی خندان گورورم
 بو گجه شور حسینیه دوتوب عالمی شور
 خیمه سلطنت ایچره واریدی فیض حضور
 او خیامی که طناییدی اونون گیسوی حور
 آتش ظلمیله قلبم کیمی سوزان گورورم
 گاه بیچاره سکینه یانور ای وای دیوری
 گه سودان اوتری گزر خیمه لری وای دیوری
 بر تاپانمیر قاییدور اصغره لایلی دیوری
 اونی هر آنیده اوز حالنه حیران گورورم
 گه سوسوزلاره باخور ایلموری عباسی فغان
 گاه غیظ اوسته گلور اودلاشور اول جان جهان
 زینبون حالنی گه یاده سالور آغلموری قان
 کوی جاناندا اونی تشنه ویرن جان گوریرم

اوزینی عشقه فدا ایلدی جانانه عشق
تا ویره شوقیله عشق اهلنه پیمانہ عشق
بول یقین بارگه حقدی شفاخانه عشق

«صافیا» بوردا سنون درد یوده درمان گورورم

عصر تاسوعا - مهلت خواستن امام(ع)

قارداش دی شمره بیزلره ویرسونله مهلت بو گجه
 آخر عیال فاطمه یاتسونلار راحت بو گجه
 ویرسونله مهلت بو گجه
 روز ازلده عهد ایدوب گوز گورمین معبودیله
 دشت بلایه گلیمیش من اوزگه بیر مقصودیله
 بزم وصاله موعدم بیر عده معدودیله
 اما گرک اولسون گنه تکرار دعوت بو گجه
 بیگانه لر بولمور بو گجه من ایسترم مهلت نندن
 قارداش معین ساعتیم وار تا اولام خونین کفن
 گر چه کلام ناطقم اما کلام الّهی من
 چون مایلم صبحه کیمی ایلوم تلاوت بو گجه
 قارداش صباح اولجاق ویرورجان تشنه یکسر لشکریم
 قرباندی راه عشقده وار هر نه یار و یاوریم
 هم قاسم و عبداللّهم هم اکبریم هم اصغریم
 قیلسون آنالار اوغلنا لازمدی زینب بو گجه

گیت مهلت آل بو قومدن راز و نیاز اولسون گرک
 بو عرصیه منلن گلن یکسر مجاز اولسون گرک
 گیتسون گیدن قالسون قالان بیر امتیاز اولسون گرک
 ترک مجاز ایلر ایدن درک حقیقت بو گجه
 قارداش یتور بو نکته نی بیر رمزیه بو لشکره
 بیر نچه ساعت الده وار فرصت من بی یاوره
 آز قالدی زینب ناله سی یتسون بو چولده گوگلره
 بولم طلوع ایلر یقین صبح قیامت بو گجه
 گر چه صباحیم بولموشم نه نوعیله آخشام اولور
 گوندوزدی اما دیده زینبده تیره شام اولور
 نی تک سیزیلدار عترتیم هرگز دیسه آرام اولور
 باری سکینم ایلسون بیر استراحت بو گجه
 قارداش کسوبلر سو یولین لب تشنه دور اهل حرم
 گل تک سوسوزلوقدان سولوب بو بانوان محترم
 خردا اوشاقلار آغلاشور هر دم یتور بیر تازه غم
 قیلسون سوسوزلار حالنی لشگر رعایت بو گجه

شوق شهادتله اوزوم من اولموشام چوخ بیقرار
 مرهون منت اولماقا بیر نکته وار بولمور کنار
 آخشام اولور گوز گور مسون گتسون گیدنلر هر نه وار
 هر کیسه گتسه چک مسون مندن خجالت بو گجه

در شهادت حضرت علی اکبر(ع)

زین بعد من به طرف چمن رو نمی‌کنم
هر جا گلیست روی بدان سو نمی‌کنم
ناچار اگر گذار من افتد به گلستان
بر هر گلی رسم گذرم بو نمی‌کنم
بعد از شبیه ختم رُسل اکبر جوان
هرگز نظر به طلعت نیکو نمی‌کنم
با یاد نخل قامت او غرق جوی خون
سیر درخت سرو و لب جو نمی‌کنم
آنجا که صحبت از گل سنبل کنند خلق
جز ذکر زلف او و رخ او نمی‌کنم
بر دام مهوشی نفتد مرغ روح من
دل را به بند یک خم گیسو نمی‌کنم
منظر به چشم جان نکنم روی گل‌رخان
منظور دل دگر خم ابرو نمی‌کنم

دارم به سر ز عشق رخس نشأته تمام
مینای خود پر از خم مینو نمی‌کنم
زخم سنان و خنجر و آن پیکر چو گل
من شکوه چون ز قوم جفا جو نمی‌کنم
لعنت کنم به صبح و مسا قاتلان او
من ترک لعن ز آن همه زین رو نمی‌کنم
آغشته شد به خون سر زلفش دو صد جهان
از زلف او عوض به یکی مو نمی‌کنم
سحر است این بیان تو خود «صافیا» دگر
باور مگو بساخر و جادو نمی‌کنم

رباعی

باز این نسیم نکهت مشک تر آورد
گویا که بوی زلف علی‌اکبر آورد
هر جا که باد می‌وزد از زلف و کاکلش
مرغ دل سکینه ز شوقش پر آورد

احوالات عید قربان گریز به حالات علی اکبر(ع)

قرار و صبریمی آلمیش گنه باشیماکی شور
 او شوریدن اورگیمده واریمدی بیر منظور
 بودور خیالم ایدم شرح عید اضحانی
 ندور بو قصه بولونسون ندور بو قربانی
 یتشدی عالم رؤیاده امر ربّ جلیل
 اوز اوغلنی کسه قربان ره وفاده خلیل
 گلوب خیالنه تردید گوردی رؤیادی
 اودور همان گجه نون ترویه قالب آدی
 ایکیمچی گیجه گورنده اوزی دیدی صدق
 آدی قالب عَرَفه شگدن چخوب مطلق
 اوچومچی گجه دیدی هاجره او پیر نیل
 صباح منله قوناقدور مناده اسمعیل
 ایشتدی هاجر اوغول صبح اولوب قوناق گیدجاق
 او فکریله که اونی نچه لحظه ترک ایدجاق

بسونيله بيله ديه بولمرم آنا ياتدى
يوخيدادا ديمه بو فكري باشدن آتدى

گلور خياله بو حاليمده ليل عاشورا
او گجهنى نجه صبح ايتدى بينوا ليلنى
بولوردى اکبرى صبح اولسا قاننه بويانور
آنا اولان مگر عالمده بو غمه دايانور
همين که بي کس امامون مرامنى سچدى
اوتوردى صبحه کيمي اوغلنا کفن بيچدى
خيالده باشا اکبر قراسنى سالدى
على على ديدى بير ايل گجه اوياق قالدى
نه بير آنا گورنوب بو جهاندا ليللا تک
نه بير اوغول او شبیه امير بطحا تک
او واقعه که بو باجا گريزه اولدى سبب
گرک تعاقب اولان ناقص اولماسون مطلب

اودم که یتدی باشا شام وصل اسمعیل
او صبح فرقت اولوب تیروه بیر شبه تبدیل
بیاض گردنی تا نشان ویروب خورشید
دؤزؤب او گردنه هاجر بیر عقد مروارید
توکردی دانه اشکین یوزینه گوهر تک
یاناردی اوز اودینا اودلانان سمندر تک
ادبلی اوغسلونا زینبده زینت ایلردی
اورگی تک الی گر چه آسردی تترردی
ویراردی زلفنه شانہ او تترین آیین
او طول قصه نی ختم ایلم بو مجملتن
آنا گوروب آتا کاردیله ریسمان ایستر
وجودی رعشه دوتوب بیله بولدی جان ایستر
سئوال ایلدی بو باره ده او سروردن
اساس مطلبی مستور قیلدی هاجردن
جواب ویردی اورکدن شکاره میلیم وار
پچاقیله ایپی لازم بیلوله اهل شکار

شکار ال آیاغین باغلاماقه اولسا رَسَن
 بو کاردیله کسرم باشنی شکارین من
 بونیه بیله گنه دوزمیوب آنا اورگی
 باخاردی اوغلونا تترردی استخوان و رگی

ولیک لیسلی اوغول گوندرنده میدانه
 اورک ویروردی اوزی اول جوان عطشانه
 دیردی گنت اوغول الله یولندا قربان اول
 بو شاه تشنه لبانه مطیع فرمان اول
 نقدر گل جسدون یاره سی چوخ اولسا خوشام
 اوخیله زخم دم خنجریله دولسا خوشام
 مرارت غم هجرون دیمه خیال ایدرم
 گورنده جسموی باش سیز سنی حلال ایدرم
 گلوب او دم که باخوب نعشوه کباب اولدوم
 او وقت بوتم اوغول منده کامیاب اولدوم

خلاصه گتدی منایه خلیل دلبندین
 خدا بیلردی مرامین او آرزومندین
 ازل او گوردوقی روئیانی ایلدی اظهار
 عجبدی اولمادی لازم که ایلسون تکرار
 ادبسه عرض ایلدی اول مطیع حکم الله
 اولان قضیه انسی آرایه خاطرخواه
 بابا اونا که سنه امر اولوب ایله اجرا
 بو تزلقیله تاپارسان منی قضایه رضا
 ایاقمی الیمی باغلا ای بابا محکم
 باشیمی کس گله تا یتمسون وجودیوه غم
 کسنده باشمی شاید گتورمیم طاقت
 ایاقمه الیمه ای بابا ویرم حرکت
 همی ایدم بابا من ترک احترام و ادب
 همی سنون اولا قلبونده اضطرابه سبب
 مباد قانیم آخانددا دگه بو دامنوه
 او قان سبب اولا گوردوقجه داد و شیونوه

یوزیمی قوی قوری تپراقه ای بابا بیره
 که خوشدی گر اولا قربان حق یوزی یرده
 اوغول ایاقین الین باغلادی طنایله
 پچاقنی گوتوروب بیحد اضطرابیله
 قوری یر اوسته گورنده یوزینی غملندی
 ذبیح حالی خلیل خداده گورسندی
 آتا اوغول وارکن وار حیاتدن دویدی
 اوغول بوغازینه بولم نجه پچاق قویدی
 بوغاز کسيلمی چکدی پچاقنی کرات
 او گوردوقی ایشه قالدی اوزی اورکدن مات
 النده کسی پچاقی غیضه گلدی وردی داشا
 بسان رشته دل داش کسلدی یتدی باشا
 اوغول باشین گنه کسما قاطهوسلندی
 فصیح لحسنله الده پچاقی سسلندی
 خلیل امر ایلوری کس جلیل نهی ایدیری
 دیمه که اوز باشنا سن پچاق خطا گیدیری

گلوب تلاطمه دریای لطف ربّانی
قبول اولوندی خدا درگهنده قربانی
آچلدی باب کرم نازل اولدی جبرائیل
گتوردی بیر قوچ او بی مثل و بی عدیله بدیل
یتوردی دوست پیامین او پیک فرخنده
بَدَل اَگر چه دَگلدی ذبیحه زیبنده
ولی اولوبدی او ذبح عظیمدن مقصود
عسزیز فاطمه زیبنده فدیة معبود
اوغول فداسنی لایق بیلوب حسین ایتسون
که تا هر ایکی جهاندا مرامنه یتسون
اوغول رضاسیله قان ایچره ال ایاق چالسون
او حالی گورسون اوغولدان آتاسی کام آلسون
فدا اولوم سنه‌ای کوی عشق سلطانی
جهاندا سن کیمی کیم ویردی دوست قربانی
حرم سراسنه تا اکبرون سسی گلدی
قزاردی رنگی بیله بیلدیلر که دنجلدی

کمال وجدیله گلدی اوغول باشی اوسته
 گوروب نشانه شق القمر قاشی اوسته
 رکابدن چخادوب اوز ایساقلارین بیردن
 گوتوردی بیر یارالی پیکری قوری یردن
 باسوبدی سینه بیر نقد جانی جان اوسته
 سالوبدی سرو چمن سایه ارغوان اوسته
 سپاهدن او جنابه باخان بیله بیلدی
 گر اکبر المهسه ده وار یقین حسین اُلدی
 قالبوب یوزنده یوزی جان ویریردی ظاهرده
 او حالی ذکر اولونور ایمدیده منا برده
 پیمبر عطرین آلودی اوز اوغلی اکبردن
 گوتوردی توشه دل مظهر پیمبردن
 او شاهزاده یوزندن کنار ایدنده یوزین
 غریبه منظره قیلمشدی شهریار اوزین
 باخان گوروردی نه حسرتله اکبرینه باخور
 سرشگ چشمی کیمی قان محاسنندن آخور

دیدى جوانلارینه اکبری گلون گوتورون
آنا سنه بو یارالی جنازه‌نى يتورون
نجه گوتوردیله بولم گل ورق ورقى
عروس قاسمه گتدیله نازه گل طبقى
گنه رجوع ایدرم باشدا یازدوقیم سوزیمه
او قصه ختمنى چون فرض بولمیشم اوزیمه
خلیل گتدی ذبیحی سلامت و خوشحال
آناسنى يتشوب گوردی مضطرب احوال
آنا بالایه باخوب گلدی تازه‌دن هوسه
بالا آنا ایکیسی ویردی لر نفس نفسه
آنا اوغول بوغازیندا پچاق یرین گوردی
محببتین اثرین اهل عشقه بیلدیردی
دایانا بولمدی بی اختیار غش ایتدی
گلنده حاله باخوب برده هوشدن گتیدی
آنا اورگی اولورموش اگر بیله بیتاب
ندور بو باره‌ده منظور اولان سئواله جواب

که بیر پیچاق یری گورماقله بو حاله قالور
 گیدور اوزیندن او حالنده مین خیاله قالور
 اولیدی گول باشنا کاش فانی دنیانون
 یستنده قتلگه نولدی حالی لیلانون
 گوروب که اکبری میداندا قانه غلطاندور
 خیال ایلدی بیر باصفا گلستان دور
 که هر یارا باش آچوب سینده سنده برگل تک
 اوزین ایتورمدی شور اوسته گلدی بلبل تک
 دیمه که محو گل سرو بوستان اولدی
 بسان بلبل شوریده نغمه خوان اولدی
 دوشندی شاخه گل اوسته باشلادی فریاد
 چکردی داد دیردی اوغول ایوین آباد
 گچنگی عمریدن عالمده بهره مند اولدوم
 بابان یانندا علی منده سربلند اولدوم
 تمام زحمتمون اجرینی بو گون آلدیم
 یوزوم آق اولدی سن نولدون باشا قرا سالدیم

بو قیلدیقون خدماته ألنجه ممنونم
نه لیلیم که سنون عشقویله مجنونم
بهار گلشن رویون خزانه دوندی اوغول
سنیله من خوش اولان بیر زمانه دوندی اوغول
اولام بو نشئه ده پرده نشین دگل جایز
گرک بیر عمریده صحرانورد اولام سن سیز
باشی قرالی قولی باغلی گوزلریم گریان
گیدم گرک دولانام شهر شامی سرگردان
دایاندی خامه دایان «صافیا» تمامه یتور
بو نامه غمی ختم ایله خاص و عامه یتور
بو نوع شرح دل اولماز بو قسم نطق و بیان
یازیلمیوب بیله شیرین وقایع قربان

کسب اجازہ میدان

جناب علی اکبر (ع) از حضرت سیدالشہداء (ع)

من مجاہدم کوی عشقده بسدور ای بابا بو شرف منہ
خوشدلم وطن نامنہ اگر اولسا اہل عالم طرف منہ
مایلم بابا من بیر عمریدور درک ایدم بو فیض شہادتہ
ویرمرم ہامی عالمہ گوگل آرزو ایدن بیر سعادتہ
گوسترن زماندان بو عرصہدہ من همان مقام شرافتہ
ہر نفسدہ ہر دمده یوز ویورور حددن زیادہ شعف منہ
ویراجازہ میدانہ گنماقا دفع اولونسون اول غباردل
تاشکفتہ لنسون بو غنچہ وش خاطریم گورونسون بہار دل
بیر دقیقہ تعویقہ دوزموری وار ز بس بابا انتظار دل
راضی اولمایتسون بوبارہدن متصل فسوس واسف منہ
قلبمون بو نولماقدا ای باباسن بولورسن اوزگہ سروری وار
نہ جناندی فکری نہ قصر نور نہ خیال غلمان و حوری وار
گرچہ کوثر و سلسبیلی وار نوع نوع نعمت و فوری وار
بسدی بیرجہ یالقوز رضای دوست بیردی قعرچاہ و عرف منہ

راه عشقه اول قویان قدم میرمؤمنیندور بابام علی
 سجده گهده باشی قلجلانوب قانیله صفا تاپدی مصلی
 شایقم بابام تک یارالانام منده ای بابا باشندان اولی
 اوز سلوک سیرین ویروبدی چون یادگار او شاهنجف منه
 گُستروبدی کوی حقیقتی تاجدار لاسیف لافتی
 چخمارام کناره او رشته نی ایلوبودی اخلافنه عطا
 ایتمیوبدی مقصودیمون اوخی اوزنشانه سنده اودورخطا
 ویرمیوب نشان مرشد وفا ای بابا بیر اوزگه هدف منه
 بولموشم وفا جامی قیلیمیوب تک بواکیر تشنه کامی مست
 بی خبر قویوبدی علی الذوام عدّه معین می الست
 اوز محبتین آشکار ایدر ساعت مقدرده حق پرست
 بوگون اول صبحدن بابا هر یتن یتور جان بکف منه
 اللرنده عباس عموم کیمی نقدجان دوتوب قاسم جوان
 مندن آرتوخ نولماقلارین اولار آنلیوب دگل مفت رایگان
 حق یولوندا اوخ یاره سین بابا دسته گل بولور طرفه ارمغان
 واردی هر صفات حمیده دن ایله جمعدن متصف منه

ایله شوقمند یولوندا من دوغرانام بابا تیغ تیزدن
پاره پاره اولام صحیفه تک چکم ال نولنجه ستیزدن
کاش نولم دوباره او پیکر قطعه قطعه دن ریز ریزدن
اکبرون وجوده گله گنه نیزه اوخ ویرا صف به صف منه
ایلیم گرک ای بابا آنان خدمتده لیلانی روسفید
ایلر یله زحمت چکوب منه باغلیوب بو امید یله امید
عالم آنام اوز مراننه یتمز اولماسام تشنه لب شهید
ایسترم که دورت بیر کنار دن حمله ایلیه هر طرف منه
حاضرین یله «صافی» چون اوزون سالمیش آستان ولایت
وار گمانی یالقوز آینده کی کاغذ و مداد و کتابنه
یولآرون قالب باغلی بیر نفر یوخ گیدن او قیره زیارته
بی نهایت ایلر اثر بو ایل یا حسین زمان سلف منه

وداع حضرت علی اکبر(ع)

رزمگاهه شاهد اول یارب علی اکبر گیدر
خُلُقاً و خُلُقاً پیمبر صولتاً حیدر گیدر

شبه پیغمبر گیدر

اهل کوفه ای خدا نه عار و ننگ ایلدی
زاده طاهاتیله چکدی قلج جنگ ایلدی
بو حسین عرصه نی نه نوع گور تنگ ایلدی
عازم میدان اولور او غلوم علی اکبر گیدر
بی سبب گزموبدی شانه خانه خانه زلفنی
اوز الیله ایلوبدور لیلی شانه زلفنی
طایر روحه ویروب دور آشیانه زلفنی
جان و دلدن ایلوب اوز او غلونا زیور گیدر
نولدوروب دشمن خدا عباس تک قارداشیمی
یساندیروب ماه بنی هاشم بو آل هاشیمی
لیک واضح دور او غول مرگی او جالدور باشیمی
اکبریمده ایلوب بو نکته نی ازبر گیدر

آرديجه هر دم اولور بي اختيار اشکيم روان
 سن اوزون آگاهسن اي عالم راز و نھان
 بير منه بو سرو سيمين بر دگل آرام جان
 طاقت ليلا قرار زينب مضطر گيدر
 راضي اولماز بير آنا گورسه اوغول جزئي گزند
 سن رضاسن ايستم دوغرانسون اکبر بندنبد
 اولماسا حاصل يقينيمدور بو کار دل پسند
 مقصد و مقصود جان اي خالق داور گيدر
 فرقت فرزند گرچه ماده مشکل گلور
 نولمسه اکبر يقين ليلايه بو نسل گلور
 خنجر آله اي خدا مين سنگدل قاتل گلور
 آنسليوبالار بير نفر مقتول مه پيکر گيدر
 قارداش آردنجه زبسکه باجي حيرتله باخور
 يانديروور حسرت اودينه سنگ خاراني ياخور
 خون دل هر لحظه چشم انتظاريندن آخور
 خاطر زار سکينه اکبره همسر گيدر

عین تسلیم خدا هر نه مقدر ایتیمسن
مقصدیم اوندا یتر اکبر اولا گلگون کفن
نعشنی گلم گتورم قویمارام میداندا من
بولمیشم میدانه بیر دسته قرا معجر گیدر
ایله سن عطف توجه «صافیه» ای شاه دین
نوگری بیله توجه سربلند ایلر یقین
حسرتیله جان ویرن وقتینده قالماز بی معین
منزل قبره گورلر الله بو دفتر گیدر

زبانحال حضرت حسین (ع)

شاهد اول الہی بو عرصہ دہ قوم کین علی اکبر ٹولدورور
 مرتضا قلجلوراوتانموری باخموری کہ پیغمبر ٹولدورور
 نیلیوم خدا بیر قبیلہ دن قالمیوبدی بیر یاوریم منیم
 غصہ دن بو باغیریم اولوبدی قان اشکیسلہ دولوب گوزلریم منیم
 اصغیریم قالوب خیمہ دہ سوسوز گلموری داخلی دیزلری منیم
 سندن اوزگہ یوخ بیر نفر دیم اکبریمی بو لشکر ٹولدورور
 ظلم اودونا دورت بیر کناریدن لشکر ستم ووردولار اتک
 قردیلار تمام کمک لرین قویدولار حسینی بو چولده تک
 تشنه ویردیله جان جوانلاریم قالمیوب منه بیر نفر کمک
 هانسی بیکیمین دشمن ای خدایارویاورین یکسر ٹولدورور
 عرصہ گاہ یوم الستیدہ سویلہ موب بلا بیر منیم دلیم
 دل ویروب دچار بلادیلار قارداشیم باجیم طایفم ایلیم
 سن بولورسن عباسیم ٹولسه گر نہ دوتاردلیم نہ گلور بلیم
 باخموری او داغہ بو کوفیان اکبر ادلی مہ پیکر ٹولدورور

راضیم یولوندا گورم سنون واردی اکبرین چوخ جراحتی
 بو مقامه عالمسن ای خدا ظاهر ایتماقا یوخدی حاجتی
 خوشدی مین بیله محنت و ألم نولدورور منی دل شماتتی
 اکبرون اگر زخم تیغیله تیر و نیزه و خنجر نولدورور
 بیر نفر مبارزدی اوغلو ما سزی وار دو توب لرزه جانیمی
 دفع ایله اونون شزین ای خدا حفظ ایله اوزون نوجوانیمی
 وار شجاعت بی نهایتی آرتورور گوگلده فغانیمی
 نولدوره اگر بکری اکبریم عمری گوئیا حیدر نولدورور
 تنگ اولوبدی سینمده کی نفس قالمیوب داخی منده حوصله
 آلقانا بسویانماقی سومیشم گلرم دله ایتمرم گله
 «صافیه» نظر قبل نصیب اولا زایرون اولوب قبریوه گله
 شوق وصلدن تشنه عاشقی عشق مرقد اکبر نولدورور

وداع شاهزاده اعظم حضرت علی اکبر(ع)

نه تک قراریمی هجر رخ نگار آپارور
امید وصلیله بو قلبدن قرار آپارور
نه وصل یاره دوزوم وار نه فرقته طاقت
همی وصالی همی هجری اختیار آپارور
دوشور خیالیمه اوضاع روز عاشورا
قرار و صبریمی دلده نه قدر وار آپارور
ویروب اجازه علی اکبره امام حسین
سالوب قباقیجه محبوبه بیر نثار آپارور
بویوردی گیت حرم اهلینن اوغول وداع ایله
سوسوزلارین یاننا چشم اشگیبار آپارور
او شاهزاده گلوب خیمه لر قباقنده
سسین او جاتدی او سس لیلیدن قرار آپارور
دیددی گلون گیدیرم اکبری حلال ایلیون
دوراتمورام منی شوق وصال یار آپارور

توکولدولر حرم اهلی کی چک بیوک دیشره
گوروب او حالی قرار دل فکار آپارور
آلبلا دور برین هاله تک او ماه وشین
تسمام فیض تماشانی یادگار آپارور
ویروبله سس سسه سسلردیلر علی اکبر
بو کارزاره سنی هانسی انتظار آپارور
بیزی بو غربت آرا قویما گیتمه میدانه
قالان تحمل و صبری بو کارزار آپارور
بیری دیور آناوین حالینه ترخم ایله
که روح لیلینی بو تیره روزگار آپارور
باچی چکور اتگیندن دیور نجه گیدوسن
بو حال مهر و محبتدن اعتبار آپارور
کناردن ایله بیر عالمه باخاردی حسین
قرار اکبری گوردی او وضع کار آپارور
بویوردی اکبریمی بوشلیون کباب اولدی
جواندی صبرینی اندوه بی شمار آپارور

دیمه فقط اوزی اکبر تک آریلوب گندی
ایدوب گوگل لری ویران و تارمار آپارور
حسین قبرینه ای «صافی» منده مشتاقم
میسر اولموری نیلوم چوخ انتظار آپارور
گیجه گونوز چکرم آه دلدن آه اوسته
که آه سرد بلی سینهدن غبار آپارور
بو نچه شعریمی سن شاهد عرض حال ایله
که نوحه خوان حسین الده سوگوار آپارور

محابرة حضرت علی اکبر(ع)

ویروب اجازه شه جهان اکبر جوانه
اوغول دالنجا باخوب یانار باخ بیر استحانه
تصویر ایله او عالمی بیرجه سال خیاله
او دم او ساعت آتا آنا گور دوشر نه حاله
باخون شه کربلاده سیز مهریله وفایه
خلیل عشق اوز ذبیحنی شوق ایدوب منایه
اگر چه لیلا ویروب رضا عالم قضایه
اوزی چکوب سرمه چشمنه زلفین ایتدی شانه
جوان اوغولدا آنا گوروب واردی بو اراده
امامدن اذن آلوب گیدر شوقله جهاده
دیددی رضایم دایانما گیت دورما شاهزاده
سالوب اوزی بویننا کفن ایلیوب روانه

او سرو باغ وفا گلوب نازیله خرامه
 قدم رکابه قویوب دونوب باخدی بیر خیامه
 دیردی یارب اوزون بو گون صبر ویر آنامه
 که قالدی حسرت منیم کیمی ماهرو جوانه
 قدم قویوب الده نقد جان عرصه قتاله
 پیمبری یاد ایدوب باخوب هر کس اول جماله
 تکوبله گوز اوچیلار او بیر مشکبو غزاله
 کمنده سالماقا هر بری آختاروب بهانه
 توکولدی دورت سمتدن قوشون دو تدیلار کنارین
 یارا یارا اوسته ویردیلار آلدیلار قرارین
 باتوردیلار قانه یوز گوزین زلف تابدارین
 او گل کیمی جسمین ایتدیلر اوخلارا نشانه
 پر آچدی اوخدان عقاب تک نازنین وجودی
 گیدوب عقاب اوسته تابدن قالدی بیر نمودی
 دوشوب بو فکره که ترک ایده عالم شهودی
 زبسکه تنگ اولدی طایر روحه آشیانه

او قدری اوخ ویردی اکبره رحمسبز قبایل
آت اوسته بیتاب اولوب او گل یوزلی مه شمایل
عقابین ایلیوبدی بویننا قولارین حمایل
بسیله ستمدیده گورمیوب دیده زما نه
اولوردی هر دسته روبرو اولدم اکبریه
ایدردی ظاهر واریدی گر بغضی حیدریله
وراردیلا یاره دمبدم تبر و خنجریله
یارالاریندان اولوردی قان سو کیمی روانه
اماندی «صافی» ساخلا ال یاندی آله خامه
یازیلسا حشره تک بو غم یتمز اختتامه
او ساعت اولدی چوخ چتین شاه تشنه کامه
گورنده اکبرین باتوب ظلم الیله قانه

زبان حال حضرت علی اکبر (ع) به مادر مکرمه اش

اجازه آلمیشام گیدم صف قتاله آناجان
 دیونجه باخ بو گل یوزه بو خطّ و خاله آناجان
 گتور کفن سال منی یولا ایتمه آه و ناله آناجان
 منی خلیل ره عشق و یروبدی قربان گنیدیرم
 یتوب باشه وقت و مجال یوخومدی بیر آن گنیدیرم
 قراریمی الدن آلوب هوای جانان گنیدیرم
 گرک ویرم جان یارالی یتیم وصاله آناجان
 منه نظاره ایتمه سن شهنشه و حیده باخ
 نولوبدی یار و یاوروی او بی کس فریده باخ
 بسو خلقدن امیدنی کسوب اونا امیده باخ
 نه نوعیله باتوبدی گور غم و ملاله آناجان
 بو حاله قالماقیمدا یوخ بیر آیری محنتیم منم
 ولیک اوج ایدر آنا سنه باخاندا حیرتیم منم
 خزان اولار بو گل یوزوم قالور چوخ حسرتیم منم
 تصوّر ایلرم سنی قویار نه حاله آناجان

گوزیمه سرمه چک اوزون گل ایله شانه زلفمی
بو پیچ پیچ طرّده می بو خانه خانه زلفمی
نه خوش دوشریتن وِرُروب باتورسا قانه زلفمی
بیر آق کفن او قان همین سیه کلاله آناجان
وصال شوقیله وار منیم باشیمدا اوزگه خیال
بو بی قرار اولماقیم باخان گورر شاهد حال
دایانما سنده ایتگلن منه اوز حقوی حلال
رضا و پروب شرکت ایله بو خوش خیاله آناجان

زبان حال حضرت لیلیا (س) در وداع حضرت علی اکبر (ع)

گل آنان ایتمه غم هجر یله غمخانه علی

ایلمه لیلینی مجنون کیمی دیوانه علی

سالما غم هجرانه علی

ای جوان اوغول اوغول

بیر دایان اوغول اوغول

قربان اولوم گوز یاشوه قوی بیر دولانوم باشوه

خوش خیالون وار علی باشدا شتابان گیدیسن

دعوت ایلوبله که بو شوقیله مهمان گیدیسن

باش و جان الدهه دوتوب اولماقا قربان گیدسن

جان محقردی فدا سن کیمی قربانه علی

علی جان رشته سیدور طرّه پرپیچ و خمون

مُلک دل آلماقا آماده دی زلف سیهون

اولسا درویشه اگر بیر نگه یله کرمون

فخر ایده وار یری واللّٰهی سلیمانہ علی

بولمرم من سنه بو گون نه خوش عالم یتشوب
شاد و خرسندسن هیچ کیمسه دیمز غم یتشوب
وعدة وصل نگاريله مگر دم یتشوب
دمیوی گرم ایلیوب جلوه جانانه علی
بولوسن خوش دگو بو لیلی مگر بیر سنيله
آیریلق وقتیدی بیر کلمه دانش سن منيله
بسلبلم طایر روحیم قونوشوب گلشنيله
یتسه آفت نیدرم باغ و گلستانه علی
وار نه حسنی بو عزیز عمریمون عالمده منیم
سنسبز آخر نه تاپار ذائقه شیرین دهنیم
بو الون قلبمه قوی گور نجه تترر بدنیم
یتشوب سینمه جان لیلی گلوب جانانه علی
زحمتون ایل گجه لر چکماقیمه یانمامیشام
هر مشقت یتشوب دلخوش اولوب سانمامیشام
یانمیشام لیک بو ساعت کیمی اودلانمامیشام
که قویوب یوز گیدیسن جانب میدانه علی

بندم اولده بولورسن علی شیرین سوزیوه
 نقدر ایسترم البته عیاندور اوزیوه
 بیر دولاندر گوزیوی باخ منه قربان گوزیوه
 بلکه بیر قوت اولا بو دل سوزانه علی
 ای منیم عالم آرا منظر و منظوریم اوغول
 موسی عصر یوم ای جلوه گه طوریم اوغول
 من و ارام سنله نقدری اولا مقدوریم اوغول
 گللم آخر گیده سن باش قویوب هر یانه علی
 اشگیمون سیلنی نه نوع یوزه باغلامیوم
 داغ حسرتله نجه سینمه می من داغلامیوم
 نیلیوم بس داخی ممکن دگو قان آغلامیوم
 گوز یاشیم عالمی خوشدور ویره طوفانه علی
 باخ سکینه باجیوا گورنه قوجاقلوب دیزی
 بوینیوا سالما کفن تولدوری اوغولوم اوزینی
 منکه سهلم اوننی بیر دیندر اوغول آل سوزینی
 قورخورام یوز قویا صحرا و بیابانه علی

بیله بولمه علی بیر منده بو حالت گورونور
توکولوب عورت اوشاق دیشره قیامت گورونور
آل طاهاده داخی سانما که طاقت گورونور
هامی بی طاقت اولویلا گلوب افغانه علی
ای مه برج ولا یوسف بازار وفا
خسرو مصر محبت گل گلزار وفا
گور نه حسرتله تکوب گوز سنه یعقوب بلا
اود وورور طرز نکه عالم امکانه علی
«صافی» چوخداندی سالوب شوق زیارت باشینا
ممکن اولمور گوره قبرون بو یانا گوزباشینا
آند ویزم سنی لیلایه که بو ایل باشینا
قبریوه ایسته گله وقفه قربانه علی

زبانحال حضرت لیلا در وداع حضرت علی اکبر(ع)

ویرمیش اگر اجازه امام وحید اوغول
 من مانع اولمارام سنه گنت اول شهید اوغول
 بی ناصر و معین شهه نصرت زمانیدور
 قالمیش امام عصر فرید و وحید اوغول
 اوز جانوی فدایله پیغمبر اوغلونا
 ایله اوزیویده منیده روسفید اوغول
 فیض اهلنه افاضه خیالنده دور خدا
 جان ویرماقون اولور سنه بی حد مفید اوغول
 هنگام استفاده دی قوی شوقیله قدم
 سنده او باب فیضدن اول مستفید اوغول
 ارشاد ایدوبدی پیر طریقت سنی علی
 اولسون گرک او مرشده سن تک مرید اوغول
 گنت ویر نشان بولشگره اوز ضرب شصتوی
 گورسونله دوغمیوبدی آنان نارشید اوغول

مظہر سن اول کسه کہ اونون وصفی دور تمام
آیات محکمت کلام مجید اوغول
تازہ جوانلارین علی ہانسی بیرینده وار
بو حسن و بو کمال و بو خلق حمید اوغول
پیغمبر کرام و ذوی الاحترامیلہ
ظاهر ایدوب عنادینی قوم عنید اوغول
گل برگ تک وجودوی چوخ زحمت سالور
گر میت ہوائیلہ ثقل الحدید اوغول
لب تشنہ اولدورور سنی بو چولده بولموشم
بو اہل شام و کوفہ سپاہ یزید اوغول
آرتار عذابی قاتلوون روز حشرده
دوزخ چکنده نعرہ ہل من مزید اوغول
ساعتلرون یتور باشا وقتون اولور تمام
یوخدور مجال صحبت و گفت و شنید اوغول
گل بیر اوتوردوروم دولانوم باشوہ سنون
باشون بلاسنی من آلوم ای سعید اوغول

خوش گلمیسن بو بیکس آنان یاده سالمسان
 قیلدون غریبه وقتده لیلانی دید اوغول
 روحیم اگر چه سنله گیدر گیتسن هر یانا
 سندن کسم محالیدی چشم امید اوغول
 گلم اوزیمده قتلگه گورماقا سنی
 بی رابط و وسیله و پیک و برید اوغول
 قول باغلی گلماقیم باشون اوسته یاوقلاشوب
 یوخ فاصله قباقدان زمان بعید اوغول
 بیر ساعت ایچره دوغرانا جاق تیغ تیزیله
 سررشته حیات بو حبل الورید اوغول
 اوندانصورا علی دوشه جاق مشگله ایشیم
 بیر مدت طویل بیر عمر مدید اوغول
 ویرمیش عزیز فاطمه بیر بیر خبر منه
 هر دم اولور مصیبت و دردیم جدید اوغول
 گه کوفه ده چخالاً تماشامزه بیزیم
 گاهی وُرودیمز اولی شامه نوید اوغول

گاهی دولاندریلاً قولی باغلی بیزلری
بازارلرده مثل اِماء و عبید اوغول
هشتاد و اوچ اسیری چکر بیر طنابیله
بزم قمار و شربه یزید پلید اوغول
من قتلگهده ایله دیقیم باز دیدیوه
سنده خرابهده ایله بیر باز دید اوغول
گلم یوز اوسته قانلو باشون پیشوازنه
قیلام متاع وصلوی جانلا خرید اوغول
هر صبح و شام شامده قان آغلارام سنه
هر چند آغلیاندا ایدلر وعید اوغول
یانام سیزیلدارام ولی قورخومدان ایتمرم
فریاد و داد شیون سخت و شدید اوغول
رنگیم قاچارایاق سسی گلجگ خرابهده
لرزه دوتار وجودیمی چون برگ بید اوغول
بوگون اوگوندی شیعلرون «صافی» یاس دوتوب
گرچه بنی امیه بیلور روز عید اوغول

زبانحال حضرت لیلیا(س) در وداع حضرت علی اکبر(ع)

ای حسن و جاہتده قمر طلعت لیلی
 سلک بشریتده ملک خلقت لیلی
 حقدن نفس ایلوبدی سنه مرشد کامل
 هر بارهده الطافی اولوب حالوه شامل
 جان نقدینی بازاره چکوب اولموسان عامل
 گیت واردی بو سوادده اوغول عزت لیلی
 گیرم غم هجرانوه یوخ قلبده یارا
 گل ترک سر ایتماقلقا ایلوم سنی دارا
 آرایش ایدیدم جسموه ای مهر دل آرا
 تا هاجره معلوم اولونا همت لیلی
 جاندان سنی بیگانه ایدوب عشق حسینی
 أَحْسَنَتْ لَكَ يَا وَلَدِي قُرَّةَ عَيْنِي
 وار سنده کی عشقون من بیچارهده عینی
 گیت دورما هدر گیتیمیه جاق زحمت لیلی

هر چند گلون هجری اولور بلبله مشکل
 گلدن صورا بلبل علی بیرده گوٰله مشکل
 گل هجری خزان وصلی یتوب مشکله مشکل
 اولموب گنه اولماز بو قدر عسرت لیلی
 چون رشته جاندور علی سرمایه زلفون
 گوکلوم تک اولوب باد صبا دایه زلفون
 طوبا قدیون اوستون آلوب سایه زلفون
 سن سن مگر ای ماهلقا جنت لیلی
 تقدیر آلهی دی گرک قان اولا گوگلوم
 زلفون کیمی پیوسته پریشان اولا گوگلوم
 مین گونه غم دهریله الوان اولا گوگلوم
 تا هر بیر بیس رنگ اولا جمعیت لیلی
 آخر سن اوزون زینت خوبان جهانسان
 جانیم سنه قربان اولا سن مایه جانسان
 بیر پیر طریقت سن اوغول گرچه جوانسان
 واردی سر کویونده سنون سرعت لیلی

لیلیا ای اوغول لعل لبون فکرین آتانا
 سنسیز بولوسن بیر گجه آسوده یاتانا
 نه چاره که منقد گلوب انصافه اوتانا
 قانه بو یانور سن کیمی مه صورت لیلی
 سن گیتمه لی سن منده اوغول خانه خرابیم
 دریای غم اوزره گزوب آواره حیابیم
 اولده یانوب آتش عشقونله کبابیم
 بو سوزده پروانیه وار سبقت لیلی
 ایمدی دونرم باشوه دردسرون آلام
 چون محضر جدونده سنيله من اوجالام
 سندنصورا بیر شال عزا بوینمه سالام
 تا اولسون اوغول ماتمنه حجت لیلی
 «صافی» یتشور خدمتیوین اجری جزاده
 هر آنیده سال مظهر پیغمبری یاده
 گردش اولاهر قلب گلور ناله و داده
 ذکر اولسا علی اکبریله صحبت لیلی

زبانحال حضرت سکینه(س)

سیاه زلفون علی مه یوزونده هاله سالوب
 باجون سکینه نی بو هاله گورنه حاله سالوب
 اوتار طره کیمی بو گوگل آسر تتر
 تزلزل عرش خداوند ذوالجلاله سالوب
 نه نقطه دور علی بو خال هاشمی یوزده
 که دست شاهد غیبی او گل جماله سالوب
 اوزون بو نوع کفن پوش اولموسان قارداش
 آتام بو خلعتی یا قدّ اعتداله سالوب
 نه خوشدی آق کفن اوسته او رنگ عارض اولا
 که عکس نسترنه برگ سرخ لاله سالوب
 یقین بابامدان آلبوسان اجازه میدانه
 همان اجازه سنی بو خط کماله سالوب
 نوید وصل یتوب یوخسا کوی جاناندان
 بو گتماقون سنی شوق دم وصاله سالوب

قویانمram علی گوزدن کناره گر چه گوزوم
 جمالون عکسنی آنینه خیاله سالوب
 گوزوم گوره گوره عزم ایتمیسن تولوم بولینی
 او فکردن منی بو چرخ ایدن حواله سالوب
 گیدیر بدنده کی روحیم نجه که سن گستیسن
 اودور بو حال باجون حال ارتحاله سالوب
 گیدن قایتمیوب هرگز بو قانلو میدانان
 آنا باجیسنی مین محنت و ملاله سالوب
 گهی اورک دوگنور گه علی دیزیم تتور
 نه حاله گور منی آخر بو استحاله سالوب
 اوتور دیونجه دوروم باشوه دونوم دولانوم
 بو فرصتی اله الدن علی العجاله سالوب
 گرک دالونجه گلم گون کیمی زوالون وار
 دیسونله سایه دی چون گون بتور زواله سالوب
 باجینی قارداشی بولم نه نوع قایتاردی
 دینمرم بو قایتماق اونسی نه حاله سالوب

اوزی گلوب دایانوب دسته لر قباقنده
 ولیک دشمنی بیر نکته قیل و قاله سالوب
 دیردیلر بو گلن حضرت پیمبردور
 دالنجا زلقنی ایلوب عوض بلاله سالوب
 و یا که الدهه قلیج مرتضی علی گلوری
 که بیر هراس دل لشگر ضلاله سالوب
 همینکه بیلدیلر اکبردی دوتدیلار دورین
 جفا کمندنه مین اوچی بیرغزاله سالوب
 یتن ووراردی اونا کامه یاره پی در پی
 بولوب فریضه موالات و اتصاله سالوب
 بیبری ووراردی باشندان عنادیله شمشیر
 گورن یاراسنی شق القمر خیاله سالوب
 بیبری ووراردی او خیله بری سنانیه
 نظر همین که او زلفه او خط و خاله سالوب
 بری ووراردی دالندان آت اوسته خنجریله
 الف کیمی قدینی شکل حرف داله سالوب

او قدر وُوردیله کاری یارا دوشوب دلدن
 زبان لیلیه بیر پراسف مقاله سالوب
 نشان ویریردی اوزاقدان باخان بیری برینه
 مه تمامی قضا صورت هلاله سالوب
 او گل کیمی بدنی بندبند دوغرادیلار
 ورق ورق داغیدوب عرصه قتاله سالوب
 وبال قتلتی اوز بویننه آلوب منقذ
 نولوب او کافر اوزین بیر بویوک وباله سالوب
 آتاسی آلدی سسین گلدی نعشنی تاپدی
 او تشنه تک که گذر چشمه زلاله سالوب
 بیله خیال ایلدی ئولمیوب گلور نفسی
 اوزین او گل بدن اوسته بو احتماله سالوب
 آلوب دیز اوسته باشین قلبی اولمادی آرام
 نظر نقدر او بی مثل و بی مثاله سالوب
 یوزین قویوب یوزینه چکدی ایله بیر صیحه
 که لرزه بارگه قدس لایزاله سالوب

گوروب که نعشینی ممکن دگل اوزی آپارا
 نظر یمین و یسار صف جداله سالوب
 خطاب قسیلدی بنی هاشمون جوانلارینا
 هامی مخاطب اوزین پای امثالہ سالوب
 بویوردی قارداشوزون حمل ایدون جنازه سنی
 او ذکر و الاسفا هر زیان لاله سالوب
 نہ نوع گتدیله بولم او دوغراناں بدنی
 گورون خیامہ او عالم نہ آہ و نالہ سالوب
 چخان کنارہ گوروب خیمہ لر کنارندہ
 عزیز فاطمہ بیر مہسیہ کلالہ سالوب
 ویرویدی اکبری اما رضای اکبر آلوب
 حسین آلہ بیله بیر معتبر قبالہ سالوب
 خممار عشقیدی لیلا باخاردی گوزلرینہ
 الینہ قانیلہ سرشار ایکی پیالہ سالوب
 بو آستان حسینیہ انبیای عظام
 اوزون امیدیلہ «صافی» صف نعالہ سالوب
 او تشنہ سرورہ منسوب اولان محقق دور
 کہ خوان بحر کرمدن آلہ نوالہ سالوب

زبان حال حضرت لیلا (س)

فسلج چکوبله قتلوه بو لشکر جفا علی
آنان رضادی سنده گنت قضایه ویرور رضا علی

ذبیح کربلا علی

خیال وصل یاریله باشوندا وار خیال اوغول
بو یانسا قانه راضیم بو زلف و خط و خال اوغول
آنالوق حق زحمتین من ایلدیم حلال اوغول
خلیل کربلاسنی ویروبدی چون فدا علی
عبث دگل که زحمتون چکوب تحمّل ایتیمیشم
نه عارض گله باخوب نه سیر سنبل ایتیمیشم
هامی مرام قلبمی بو گونده حاصل ایتیمیشم
اوجالدی باشمی باشون اوجالدا گر جدا علی
بو گیتماقوندا هر قدر یتشسه غم اوسانمارام
کمال دلخوشم علی باخوب دالونجه یانمارام
مین اوغولوم اولسا سن کیمی فدا ویروب دایانمارام
بودور مرید عشقه چون مراد و مدعا علی

دوتالا ایمدی بولمیشم گروه گین کناروی
 توگله قانوی علی آلا اختیاروی
 دایانما قاتلون چکور یول اوسته انتظاروی
 باشون ویرایله منقذی بو قیددن رها علی
 او هاجرم گتورموشم اوغول منایه گوندرم
 اوزوم بزندورب سلام یولا یوزیمی دوندرم
 گرک من اید رخت گل بو گونه گون گلون درم
 هانی درخت گنده بو طراوت و صفا علی
 وجودون اولسا بندبند علی شکایت ایتمرم
 یارالی نعشون اوستنه یتنجه کامه یتمرم
 دالونجه گلّم ای اوغول دیمم که شامه گتمرم
 باشون جداده اولسا گر قباقدارهنما علی
 قباقدار سن گیدن یولا بابان علی دلیل اولوب
 طریق حقی گوسترن سلالیه سلیل اولوب
 آخوبدی قانی سجدهده بسان سلسبیل اولوب
 فنای محض اولوب تاپوب حقیقتاً بقا علی

کناره طرّه کجون دولوبدی پیچ و تابله
 دیار عشقی دولدوروب شمیم مشگ نابله
 نه یاخشی بیر فروش اولور گوزیمدگی گلابله
 یتورسه شامده اگر بو نکهتی صبا علی
 اوغول نه نوعیله که سن اجابت ایتمیسن ازل
 حسین یولندا نولماقون اولوب قضای لم یزل
 آناوادا دیویدبلر اسیر اولوب دمشقه گل
 همان بیر عهدیدور که دل و یروب آنا بالا علی
 دیمم که ویرمه ای اوغول قلج قباقرنه باشون
 آناوی روسفید ایدر بلشسه قانه گوز یاشون
 نه ایستیوبله تک سنی واروندی یار و یولداشون
 بو مشقی اهل عشق ایچون ویروبدی مرتضا علی
 خوشا او شخصه «صافیا» باشندا عشق شوری وار
 او شور عشقدن اونون اورکده بیر سروری وار
 او کس که قلبنون خدا محبتیله نوری وار
 چکر النجه واحسین دیر النجه یاعلی

زبانحال حضرت لیلا(س)

ترک سر ایتماقه مهتاسن جوانیم اوغول
گیت راضیم اگر یتسه عرشه فغانیم اوغول
وقت شهادتدور یقین بولم کفن سالمیسان
قربان بو خوش قامته نه عالمدور که سن قالمیسان
آرام لیلاتی علی الدن ایله آلمیسان
نه جاندا طاقت وار نه قلبیمده توانیم اوغول
ساخدوقجه خرسندم نهایتده بو تدیریوه
درویشلیق رسمی بودور احسنت علی پیریوه
دورما داینما من رضا اولمام بو تأخیریوه
سن گیت اولور یا هو منیم ورد زبانیم اوغول
صدق که توکمورسن بیله بیر دم علی گوزباشون
آماده دور جنگه گوز اوستنده قلع تک قاشون
حقیم حلال اولسون اوجات لیلا باشینی ویر باشون
حیران بو چوللرده گرک منده دولانیم اوغول

زحمتلرون چکدیم اوزون بیر عمر من صبح و شام
 بیر بیله خوش ساعت خیالنده گزر دیم مدام
 اولدی بو گتماقدا علی حاصل هامی بیر مرام
 مقصودیمی ویردی خداوند جهانیم اوغول
 اولسون قسم آخر علی زلف سمن بویوه
 قونسیدی توز هرگز دوزنمزدیم سر مویوه
 ایمدی خوشام قانون ویره زینت بو گل رویوه
 چون جوش ایدوب الله رضاسنده بو قانیم اوغول
 بوئم گیدن گلموب اوغول گیتسن یقین کلمه سن
 مین ایل «نه بسدور دانش دلن دی بیر کلمه سن
 دورما گیدرسن گیت رضایم من داخی کلمه سن
 هر چند افلاکه یتر هر دم امانیم اوغول
 هیچ کیم آنالار تک علی بولمز آنالق دیلین
 ممکن دگل یادلار علی بولسون آنا نسلین
 اوز قانوا باتسان وصول اولسا مراد دیلین
 یانسامدا لازمدی تونجه من دایانیم اوغول

گورسم جدالرده باشون مطلق علی آغلامام
اولسام اسیر هرگز گلوب داده جگر داغلامام
باغلانساقولآریم دوشوب سوزدن دیلیم باغلامام
توصیف جانانلا منیم آرتار بیانیم اوغول
قان یاشلا دولدورموش هامی اهل عزا گوزلرین
دامسانی دوتموش بیر لیلای بری اکبرین
«صافی» گجه گوندوز دیر آغلار اوزی سوزلرین
ترک سر ایتماقه مهیاسن جوانیم اوغول

وداع شاهزاده اعظم حضرت علی اکبر(ع)

نه تک قراریمی هجر رخ نگار آپارور
امید وصلیله بو قلبدن قرار آپارور
نه وصل یاره دوزوم وار نه فرفته طاقت
همی وصالی همی هجری اختیار آپارور
دوشور خیالیمه اوضاع روز عاشورا
قرار و صبریمی دلده نه قدر وار آپارور
ویروب اجازه علی اکبره امام حسین
سالوب قباقیجه محبوبه بیر نثار آپارور
بویوردی گیت حرم اهلینن اوغول وداع ایله
سوسوزلارین یاننا چشم اشگبار آپارور
او شاهزاده گلوب خیمه لر قسباقنده
سسین اوجاتدی او سس لیلیدن قرار آپارور
دیددی گلون گیدیرم اکبری حلال ایلیون
دورانمورام منی شوق وصال یار آپارور

تو کولډولر حرم اهلی کی چک بیوک دیشره
گوروب او حالی قرار دل فکار آپارور
آوبلا دوربرین هاله تک او ماه وشین
تمام فیض تماشانی یادگار آپارور
ویروبله سس سسه سسلردیلر علی اکبر
بو کارزاره سنی هانسی انتظار آپارور
بیزی بو غربت آرا قویما گیتمه میدانه
قالان تحمّل و صبری بو کارزار آپارور
بیری دیور آناوین حالینه ترخم ایله
که روح لیلینی بو تیره روزگار آپارور
باجی چکور اتگیندن دیور نجه گیدوبسن
بو حال مهر و محبتدن اعتبار آپارور
کناردن ایله بیر عالمه باخاردی حسین
قرار اکبری گوردی او وضع کار آپارور
بویوردی اکبریمی بوشلیون کباب اولدی
جواندی صبرینی اندوه بی شمار آپارور

دیمه فقط اوزی اکبر تک آریلوب گندی
ایدوب گوگل لری ویران و تارمار آپارور
حسین قبرینه ای «صافی» منده مشتاقم
میشر اولموری نیلوم چوخ انتظار آپارور
گیجه گونوز چکرم آه دلدن آه اوسته
که آه سرد بلی سیندن غبار آپارور
بو نچه شعریمی سن شاهد عرض حال ایله
که نوحه خوان حسین الدہ سوگوار آپارور

زبانحال حضرت لیلای(س) در وداع حضرت علی اکبر(ع)

گتسن اوغول دالینجا لیلای مضطر آغلار

اکبر آدین دلنده سویلر مکرر آغلار

سن مظهر جمال پیغمبر خدا سن

مشکوة نور حقسن مرآت حقنما سن

اولسان اگر گوزیمدن بیردم اوغول جدا سن

من سهلم آل طاها آردونجا یکسر آغلار

گر چه متاع وصلون ای یوسف مدینه

جان نقدی دور بهاسی دوشموش آنان الینه

یو گتماقون یقین بول بولسه یاجون سکینه

شام و سحر او مضطر منله برابر آغلار

وار ایمدی که اجازه میدان کارزاره

مدعو سن ازلدن بزم وصال یساره

بولدوم اوغول گیدرسن تقدیره یو خدی چاره

سنسیر آناندا هر آن زار و مکدر آغلار

معلوم اولوبدی سنده پابند عشق اولوبسان
 باطنده خوشدی گوگلون لب تشنه سن سولوبسان
 قربان او چشم مسته سزی ندور دولوبسان
 نولم علی اکبر گورسم او گوزلر آغلار
 زلفونله مرغ روحیم چون باغلیوب علاقه
 سالمیش همان علاقه مین گونه اشتیاقه
 هر چند دوزمگیم چوخ مشکگل گلور فراقه
 اما بو گون تیکر گوز میدانه گوزلر آغلار
 وار بیر سنه امیدیم آخر هامی ایلیمدن
 دنیا دوشر گوزیمدن گتسن مقابلیمدن
 دوشمز علی نولنجه اکبر آدی دیلیمدن
 لایلا قیلوب او اسمی مدتدی ازبر آغلار
 وار عمریمون نه حُسنی سنسیز منیم جهاندا
 بو حسن و بو ملاححت وار هانسی بیر جواندا
 گتسن قیتمه سن سن صبر ایلسه آناندا
 بول باغ جنت ایچره خاتون محشر آغلار

وقتون گچور اگر چه هر قدر ساخلاسام من
لابدئی دوغراما قدا گویا بو جسمی دشمن
گر پاره پاره باشسبز سن حشرگاهه گلشن
بوتم تماماً اهل دیوان اکبر آغلار
«صافی» بو خاندانه چو خاندانی خدمت ایلور
اوز خدمتینده دائم هر چند دقت ایلور
گوگونده کر بلایه مدتدی حسرت ایلور
گلسه مزارون اوسته شوريله نوکر آغلار

زبانحال حضرت لیلا(س) در وداع حضرت علی اکبر(ع)

اولوبسان عازم میدان اوغول گیت
 آنان لیلا سنه قربان اوغول گیت
 منه چوخ باخما یانما داخی دورما دایانما
 گوروب گوزلور یولون بو قوم کینه
 ویروب رخصت سنه شاه مدینه
 اونا بساخما یسانوب آغلار سکینه
 منمده اشگیم اولسا قان اوغول گیت
 سنه باخدوقجه من حیرانون اولام
 دولانسام بساشوه قسربانون اولام
 آلوب دردون بلاگردانون اولام
 منی ایله بلاگردان اوغول گیت
 بولورسن یوخ علی سنسیر پناهییم
 سنیدون بسیر منیم امیدگاهیم
 یری وار گر چخا افلاکه آهییم
 رضاییم ایسلیم افغان اوغول گیت

نه سنسيز ايلرم من سير بستان
 نه سير سرو سنبل نه گلستان
 سر زلفون کیمی اولام پريشان
 دايانما ای گل خندان اوغول گیت

اوتور بيرجه دولانوم باشوا من
 دویونجا سير ایدیم گوز قاشوه من
 اولوم قربان علی گوز باشوا من
 گورنم گوزلرون گریان اوغول گیت

بو زلفه گل ووروم من بيرده شانه
 که مرغ روحه اولسون آشیانه
 ایلمده قالسا زلفوندن نشانه
 اولور هر مشکلیم آسان اوغول گیت

گرک سرمه چکم من چشم مسته
 ویرم چشمون نشان هر بت پرسته
 دالونجا منده گلم دست بسته
 اولا گر منزلیم ویران اوغول گیت

بو جسمون دوشسه میدانه رضایم
 آخاگر قانون هر یانه رضایم
 بو یانسا کاکلون قانه رضایم
 شکایت ایتمرم بیر آن اوغول گیت
 بو چشم مستی من گریان گورنم
 بو غنچه لبلرون عطشان گورنم
 دورو بدور منتظر عدوان گورنم
 بو سن بو نیزه بو پیکان اوغول گیت
 نه ناله ایلم نه داده گللم
 دالونجه شامه ای شهزاده گللم
 گوروب زلفون اوغول افتاده گللم
 گهی افتان گهی خیزان اوغول گیت
 گوتورمزدیم اگرچه گوز یوزوندن
 دو یانمازدیم اوغول شیرین سوزوندن
 اجازه ویر اوپوم بیرده گوزوندن
 گران دور محنت و هجران اوغول گیت

یقین اوز لطفیدی شاه جهانون
صفای قلبدن آرتوب بیانون
اولوب «صافی» بو سوز ورد زبانون
آنان لیلا سنه قربان اوغول گیت

زبانحال حضرت لیلا(س)

ویردیم اجازه دلدن گنت نوجوان اوغول گنت
 باخسون دالونجا یانسون آغلار آنان اوغول گنت
 بیر عمر گورمدیم من شیرین یوخی گوزومده
 بو گل یوزه باخاردیم دائم دلیم سوزومده
 نه نوع گچدی عمریم حیرتدیم اوزومده
 ای بو بلالی جانہ روح روان اوغول گنت
 گنت نقد جان الوندہ یول تاپ حریم یارہ
 ویر باشوی قدم قوی خلوتگہ نگارہ
 جسمون یارالی اولسا گل خیمیه دوبارہ
 من باغلیوم یاراوی بیردہ جوان اوغول گنت
 وارہانسی بیر جواندا بو خال و خط و بو گوز
 بو چین زلف پرچین بو مہ جبین بو گل یوز
 بو لعل لب بو غنچہ بو خوش بیان شیرین سوز
 شیرین دلون فداسی ای خوش بیان اوغول گنت

بولم که درد الیندن تاہمام داخی فراغت
نه وار دلیمده قوت نه دیزلریمده طاقت
بونلان بیله رضایم باشسیز گورم بو ساعت
بیر لحظه گورمیم من تاب و توان اوغول گنت
گنت تیغ و خنجر یله وورسونلاصاق و وصولدان
صد پاره اول کناره قویما قدم بو یولدان
من گچموشم اورکدن سن تک جوان اوغولدان
گلمز دیلیمه هرگز بو دم دایان اوغول گنت
گر چه منہ نولومدن مشکل گلور فراقون
یاددان اونی چخاردار بو ذوق و اشتیاقون
من خوشدلیم وطنده بوش قالسا گر اطاقون
قویما عمامه بسدور مندن نشان اوغول گنت
بیر واضح امر دور بو بیر نکته دور بدیہی
دنیا دوتوب بو قوم بدمنظر و کریہی
گورسه گلوبدی رزمه پیغمبرون شبیہی
شاید تاپا ہدایت بو شامیان اوغول گنت

خنجر لر یله جسمون یکسر پوزولسا خوشدور
 بو صفحه وجودون پیکان لا دولسا خوشدور
 تامن و آرام جهان و ارسنسیز گراولسا خوشدور
 شغلیم فغان و ناله ذکریم امان اوغول گنت
 «صافی» بو غمده دائم گل شور و شینه آغلا
 فریاده گل عذاره سیل سرشکی باغلا
 لیلا دلینجه ورد ایت بو ذکر ی سینه داغلا
 ویردیم اجازه دلدن ای نوجوان اوغول گنت

زبانحال حضرت حسین (ع) در وداع حضرت علی اکبر (ع)

ویرم اگر چه اوغول جمله جهانہ سنی
 گنت اوخلارا بو قوشون قیلسون نشانہ سنی
 باخما باخوب نولورم خوشدور نولوم گورورم
 باتمیش گوروم سورم میداندا قانہ سنی
 آردونجا من بو یولی چوخ تزی گلم اوغول
 سن جان ویرن بو گوزل بیر یولدا تولم اوغول
 یاددان چخاتماز آنان تا واردی بولم اوغول
 آغلار یانار منہدہ ایلر بہانہ سنی
 جدیم عمامہ سینی قویدوم اوغول باشوا
 باشون یاریلسا خوشام قان آخسا گوز قاشوا
 گنت تتریتیش ای اوغول اوز یار و یولداشوا
 دعوت ایدوبلہ علی باغ جناہ سنی
 قلام آنان غمینہ باخدوقجا گل یوزیوہ
 حسرت قالاگر اوغول ینلر شیرین سوزیوہ
 گرچه سالوبدی کفن سُرْمہ چکوب گوزیوہ
 زلفون اوزی داریوب ایلوبدی روانہ سنی

هر چند یتمه میسن دنیا ده کاموه سن
 ناکام بولمه اوزون چاتدون مقاموه سن
 ایمدی یتیشدون اوغول عالی مراموه سن
 اوّل شهید گورر صاحب زمانه سنی
 ویرموش بو خوش خبری رؤیاده جدیم علی
 تقدیر حقّی پوزام واردور نه حدیم علی
 سن سیز کمانه دونر بو سرو قدیم علی
 گنت ایلسونله نشان تیر و سنانه سنی
 غملی گونومده اوغول غمخواریدون منه سن
 نه تک اوغول یری وار قارداش دیم سنه من
 سنسیز نه سیر چمن نه یاسمن نه سمن
 ویرمم گلیله دولی بیر گلستانه سنی
 سن سرسخن سن اوغول هر مختصر سوزیمه
 سن تاب سن اورگه سن نورسن گوزیمه
 دنیانی گور نه قدر تنگ ایلم اوزیمه
 خنجر لریله گورم من خانه به خانه سنی

میدان عشقیدی گنت ویر شوق و ذوقیله جان
 گلم دالونجا سنون قالما اوغول نگران
 چوخ دورما باخما منه گوز یاشون ایتمه روان
 ناچار اوغول گتورور حالیم فغانه سنی
 کسمیش یولون ای اوغول گوزلر گروه ستم
 بیر سخت قلب کمان صیّاد و صید حَرَم
 تاپشورماقا دیمیشم قالوبلاده نَعَم
 صیّاد سنگ دله هم سخت کمانه سنی
 هجرون اگر چه اوغول تاراج طاقت ایدر
 منتفدین اولماقیلا کسب فراغت ایدر
 ایمدی بو جسمون علی اوخ نیزه راحت ایدر
 اوز دشمنون یتورر آخر امانه سنی
 بوئم گورن ای اوغول بو مه شمایلوی
 بو قاش گوزی بو یوزیوی بو زلف و کاکلوی
 نه پایه ده بوله جاق بی رحم قاتلوی
 گوز یوخ قیاس ایلیه بیر نوجوانه سنی

قویماز سنی ویره سن جان تشنه لب لریله
جدیم گَلر یانوا بیر جام کوثریله
لیلا گرگ دی دوزه بیر دیده تر یله
آغلار یانار ای اوغول چوخ یانه یانه سنی
«صافی» او سوزده که وار بو سروروان نظری
اهل دله اولاجاق مطلق اونون اثری
وار ایمدیده او شهون بو غمده چشم تری
مأمور ایدن اوزیدور بیله بیانه سنی

زبانحال حضرت سکینه (س) در وداع حضرت علی اکبر (ع)

قارداش علی گیتمه دور اماندور

گل باجوی باشیوه دولاندور

گل باجوی باشیوه دولاندور

گلموبدی گیدن بو کارزاره

کاممجه دور ایلیوم نظاره

قورخوم بودی گورمیوم دوباره

بیجا دیمرم علی دایان دور

چون سن منه عمر جاودانسان

عمریم نولو بیر نفس دایانسان

رحم ایت آنا ما علی جوانسان

قارداش تولومون هلاک جاندور

اولموش ایله جلوه گر بو قامت

گویا که قیام ایدوب قیامت

حشریم دی منیم یقین بو ساعت

دیسدمده بو منظره عیان دور

ازبس خوشیدیم او گل یوزیله
باخمازدیم علی دولی گوزیله
بو عشق دگل باجون اوزیله

بیر سَرَدی قلبده نهاندور

شمشاد بو قَدیدن خجل دور
دیز قَوْتی دور قرار دل دور
بیر نخله سرو معتدل دور

یا هانسی نهال بوستان دور

بیر نوعیله اولموسان کفن پوش
قالموب داخی منده طاقت و هوش
بو حالون ایدنرم فراموش

اشگیم اودی سیل تک رواندور

سندن صورا گر چه شاهزاده
گَلَم بولورم نولنجه داده
بیر لحظه آتوندان اول پیاده

باغیریم دولی پرده پرده قاندور

زبان حال حضرت سکینه (س) در وداع حضرت علی اکبر (ع)

گل گتمة رزمه بویون قربانی قارداش
قویما اوغولسوز آنان لیلانی قارداش
بویون قربانی قارداش
بولم سنی من علی بو قوم کینه
قسویمازلا بیرده گوره باجون سکینه
هجران او دیله یانار بو دل بو سینه
سیل سرشکیم دوتار دنیانی قارداش
یاخشی ایدوبسن علی ترک علایق
بیله اولوبسان باشون ویرماقه شایق
یوخدور سنون تک فدا جانانه لایق
ای من بو قدون بلاگردانی قارداش
ایتسن یوزوندن اگر زلفون کناره
عالم منیم تک اولور بسند نظاره
تشخیص ایدنمز داخلی نوريله تاره
محو تجلاً ایله سن دنیانی قارداش

دوتموش سنبله گوگل اُفت ازلدن
گتسن بولورسن گیدر آرامیم الدن
خشنودم ایمدی اگر گلسه اُجلدن
سندن قاباق من تا ویرم بو جانی قارداش
هجر زُخنده گیدر طاقت دیزیمدن
بو گوز یاشیم تک دوشر دنیا گوزیمدن
حال دلیمی علی باخ گور یوزیمدن
سانما چوخ آسان غم هجرانی قارداش
زلفونده قارداش علی بندم اسیرم
بیر تار آینده ندیم من دستگیرم
دوت دستگیرون آیین رحم ایت فقیرم
شاد ایله بیردم دل سوزانی قارداش
قارداش سالوبسان نجه گور اود خیامه
عمّم قان آغلور ویروب غم یوزه آنامه
ساتم دوتوبدور عزا ایلوب اقامه
آغلار قویوبسان شه دورانی قارداش

منفذ دو توبدور علی یول گوزلور آن
 خنجر الینده دیور میداندا قان قان
 سوز یوخ کچوبسن اوزون سن باش وجاندان
 من نیلیوم بس گوزلرون قربانی قارداش
 مین طعنه ویرسا منه شام ایچره دشمن
 آل بو اتکدن یقین بول چکمزم من
 سن سیز ایدنم داخی بیر یرده مسکن
 گلّم دولانسا باشون هر یانی قارداش
 روز ازلده بلا سویلوب بلایه
 باجون رضادور علی سن تک قضایه
 گلسیدی هاجر نولور بیر بو منایه
 گورسیدی قربان ویرن لیلانی قارداش
 «صافی» اورکده یقین چوخ نسلگون وار
 حل ایلر اکبر اگر هر مشکلون وار
 دیلن دی آغلا عجب شیرین دلون وار
 گل گتمه رزمه بویون قربانی قارداش

بهاریہ صافی علیہ الرحمۃ گریز بہ
مصیبت حضرت علی اکبر (ع) و کیفیت قتلگاہ

گلدی بہار غمزدہ بلبل گل آختارور
گل آچمیری یوزین نفس بلبل آختارور
بلبل سسی گلور گنہ گزار و باغدن
ہر گوشہ نی گزر دولانور منزل آختارور
بیر مدت مدید چکوب رنج بی حساب
شرح ایتماقا او گونلری بیر محفل آختارور
فضل خزاندا بسکہ دوزوب درد فرقتہ
بیر نوبہار وصل گل و سنبل آختارور
حسرت قالوبدی خوشگونه چو خودور غمی گوروب
گل شاخہ سندیہ بیر فرح کامل آختارور
بلبل تک عشقندن ہامی قوشلار ورالآ دم
گل بلبلی بو فیضہ بیلوب قابل آختارور
باخمازلا قولہ فعلدہ دور امتحان عشق
مےشوقہ لر ہامی عملہ عامل آختارور

گوگلوب نہ سیر گلشنہ مایلدی نہ گله
 نہ باغ و نہ چمن نہ دمن نہ مل آختارور
 ہر نوبہار بلبل اولور بیر گلیله یار
 سال گذشتہ نوگلی مشکل آختارور
 بش گوندی گل طراوتی چون گلستانیدہ
 بلبل بو عمر کوتہی بی حاصل آختارور
 بیر گل دی بو کہ بلبل باغ غزال اولان
 ہر لحظہ ہر دقیقہ ہر آی ہر ایل آختارور
 شوریدہ بلبل من او گل یوزلی اکبرہ
 کیمدور بیر ایلہ ماہ لقا خوش گل آختارور
 گوگلوب علاقہ باغلیوب اول زلف و کاکلہ
 سرمایہ امیدی اولان بیر تل آختارور
 چسوں رشتہ حیاتیدی ہر تار طرہسی
 عمر دراز آرادیمہ بیر کاکل آختارور
 اکبر دوشندہ تشنہ یارالی عقابدن
 گوردی بیلیندہ خنجرینی قاتل آختارور

سسلندی کسه باشمی ظالم بو گل یوزی
 بیر عندلیب بسته پسر و بسمل آختارور
 اوز یال و کاکلین بویوب قانیله عقاب
 حاضرله شوب جوابه گزر سائل آختارور
 هر چند دل یوخیدی او حیوان صامتون
 بو پراسف قضییه بیر ناقل آختارور
 سوز یوخ اوزی قویوب قوری یرده جنازه سین
 از بسکه غصه لیدی اولوب غافل آختارور
 حیدر کیمی اونون بولونوب نازنین باشی
 واردور یری علینی دیسم دلدل آختارور
 ظالمترین النسدن ایذیر داد سسلنور
 گویا که بیرجه منتقم عادل آختارور
 سال یادپوه او ساعتی میدان عشقه
 گل یوزلی اکبرینده بیر بلبل آختارور
 یعنی او باغبان و فاشاه تشنه لب
 بلبل کیمی نوایه گلوب بیر گل آختارور

اکبر سسین آلوب او سسین آرديجا گزر
 ایسستر مرام قلبه اولان نایل آختارور
 سیر ایله برجه قوت قلبه امام ده
 تپراقلاار اوستن اوغلین او دریا دل آختارور
 بیله خیال ایتمه اوغول آختارور حسین
 اکبر دیسه مجسمه ننگل آختارور
 زلفی الی ایاقی مخضبدی قانیله
 گل جسمی اوخلاریله اولان کاکل آختارور
 بیر آختاران آتاسی دگلدی که تک بتک
 حق مظهرین او سلسله باطل آختارور
 بیر یرده یتدی تاپدی جوان اوغلنی آتا
 درد دل ایستماقا ایکیسی بیر دل آختارور
 قان دجله سنده گوردی اوغول ال ایاقی چالور
 بنزر او غرقه حالی که بیر ساحل آختارور
 گرچه اوغول باخوردی آتایه ویروردی جان
 آما آتسا جنازیه بیر حامل آختارور

دلخوشدی حق یولوندا فداسی قبول اولوب
 چون فدیهنون قبولینی هر عاقل آختارور
 شباباش ایتماقا او نثار اوسته جسمدن
 اوز در اشکنی او شه باذل آختارور
 سسلندی ای جوانلار ایدون حمل نعشینی
 گوزلور یولین حرمده اونون بیر ایل آختارور
 اکسبر جنازه سینی گورنلر خیامده
 اول نعشی گوردیله هامی مستقیل آختارور
 بی پرده اهل بیت توکولمشدی خارجه
 سانما بری قالبوب یوزینه حایل آختارور
 بیرجه اوغول آناسی حیا ایتدی گلمدی
 بیر حالده که جام اجل عاجل آختارور
 قلبین آووشدیروردی سیزیلداری نی کیمی
 بولسونله پاره جگریله دل آختارور
 ویردی اجازه لیلیه اما امام اوزی
 مطلوبه اولمیوب نقدر واصل آختارور

یتدی اوغول جنازہ سنہ گوردی نہ اوغول
 بیر شکل ماہ منظرہ سی زایل آختارور
 فکری یتن یرہ کیمی سیر ایتدی عشقده
 درک ایتمین مقامی عبث جاہل آختارور
 بی اختیار دوشدی او نعشی قوجاقلادی
 اوز عکس آرزوسنی گور آہل آختارور
 گورسون حسینہ عارف اولان شخص «صافیا»
 ہر کیم علی ولایتہ قایل آختارور
 منظور آغلاماقدی شبیہ پیمبرہ
 سالام قرار صحبتی بیر طرز دیگرہ
 لیلا قویاندا دیشرہ قدم خیمہ گاہدن
 چخدی بیر اودلی منظرہ خرگاہ شاہدن
 چہر سپہرہ اگلشوب اولدوم غبار غم
 پردہ چکلدی مہر و مہر دود آہدن
 باخجاق اوغول جنازہ سنہ دوشدی حیرتہ
 یوز ویردی عالم ولہ اول نگاہدن

لیلا مجسم ایلدی مجنون عوالمین
 تا چخسون عشقه منکر اولان اشتباهدن
 گاهی باخاردی گاهی باخانمازدی اوغلونا
 فکر ایت او حالی بو نگهی گاه گاهدن
 مجبور ایدردی باخماقا عشقی محبتی
 باخمازدی بلکه ساکت اولا آه آهدن
 بیر بوردا گوردی اوغلنی صد پاره جسمیله
 بیرده اودم که دوشدی یولی قتلگاهدن
 بوردا ویریردیله هره بیر نوع تسلیت
 عورت اوشاق عیال شه بی پناهدن
 بیر وقتیدی هنوز جوانلار گزردیلر
 دور و بر خیامده هر ستمگاهدن
 اکبر قستیل اول آل خلیلدی
 اکبر شهید شاهیدی نسل شاهدن
 اما گلنده قتلگهه لیلی حزین
 بیر اود دوتوب یانان داغیلان بارگاهدن

باغلانندی هر ایکی قولی محکم طنابله
 بسته یدی گر چه بیر تله زلف سیاهدن
 گوز یاشلی سینه داغلی گلوردی یواش یواش
 بیر جمعیده یاننجا گیدردی سپاهدن
 شاهد بودور که بیگیله دوتموشدی اوز یوزون
 عاجز دگل او مطلبه کیمسه گواهدن
 توکدی یول اوسته گوز یاشی ابر بهار تک
 گوردی که اکبر عطری گلور خاک راهدن
 تا یتدی قتلگاهده اوز نوگلون تاپوب
 اوج ایتدی کچدی نالهسی عرش آلهدن
 قاتدی آنادا تپراقا قان یاش اوغول کیمی
 سیراب اولوبدی خاک بو خونین میامدن
 لیللا شمیمی اکبر ایگی ایمدیده گلور
 بی شک او خاکدن گوزن گل گیاهدن
 قویموشدی یوز ایاقنه چوخ انکساریله
 کمتر بولوردی رتبه سنی پسر کاهدن

بو حالده قولاقه يتوب بانگ الرّحيل
 دوشدی قطار شام یولا شاه راهدن
 چوخ ظلمله آنالار اوغولآردان آیریلوب
 فریاد او قوم مذهب آئین تباهدن
 مین ذلتیله نظمه سالوبلار خانملاری
 کیم تازه آیریلوب هاموسی عزّ و جاهدن
 آی اوزلی اکبر اوسته آنا غش ایدوب قالب
 مأمورلر گلوب آیرامهری ماهدن
 قمچی وروب یتن باشینا گور نه نوعیله
 جویویای حال اولوب حرم پادشاهدن
 درسی روانیدی گنه تنییه ایدر دیله
 حسیرتدیم بو شدتله انبتاهدن
 اول بلبلی ورا ورا گلدن آیردیلار
 گرچه بری بیلوردی اوزین هر گناهدن
 ناچار ترک ایدوب آنا ایستگلی اوغلنی
 کسدی امید رشته سین امیدگاهدن

آن‌دیردی بئر مقام رفیعه او حالنی
 یرده الی اوزولموشیدی دادخواهدن
 فوراً وورولدی اکبرینون باشی نیزیه
 اوج ایتدی بئر جدا بوئی گون قعر چاهدن
 قرآن اوخوردی مرشد جبریل نیزه‌ده
 تا چکسون ایاق فقرا خانقاهدن
 شه باشی دورباش اولوب گوز یومون دیدی
 بئر دسته باش آچیق علوی الهدن
 درویش عشق اکبرم ای شاه «صافیم»
 کچسم بو پوستین بو پشمین کلاهدن

استغاثه جناب علی اکبر (ع)

آلدی دورمی صفر گل بابا هرایه گل
 نولدورور منی لشگر گل بابا هرایه گل
 دسته دسته تیرانداز اوخ قویوب کمان اوسته
 یاغدیرورلا یاران تک اوخ بو بیر نشان اوسته
 جان یتوب دوداقیمه تاپ علینی جان اوسته
 گوزلریم یولون گوزلر گل بابا هرایه گل
 چوخ چکوب آنام زحمت بسلیوب منی گل تک
 جور خار ایامه تاب ایدوبدی بلبل تک
 باش آچوب اودور اوخلار سینم اوسته سنبل تک
 گلده بیر شکوه ایستر گل بابا هرایه گل
 اول بهاریمده بیله بیر خزان یتدی
 گلشن وجودیمن رنگ و بوی گل گیتدی
 بو جفالی گلچینلر کسدی پایمال ایتدی
 شاخ و برگیمی یکسر گل بابا هرایه گل

أَظْهَرَ مِنَ الشَّمْسِ كَشْفَهُ نَه حَاجَتِ وَار
 نَازِنِينَ وَجُودِ مِدْمَه اوزگه بَیْر لَطَافَتِ وَار
 بَس دَگَل کِه سِرگَرَم مَنده بَیْر حَرَارَتِ وَار
 تَابَش هَوَائِیْلِر گَل بَابَا هَرایِه گَل
 یُولَاری دُوتُوب کِیْمَسَه مَحْضَرُون نِشَان وِیْرَمَز
 مَن گَلَم بَابَا قُویْمَاز قَاتِلِیْم اِمَان وِیْرَمَز
 اَکْبِرُونْدَه گُوزَلِر یُول سَن گَلنَجَه جَان وِیْرَمَز
 گَر چَکَلَسَه مِیْن خَنجَر گَل بَابَا هَرایِه گَل
 بَیْر قَلِج وَرُوب مَنقَذ قَان آخُوب گُوزِیْم دُولدی
 صَرَصَر حُوَادَثْدَن گَل تَک عَارِضِیْم سُولدی
 قَان لِبَاسِی گِیْدِیْرَدِی قَانلی کَامِیَاب اولدی
 تَابَدِی بَیْکَرِیْم زِیُور گَل بَابَا هَرایِه گَل
 اَی پَنَاه رُوحِ اللّهِ آدْمَه وِیْرَن خُوشْدَم
 مَحْض اَحْتِرَامُونْدِی گَلدی عَالْمَه آدَم
 ذَکْر اِسْمُون نُؤْلَم مَن تَرَکِیْن اِیْتَمَرَم بَیْرَدَم
 اَکْبِرُون دَیْر سَسَلِر گَل بَابَا هَرایِه گَل

بولمشم بو نولمکدن عالمه یتر سودیم
 سوده یتماقا عالم آرتار هر زمان جودیم
 قطعه قطعه دوغراندیم حاصل اولدی مقصودیم
 داده یت سنی حیدر گل بابا هرایه گل
 بو گروه کین یولمز مندن اخذ کام اولماز
 بیر منیله دنیادن حاصل مرام اولماز
 من کیمی غزال آخر هر کمنده رام اولماز
 ای عزیز پیغمبر گل بسابا هرایه گل
 کسوی عشق جاناند ایله جان فشانم من
 هرگز اوف دیمم بولمم اوخلارا نشانم من
 جان ویرن زمانیمدور یالقوزام جوانم من
 حسرتیم وار ای سرور گل بابا هرایه گل
 نخل زحمت لیلا وقت اولوب ثمر ویرسون
 آه سینئه «صافی یاخشی بیر اثر ویرسون
 اول بلاکشه کیمدور حالیمی خبر ویرسون
 جان ویرور علی اکبر گل بابا هرایه گل

استغاثۃ جناب علی اکبر (ع)

دایانما گل یارالاندیم بابا گل
 سوسوزدان اود دوتوب یاندیم بابا گل
 نجه گور جان فشانم اوزوم یالقوزام جوانم
 دوتوبلار دوره می قوم ستمگر
 ویرار هر بیر طرفدن نیزه یکسر
 دوروب باش اوسته قاتل الدهه خنجر

دایانما گل یارالاندیم بابا گل
 نجه گل گور گلن تیره نشانم
 دایانام چون یولوندا جان فشانم
 اوزوم یالقوز جگر تشنه جوانم

دایانما گل یارالاندیم بابا گل
 نولوم جلوه نور هر دم نظرده
 یسولومی گوزلین وار خیمه لرده
 دوتوب قان گوزلریمی پرده پرده

دایانما گل یارالاندیم بابا گل

کسوب دشمن یولی قویمور گلم من
گلم لیلایانندا دنجلم من
گلنجه سن بودور قورخوم ئولم من
دایانما گل یارالاندیم بابا گل

اوزون گل باشم اوسته آغلاماقه
اوغول داغیله قلبون داغلاماقه
ویرنده جان گوزیمی باغلاماقه
دایانما گل یارالاندیم بابا گل

مہیم تک کیمدی هر ظلمه دایانسون
گوزی زلفی یوزی قانه بویانسون
آنام قان آغلاسون باجیمدا یانسون
دایانما گل یارالاندیم بابا گل

بابا گل قبلیه دوندر یوزیمی
ایشت بسو آه زاری آل سوزومی
یوزومی تپراقه قوی سیل گوزیمی
دایانما گل یارالاندیم بابا گل

دوتوب قان پردهسی چشم سیاہی
گوزوم گورمور تاپام من شاہراہی
گل ای ہر ناامیدین دادخواہی
دایانما گل یارالاندیم بابا گل
باخار صاق و صولینہ جان ویرنلر
خصوصاً جان بابا عطشان ویرنلر
گلور ایلر دعسا قربان ورنلر
دایانما گل یارالاندیم بابا گل

زبان حال جناب علی اکبر (ع) در میدان

گل بابا اکبرون اهل کوفه
 گور نه نوعیله خوارئولدورولتر
 بوردا مین اوچی دورت بیر طرفدن
 بیر یارالی شکار ئولدورولتر
 بی قرار ایلیوب عشق دلبند
 ای باباجان جانانه سوگند
 بولمرم اوخ اوخا اولسا پیوند
 دلخوشام گر چه زار ئولدورولتر
 من که صید حریم وصالم
 آفتابم اوزوم مه جمالم
 دانه و دامدن بی خیالم
 اهل کین آشکار ئولدورولتر

فکر وصلیلہ من دردمندم
 بوخیالیلہ بند کمندم
 رشته مهر دلدارہ بندم
 اولموشام بی قرار نولدوروتلر
 نازنین جسمیمون اهل کینه
 اوخ اوخ اوستن ووروب هر پیرینه
 جان ویزر بولسه باجیم سکینه
 اکبرین بیله خوار نولدوروتلر
 آرزو ایلم بیر گلیدون
 اکبرین خوش خیالین بولیدون
 شاد اولوب غنچه گل تک گولیدون
 شکر ایدون که نه وار نولدوروتلر
 حقی وار اول گونی قاره لیلا
 جان ویروب اولسا آواره لیلا
 گر منی بولسه بیچاره لیلا
 قوم کینه شعار نولدوروتلر

بیر سوزوم وار سنه اول آخر
هم مطولدی هم مجمل آخر
گل اجل گلمه میش سن گل آخر
اولما مندن کنار ئولدورولر

استمداد حضرت علی اکبر (ع)

گل اول منه دادرس یالقوزام بی کسم تشنه ام جوانم بابا
سسیمه ویر بیرجه سس یالقوزام بی کسم تشنه ام جوانم بابا
اوخلارا نشانم بابا (۲)

دوروب قشون صف به صف
ورالآ هر بئر طرف
یارالیم جان بکف

یالقوزام بی کسم تشنه ام جوانم بابا
گلنمدیم من اوزوم
قالوب یولوندا گوزوم
نجه بو درده دوزوم

یالقوزام بی کسم تشنه ام جوانم بابا
بابا گیدوب بسکه قان
بدنده قالمیوب توان
گل ای شه انس و جان

یالقوزام بی کسم تشنه ام جوانم بابا

گرگ نولنجه یانام
خیال ابدوب اودلانام
قالور اوغولسوز آنام

یالقوزام بی کسم تشنهام جوانم بابا

گوگل ایسدر آه و زار
گیدوب الیمدن قرار
نجه قالوم انتظار

یالقوزام بی کسم تشنهام جوانم بابا

بودور هامی همتیم
باشا یسته خدمتیم
نولومدی خوش نیتیم

یالقوزام بی کسم تشنهام جوانم بابا

اولان زماندان زمان
ویسروبله بیر کاروان
بو حق یول اوستونده جان

یالقوزام بی کسم تشنهام جوانم بابا

دیمم که بی چاره‌ام
وطنسندن آواره‌ام
خوشام که صد پاره‌ام

یا القوزام بی‌کسم تشنه‌ام جوانم بابا

سکینه بولسه اگر
نولنجه فریاد ایدر
اماندی ویرمه خبر

یا القوزام بی‌کسم تشنه‌ام جوانم بابا

چکوب قلج قاتلیم
اوزاقلاشور منزلیم
بودور هامی نسلیم

یا القوزام بی‌کسم تشنه‌ام جوانم بابا

هر کسده بیر توان وار
چوخ نوحه‌لر یازان وار
«صافی بو سوزده جان وار

یا القوزام بی‌کسم تشنه‌ام جوانم بابا

استغاثه حضرت علی اکبر (ع)

یخدیلار آتدان منی بی کس بابا

تیز ویر اماندور سسیمه سس بابا

سالدیلار دلدن منی بو اشقیا

وردی یتن جسمیه ساییز یارا

هارداسان ای پادشه کربلا

تیز ویر اماندور سسیمه سس بابا

تاپدیلار ال لشگر کینه نهاد

ایتمدی بیر کیمنه اللهی یاد

قوردولار بیر انجمن اتحاد

تیز ویر اماندور سسیمه سس بابا

دوشدوم ایاقدان بابا گل دادیمه

باخ باشیم اوستندکی جلاذیمه

ایله عنایت یتش امدادیمه

تیز ویر اماندور سسیمه سس بابا

بسکه دگوب جسمیمه تیغ و سنان
بیر باخوب احوالیمه یوخدور یانان
سو تک اولوب هر یانا قانیم روان
تیز ویر اماندور سسیمه سس بابا

سینم اولوب اوخلارا گر چه هذف
یتدیم اوز آمالیمه تاپدیم شرف
وردیلا تک تک منی هر بیر طرف
تیز ویر اماندور سسیمه سس بابا

مین یول اولام گر بابا صد پاره من
انجیمرم خوشدی بو قان پیرهن
چخمیاجاق دلده کی حب وطن
تیز ویر اماندور سسیمه سس بابا

قالدیلا عطشان باباجان لشکرون
ویردیله جان تشنه نولن یاورون
ترک مساوات ایلمز اکبرون
تیز ویر اماندور سسیمه سس بابا

هر کسون اولسا بابا جدّیتی
کثرت ایچنده تاپاجاق وحدتی
اکبریون دورماقا یوخ فرصتی
تیز ویر اماندور سسیمه سس بابا

استمداد جناب علی اکبر (ع)

بابا دایانما داده گل یارالیم یارالیم
گلوب سراغمه اجل یارالیم یارالیم
آخوبدی قانی باشمون باتوبدی قانه یوز گوزوم
بو حالتمدہ گورمسم او گل یوزون نجه دوزوم
نه چاره ممکن اولمادی یتیم حضوره من اوزوم

بابا دایانما داده گل یارالیم یارالیم
ز بسکه چوخ جفاسی وار بو قوم کینه پرورون
وروبلا اوخ اوخ اوستنه دوشوبدی دلدن اکبرون
بو چولده سن امیددی سن تمام زار و مضطرون

بابا دایانما داده گل یارالیم یارالیم
شکسته ایلیوب عدو وفایه بسته گوگلیمی
گلوب دوباره بسته قیل بابا شکسته گوگلیمی
یتور شفالو شریته مریض و خسته گوگلیمی

بابا دایانما داده گل یارالیم یارالیم

قلج و رانلا اوخ آتان دوروبلا هر کناردن
 یارا وروبلا متصل سالوبلا اختیاردن
 اماندی قورتار ای بابا منی بو انتظاردن

بابا دایانما داده گل یارالیم یارالیم

سنون یولوندا مین بیله یتشه یاره سانمارام
 خوشام شکایت ایتمرم دله گلوب اوسانمارام
 یتوبدی پیک کوی حق گرک گیدم دایانمارام

بابا دایانما داده گل یارالیم یارالیم

نه بی وفادی جان و یروب سنون یولوندا توله سون
 نولن دمنده آغلا سین باخوب یوزیوه گولمه سون
 ولی گلنده دادیمه باجیم سکینه بولمه سون

بابا دایانما داده گل یارالیم یارالیم

آنام ایشته حالیمی یقیندی سینه داغلاماز
 اوزی سالوب یولا منی وفاسی واردی آغلاماز
 اگر سن ایمدی گلّمه سن گوزیمی کیسمه باغلاماز

بابا دایانما داده گل یارالیم یارالیم

سنون کیمی عزیز دل اگر هرایه گلمسه
دوتوبدی قاتلیمی قان گلوبدی باشمی کسه
تفضلاً تطفلاً اوزون یتور بو بی کسه

بابا دایانما داده گل یارالیم یارالیم

یولومی کسدی قوم کین خیامه من گلنمدیم
تسلی ویرماقا اوزوم آنامه من گلنمدیم
قدوم پاکوه سنون سلامه من گلنمدیم

بابا دایانما داده گل یارالیم یارالیم

یارالی سینمی خوشام گلن اوخا نشان ویرم
که سو یرینه گلشن وجوده تازه قان ویرم
نولم ویریلده راضیم خدا دوباره جان ویرم

بابا دایانما داده گل یارالیم یارالیم

دلیوی «صافی» آنلاماز مگر اولانلار اهل دل
هزار شکر ایتمیوب سنی خدای دل دو دل
سنه یقین ایله بو گون یتشدی غیبدن بو دل

بابا دایانما داده گل یارالیم یارالیم

استمداد حضرت علی اکبر(ع)

ای بابا دایانما هرایه گل اوخلیام نجه گور یارالیم
 کربلا خلیلی منایه گل اوخلیام نجه گور یارالیم
 ویرموری امان لشکر ای بابا قاتلیم چکوب خنجرای بابا
 گوزلریم یولون گوزلر ای بابا اوخلیام نجه گور یارالیم
 نقص گر چه دور احتراموه جان ویروب یتوزم مراموه
 گل گلندیم من سلاموه اوخلیام نجه گور یارالیم
 دوشمه سین بابانوردن گوزون باشیم اوستونه تزی توراوزون
 شایقم گورم بیرده گل یوزون اوخلیام نجه گور یارالیم
 بسکه خوش گلوبدی بلای دوست اولمشام رضای قضای دوست
 وار باشیمدا شوق لقای دوست اوخلیام نجه گور یارالیم
 سوزش عطش ایلوب بروز وار علاوه بو جاندا اوزگه سوز
 یالقوزام جوانم اوزوم سوسوز اوخلیام نجه گور یارالیم
 وار بدنده بیحد جراحیتم گورنولور بو صورتده حالتیم
 قالمیوب داخی صبر و طاقتیم اوخلیام نجه گور یارالیم*

سولدور و بدولار رنگ آلیسی بولمه سون سکینه بو حالیمی
 قان دو توبدی گل تک جمالیمی او خلیام نجه گور یارالیم
 ای حکیم دل عیسوی نفس ویرموسن نَدَن اکبریوه سس
 یوخ منه داخی اوزگه دادرس او خلیام نجه گور یارالیم
 واردی بولموشم من فدا سنه چوخ عنایت و مرحمت منه
 گل عیان ایله دوست و دشمنه او خلیام نجه گور یارالیم
 ویر بابا آنسام لیلیه خبر گتمیوبدی زحمتلری هدر
 بولسون ایلم منده ترک سر او خلیام نجه گور یارالیم
 ایلدیم من اوز عهدیمه عمل گلدی قویمادی من گلم اجل
 سن بویور قدم رنجه بیرجه گل او خلیام نجه گور یارالیم
 ناله جگرسوز آهیله واردی خوش خیالیم آهیله
 باخ بو حالیمه بیر نگاه هیله او خلیام نجه گور یارالیم
 «صافی» آغلانوک گوزیا شون یوزه چوخ باخار حسین آغلیان گوزه
 وار یری دل اودلانسا بو سوزه او خلیام نجه گور یارالیم

زبانحال جناب علی اکبر(ع) خطاب به عقاب

دایانماسنده منی آپار خیامه
یسارالیام یسارالی ای عقاب
کمندهسالسان یتیر مین اوچی کسامه
بسو اوخلانان غزالی ای عقاب
منی یتور آنامه
دگوب بو پیکریمه نیزه اوخ
اوزوم جوان لب عطشان یاره چوخ
بو قدری لشکر ایچره کیمسه یوخ
گوره یانا بو حالی ای عقاب
آخوب یارالاریمدان گر چه قان
گیدوب قراریم آده یوخ توان
گرک ویرم بو نوعی امتحان
آدیم قالا وفالی ای عقاب

دوشوب نظامه لشکر صف به صف
 قلع و راندی یکسر هر طرف
 غبار اولوبدی زیور منخسف

ایدوب بو گون جمالی ای عقاب

نه حاله دوشمیشم گور بیرجه من
 گورنده گستروله مرد و زن
 نجه که بیربرینه هر گورن

نشان ویرور هلالی ای عقاب

بو گون که حامل اولدون سن منه
 یتورمیشم اذیت چوخ سنه
 اماندی ویرمه آخر دشمنه

بسو تشنه وصالی ای عقاب

منیم کیمی هانی بیر مستمند
 زیارت حسینیه شوقمند
 اودور که دوغراسونلار بندبند

بو لشکرون خیالی ای عقاب

آپارماسان خیامه سن اگر
چتین بلاکش عمّ تاب ایدر
گلوله قتلگاهه دیده تر

بابام علی عیالی ای عقاب

اولوبدی تیر و پیکان همدیم
خوشام و اریمدی بیر خوش عالمیم
یتوب مراره گوکلوم یوخ غمیم

تاپوپ مقام عالی ای عقاب

بویاندی قانه زلفیم کاکلیم
گزر دالیمجا هر آن قاتلیم
گون قیزوب یوخومدور حایلیم

اوزوم سوسوز یارالی ای عقاب

یستور حرم سرایه تیز اوزون
سکینه مون گوروم من گل یوزون
نه سزی وار بولورسن بو سوزون

وار نولمک احتمالی ای عقاب

زبانحال حضرت علی اکبر(ع) به عقاب

گون ایوینده چوخ ساخلاما منی پیکریمده وار چوخ یارام عقاب
 ایمدی سدا اولی خیمه لر یولی دورما گوزلوری یول آنام عقاب
 رحم قیل منه ویرمه دشمنه نولدورور منی اهل شام عقاب
 باغلانوب داخی چاره یولاری کوفیان اولوب اوسته جری
 منده قالمیوب طاقت و توان دشمن ایلوری ازدحام عقاب
 منفذ لعین ایلیوب کمین بیر یارا ووروب صبریمی آلوب
 قان آخوب دوتوب گورموری گوزوم ناپدید اولوب دورخیام عقاب
 دورما تئز یتور خیمیه منی وار منیم چکن انتظاریمی
 ایمدی نولدورور اوز اوزین باجیم فرقتیمه ایتمز دوام عقاب
 آخر عمریده آرزوم بودور باشیم اوسته بیر عمم آغلیا
 نعشیم اوسته بیر ساچلارین سالاسس چکه اوغولسوز آنام عقاب
 وار مدینه ده بیر باجیم چکر تا حیاتی وار انتظاریمی
 جان ویرنجه گوز یولاراتیکوب گوزیاشی توکر صبح وشام عقاب
 واریدی بوگون هر او کیمسه نون جدیمیله دلدہ عداوتی
 یتدیلر هامی آرزوسنه مندن آلدیلار انتقام عقاب

منده قویمبوب یاره لر توان طاقتیم گیدوب قدرتیم گیدوب
کوفیان ویروب اوخ اوسته دوغر انوب بدن بالتّمّام عقاب
یوز مین اشقیما من اوزوم جوان باش یارا جگر تشنه بی کومک
دادیمه نه بیر دادرس گلور نه امان ویرور اهل شام عقاب
دستلر ایچین آز دولانگلن حالیمی عطش چوخ دولاندیروب
چک کناره بو قانلو نعشیمی قویما دشمنه یالوارام عقاب
«صافی» ایستسه سن حقدن صله بیرده مطلع شعری سال دله
گون ایونده چوخ ساخلاما منی پیکریمده وار چوخ یارام عقاب

شہادت حضرت علی اکبر (ع)

اکبرین میداندا نعشین شاہ عطشان آختاروردی
 جان ویروردی لیک جان اوستنده بیرجان آختاروردی
 دوغریوبلار خنجریله گل کیمی جسمین بولوردی
 زخم تیرین زخم شمشیرین هامی قسمین بولوردی
 جان دیردی دمبدم گر چه اوغول اسمین بولوردی
 باغبان پیره باخ گل برگ خندان آختاروردی
 بیر سس آلمیشدی حرمدہ ایلمشدی مایه غم
 ظاہراً غملیدی اما عالم باطنده خرم
 دشت و صحرائی گزردی اکبرین سسلردی هر دم
 قانیله سس صاحبین حیران او سلطان آختاروردی
 چهره سی افروختیدی داد و فریاد ایلموردی
 فکر زخم تیر و خنجر تیغ جلآد ایلموردی
 یاد ایدردی حق رضاسین اکبرین یاد ایلموردی
 درد هجرانه دوزردی وصل جانان آختاروردی

گر چه کسمشدی یولون شاهون سپاه بی حمیت
نه گوگلدہ صبری نه جاندا واریدی تاب و طاقت
ذوالفقارین ضربتیلہ رد اولاندا ابر ظلمت

گون طلوع ایلردی گویا ماه تابان آختاروردی

تیغ و خنجرله بولوردی پیکرین ایلوبله گل گل
اوخ یاراسی سینہ سینده باش آچوب مانند سنبل
اوغلینی بیر گل حساب ایله آتاسین خسته بلبل

دی که بیر شوریده بلبل خوش گلستان آختاروردی

گه دولانوردی صاقاگاهی صولی حیران گزردی
عرصه هیجانی هر بیر لحظه ده هر یان گزردی
قلب مجروحی پریشان دیده سی گریان گزردی

بیر یوزی محبوب بیر زلف پریشان آختاروردی

مصرعنده یتدی آخر اکبرین تاپدی یارالی
ذوالجناح اوستن یخلدی خانه زین قالدی خالی
دوشدی حال احتضاره گورجاق اوغوندا او حالی

ایله بیر وقتین امامون قوم عدوان آختاروردی

«صافیا» ختم ایله بسدور اکبر مه پاره حالین
یاده سال آغلار گوزیله متصل یاز غم ملالین
زاد عقبادور یقیناً ذکر ایله آخر مقالین
اکبرین میداندا نعشین شاه عطشان آختاروردی

زیانحال

حضرت حسین(ع) در بالین حضرت علی اکبر(ع)

ای کوکب صبح ای شبه نیمی کیم سالدی سنی بو حاله علی
قان قطره سی بو مه طلعتوین اطرافین آلوب چون هاله علی
نه خوابدی بو قان ایچره اوغول ای گوزلریمون نوری گوزون آچ
آغلاتما بو جسم اوسته بو قَدر بو خسته و رنجوری گوزون آچ
مشکلدی آتا بو نوع گوره بو پیکر منشوری گوزون آچ
واردور قَدر عمری یری وار یانسا بو خط و بو خاله علی
بولم ندی بو مهر و بو وفا دنیایه علی اعلان و یروسن
یا اینکه گویون اولدوزلارینی بو گل بدنونده سن سان و یروسن
یو خودور نفسون ضعف ایلموسن یا قان آپاروب یا جان و یروسن
دنیاده دوزه بولمز بیر آتا اوغلون سالالاریو حاله علی
باشدان باشا بو گل پیکریوه هر قدر باخور گوزاوخدوراوغول
پاشیده لئوب اعضای بدن از بسکه یاران چوخ چوخدوراوغول
سنگین دیلموش شام اهلی عجب بیر صاف یری هیچ یو خودوراوغول
ای وای منه کیم بو الف قدون سالدی بیله شکل داله اوغول

عمرون آز اولوب صبح اولدوزی تک تیز باتدون اوغول بوگونه نجه
 قویدون منی یالقوز گتدون اوزون من تاب ایدرم هجر ونده نجه
 تا واردی جهان بو غمده یانار لیلانه دوزر گوندوز نه گیجه
 مدتدی چکوب زحمت یتوروب بیرسن کیمی بیر تمثاله علی
 یر اوزره قویوب بو گل بدنون من بیرده نیجه خرگاهه گیدوم
 گل جسمیوه نه آل وورماق اولور تا حمل ایلیم قتلایه نیدوم
 لیلایه نه نوعیله یتوروم حیرانم اوغول نه چاره ایدم
 هر چند بو یانام منده بو گون نوز قانیمیله چون لاله اوغول
 گر اولماسا بو گل پیکریون ای ماه ملک منظر یاراسی
 بسدور سنی دلدن سالماقا بو کتفونده اولان خنجر یاراسی
 لیلانی ده طاقتدن سالی بو یعقوب ستم پرور یاراسی
 مشکلدی آنان بیرده یتیشه گوگلونده اولان آماله علی
 انتدون نه گوزل تحصیل مرام گچدون ره حقه باشدان اوغول
 درک ایلدون الحق فیض حضور مقصود و مرامون تا تاپدی حصول
 گچمز او قدر قتله یتورر سن تک منی ده بو قوم جهول
 بو سهلیدی باشیمنن گچزم ویزم ایکی آل جتاله اوغول

زبانحال حضرت امام حسین (ع)

آج گوزون ای گوزلری شهلا اوغول

منتظر قویما قالا لیلا اوغول

بیر شهیدون سن کیمی یوخ یارهسی

سنبله اوخشار کیمون اوخ یارهسی

سینوی گل گل ایدوب چوخ یارهسی

هاردا وار بو گلشن زیبا اوغول

یوخ غم هجرانوی آسان سانان

بیر بیوک ایل وار بو احواله یانان

من دوتاخ دوزدوم نجه دوزسون آنان

بیر آنا دوزمز بونا اصلا اوغول

تیره شام اولموش زبسکه گوندوزوم

ای گوزوم نوری داخی گورمور گوزوم

سنسیز اولدی اول و آخر سوزوم

وای اوغول ایوای و وایلا اوغول

دوتموری دل تا غم و محنت دیم
بولموسن نه حال و نه حالتدیم
نعشوی حمل ایتماقا حیرتدیم

نولدورر گورسه اوزون لیلا اوغول

ای منای عشق قربانیم علی
کاش آخیدی سو کیمی قانیم علی
بیر چیخیدی سنله بو جانیم علی

اولماسون سنسیز گوروم دنیا اوغول

دل دیماقه یوخ منیم هرگز دلیم
بولمورم نیلوم داخی شیرین دلیم
گوزلرون یا دیشلرون قانین سیلیم

یا توکوم گوزیاشی بیر دریا اوغول

وار نه من تک بیر دواسیز دردمند
نه سنون تک بیر جوان دل پسند
دوغرانسوبسان قطعه قطعه بندبند

اولموسان صدپاره سرتاپا اوغول

باخمادی کیم حضرت پیغمبره
جسمون آماج ایتدی تیغ و خنجره
گوسترور چوخ بیر اسفلی منظره
بو یارالی سینه بو اعضا اوغول
شاهدیم سن سن نه مڈتدور خدا
«صافی» ایلر آرزوی کربلا
سسلسنوب اوردا شهید نینوا
آچ گوزون ای گوزلری شهلا اوغول

زبانحال حضرت حسین (ع) در بالین حضرت علی اکبر (ع)

ای شبه پیغمبر حق ای مظهر داور اوغول

گلچک سسون خیمه لره گلدیم علی اکبر اوغول

لیلا یولون گوزلر اوغول

آرامیمی آلدی سسون گلمز سسون تک نَفَسون

دوشموش بو قوشسیز قَفَسون نولدی شیرین دللر اوغول

کیم سولدوروب گل یوزوی دولدوردی قانلوگوزوی

ترک ایلیوبسن اوزوی احسنت علی اکبر اوغول

بیجا جگر داغلامارام ساقسان گوزون باغلامارام

بیر من سنه آغلامارام آغلار باخان گوزلر اوغول

ایمدی قوروب اهل حرم مخیمده بیر محفل غم

قرخا کیمی قامتی خم باشدا قرا معجر اوغول

خوش گلشنون ای گل علی آچمیش گل و سنبل علی

لیلا کیمی بلبل علی گورسه سنی نیلر اوغول

گُل عارضون حیرانیم حیران و سرگردانیم

بو گوزلرون قربانیم آج گوزلرون گوستر اوغول

یا القوز باشندان قان آخار یا تک قاشوندان قان آخار
یا گوز باشندان قان آخار نیلوم من مضطر اوغول
کیم آلدن آرامون آلوب بیر آندا بو حاله سالوب
الیریم قوینومدا قالبوب دائم علی سسلر اوغول
جان جهانیم سنیدون آرام جانیم سنیدون
تاب و توانیم سنیدون پیغمبره بنزر اوغول
سیننده قان گل گل اولوب بو قان یاتا مشکل اولوب
دنیا باشینه گول اولوب سندن صورا یکسر اوغول
بو حالیمی یوخدور بولن قامتی غمدن بوکولن
من تک جوان اوغلی نولن وا ولدا سویلر اوغول
نولدورسون حق دشمنوی کیم آلدی پیرامنوی
«صافی» دو توب دامنیوی صدق و صفا ایستر اوغول

زبانحال حضرت حسین(ع)

قویمادی سن گلماقا خیمیه اعدا اوغول
دور آپاروم من سنی گوزلوری لیلا اوغول
گلدی سسون دورمادیم گلدیم اوغول دادیوه
بس نیه سس ویرموسن نولدی او فریادیوه
شاد اولی باخدوقجا دل قامت شمشادیوه
خوش بزئوب قانیله صورت و سیما اوغول
عملونی ایستر گوگل خرم و خرسند اولا
ایستر آچیلسون گرگ گل کیمی اول سولا
سالدوم اودور من کفن بوینووا سالدیم یولا
سن کیمی جان ویرماقا گورمدیم اولا اوغول
جلوة جانان عجب طاقتون الدن آلوب
پرتو نور زُخی بیله بو حاله سالوب
زاده عسمران یقین عشقوه حیران قالبوب
اولمادی موسی بیله محو تجلا اوغول

برج سعادتده چون روشن اولوب کویبون
 سو کیمی قانون آخوب ویردی اودور مطلبون
 محضر دلداریدن گوردوله تشنه لبون
 سؤدی که قان ایچدیره خنجر اعدا اوغول
 اختر برج وفا مهر سعادت علی
 اولدی ندن عمرون آز باتدی او طلعت علی
 حالیم عیان ایتمهک بیره نه حاجت علی
 حاصل اولوب بسدی بو عین تمنّا اوغول
 من دانیشاندا علی سنیدون اول سوزوم
 دلده قالوردی سوزوم ساکت اولاندا اوزوم
 لیک گوزوم نورینی گورموری ایمی گوزوم
 بسکه آلوب صبریمی شاهد زیبا اوغول
 اخذ مرام ایللیوب سالدون عجب کام آله
 بحر بدنندن چخوب کشتی جان ساحله
 دور آپاروم خیمدن قورخورام عمّن گله
 بسکه چوخ ایستر سنی زینب کبرا اوغول

یتدون علی اوندا کیم محضر پیغمبره
ایله بیان غم لرون بیر به بیر اول سروره
عرض ایله اُمت ایدوب بیله جفا بیزلره
کیم آنالار باخدی جان ویردی دل آرا اوغول
دلخوشام از بس علی خاطر ناشادیله
خوشدی گسَلَم شیونه نساله و فریادیله
سن یارالی جسمیله بو قد شمشادیله
منده دالونجا گلوب دورمارام اصلا اوغول
«صافی» سرگشته نون هجر آلوب آرامنی
دُرد وصالیله سن دولدور اونون جامینی
چاره گرگ چون سنه بسته قویوب نامنی
لطف ایله سنده کرم قیل سنی لایلا اوغول

زبانحال حضرت سیدالشہداء (ع)

توہراقلار اوستہ اکیری فرزند بوتراب
 تاہچاق یارالی نعشینی قیلدی بیله خطاب
 ای چرخ حُسیندہ یوزی مہر تمام اوغول
 قان پردہسی او گون یوزہ ابر ظلام اوغول
 سنسن شیبہ خَلقاً و خَلقاً پیمیرہ
 وار کیمدہ بو جلالت و بو احتشام اوغول
 جدیم دوشردی یادہ باخاندا علی سنہ
 ای مظهر جمال رسول کرام اوغول
 یتجک سسون قولاقمہ آلدی قراریمی
 بالمزہ گیتدی قالمادی صبر و دوام اوغول
 ظاہردہ گر چہ نولمہ میشم لیک دوشمشم
 من حال احتضارہ گوتوردوقجا گام اوغول
 حاشا کہ من اوغول سنہ ناکام سویلیم
 قیلدون گوزل طریقیلہ تحصیل کسام اوغول

لب تشنه جان ویروب یتوشورسن مراموه
کیم ایلوب بو نوعیله اخذ مرام اوغول
باشدان آتام علی کیمی باشون قلجلانوب
ای اوز باباسی حیدره قائم مقام اوغول
بو حالون ایتدی قلبمی ایله جریحه دار
تاپماز بو یاره حشره کیمی التیام اوغول
نالہ یتردی عرشه حرمدن گلنده من
بیر پارچا داد و آهیدی یکسر خیام اوغول
ایمدی گلوله اهل حرم گورماقا سنی
ایتمشدی خیمه لرده قیامت قیام اوغول
سن گوردوقون تحمل و صبریم تمام اولوب
اولسون نقدر منده ثبات و قوام اوغول
سالدی سنی کمنده خطا دیده اوچیلار
یوخدور خُتنده سن کیمی آهوی رام اوغول
لیلادن آیری دوشماقوا اولما چوخ ملول
گوزلور پولون بهشته زهرا آنام اوغول

قور تولدون عاقبت علی سن هم و غمدن
 قالدی آتان وحید و فرید ای آتام اوغول
 دورت بیر طرفدن اوستومه غملر هجوم ایدوب
 چوخ مایلیم یخا منی بو ازدحام اوغول
 وور میشدی شانہ زلفوه لایلا گلنده سن
 سالمیشدی نظمه نولدی او نظم و نظام اوغول
 گل پیکرون قلجلادیلارا بند بند اولوب
 بیر حمدور نقدر مگر اهل شام اوغول
 خوش نقشه لر سالوبدی بو گلبرگ سینهدده
 نوک سنان و خنجر و تیغ و سهام اوغول
 ممکن دگل بو نعشی قوجاقمده حمل ایدم
 از بس یارا ویروبلا بو قوم لنام اوغول
 احسنت حسن خدمتله ویردون امتحان
 قیلدون بو بارهده نه گوزل اهتمام اوغول
 چوخ تشنه سن علی بولورم دوتموری دلون
 غنچه کیمی سولوب بو اب لعل فام اوغول

سیراب اولماقا سنه من وعده ویرمشم
 جدون یاخوندی گلسون اوزی الدہ جام اوغول
 لیکن ایبدنہ سندنہ ملاقات جدوہ
 ایله منیم دلمجه او شاهه سلام اوغول
 پیغمبر خدایه علی اول پیامبر
 مندن آپار رسول خدایه پیام اوغول
 عرض ایله اوز رعیتمز ٹولدوروب بیزی
 قویموب قویان امانتوہ احترام اوغول
 آچدی بو حالده گوزینی ایلدی نگاه
 اوز تشنه کام آنا سنه اول تشنه کام اوغول
 سیراب اولماقین یتوروب یومدی گوزلرین
 جان اوسته دور باخاندا نه گوردی امام اوغول
 بیر صیحه چکدی آغلادی سسلندی وای علی
 ای سرو ماه طلعت و زیباخرام اوغول
 سنن اولیسن قتیل سن آل خلیلدن
 قویدون عجب منای محبتده نام اوغول

ای کوکب وفا نه دن عمرون آز اولدی بس
 صبح اولدوزی بیله اولی چون بالتمام اوغول
 نطقه گلنده سرسخن ایلردیم اسموی
 ای اوز کلیم عصرینه ازل کلام اوغول
 ساکت اولاندا دلده قالوردون سوزوم کیمی
 فکریم علی اولوردی خیالیم مدام اوغول
 گلم دالونجا منده علی بول دایانمارام
 انصافدور که سن نوله سن من قالام اوغول
 دل تنگم اوز حیایمه بیر حبس دور مدام
 دارالسلام اهسلنه دارالسلام اوغول
 ووردوقجا ال بو قانه باتان زلفوه دولار
 مشک و عبیر رایحه سیله مشام اوغول
 باخدوقجا گل جمالوه خیره لنور گوزوم
 گوندوز گوزی اولوب منه بیر تیره شام اوغول
 قان قطره قطره خوش دوزولوب وار یری اگر
 پوزسا نظام عالمی بو انتظام اوغول

ایمدی قاتالاً قانمی بو قانه کوفیان
ایلوب حلال قتلمی نسل حرام اوغول
سنلن یاتار اوغول علی بیر قبرده آتان
تعیین اولوب آتا اوغولا بیر منام اوغول
باشونله شامه دین گیده جاق نیزدهده باشیم
بازارلرده دیرده سنلن واران اوغول
تا دگمیوب دوداقلاریمه چوب خیزران
تاپماز بو محنت و بو مصیبت ختام اوغول
«صافی» وروبدی چنگ بو دامن رحمته
سرمایه نسجاتیدی بو اعتصام اوغول

زبانحال حضرت اباعبداللہ (ع) در سر نعش
علی اکبر (ع)

آچ گوزون گلیمیشم باشون اوسته
بیر اویان دور علی اکبر اوغلوم
صولتی مرتضا یادگاری
صورتی شبه پیغمبر اوغلوم
تا سسون گلدی گتدی توانیم
دورمادیم گلدیم آرام جانیم
ایسته گیم قویمادی من دایانیم
بیرده گلسون سسون اکبر اوغلوم
حالوی گورجک ای سرو قامت
قالمادی تنده جان دلدہ طاقت
ویردی یوز منده بیر اوزگہ حالت
گورسه لیلا سنی نیلر اوغلوم

ای سپہر کمال ایچره کوکب
یوخ سنون تک جوان مؤدب
دور گیداق ایمدی بیچاره زینب

منتظر دور یولون گوزلر اوغلوم

کلّ دنیانی گوزدن آتوبسان
یوخسا کوی نگاره چاتوبسان
من ایاق اوستیم سن یاتوبسان

چوخ تعجبدی مه پیکر اوغلوم

سینوی اوخلار ایلوبدی گل گل
مقصده یتیمسن آغلاما گول
اولدی قانونلا جسمون قیزل گل

ایتمیسن یاخشی بیر زیوراوغلوم

شمع تک سوز عشقیله یاندون
کوی جاناندا یاخشی دایاندون
بیر بیله یاره نی سهل ساندون

آفرین ای وفا پرور اوغلوم

یاندی چو خلا ربو سوز نهاندان
وصل یار آختاروب کچدی جانندان
بو قدر جان ویرن نوجواندن

کیمدی پیغمبره بنزر اوغلوم

روزگار اولدی تیره گوزیمده
باخ گوزوم یاشنی گور یوزیمده
نه محبتدی بولم اوزیمده

اوغلونی کیم بیله ایستر اوغلوم

یار و یولداشوون ترکین ایتدون
عاقبت یاخشی مقصوده یتدون
منده گلم علی سن که گیتدون

ایستیوب خالق داور اوغلوم

حقیدور اولسا دیوانه لیلا
شور یله گلسه میدانه لیلا
وار یری اود دوتوب یانه لیلا

عالمون باشنه کوللر اوغلوم

«صافی» سالمیش اوزون بوکمنده
نالہ ایلر سنی یاد ایدنده
منکہ قویمام یانا قویما سنده
باغلاناندا صف محشر اوغلوم

زبانحال حضرت اباعبدالله الحسين (ع)

آج گوزلرون گلدیم اویان علی اکبر اوغول
 آغلار قالوب سنسیز آنان یولون گوزلر اوغول
 گورسه بو گل جمالی بو زلف و خط و خالی
 بولم او بیچاره آنان داخی نیلر اوغول
 قانه بو یانمش ظلمله بو گل کیمی جمال
 بو زلف و کاکل مو به مو بوگوز بو خط و خال
 هانسی جوانده وار علی بو حسن و بو کمال
 ای صورت پیغمبره اولان مظهر اوغول
 بیر آز زماندی من اوزوم علی سالدیم یولا
 گلمزدی فکره گل یوزون بو تیزلوقدا سولا
 صد چاک اولو بو پیکرون گوزیوه قان دولا
 سالدی بو حاله بولمرم سنی کیملر اوغول

گلم فغان و شیونہ باخاندا من سنہ
 باد خزان یتدی اوغول نہ تز بو گلشنہ
 سندہ آچوب قانلو گوزون علی بیر باخ منہ
 بو گوزلرون پیغمبرہ نہ چوخ بنزر اوغول
 اوخ یاراسی بو سینہوی ایدوب گل گل علی
 قانہ بویانمش کاکلون اولوب سنبل علی
 بو خوش گلی خوش گلشنی گورہ بلبل علی
 آغلار دیر اوخشار یانار فغان ایلر اوغول
 نہ کینہ دور آخر بو قوم کینہ ده
 بیر بیله یارہ کیم گوروب اولا بیر سینہ ده
 بو تازہ غمدن یاد اولوب غم دیرینیدہ
 گویا بوساعت جان ویروب آتام حیدر اوغول
 گورسہ بو گل جمالوی بو زلف و خطّ و خالوی
 بولم او بیچارہ آنان داخی نیلر اوغول

خطاب

حضرت سیدالشهداء(ع) به جوانان بنی هاشم(ع)

ای جوانان جان ویرور او غلوم علی اکبردی بو
 قویمیون نعشین قوم اوسته شبه پیغمبردی بو
 خوشدلیم هر چند گل جسمنده یاره قان ویرور
 راه جاناندا او کیمدور بیر بیله قربان ویرور
 قویمیون اماگوزوم گورسون گورور سوز جان ویرور
 پاره قلبیمدی چون نور دو چشم تردی بو
 تشنه لب دور لیک قانی سو کیمی اولموش سبیل
 اولین قربانیدور آل خلیلون بو قتیل
 احترامین ساخلماق لازمدی بسدور بو دلیل
 خَلْقاً وَ خُلُقاً رسول اکرمه مظهردی بو
 چوخ یاخون بیر لحظه دور اولموش آناسیندان کنار
 وار یقین لیلادهده ایمدی بو حال احتضار
 بوندان آرتوق قویمیون قالسون او بی کس انتظار
 طاقت صبر دل لیلای غم پروردی بو

شمع رخسارین گوروب اود دوتموشام پروانه تک
بولمیرم نیلوم گورورسوز عاشق مستانه تک
قورخورام گلسون حرملر شوريله میدانه تک
میوه نخل امید عترت حیدردی بو
من دیم قاسم آناسی گلسون اکبر یاسینه
باخسا بسدور بیر نظر بو چاک چاک اعضاسینه
ویردی زینت دسته گل تک کربلا صحراسینه
تحفه لیلادی بیر دسته گل احمدی بو
خیمه لرده گر چه واقف اولمیوبلار مطلبه
بیر باخون شور نوایه ذکر یارب یاربه
چوخ چتین دور بو مصیبتده دایانماق زینبه
چون توانای وجود زینب مضطردی بو
بندبند اولموش بو گل تک پیکری شمشیريله
نعشون حمل اولماقی اولسون گرک تدبیريله
منده دل یوخدی سیزی آگاه ایدیم تقریريله
گر چه آدی ازبریمدور قلبده مضطردی بو

گلدی مقصودیم آله حاصل اولوب کام دلیم
قانیمی ای کاش بو قانه قاتایدی قاتلیم
ای جوانلار عاجزم رفتاردن گلمز بیلیم
نوجوان داغسی چتندور عالم دیگردی بو
سالمیون تأخیره لازمدور اولونسون اهتمام
منتظردی گوزلوری یول عترت خیرالانام
آل طه قتلگاهه وار یری گلسون تمام
اهل بیت مصطفایه اولین منظردی بو
«صافیا» سنده یانوب آغلا علی اکبره
آدی اکبر شبه روی حضرت پیغمبره
اشگ چشمیله مبارک اسمنی یاز دفتره
ذکری اول ذکر دور سرلوح و سر دفتردی بو

زبانحال حضرت سیدالشهداء(ع) در

بالین حضرت علی اکبر(ع)

وای ایوای اوغول جوانیم ای وای

جان اوسته عزیز جانیم ایوای

تا گلدی سسون قرار گیتدی

آرام دل فگار گیتدی

الده اولان اختیار گیدی

وای ایوای اوغول جوانیم ایوای

یساره ویروب هر یتن دوباره

گل جسمون ایدوبله پاره پاره

اوخ یارهسی گلگیری شماره

وای ایوای اوغول جوانیم ایوای

آچ گوزلرون ای گوزوم ضیاسی

قلییم ثمری گوگل شفاسی

دور دوت الیمی الیمی اساسی

وای ایوای اوغول جوانیم ایوای

لیلا اولی کسیم اورکده یانسون
بو مصرعه گلمسون دایانسون
زینب نجه صبر ایدوب دایانسون

وای ایوای اوغول جوانیم ایوای

ای عارضی شمع عالم افروز
قویدون نیه اوز آتاوی یالقوز
دور گور نجه قالمیشام اوغولسوز

وای ایوای اوغول جوانیم ایوای

یوخسا علی چوخ گیدوبدی قانون
نولموش او شیرین دیلون بیانون
بو خوابدی یا چخوبدی جانون

وای ایوای اوغول جوانیم ایوای

یوخدور داخی قدرتیم قیامه
نعشون نجه حمل ایدیم خیامه
ویرّم سوزیمه اوزوم ادامه

وای ایوای اوغول جوانیم ایوای

یولداشلاریوی گورنده صفرا

آغلار سنی ییاد ایدنده صفرا

گوزلر یولووی وطنده صفرا

وای ایوای اوغول جوانیم ایوای

سولموش علی گل کیمی دوداقون

قانه بویانوب الون ایاقون

بوش قالدی وطنده کی اوتااقون

وای ایوای اوغول جوانیم ایوای

اوخ نیزیه ویران دایانمیوبدور

چوخ یاره ووروب اوتانمیوبدور

بیر کیمسه آتا دایانمیوبدور

وای ایوای اوغول جوانیم ایوای

گورجک سنی ای مه مدینه

پوزدی منی بو یارا بو سینه

نیلر بیله گورسه گر سکینه

وای ایوای اوغول جوانیم ایوای

من بی‌کسه اولدی چوخ ستملر
دریا کیمی باشدان آشدی غملر
ایمدی گلی گورماقا حرملر
وای ایوای اوغول جوانیم ایوای

زبان حال حضرت حسین (ع)

اکبرین نعشین گتور دوم گل تماشاہ باجی
ہم اوزون گل ہم خبر ویر ام لیلایہ باجی
گور بو گلبرگ تری پارہ پارہ پیکری
وار نہ حالیم یوخ بولن بیر خالق اکبر بولور
بیرده بولسه لیلی بیچارہ و مضطر بولور
لیلی حالینده فقط اوغلی اَلن مادر بولور
طاقت و صبریم تالاندى گتدی یغماہ باجی
محترم دور بو جنازہ باخما اکبر نعشیدور
خَلْقاً و خُلُقاً رسول اللہ مظهر نعشیدور
صورتاً اکبردی معنادہ پیمبر نعشیدور
ویر خبر سن عترت یُس و طاہایہ باجی
زحمتین چکدی وفا بزمندہ کی یولداشلاری
یوزلرینہ باخمادی جاری اولور گوز یاشلاری
نعشنی حمل ایلدی تدبیریلہ قارداشلاری
ممکن اولمازدی گتور مک شخص تنہایہ باجی

حالنی اولماز بیان ایتماق باجی تقریر یله
دوغرانوبدور نازنین جسمی دم شمشیر یله
قویدیلار نعلشین عبایه گتدیله تدبیر یله

شور محشر سالدیلار بو دشت و صحرا یه باجی

گیتمدی اون سکیز ایل لایلا چکن زحمت هدر
ویردی آخرده نهال زحمتی شیرین ثمر
طالب اولسا گورماقا بو شکل زیباسین اگر

ویر خیر باشدا قرا چرخسون تماشا یه باجی

تا جهان وار بیر بیله عالم جهاندا یاد اولور
منکه خوشنودم یقین لیلاده گورسه شاد اولور
قید غمدن فدیسه سی مقبول آنا آزاد اولور

غبطه ایله بولسه هاجر حال لیلایه باجی

چوخ یاراسی وار باجی تاپمش گوزل بیر امتیاز
حقی واردور گوز آچانمیر ایلیه لیلایه ناز
لایق اکبر ندور لازمدی اولسون پیشواز

هر باخان احسن دیسون بو ماه سیمایه باجی

اوز یاراسندان آخان قاندان سالنسون رختخواب
بیرنفر دیندیرمسون دلدن دوشوب ویرمزجواب
اشگ چشمیله بو گل اوسته گلن سپسون گلاب
آغلاسون یانسون باخان بو شکل زیبایه باجی
من باخوب یانام بونا باجی دل معزونیله
وار یسری لیللا اگر همانم اولا مجنونیله
نافه مشکین کیمی آغشته اولموش خونیله
گل نظاره ایله بو زلف سمن سایه باجی
صاف قلبون «صافیا بو طبعی سرشار ایلیوب
ابسر باران بهاران تک گهربار ایلیوب
اوزلری هر گونه تحسینه سزاوار ایلیوب
تابع اولموش قارداشتندان بیرجه ایمایه باجی

زبانحال حضرت لیلیا(س) در سرنغش حضرت علی اکبر(ع)

آنان نولسون علی اکبر ایوای اوغول وای

توکولدی باشیمه کوللر ایوای اوغول وای

علی اماندور

یاتما اویان دور

آز منی یاندور

ای وای اوغول وای

سنی کیم سالدی بو حاله گوردوقجا یانام

چکوب داد ایلم نساله یانام دایانام

باخوب زلف و خط و خاله جانان اوسانام

آنان نولسون علی اکبر ایوای اوغول وای

آخار قانلو سو جیحون تک آغلارگوزیمدن

باخان مجنون گورور بی شک سولموش یوزیمدن

جنازن خیمیه گلجک چنخدیم اوزیمدن

آنان نولسون علی اکبر ایوای اوغول وای

اوغول گلمزدی بو گونلر هرگز گمانه
سالوب باشه قرا معجر گلماق فغانه
قان آغلار لیلی مضطر سن تک جوانه

آنان نولسون علی اکبر ایوای اوغول وای

علی دور گور غمیم چوخدور گتدون عراقه
بو جسمون نیزه و اوخدور باشدان ایاقه
سسیمه سس ویرن یوخدور سالدون فراقه

آنان نولسون علی اکبر ایوای اوغول وای

چتین یاددان چیخا بول سن بی حد ستملر
گوزون آچ ای گل گلشن گور وار نه غملر
گلوب دیشره ایدر شیون یکسر حرملر

آنان نولسون علی اکبر ایوای اوغول وای

یری وار جان ویروب نولسه آواره صفرا
یوزوندن خون دل توکسه همواره صفرا
نیدر گر نولماقون بولسه بیچاره صفرا

آنان نولسون علی اکبر ایوای اوغول وای

بو حالون گورمیدیم کاش آغلار گورنلر
گورنمز قان دوتان گوز قاش گوز قاش سونلر
توکر گوزدن یوزه قان یاش اوغلی اُنلر
آنان نولسون علی اکبر ایوای اوغول وای

زبانحال حضرت جناب لیلا(س)

ایوای جوان لیلا وای نوجوان اوغول وای
اولموش بیان لیلا وای نوجوان اوغول وای
گلجک خیامه نعشون گیتدیم ایله اوزومدن
بی اختیار گلدی خوناب دل گوزیمدن
ذکریم علی علی دور آرتار بو بیر سوزیمدن
اشگ روان لیلا وای نوجوان اوغول وای
بیر آز زماندی گیتدون سن عرصه قتاله
بو آفتاب رویون گلدی نه تیز زواله
هانسی خطالی اللر سالدی سنی بو حاله
اولموش بیان لیلا وای نوجوان اوغول وای
آرتوب ز بسکه سن سیز فریاد و آه و زاریم
اود اوسته کی کبابه بنزر دل فگاریم
گیتدی سنبله صبریم آرام و اختیاریم
قالموب توان لیلا وای نوجوان اوغول وای

دلدن سالوب سنی کیم شیرین دلوه نولموش
 سولموش بوایکی نرگس قان لخمه سیله دولموش
 فکر اسار تمدن کچدیم ولیکن اولموش
 ورد زبان لیلا وای نوجوان اوغول وای
 گل یوزلی سن علاقه کسدون گل چمندن
 کسمز باجون سکینه هرگز علاقه سندن
 یانام اوزوم اگرچه آرتوق یانار او مندن
 یتدی خزان لیلا وای نوجوان اوغول وای
 گیتدون اووزن اورکده قویدون غم فراقون
 قانطان خضاب اولوبدور زلفون الون ایاقون
 ناکام اوغول وطنده گورسه اگر آتاقون
 آرتار فغان لیلا وای نوجوان اوغول وای
 بیر عمر زحمتیله بیر نوجوان یتوردوم
 اون سگزایلده سن تک سرور روان یتوردوم
 جان قویدوم ایلئریله گویا که جان یتوردوم
 چخمازدجان لیلا وای نوجوان اوغول وای

بیر اود دوتوب بو بی کس یکسر یانار وجودی
سوز دروندی چخماز هرگز کناره دوددی
بی روح دور مجسمه قالبوب مگر نمودی
اوجموش روان لیلا وای نوجوان اوغول وای
«صافی» یولا سالاندا میدانه اوز جوانین
بی روح قالدی لیلا تا گوردی گتدی جانین
بی شک حَرَمده لیلا ایتمیشدی اوز بیانین
ایسوی جوا لیلا وای نوجوان اوغول وای

زبانحال حضرت لیلیلا(س)

تیل به تیل باتوب قانه کاکلون
 وای اوغول علی وای اوغول علی
 یتمسون گوروم کامه قاتلون
 وای اوغول علی وای اوغول علی
 ایتماقا فغان و نوادیلی
 بیر دگل هامی اقربا دیلی
 آتلاشور خصوصا آنادیلی
 وای اوغول علی وای اوغول علی
 نکهت سر زلفله مدام
 جان مشامنی دولدوران تمام
 طرز صحبتی اولدی صبح و شام
 وای اوغول علی وای اوغول علی
 لیلنون علی داد و شیونی
 وار یری اودا یاخسا دشمنی
 نه دلیله من اوخشیوم سنی
 وای اوغول علی وای اوغول علی

آندوروم نه نوعی سکینه
نولماقون مه بی قرینه
ورمیوم نجه باشه سینمه

وای اوغول علی وای اوغول علی

قالمیوب داخی صبر و حوصله
عمر قورتولا کاش اجل گله
نوجوان داغی دردیدوردله

وای اوغول علی وای اوغول علی

ایسه سم اگر یثریه گذر
نه دیوم سنی آلسالا خبر
فاطمه باجون تاب ایدر مگر

وای اوغول علی وای اوغول علی

ایلدیم بسو غمخانه زلفوی
مین خیالیه شانه زلفوی
کیم باتوردی بس قانه زلفوی

وای اوغول علی وای اوغول علی

کیم گوروب علی سن کیمی جوان
 اوخلارا نشان آق لباسی قان
 تشنه لب ویرن حق یولوندا جان

وای اوغول علی وای اوغول علی
 آغلاموم نجه من گجه گونوز
 کیم دوزر دیسون لیلی سنده دوز
 غیره حالیمی آندیروور بو سوز

وای اوغول علی وای اوغول علی
 بسکه سن منی کامل ایلدون
 کار عشقده عامل ایلدون
 بار محنته حامل ایلدون

وای اوغول علی وای اوغول علی
 چوخدی گر چه اوغلی نولن آنا
 بیر یانا هامی لیلی بیر یانا
 یوخ قالان منم تک یانا یانا

وای اوغول علی وای اوغول علی

خیمیه جنازون گلن کیمی
سولدی عارضیم نسترن کیمی
کیمسه گور مسون من گورن کیمی

وای اوغول علی وای اوغول علی

«صافیا» عجب گلدی خوشمقال
وصف خالدور یوخ داخی سئوال
لیلی ذکری دور بو زبانحال

وای اوغول علی وای اوغول علی

زبانحال حضرت لیللا(س)

آغلار قالوبدی آنان ای وای اوغول وای اوغول
 یوخدوربو احواله یانان ای وای اوغول وای اوغول
 باخدوقجه اودلانورام هجر عالمین قانورام
 اکبر دیوب یانورام ای وای اوغول وای اوغول

صبحه تک ایل گجه لر بیر عمر یاتمازدیم
 یاتمیش گورنده سنی هرگز او یاتمازدیم
 بیر آن وصالوی من دنیایه ساتمازدیم

وای اوغول نیلیوم دیموم بو زمان ای وای اوغول
 بیرده علی وطنه سن سیز نجه گیدرم
 اوز اوغلونی آنالار یاد ایتسه من ندرم
 بیله شهادتوی هر دم که یاد ایدرم

وای اوغول قیللم دو یونجه فغان ای وای اوغول
 باتدی سسیم نفسیم ویر بیرجه سس بوسسه
 اسکات ایدیم اوزیمی برده گلوم هوسه
 سنده نفس یوخ آنان ویرسون نفس نفسه

وای اوغول هاردا چخوبدی بو جان ای وای اوغول

کیم پاره پاره ایدوب بو گل کیمی بدنی
کیم گیدروبدی سنه قانندان بو پیراهنی
بو غربت الکده کیم آواره قویدی منی

وای اوغول یانسون بو حاله قویان ای وای اوغول

سن سیز بو گوز یاشمی کیم لر سیلر علی
لیلانی بولم اوزوم مجنون بولر علی
گاهی شماتت ایدوب گاهی گولر علی

وای اوغول ایله لر باغریمی قان ای وای اوغول

نه تک آنان ایلوب بو زلفه بسته گوگل
هر بیر تلنده اوغول وار مین شکسته گوگل
باشون دالنجه دوشر بیر دسته خسته گوگل

وای اوغول شامه کیمی علی جان ای وای اوغول

نه سن جوانه عدو رحم ایلوب نه منه
دوندردی گل جسدون اوراق اولان سمنه
یتموب بو ساعته دین بیر باغ و بیر چمنه

وای اوغول هرگز بو نوعی خزان ای وای اوغول

زبانحال

جناب لیلی (س) دو سر نعل حضرت علی اکبر (ع)

گور میدیم بو گونی من کاش الیدیم
قانه غلطان اولموسان سن کاش الیدیم
علی وای اوغول وای علی وای اوغول وای
سن جوانه ظلم ایدن ال اولمیوبدور بس ندن شل
من بو گوندن بیر گون اول کاش الیدیم
قانه باتمش گل جمالون قاره زلفون خط و خالون
گوز نجه گورسون بو حالون کاش الیدیم
بیر آناگورموب سنون تک اوغلنی صدپاره بیشک
من سنی بو نوع گورجک کاش الیدیم
فاطمه اولسا خبردار نیلسون اول زار و بیمار
گوزلوری یول نوجوانلار کاش الیدیم
دلده بیر بیله مقدر هرگز اولمازدی مصور
واردی بولمزدیم بسو گونلر کاش الیدیم

نیلسون افتاده لیلی هر غمه آماده لילה
گلمه سون فسر یاده لילה کاش آیدیم
صبریمی هجرانون آدی فکره گلمز حاله سالدی
حسرتیم گوگلیمه قالدی کاش آیدیم
سانمالیلا سهل ساندی قاش گوزون قانه بویاندی
یاندی قلبیم باشی یاندی کاش آیدیم
منله هم آواز اولوبلار قرخادین یاسلی عزادار
آغلارام تا جاندا جان وار کاش آیدیم
سنسیر ای ماه مدینه لیلی زار و سکینه
باخوب آغلار بربرینه کاش آیدیم
بولمدیم قربان اولیدیم تابلا گردان اولیدیم
فدیه جانان اولیدیم کاش آیدیم
علی وای اوغول وای

اجازه میدان خواستن جناب قاسم (ع)

ویر اجازه ره جاناندا و پروم جان عموجان
 اوز آتامدان وار الیمده بونا فرمان عموجان
 راضیم دوغرانا گل جسمیم عمو بند به بند
 بو وجوده ابداً یتیمه عالمده گزند
 بونا حاکی دی آتام باغلادیقی بازوبند
 آل بو فرمانی اوخی گورندی عنوان عموجان
 قالموسان گوردی بو صحراده سنی فرد و وحید
 اذن آلوب اولدی ازل اکبر شهزاده شهید
 بساب فیض کرمندن ایله مم قطع امید
 لفظ قیل ویر منهدده رخصت میدان عموجان
 سوسوزام سانما آخان چشمه حیوان ایچرم
 تشنه آب وصالم عموجان قان ایچرم
 ویرسه سو گر دم شمشیریه پیکان ایچرم
 شهد شیریندی یارامدان توکولن قان عموجان

نیلرم من داخی بوندان صورا سرو و سمنی
سسوسن و سنبل و نسرین گل یاسمنی
گوره بولم بیلہ بیر حالده عالمده سنی
بی کس و یار جگر تشنه و عطشان عموجان
آلمشام اول آنامدان عموجان اذن قتال
ویردی رخصت اوزی گوردی منی مشتاق وصال
حقوی سنده حلال ایله اوزون تیز یولا سال
ایستیوبدور بولوسن حضرت جانان عموجان
برگ گل تک هوسیمدن ایله تتریر بدنیم
تسنگدور سو بدنه ای عمو اوز پیرهنیم
خوشدی اگنده کی طوی خلعتی اولسا کفنیم
ایسترم زلفومی اوز قائیمه غلطان عموجان

اجازہ میدان خواستن

حضرت قاسم (ع) از عمّ بزرگوار خود امام حسین (ع)

دیم قربان جانانم عموجان

اونا قربانہ قربانم عموجان

عمو ویر اذن میدان ایدیم بذل سر و جان

آتامدان واردی بیر فرمان الیمده

اولوب اوز قستلمه عنوان الیمده

اودور گلدیم بو نقد جان الیمده

او حکمه بند فرمانم عمو جانم

عموجان دل و یروب یتمش ایکی جان

اولا جانان یولوندا تشنه قربان

او جانلاردان که ایلوب عهد و پیمان

بولورسن منده بیر جانم عموجان

دیسمه لب تشنه آب زلال
وفا بزمندہ من بیر اہل حال
گہی پروانہ شمع وصال

گہی شمع شبستانم عموجان

عمو من ایسترم بوندان بویانہ
رہ جانانندہ ہر بیر نوجوانہ
بو ناکام اولماقا بولسون زمانہ

وفا لوحندہ عنوانم عموجان

آنام یانمیش اورکدن رخصت آلدی
اوزی بو خلعتی بوینوما سالدی
داخی من بولمرم نہ حالہ قالدی

اونی بولمشدی عطشانم عموجان

عمو بیر عدہ اہل رازہ خلوت
اولوب بزم وصال یارہ دعوت
بولورسن ای وجودی فیض و رحمت

او بزمہ مندہ مہمانم عموجان

منی قویما گلوم چوخ آه و زاره
اجازه ویر گیدیم بو کارزاره
مریض عشقه یوخ جز مرگ چاره
ندیم محتاج درمانم عموجان
بولورسن ای شه گردون جلالت
بو حالون ایلیوب تاراج طاقت
منی قان آغلادور شوق شهادت
نجه گور دیده گریانم عموجان
عمو ایلوب عروسیم یانه یانه
منی پیکان مژگانه نشانه
اولور نیزه قلعج خنجر بهانه
قتیل تسیر مژگانم عموجان
دوشه جسمیم بومیدان ایچره خوشدور
بو شیوه اهل عرفان ایچره خوشدور
عروسون زلفی تک قان ایچره خوشدور
گورم افتان و خیزانم عموجان

عمو سرّ زفافیم اولمادی فاش
بویانسا راضیم قانه بو گوز باش
طویومدا ایلرم بو باشی شاباش

نه یالقوز گوهر افشانم عموجان

سالوب «صافی» باشا شوق زیارت
قالوب طوی حمله مه مدتدی حسرت
اوناهم حاضرینه ایله قسمت

دیور مننده ثناخوانم عموجان

اجازه خواستن جناب قاسم از

حضرت سیدالشهداء (ع)

عمو اجازه ویر گیدیم منده میدانه

بو چولده جان ویریم یتوم وصل جانانه

گوگل ملال و غصه دن

اولدی قان ای عمو

الامان ای عمو

غم و فراقی اکبرون چوخ گلور مشکل

نقدر من و ارام عمو بسدی بو نسگل

گوزوم گوره گوره گزر سنگدل قاتل

دوشوب بیر اود بو باره دن کشور جانه

قلجلار یله ای عمو دوغرانام خوش دور

سوسوز لوق آتشنه گر اودلانیام خوش دور

سیز یلدا سا بسان نی گر آنام خوش دور

جنازم اوسته باش آچیق گلسه افغانه

آتام وصیت ایلوب ای شه عطشان
الیمده وار او شاهدن قتلمه فرمان
بولوندا من گرک اولام تشنه لب قربان

نه حسنی باتماسا اگر یوز گوزوم قانه

بو قدر سخت دل قوشون صف چکوب یکسر
تمامی الدهه اوخ قلیج نیزه و خنجر
چکوله انتظاریمی رحم سیز لشگر

نشانه ایتماقا منی تیر و پیکانه

ویروبله تشنه جان هامی یار و انصارون
بو چولده قالمیوب داخی بیر هوادارون

وداع حضرت جناب قاسم (ع) خطاب بہ مادرش

ویرمیش عموم اجازہ سندہ آنا رضا اول
اکبر کیمی ویریم جان لیلایہ همصدا اول
سندہ آنا رضا اول

شمع وصال اکبر اولدی ستمله خاموش
قویدی اوغول آناسین هجرانیله هم آغوش
سندہ اوزون منی گل ایله آنا کفن پوش
لیلائیلہ بو چولده هم فکر برملا اول
قلبیمده کی امیدیم گتدی منی عراقه
مشتاق وصل یارم جانیم یتوب دوداقه
یوخ هجره منده طاقت دوشسم غم فراقه
وار حق رضاسی سن دوز بو غمله آشنا اول
گتدی خلیل آپارسون اوز اوغلی منایه
کرات آچدی هاجر دل عجز و التجایه
دل ویر آنا اورگدن باخما همان آنایه
چون من ذبیح عشقم سن هاجر وفا اول

قربانگه وفادور بسو غم فزا بیابان
لوح قضاده کاتب یازمیش منیده قربان
بیر امر دور مقدر ویرم آنا سوسوز جان

تقدیرد ویر رضایت سن تابع قضا اول

قوی من گیدیم دالمجه گلمه یول اوسته دورما
گنت خیمه امامه تک خیمه ده اوتورما
قانه بویاتسا زلفوم اوز گل یوزیوه ورما

هر بیر جفایه شاد اول خوشنود هر بلا اول

باخما چمنده سروه خوش اولما گلشنیله
اولسا نقدر عمرون اول داد و شیونیه
باشیم جدا باشندا شامه گیدر سنیه

من تک عروسه سنده یولآردا رهنما اول

«صافی» سنی ایدوبلر ازبسکه صاف و بی غش
اولموش سوزون مؤثر خلقه بسان آتش
شوق زیارتون وار اولما بیله مشوش

عهدایله اولسا قسمت چاووش کر بلا اول

اجازہ خواستن حضرت قاسم (ع) از مادر مکرمہ اش

تک قالب عموم شاه کربلا
چوخ پوزوب بوغم ای آنام منی
لیسلی اکبرین ایلدی فدا
سندہ گل آنا قیل فدا منی
اوز الونله سال بوینما کفن
هاجر اول آنا من ذبیحه سن
عشق لوحنه تا قلم قویوب منشی کتاب وفا یازوب
اولنده اهل محبتی درد و محنته مبتلا یازوب
کربلاده جان بذل ایدنلری بیرورقده ایلوب سوا یازوب
بولموشم یازوبلار اولو حده ده چوخ مصیبتہ آشنا منی
حسنی یو خدی گر زلف و کاکلیم ظلم الیله قانہ بویانماسا
نعشیم اوسته فریاد و شیونون قتلگهده عرشه دایانماسا
نه صفاسی بلبل فغانله سایه گله دالدالانماسا
سن اوزون همان عندلیب بول گل حساب ایلہ ای آنامنی

ساقلیقندا شهر مدینه ده ایلوب وصیت آتام حسن
 بو گونه ذخیره ایدوب منی ای آنا او سلطان ممتحن
 وار الیمده فرمان او شاهدن قتلمه مطیعم او امره من
 راه عشقده خوشدل ایلوب تولماقا همان مدعا منی
 چوخ گران گلوردرد فرقتی چون منه عموم او غلی اکبرون
 دوزمرم داخی من گرک گیدم آر دیجا او شبه پیمبرون
 نه روادی قانه بویانماقین گورموشم او زلف معنبرون
 ویرمسم بو تیزلقدا تشنه جان حقی وار بوله بی وفامنی
 شور و شیون و داد آهله عرصه گاه محشر دی خیمه لر
 دور ایدوبله اکبر جنازه سین سس چکر هامی واعلی دیر
 منده بونه انصافدور آنا یاخماسام آله قان حنا اگر
 بو کشاکش ایچره عموم حسین ایلوبدی نوکد خدامنی
 ایلمه نظر گر باتام غمه باخما درد و محنت و فورینه
 دیده حقیقتله او غلویین باخ باشنداکی عشق شورینه
 گل اوزون گیندیر قبا قوه سال منی آپار شه حضورینه
 عجز و التماس ایله یالواروب شوق و ذوقیله ویر فدامنی

زبانحال فاطمه عروس

انصافدور که بلببل اولان گلدن آیریلا

سن گل عم اوغلی من کیمی بلبلدن آیریلا

بیر رشته وار بو دلده سر زلفه بسته دور

دایم او زلفون اوسته گوگل زار و خسته دور

رحم ایت عمون قیزی بولوسن دلشکسته دور

قیما او رشته قطع اولا تل تلدن آیریلا

هر چند آلوب قرار یوی بیر شاهد ازل

بی اختیار گتملوسن سسلنور که گل

اتسا عروسه نسیگل اولور یتیمسه اجیل

ممکن دگل گوگل بیله نسیگلدن آیریلا

ای چشم مستی رشگ غزالان ملک چین

توکمه سیاه زلفوی رخساره چین به چین

بو خرمن اوسته نیلسون آواره خوشه چین

وار قورخوسی که دسته سنبلدن آیریلا

قربان اولوم جلالتود حسن خویوه
باش قویشام بیر عمریدی میدان کویوه
طوطی تک اورگدوبدیله مرآت رویوه

روحیم قوشی چتین او شمایلدن آیریللا

باخدیم عم اوغلی طالع فرخنده فالمه
بحر غمونده گلمدی ساحل خیالمه
غرق اولماقا بو زورق جان اشگ آلمه

خوشدور نه قدر اوزاق دوشه ساحلدن آیریللا

بلبل گلور نوایه گوزی گر گله دوشر
باخماز که سر نالهسی دلدن دله دوشر
سن سیز عمون قیزی ایله بیر مُشکله دوشر

مشکلدی جان ویرنجه او مشکلدن آیریللا

چوخ دل خوشام ایدیم او سیه فام زلفوه
کسپریکلریمله شاننه سحر شام زلفوه
مدتدی مرغ روح دوشوب دام زلفوه

آلم اگر چه بیر تل او کاکلدن آیریللا

تو کمور عبث سرشکنی رخساره فاطمه
 آغلور اورکده فاطمه زاره فاطمه
 اولسه وطنده وار بیری بیچاره فاطمه
 بیر بینوا که آل اوزه بیر ایلدن آیریللا
 آغلار گوزیله قالماقا یوخدور سوزوم منیم
 بیر اولسا سهلدور بو گجه گوندوزوم منیم
 اورگنمیوبدی سسیله اما یوزیم منیم
 قویمازلا وای وای سسی بیر دلدن آیریللا
 جان ویرماقیله تاپماقا جاناندان اختصاص
 یتیش ایکی یازوبدیلا مدعوی قرب خاص
 من راضیم باشون ویر ایله قاتلون خلاص
 بو فخری قویما خاطر قاتلدن آیریللا
 سنسیزعم اوغلی من ایدرم ترک خوردو خواب
 خوشدور اسیرلیق منه خوشدور غل و طناب
 اما او وقتیده توکنور دلدده صبر و تاب
 معشوقلردن عاشقی غافلدن آیریللا

بوئم گلولہ باشی آچوق شہر شامہ دین
بیر دستہ دست بستہ هامی زار و دل غمین
صحرائشین اولور نچہ مجنونہ حزین
قسویمازلا نالہ گوشہ محمlden آیریلا
«صافی» خطا چوخ ایلمیسن حی داورہ
یسالوار حسینہ قاسمہ عبتاسہ اکبرہ
عاصی یازوبلا اسموی واضحدی دفترہ
بلکہ آدون اسامی باطلدن آیریلا

زبانحال عروس به داماد کریلا

بولوسن منی بیر علاقه وارگتوروب عراقه عم اوغلی جان
 گل او تور دیوم که نه چکدیروور منه بو علاقه عم اوغلی جان
 بو ازل بلاسیدی باشلانور بو مراتبیله ریاضتیم
 سنی مندن آیری سالور ایدر غم دردهجروی قسمتیم
 گتورنده هجر آدمی آرتوری بیره مین علاوه مصیبتیم
 ولی جان ویرنجه دوام ایدوب دوزرم فراقه عم اوغلی جان
 او علاقه عشق مراحلین منی طی ایدنجه دولاندیروور
 سالوبیله درده منی که بو دل و جانی مندن اوساندیروور
 بودور عشقه اول مرحله که فراقه عاشقی یاندیروور
 زرخالص اوندا خلاص اولور دوزه احتراقه عم اوغلی جان
 سنه بو عیاندی که سس چکریانان اودکیمی یانار آیریلوق
 سالور آتش غمه یاندیروور یته هر کسه یانار آیریلوق
 نجه سخت دل اولایانماقی اونا چوخ سبک سانار آیریلوق
 دم مرگه همدم اولور یانان دم افتراقه عم اوغلی جان

تا پو لوبدی ر عشه وجودیمه منی برگ گل کیمی آسدیروور
 آبروبدی روحیمی جسمدن آپارور علاقه می کسدیروور
 گیدسن نولوم یولنه اگر باشوی قلع کسه کسدیروور
 او قلع بو رشتہ عمریمی کسلور علاقه عم اوغلی جان
 یوزہ توکمه زلفوی ایلمه بو شکسته گوگلی چوخ شکست
 ویر او طرہ دن منہ بیر تلین ایلیوم شکست می بیرجه بست
 باشیمی او تار یله باغلاماق اوزالونله گرویره ایمدی دست
 باشوی جداده گورن زمان اولاجاق افاقه عم اوغلی جان
 توکولوبدی سنبل تردی بو ایکی مزرعه چمن اوستنه
 شه زنگباریدی یا گلوب گیده قلعه یمن اوستنه
 خم و پیچ تاییله مین گوگل دوشنوبدی هر شکن اوستنه
 نظر ایله بیرجه باشوندا باخ بو قدر تفاقه عم اوغلی جان
 بیر او قدر چکمز عم اوغلی جان چکراوزگه نوعه محبتیم
 باشون اوسته باشیمی آچدیروور پوزولور طریقہ عزتیم
 آپارولآ شامه جهازسیز دوه اوسته گور نولو حالتم
 باش آچوق گورر منی سس چکرگلی داده ناقه عم اوغلی جان

بو قاشون خیالنه بسته یم بو گوزون اشاره لرینه بند
 نجه مستمند دوا اولور بو خیال خامله دردمند
 نه دو شاخه آهله باغلارام ایلمی ایاقمی بسندبند
 سنه پای بند اولا بیر گوگل نه ویرار ایاقه عم اوغلی جان
 غم و غصه ششدرنه سالوب منی مات ایدوب رخ زرد عشق
 باشون اوسته پیک اجل گلوب آبارور دیور بودرد عشق
 بو بساط عشقده من کیمی هانی بیر خرابه نورد عشق
 قویا شاهزاده یقین گیده یته جان دوداقه عم اوغلی جان
 گید یسن گل ایمدی دو یونجه بیر باشوادونوم دولانیم سنون
 باشوین نثارنه دولدوروم در اشگ چشمه دامنون
 سنی نولدورور بولورم اوزوم نجه رحمسیز دیله دشمنون
 یته بولورم داخی من گوگل چکن اشتیاقه عم اوغلی جان
 بو غریبه طویدی که دو تدیلار دالسنجه یاس گلور طویون
 بچلوبدی دست قضائیه بیر نولوم لباسی گلور طویون
 دم خنجر یله دوشر اله طویا قان حناسی گلور طویون
 باشا قاره آختاریری گله گلینون اطاقه عم اوغلی جان

گوزیمون ایشقلتی هوشدن آپاروب منی بو قراگوزون
 بولوسن که گوزگوتورنرم نه دیوم باخوب گوروسن اوزون
 دولوسان گوزوم کیمی دی بو شات اورگون واروندی اگر سوزون
 که وصال شهیدینی بیر ده من یتوروم مذاقه عم اوغلی جان
 ایشیدنده بو سوزی قاسمه ویروب اوزگه غم اوزماندال
 بو یوروب عموقیزی ساخلامانی گوز تیکوب یولوما اجل
 دم وصل ایستیه سن اگر باشه قاره سال باشیم اوسته گل
 دوت الیمی اوندادی گلیمیشم دیدوقون سراغه عم اوغلی جان
 ایله نوش جانيله «صافیا» دوشه هر قدر اله درد و غم
 اوزیوی او درديله مست قیل ایله عقلی وهوشوی دردغم
 یرد قویما مرشد عشقندن یتشوب بو سوز سنه ورد غم
 بولوسن منی بیر علاقه وارگتوروب عراقه عم اوغلی جان

زبانحال نوعروس

فرقتونده باغریم اولسا قان عم اوغلی
 ای لب عطشان عم اوغلی
 دورما گیت ویر سوسوز جان عم اوغلی
 گورمیوبدی سن کیمی گل بیر گلستان ایچره بلبل
 خوشدلم من آغلاما گول اولماسن دیده گریان عم اوغلی
 گلرم هرگز نوایه ایتمرم شکوه گلایه
 منده تسلیم قضایه ای یوزی ماه تابان عم اوغلی
 تک قالب سلطان بی یار نه سپه وار نه سپهدار
 اولدیلار اعوان و انصار کوی جاناندا قریبان عم اوغلی
 بیر قیامتدن علامت سرو قد شمشاد قامت
 قالسا نه حسنی سلامت گورمه سه زخم پیکان عم اوغلی
 ایلمم هرگز فراموش فکریوی قیلام هم آغوش
 ایمدی کیم اولدون کفن پوش ایتکلن عزم میدان عم اوغلی

راضیم من شاهزاده گلرم فریاد و داده
 باشوی گورسم جداده پیکرون قانه غلطان عم اوغلی
 ای اولان عشقیمده شوریم مردم چشمیمده نوریم
 عفو قیل اولسا قصوریم خدمتونده بو بیر آن عم اوغلی
 اکبرون صدپاره حالی آفتاب آسا زوالی
 هاشمی خالون خیالی منده قویموب قالا جان عم اوغلی
 بولمشم بو کربلاده باش آچوق پای پیاده
 یالوارور قوم عناده عترت شاه مردان عم اوغلی
 سن دیمه لب تشنه نولم دست بسته منده گلّم
 ایلر آهیم شمعی بولم شهر شامی چراغان عم اوغلی
 ایلیوبسن هر وصیت بیر به بیر قیلّم اطاعت
 يتسه مین بیله مصیبت ایتمرم داد و افغان عم اوغلی
 دورماگیت ویر سوسوز جان عم اوغلی

استمداد جناب قاسم (ع) از عم بزرگوار خود

ای عمو من بیر غزالم قالمیشام صیاد النده
قویما یا القوز بیر جوانی مین نفر جلآده النده

ای عموی گل عذاریم
قالمیوب صبر و قراریم
کیم گوروب ای تاجداریم

قان حنا داماد النده

مکتب عشق ایچره مین ایل
ایتمیشم اولده تحصیل
درس عشقیم اولدی کامل

باوفا استاد النده

آتش دل بیر طرفده
دلده نسگل بیر طرفده
قانلو قاتل بیر طرفده

خنجر فولاد النده

گلمه سن سن باشیم اوسته
اشگیم آرتار قاشیم اوسته
نولم اوز گوزباشیم اوسته

نالہ و فریاد النده

مرغ دل قالدی هوسدن
آز قالور اوچسون قفسدن
قاسمون دوشدی نفسدن

فرقة بیداد النده

گل نظر قیل من اسیره
رحم ایدن یوخ دستگیره
بیرجه باخ شمشیر و تیره

قوم بی بنیاد النده

ای قرار و طاقت دل
اولدی دل مقصودی حاصل
قاتلیم دورموش مقابل

قالمشام جلاد النده

یاندی نار هجره جانیم
قالمیو بدلده تسوانیم
یاره لردن آخدی قانیم

فرقة بیداد النده

آخره یستدی وصالون
گل گوروم بیر گل جمالون
فکر ایدوب افسرده حالون

یانیشام فریاد النده

کیم گوروب آخر بو حالی
اوچی سیراب اوغ یارالی
گور گورنده اشک آلی

رحمیز جلاّد النده

خسته دل ایلر خیالون
آختارور گون تک جمالون
قویماز اوز افسرده حالون

خاطر ناشاد النده

آتش دل اشک بسی غش
خاک غربت آه دلکش
تک قالب بیرجان بو آتش

آب و خاک و باد النده

«صافیا» یو خودور پناهون
بول باغشلا گناهون
حشرده هر روسیاهون

اولسا بو افراد النده

زبانحال حضرت قاسم (ع)

ای عمو گل هرایمه چو خودور یاراسی قاسمون
 واردی گوگلده ننگلی یو خودور آتاسی قاسمون
 زین عقابدن سالوب ای عمو کوفیان منی
 گل آپار ایمدی گلمه سن بول آپارور بو قان منی
 آز قالوری که ترک ایده باش بدنیمی جان منی
 واردی هوای یاریله باشدا هواسی قاسمون
 خیمیه گل آپار آنام بیرجه یاراسی باغلاسون
 داخ ستمله سینه سین اوغلی جواندی داغلاسون
 اوغلی نولن آنالاری باشنه یغسون آغلاسون
 مهر وفاسینی عمو گورسون آناسی قاسمون
 مرغ خیال پر آچوب وصلویلن هوسلنور
 قاسمه ویرمیسن ندن سس بو قدر که سسلنور
 گلسه سسون بو یرده جان جانه گلور نفسلنور
 بولمز اگر چه مین بیله اولسا یاراسی قاسمون

صبح چراغی تک عمو آز قالوری که من سونوم
 باشیمی قاتلیم کسور قویموری قبلیه چونوم
 عین تواضیله گل لطف ایله باشوه دونوم
 بیله بولوله دردینه یوخدی دواسی قاسمون
 مست می الست اولان مین بیله ظلمه أف دیمز
 خوشدوراوخ اوسته اوخ دگه سرخوش عشق انجیمز
 ایستورم بو جانی من بیله کشاکش ایستمز
 واردی قضای یاریله دلده رضاسی قاسمون
 مین نفر اوچی دوره ده بیر یارالی شکار عمو
 هر بیر ی طرف چکر یوخ داخی اختیار عمو
 تیز اوزیوی یتور منه ای شه تاجدار عمو
 دوت الیمی الون دوتار شیر خداسی قاسمون
 صر صر غم ز بس اسوب گلشنیمی خزان ایدوب
 سینه سنوب نفس باتوب باش یار یلوبدی جان گیدوب
 یوخ بو قوشوندا بیر نفر کیم دیه بو جوان گیدوب
 رحمه گلون طوی ایلیوب قاندی حناسی قاسمون

دشت عراقی دولدوروب شوريله شوری اکبرون
محو قویوب آناسینی پرتو نوری اکبرون
اول نولوم یولینه چون دوشدی عبوری اکبرون
نوبه یتوبدی اوج ایده شور و نواسی قاسمون

استغاثه

جناب قاسم (ع) از حضرت سیدالشهداء (ع)

نولدوم جوانم یالقوزام گل داده سردار عمو
یوخ سندن اوزگه بیر نفر من بیکسه غمخوار عمو
نیلوم عمو من گلمگه بو قوم کین ویرمز امان
قربان گلن یولاریوا سن گل ویریم آسوده جان
بیرده مبارک عارضون گورسم یتر روح روان
ای صورتی آنینه عکس رخ دلدار عمو
دلدن سالوبلا قاسمون بو لشکر ظلم و ستم
نه رحم و نه انصاف وار یاره وراآر دمبدم
دوغراندی یکسر پیکریم آرتدی غم و درد و الم
گل گور نه حاله دوشمشم ای بیکس و بی یار عمو
آخر نفس دور من ننجه ایتموم وصالون آرزو
من شسایقم ایلر گوگل نور جمالون آرزو
قاسم نولور ایلر عمو بدر هلالون آرزو
چوخ دلخوشم اوز حالیمه وار بوندا بیر اسرار عمو

گون ایسی من یالقوزام سوسوزا طرفیمی دشمن آلوب
 جسمیم یارالی گوزلریم قان یاش توکر یولدا قالوب
 بو رحمسیزلر گور منی آخر نجه حاله سالوب
 نه طاقت گفتار وار نه قوت رفتار عمو
 آخر بو چولده ای عمو بیچاره لر امیدنی سن
 تأخیریوه بساعت ندور فریاده گل میرسن ندن
 گل گورنه نوعی دلخوشام آتلار ایاقی آندا من
 جان ویرمگه جانانیمه ای سرو گل رخسار عمو
 آخر یتیم ای عمو گوکلیمده وار چوخ مشکلیم
 گل باشم اوسته قویما سن قالسون اور کده نسگلیم
 قانه بویاندی عاقبت ظلمیله زلف و کاکلیم
 من بیکس و بیچاره ده یوخ طاقت گفتار عمو
 غمدن اولوب باغیریم کباب فریاده باخ فریاده باخ
 بو باشیم اوسته رحمسیز جلّاده باخ جلّاده باخ
 قاندان حنا یاخمیش اله داماده باخ داماده باخ
 قویما بو حالیمده قالوم من حسرت دیدار عمو

استغاثه جناب قاسم به حضرت حسین (ع)

خنجر یله بو گل بدنیم باشدان ایاقه دوغراندی عمو
آتلاز ایاقی آندانجه گور گل پیراقی تک لر زاندی عمو

بو گل بدنیم دوغراندی عمو

هر یاره منه چوخ چوخ ویریلوب

اوخ یارده سی بیر یو یوخ ویریلوب

گور بو بدنه نه اوخ ویریلوب

بیر جعبه دولی پیکاندی عمو

بو گل بدنیم دوغراندی عمو

دورما عمو جان امدادیمه گل

سال یاده منی فریادیمه گل

آز قالدی ویرم جان دادیمه گل

آخر نفسیم بو آندی عمو

بو گل بدنیم دوغراندی عمو

او خدان پر آچان شہباز لرون
منده برییم ممتاز لرون
اوز خدمتہ جان باز لرون

اوخ یارہسی بیر میزانندی عمو

بو گل بدنیم دوغراندی عمو

استمداد حضرت قاسم (ع)

عمو قویما منی جلاد النده

قالوب صید حرم ضیاد النده

منی جلاد الینده

حرم آهوسی بو دشت محنده

یتوب دام بلایه دوشدی بنده

سالوب صیادلر گورنه کمنده

قالوب صید حرم صیاد النده

دایانما ای یتیم لر دادخواهی

اولان عالم لرون پشت و پناهی

یتوب دور سینمون افلاکه آهی

قالوب صید حرم صیاد النده

بو گون بو چولده قان دریاسی داشدی

داشوب سیل بلا باشیمدن آشدی

یوزوم زلفوم گوزوم قانه بولاشدی

قالوب صید حرم صیاد النده

دولوب قانیله بو چشم سیاهیم
قیلوب افلاکی تیره دود آهیم
بوگون سنسن منیم پشت و پناهیم

قالوب صید حرم صیاد النده

همیشه سن منه‌ای کان رحمت
آتامدان ایتموسن آرتوخ محبت
نولور قیل مرحمت چک بیرده زحمت

قالوب صید حرم صیاد النده

آلوب اطرافی دشمن دسته دسته
پسناهم یوخ یتیم دلشکسته
اوزیوی تیز یتور بو باشیم اوسته

قالوب صید حرم صیاد النده

اوزوم تشنه یارام جسمیمده چوخدور
تماماً پیکریم خنجر دور اوخدور
یانان احوالیمه بیر کیمسه یوخدور

قالوب صید حرم صیاد النده

آچوب نخل وجودیم زخمدن گل
گل اوستونده دوروب اوخلار چوسنبل
اولوبدور دستگیر خار بلبل

قالوب صید حرم صیاد النده

منی بو یاره لر دلدن سالوبدور
تسوان و تساییم آلدن آلوبدور
چخار جانیم گوزوم یولدا قالوبدور

قالوب صید حرم صیاد النده

یتوبدور عمریمون گون تک زوالی
گوزوم چوخ آختارور بزم وصالی
قوری یرلرده ویرم جان یارالی

قالوب صید حرم صیاد النده

یازار «صافی» گلر شور و نوایه
مصیبت یوز ویروب خیرالواریه
یستور باد صبا هم مجتبايه

قالوب صید حرم صیاد النده

استمداد حضرت قاسم (ع)

اوخلانوب قلجلانندیم گل عمو امان تولدوم
بندبند دوغراندیم گل عمو امان تولدوم
لشکر ستم پرور دوره می آلوب یکسر
آلده نیزه و خنجر گل عمو امان تولدوم
چوخ آخوب قیزل قانیم دولدی چشم گریانیم
آز قالور چیغا جانیم گل عمو امان تولدوم
بیر مقام خوش بولدوم برگ گل کیمی سولدوم
اوخلارا نشان اولدوم گل عمو امان تولدوم
عمریم آخره یتدی یاخشی اخذ کام ایتدی
تاب و طاقتیم گندی گل عمو امان تولدوم
جسمیده یارام چوخدی تیغ و خنجر و اوخدی
بیر باخوب یانان یوخدی گل عمو امان تولدوم
سن گلنجه ای سرور گوزلریم یولون گوزلر
بیر یارالی مین کافر گل عمو امان تولدوم

هر بلایه شکریم وار باشد اوزگه فکریم وار
 دلده گور نه ذکریم وار گل عمو امان تولدوم
 تیغ و تیر و خنجر دن جسمیم اولدی بیر گلشن
 سالدیلار منی دلدن گل عمو امان تولدوم
 یستمیه گر امدادون تولدورته ناشادون
 رحمی یوخ بو جلا دون گل عمو امان تولدوم
 سندن عالم و آدم دم آلا چون هر دم
 خوش دیوله ویر بیر دم گل عمو امان تولدوم
 حاصل اولدی چوخ آسان اول ایتدیقیم پیمان
 من اولوم سنه قربان گل عمو امان تولدوم
 «صافیم» سیزه نوکر وار گوزیمده اشگ تر
 قاسم جوان سسلر گل عمو امان تولدوم

زبانحال حضرت سیدالشهداء(ع)

گلمیشم گلمور سسون ای شاهزاده هارداسان
 آل سسین بو بی کسین ای شاهزاده هارداسان
 سسلدون بیر قالمادی قلییمده آرامیم منم
 بیرده سسلن تا اوغول حاصل اولا کامیم منم
 یاده سالدون سن منی آخر دل آرامیم منم

گلمیشم گلمور سسون ای شاهزاده هارداسان
 سن گلن دمدن سرته گوز تکوب آخر یولا
 گج آپارسام قورخورام باشین آچوب زلفین یولا
 اول یره کیم سن دوشوبسن بو عمون قربان اولا

گلمیشم گلمور سسون ای شاهزاده هارداسان
 قارداشیم اوغلی گوزوم نوری گوگل پابسته سی
 حق یولوندا باش ویرن عاشق لرین سردسته سی
 جسمی خنجر مستمندی جانی پیکان خسته سی

گلمیشم گلمور سسون ای شاهزاده هارداسان

اولقدر یو خدی کنار اولدون گوزومدن سن منیم
اولگلان آگه بو نسگلی سوزومدن سن منیم
هاردا قالدون یوزنه تیزکسدون یوزومدن سن منیم
گلمیشم گلور سسون ای شاهزاده هاردا سان
من باشون اوسته گلنجه قورخورام گلسون اجل
دوره می دشمن آلوب آخر گوتورمور مندن ال
خیمه دیدیم سسلدون تولدوم عمو امداده گل
گلمیشم گلور سسون ای شاهزاده هاردا سان
چوخ چتیندور سسلیه سن سن عمون امدادیوه
یتمیه بیر بیله وقتونده سنون فریادیوه
ای منی داد ایلین امداده آخر دادیوه
گلمیشم گلور سسون ای شاهزاده هاردا سان
ای جفا صیادنون نخجیری ای آهوی رام
روضه رضوان گوروم اولون سنه جای خرام
هاردا سان دور گلمه گیمدن ایله تحصیل مرام
گلمیشم گلور سسون ای شاهزاده هاردا سان

یوخسا مدھوش ایلوبدور جلوۂ جانان سنی
 یا گلنجه من آپارماقه آپاردی قان سنی
 خیمیه تاپسام آپارام میهمان الان سنی
 گلیمیشم گلور سسون ای شاهزاده هارداسان
 «صافیا» قیل دایماً ورد زبان سن بو سوزی
 قویما قالسون خانۂ دلده نهان سن بو سوزی
 بزم غمده آشکار ایله بیان سن بو سوزی
 گلیمیشم گلور سسون ای شاهزاده هارداسان

وداع حضرت قمر بنی ہاشم حضرت ابوالفضل (ع)

بو فکر قاصریلہ بو عجز تماملہ
گلزار غمده سیر ایدرم اہتماملہ
ہر چند جرأت ایلمرم باشدان آل وورام
بیر مطلب تمامہ بو نقصان تماملہ
اما یقینیدی ایستہ سہ سوز صاحبی تاپار
کلمات حسن رابطہ تک تک کلاملہ
سالام خیالہ قتل گونی کربلا دہ کی
حادث اولان وقایعی من بیر مراملہ
بیر بیر گلوب کچر نظر یمدن او گوندہ کی
اوضاع ناگوار همان انتظاملہ
یاد ایلمرم او ساعتی اصحاب قیزلاری
آلمش سکینہ دورہ سنی آلدہ جاملہ
عباس خیمہ سینہ گلوب اتفاقلین
یانمیش جگر لر یلہ هامی تشنہ کاملہ

عرض ایلدی سکینه او لب تشنه سروره
 چوخ عذر و انکساریله چوخ احترامله
 ای سروریم عمو قابووا گلمشوق دخیل
 کامل بیر اعتمادیله ظنّ تمامله
 باخسان عمو نولور بو یارالی اورکلره
 نسیم نگاه بسیر نظر التیامله
 سقا اولا اولاسن عمو من قالوم سوسوز
 آخر سنی ملقب ایدوبلر بو نامله
 بیر شربه سو یتورسن اگر بو سوسوزلارا
 وجد ایلرم او لطفه بو حزن مدامله
 اولام رهین منت عمو قیل یقین سنه
 بیر جمع تشنه کام و جگر مستظامله
 عباس چون او حاليله گوردی سکینه نی
 اطفال بسی پناه و شه مستظامله
 مشکین گوتوردی گلدی امامون حضورینه
 بسی صبر خاطريله دل بسی دوامله

دوردی برابرینده ادبله ویروب سلام
ردّ جواب اولوندی علیک السلامه
عرض ایلدی او شاهه که ای تاجدار عشق
ای چوخ قریب نسبتی خیرالانامله
سینم گلوبدی تنگه برادر حیاتدن
گوندوز منه برابر اولوب تیره شامله
ویر رخصت جهاد گیدوم رزمگاهه من
جنگ ایلیم مصافده قوم لئامله
آگاهسن اوزون که قتیل محبتیم
قوی ایلیم مقاتله بو اهل شامله
بیر بیر آلوم شهیدلرین قانی تمام
میداندا مرکب اوسته قیلان بیر قیامله
سندن اجازه یتسه اگر قویمارام قدم
من بیر صغه مگر هوس انتقامله
فرمایش ایتدی قارداشینا شاه کربلا
ای ملک دل مقربی قرب مقامله

سن بو غریب و بی کسه کبش کتیبه سن
 سن سن بو چولده مشی ایدن اذن امامله
 سن سن گوزل تمیز ویرن حق و باطله
 سن سن اولان حلاله ممیز حرامله
 گت سن جماعتم داغیلور لشگریم سنار
 گت سن گلوله اوستمه دشمن نظامله
 گت سن بو رونقیم پوزولور عزتیم گیدر
 قالماز حسین بو شوکت و بو احتشامله
 گت بو سوسوز اوشاقلارا پیر آرزو ایسته آل
 مسرور قیل سکینه می اهل خیامله
 آلدی اجازه جانب میدانه یوز قویوب
 سقای تشنه کام گیدردی خرامله
 گوردی حزین حزین دالیجا بیر صدا گلور
 دوردی سماع صوت امام همامله
 لطفاً بو یوردی شاه که گل قول بویون اولاخ
 قلبون کسوری جبر اولا بو انضمامله

مهریله مه معانقه قیلدی آلشدی دل
بو علقه منتسبیدی نچون دال و لامله
آیریلدی گلدی یالقوز علمدار مقتله
قیلدی قمر مقابله ابر ظلامله
اول نصیحت ایلدی اول قوم باطله
شیرین دلیلله لفظ خواص و عوامله
گوردی مؤثر اولموری هرگز نصیحتی
بوز دوندروب فراته او عطف لجامله
داخل اولوب شریعه دولدوردی مشگنی
چخدی کناره تشنه لب لعل فامله
کسدی یولون موکل نهر فرات اولان
دورت مین نفر تمامیسی پزان سهامله
وردی یخوب داغندی آچوب خیمه گه یولین
شمشیر خونفشان و مرصع نیامله
قلب سپاهه حمله ایدوب پوزدی صفرلی
قویموب دورا قوشون او ثبات و قوامله

بیلدن وروب بولودی خیار دو نیم تک
 باشدان ویروب یاراردی اوکسگین حسامله
 قیلدی کمین اونی نچه صیّاد سخت دل
 تا کیم او شیر شرزهنی دوتسونلا دامله
 بیر ظالم ایتدی اونون صاق قولین قلم
 تا هم رکاب اولا امراء العظامله
 سالدی بریسیده یره آخرده صول قولون
 اوز خدمتین یئتوردی باشا التزامله
 یساغدردیلار ایله اوخی کفقار گونیا
 گوگدن یاغیش یاغور یره مشکین غمامله
 عنقای عشق بال و پر آچدی خدنگیله
 قاف محبت اوسته گزه تا بو کامله
 آلدی هسواسنی ولی بئر تیر تیزپر
 اندی اشاقه مرغ روان فکر بامله
 اوخلاندی مشکلی کسدی امیدین خیامدن
 دشمنلر اوستنه تسوکلوب ازدهامله

بی‌بال و پر یخلدی او شاهین عقابدن
سسلندی هم یتوردی صبادن پیامله
قارداش حسین دایانما داخی باشیم اوسته گل
مختص خاص مهریله الطاف عامله
آلدی سسین امام بسلینده آلی اودم
گلدی باش اوسته توسن زرین زمامله
آخر نفسده گوزلرین آچدی آلان کیمی
عطر حسینی قوّه صاف مشامله
آیینه جلاله باخاردی او حالده
حال سرورریله نظر ابتمامله
قیلدی وصیتین گوزینی یومدی ویردی جان
یتدی مسرامه قرب رسول کرامله
ختم ایله بو مصیبتی هر چند «صافیا»
مشکلدی خاتمه تاپا بو اختتامله

وداع حضرت قمر منیر بنی هاشم (ع)

گیتمه قارداش اماندی یالقوزام من

بیكسم كومكسيزم اوغول سوزام من

گیتمه قارداش اماندی یالقوزام من

باخما اصغریم گلوب دله سوسوزدان

اود دوتوب یانار بو قافله سوسوزدان

قوی سوسوزقالابالالاریم نوله سوسوزدان

گیتمه قارداش اماندی یالقوزام من

بیكسم كومكسيزم اوغولسوزام من

اگر دوشه تپراقه بو سرو قامت

رحم سیز دشمنیم تاپار جسارت

زیـنـبه بـول اولور قیامت

گیتمه قارداش اماندی یالقوزام من

بیكسم كومكسيزم اوغولسوزام من

دفع اولور هر بلا و غم آونده
 حلّ مشکل بیلور حرم آونده
 راحتتم واردی تا علم آونده

گیتمه قارداش اماندی یالقوزام من

بیگسم کومکسیزم اوغولسوزام من

راضیم سکینه سو دیوب یانسون
 الله سو جامی خیمه نی دولانسون
 العطش ناله سی گوگه دایانسون

گیتمه قارداش اماندی یالقوزام من

بیگسم کومکسیزم اوغولسوزام من

سـرـوه جـویـا اولان چـمـنده
 سیر سرو ایلمز سنی گورنده
 گوزلر امّ البنین یولون وطنده

گیتمه قارداش اماندی یالقوزام من

بیگسم کومکسیزم اوغولسوزام من

من بو شام اهلنه گناهکارم
آل گوتورمزله نقدری وارام
نیلوم بیر سنه امیدوارم
گیتمه قارداش اماندی یالقوزام من
بیکسم کومکسیزم اوغولسوزام من
سن که وارسان منه قرار دل وار
گتماقه تاب نه سوز دیماقا دل وار
ایله بولم هامی قبیله ایل وار
گیتمه قارداش اماندی یالقوزام من
بیکسم کومکسیزم اوغولسوزام من
من نه نوعی ویریم سنه اجازه
صبر ایدیدم هجر جان گدازه
سن گوتور زینبی قایت حجازه
گیتمه قارداش اماندی یالقوزام من
بیکسم کومکسیزم اوغولسوزام من

اولماسان سن منیم جلالیم اولماز
 غم نندن بیر آن مجالیم اولماز
 بیرده خوش اولماقا خیالیم اولماز
 گیتمه قارداش اماندی یالقوزام من
 بیکسم کومکسیزم اوغولسوزام من
 بسول هامی شوکتیم گیدر سنيله
 قدرتیم قوتیم گیدر سنيله
 عزتیم حرمتیم گیدر سنيله
 گیتمه قارداش اماندی یالقوزام من
 بیکسم کومکسیزم اوغولسوزام من
 سن کیمی قارداشا وار احتیاجیم
 سنده گیتسن ندور منیم علاجیم
 تاب ایدنمز بونا بلالی باجیم
 گیتمه قارداش اماندی یالقوزام من
 بیکسم کومکسیزم اوغولسوزام من

بیر سن اول اولسان مین بو قدر لشکر
خوف و باک ایلمز یقین حَرَمَلر
بسدی یالقوز منه فراق اکبر

گیتمه قارداش اماندی یالقوزام من
بیگسم کومکسیزم اوغولسوزام من

درخواست آب حضرت سکینه (س)

سولوبدی غنچه لبیریم تشنه ام ای عمو
سبزیلدار آغلار اصغیریم یوخدی بیر جرعه سو

العطش ای عمو العطش ای عمو

عمو اولور بودور سبب اشک چشمیم روان
واریمدی نچه تشنه لب خوردا قیز میهمان
بو رنج و غصه بو تعب باغیریمی ایتدی قان

سبزیلار آغلار اصغیریم یوخدی بیر جرعه سو

العطش ای عمو العطش ای عمو

سالوبدی جانیمه شرر تشنه لق محنتی
بو زحمتون دگل هدر جانه وار منتی
ترحم ایله قیل نظر گور بو گل صورتی

سبزیلدار آغلار اصغیریم یوخدی بیر جرعه سو

عمو اولوب بو حضرته شمع آهیم دلیل
گلوب بو باب رحمته اولموشام من دخیل
تحمل ایله زحمته ای شه بسی عدیل

سزیلدار آغلار اصغریم یوخدی بیر جرعه سو

سو مشکیمی الیمدن آل اول فراته روان
سوسوزلاری خیاله سال ای بو جسمیم ایچره جان
گوگله وار ز بس ملال قالمیوبدی توان

سزیلدار آغلار اصغریم یوخدی بیر جرعه سو

عمو امیدگاهی سن سن هامی مضطرون
پناه دادخواهی سن آل پیغمبرون
گوروب بو دادخواهی سن بیل غمین اصغرون

سزیلدار آغلار اصغریم یوخدی بیر جرعه سو

آ لونده وار دوتا علم ای شه محترم
تا پار تسلی دمیدم خوفه دوشمز حرم
اولور سنیله دفع غم دله قالماز الم

سزیلدار آغلار اصغریم یوخدی بیر جرعه سو

قالوب عیال مصطفی گور نجه تشنه کام
چکله وا مصیبتا محشر اولموش خیام
ایدله نی کیسی نوا خوردا قیزلار تمام
سیز یلدار آغلار اصغریم یو خدی بیر جرعه سو

محاربه حضرت اباعبداللہ الحسین (ع)

به همراهی حضرت ابوالفضل (ع)

میدانه لشگر گوردیله سلطان بی یاور گلور
قارداش قباقنجه دوشوب عباس نام آور گلور
ویرمیشدی آرخا آرخیا سالار دین اوغلانلاری
ختم رسالت هادی دین مبین اوغلانلاری
شاه ولایت مرتضی حبل المتین اوغلانلاری
گویا که رزم دشمنه پیغمبر و حیدر گلور
شیر خدا اوغلانلاری ایتدیله حمله لشگره
وردیلا اول اوزلرین قلب سپاهه یکسره
دگدی تماماً بیر بیره هم میمنه هم میسره
باخمازدیلار هر سمتدن مین سنگدل کافر گلور
بیر نوعی دعوا ایتدیله سقا و شاه کربلا
سندی پوزولدی دسته لر تنگ اولدی میدان بلا
یوز قویدی قاچماقا هامی اهل جفا قوم دغا
تا گوردویلر غیظه ایکی سردار بی لشگر گلور

بو خالدن آگاہ اولوب ناگاہ عمر سعد لعین
ایتدی ندا اول لشگرہ ای اهل شام و قوم کین
هَذَا بِنُ قَتَالِ الْعَرَبِ هَذَا بِنُ مِيرَالْمُؤْمِنِينَ
سالمیش یانینجا قارداشی عباسی اولسرور گلور
دنیا قوشون اولسا اگر هر لحظه آرتسا دسته لر
تک تک سالولاً تپراقه قویمازلا قالسون بیر نفر
برلقدابو سرورلره سیزلر مقابل سوز مگر
باخمازلا بیر دسته سنار بیر دسته دیگر گلور
سعد او غلنون مقصودینی بولجگ او قوم بدشعار
بیردن یرندن اوینادی کفار کوفه هر نه وار
ایتدیله جبراً عاقبت شهدن علمدارین کنار
گوتدی گمانه هر کسون نیزه گلور خنجر گلور
گاهی دیردی شاه دین من مصطفی دلبندیم
عباس سسلردی گهی من مرتضی فرزندیم
سویلر بیری من نیزه اوخ خنجر قلج خرسندیم
سویلر بیری من ناجیم هر کس منی سسلر گلور

سو یلردی شه من بولموسیز لشگر پیمبر او غلیام
 هر چند عطشانم اوزوم ساقی کوثر او غلیام
 ماه بنی هاشم دیر منده او حیدر او غلیام
 دنیا ده بغضین ساخلیان محشر ده کور و کر گلور
 بیر دفعه ده سسلندی اول عالمرون دادرسی
 گوردی کسلدی گلمدی قارداشی عتاسین سسی
 حالین دولاندیردی ایله پوزدی او شاه بی کسی
 معناده باخسان ایمدیده چشمندن اشگ تر گلور
 بیرده قولاق ویردی باخوب اول تیر ارحام پاک
 گوردی گلور قارداش سسی اماند یوراردک اخاک
 یوز قویدی نهر علقمه قلبی یارالی سینه چاک
 دل او ددو توب جان او دلانوب قان یاش تو کر پیدر گلور
 «صافی» همیشه سعی ایله بو یولدا اول ثابت قدم
 توک اشک چشمون دفتره سقا غمین ایله رقم
 ایلر توجه مطلقا اشعار یوه صاحب علم
 هم قبریده هم حشریده فریاده بو سوز لر گلور

فهرست مطالب جلد اول گنجینه حسینی (صافی)

صفحه	عنوان	مصراع اول
۱	دیوان گنجینه حسینی (صافی)	جلد اول
۲	شناسنامه کتاب	جلد اول
۲	بسم الله الرحمن الرحيم	قال رسول الله (ص): اثنى نارك فيكم الثقلين...
۲	مقدمه به قلم خود مرحوم صافی	چگونگی نامیدن دیوان به گنجینه حسینی
۵	عکس مرحوم صافی	متولد ۱۲۰۰ هجری قمری متوفی ۱۳۲۸ هجری قمری
۶	خط مرحوم صافی	ویرمیش اگر اجازه امام وحید اوغول
۷ - ۸	آقای حاج محمد صافی پسر مرحوم صافی (ره)	مقدمه در چگونگی تدوین کتاب
۹ - ۱۵	آقای سید محسن رجائی (مجنون)	مقدمه و شرح دیوان و توصیف و چگونگی مرثی ترکی
۱۶	سید علی اکبر صدرالدینی	سخن ناشر
۱۷ - ۱۸	در مدح حضرت محمّد (ص)	خوب است ز مه صورت زیبای محمّد (ص)
۱۹ - ۲۲	فی الترحید	ای گور حقیقت اخذ ایله دلدن خدائی گور
۲۳ - ۲۴	شهادت حضرت رسول اکرم (ص)	بوگونه جان ویروب گندی حضور یاره پیغمبر
۲۸ - ۳۰	در عزای پیامبر اکرم (ص)	آغلار بوگون ارض و سما و مصطفا و احتیبا

فهرست مطالب جلد اول گنجینه حسینی (صافی)

۲۱ - ۲۲	شهادت پیامبر اکرم (ص) و امام حسن (ع) اولدوروب جهانی رسول حق محنت امام حسن غمی
۲۳ - ۲۴	زیانحال حضرت زهرا (س) هریانا باخور فاطمه یانور گوزلریم سنی آختارور بابا
۲۸ - ۸۱	غدیر خم و گریز به محاربه و شهادت حضرت ابوالفضل (ع) مُراد عالم ایچایدن محبتدور
۸۲ - ۸۴	در شهادت حضرت علی (ع) ای گوزرم چودایله اشکون یان گوگل بو مانجرادن
۸۵ - ۸۷	در شهادت حضرت علی (ع) بو غم اولوب مؤثر درگاه کیریایه
۸۸ - ۹۲	در شهادت حضرت علی (ع) کاش اولیدی زاده ملجم اکی شل یاعلی
۹۳ - ۹۶	در شهادت حضرت علی (ع) یا علی مانم دوتوب پیغمبر خاتم سته
۹۷ - ۱۰۱	در شهادت حضرت امیرالمؤمنین (ع) کلون شیمه هامی آه و فغانه
۱۰۲ - ۱۰۴	در شهادت حضرت امیرالمؤمنین (ع) نجه غم‌دی بو غم آخر اوجالوب فغان زینب
۱۰۵ - ۱۰۶	زیانحال حضرت زینب (س) یاعلی ستمیز نه نوعی کلمه‌سون فریاد و زینب
۱۰۷ - ۱۱۰	در جلالت حضرت زهرا (س) دوشنده ظاهراً شأن و جلالون یاده یا زهرا
۱۱۱ - ۱۱۲	زیانحال حضرت زهرا (س) تنگ اولدی منیم آغلار گوزیمه
۱۱۳ - ۱۱۶	زیانحال حضرت زهرا (س) ای رُخ زیناسی گون تک مطلع الاتوار عم اوغلی
۱۱۷ - ۱۲۰	زیانحال حضرت زهرا (س) یتیمدور موسم هجران عم اوغلی
۱۲۱ - ۱۲۲	در عزای حضرت زهرا (س) قان آغلار حضرت زهرا غمینه آل پیغمبر

فہرست مطالب جلد اول گنجینہ حسینی (صافی)

یا فاطمہ غموندہ آل پیمبر آغلار	در عزای حضرت زہرا(س)	۱۲۲ - ۱۲۴
زیب آغلار گجہ گوندوز سنہای رای آتا رای	زیانحال حضرت زینب(س) در عزای مادر	۱۲۵ - ۱۲۹
زینون آغلار یاتار سنسیر آنا	زیانحال حضرت زینب(س) در عزای مادر	۱۳۰ - ۱۳۱
ظلم الیله ای کچ روش فلک مجتباہ ویردون نہ سوئی بو	در شہادت حضرت امام حسن مجتبی(ع)	۱۳۲ - ۱۳۵
گر چه ایچیشم سو بو کوزدن اود دوتوب وجودیم یاناز باجی	زیانحال امام حسن(ع) بہ خواہرش	۱۳۶ - ۱۳۷
ای شمعہ سینہ دن دیمہ ہرگز بو غم گیر	خروج از مدینہ	۱۳۸ - ۱۴۳
بو گون باغ رساندن حسین تک بیر گل آیریلدی	خروج از مدینہ	۱۴۴ - ۱۴۶
ایلیوب حسین ترک خانمان کوی یارہ بیر کاروان گیر	خروج از مدینہ	۱۴۷ - ۱۴۹
بابا جور مخالفدن حسین عزم عراق ایلر	خروج از مدینہ وداع حضرت حسین(ع) یا رسول اکرم(ص)	۱۵۰ - ۱۵۱
جدآ ولیدہ شامدن فرمان یازویلار	خروج از مدینہ وداع حضرت حسین(ع) یا رسول اکرم(ص)	۱۵۲ - ۱۵۴
آیرلساقا بو قوبریدن قان آغلارام من	خروج از مدینہ وداع حضرت حسین(ع) یا رسول اکرم(ص)	۱۵۵ - ۱۵۸
آنا اوز اختیاریلہ حسینون سندن آیریماز	خروج از مدینہ وداع امام حسین(ع) با مادر مکرمہاش	۱۵۹ - ۱۶۱
آنا بیگانہ لر قوسماز منی اوز خانمانیمدہ	خروج از مدینہ وداع امام حسین(ع) با مادر مکرمہاش	۱۶۲ - ۱۶۴

فهرست مطالب جلد اول گنجینه حسینی (صافی)

کلماقون قارداش علی بیحد بو زاره خوش گلور	زیانحال حضرت صفرا(س) در وداع حضرت علی اکبر(ع)	۱۶۷ - ۱۶۵
علی بو کلبه بی اعتباره خوش گلدون	زیانحال حضرت صفرا(س) در وداع حضرت علی اکبر(ع)	۱۷۰ - ۱۶۸
گوتومی قاره ایدن بختیمی قرا قارداش	زیانحال حضرت صفرا(س) در وداع حضرت علی اکبر(ع)	۱۷۳ - ۱۷۱
قارداش علی تولدورور بو درد هجران منی	زیانحال حضرت صفرا(س) در وداع حضرت علی اکبر(ع)	۱۷۶ - ۱۷۴
آغلار علی تولجه صفرا وطنده سنسوز	زیانحال حضرت صفرا(س) در وداع حضرت علی اکبر(ع)	۱۷۹ - ۱۷۷
آپارسان من علی قارداش دل بیمارله کلم	زیانحال حضرت صفرا(س) در وداع حضرت علی اکبر(ع)	۱۸۲ - ۱۸۰
ای بابا سن که گیدوروسن یار و غمخواریم کیم اولسون	خروج از مدینه در وداع به حضرت حسین(ع)	۱۸۴ - ۱۸۳
اناسیزام غمی ام ناخوشام اوزوم ای بابا	خروج از مدینه در وداع به حضرت حسین(ع)	۱۸۶ - ۱۸۵
مریضه ام ناخوشام بابا سن گلنجه من نیلوم	خروج از مدینه در وداع به حضرت حسین(ع)	۱۹۰ - ۱۸۷
سنبله بیر ایل کوچور گیدبر عراقه	خروج از مدینه در وداع به حضرت حسین(ع)	۱۹۲ - ۱۹۱
بو وصال وقتی سکیته جان غم درد و فرقته آغلارام	خروج از مدینه خطاب به حضرت سکینه(س)	۱۹۴ - ۱۹۳
نه قدر سکیته نفسی گلور بو غم و بو محنته آغلارام	خروج از مدینه خطاب به حضرت سکینه(س)	۱۹۷ - ۱۹۵

فہرست مطالب جلد اول گنجینہ حسینی (صافی)

آغلاما صفرا پاجی باغریسی قان ایلمہ	زیانحال حضرت علی اکبر(ع)	۲۰۱ - ۱۹۸
مگر ایلیویدی صبا خیر گتوروب ہو ساعتیمہ علی	زیانحال حضرت صفرا(س)	۲۰۲ - ۲۰۲
علی قارداش یتوب جاتیم دوداقہ	زیانحال حضرت صفرا(س) بہ حضرت علی اکبر(ع)	۲۰۷ - ۲۰۵
فراقوندا علی قارداش گوزوم وار	زیانحال حضرت صفرا(س) بہ حضرت علی اکبر(ع)	۲۰۹ - ۲۰۸
عزم عراق ایدوب گیندو شاہ انس و جان عنتہ عمدجان	زیانحال حضرت صفرا(س) بہ حضرت زینب(س)	۲۱۱ - ۲۱۰
ای بلاکشرون یاری زینب	زیانحال حضرت صفرا(س) بہ حضرت زینب(س)	۲۱۵ - ۲۱۲
گوزوم نہ وقتہ دین ای جدہ لشکبار اولسون	زیانحال حضرت صفرا(س) بہ حضرت امہلمہ(س)	۲۲۲ - ۲۱۶
گلسن اماندور یاحسین ای عم اوغلی جان گلمہ کوفیہ	زیانحال حضرت مسلم(ع) در کوفہ	۲۲۶ - ۲۲۵
چو بلبان گلستان مسلمس بر زاغ اسپر گشتہ بگفتند زاغ را در باغ	پسران حضرت مسلم(ع)	۲۲۹ - ۲۲۷
گل بیزی ٹولدورمہ حارث خائق یکتایہ باغ	پسران حضرت مسلم(ع)	۲۳۲ - ۲۳۰
قارداش محمد قوی گیدوم گیت روضہ رضوان سنون	زیانحال حضرت حسین(ع) بہ برادرش حضرت محمد حنفیہ	۲۳۷ - ۲۳۵
گلوب فریادہ شیعہ ایلمہ نالہ	نوحۃ محرم	۲۳۹ - ۲۳۸
یتدی کوی عشقہ شاہ کریلا قریان عشق	رود کریلا	۲۴۲ - ۲۴۰

فهرست مطالب جلد اول گنجینه حسینی (صافی)

قارداش خبر ویر گجهمه سون دایانسون ساریان	خطاب به حضرت ابوالفضل (ع)	۲۲۲ - ۲۲۵
قارداش نه یردی بو یر سالدی ملاله سنی	پیرشش حضرت زینب (س)	۲۲۶ - ۲۲۷
بازار محبت دور بو دشت بلا زینب	جواب حضرت حسین (ع)	۲۲۸ - ۲۵۱
نه یردی بو یر آغلاما قارداش باجون اولسون	زبان حال حضرت زینب (س)	۲۵۲ - ۲۵۵
بو دیاره سوی نگاردن بزم وصله وار دعوت ای باجی	فرمایش حضرت حسین (ع)	۲۵۶ - ۲۵۸
بو نه یردی مهربان قارداش	پیرشش حضرت زینب (س)	۲۵۹ - ۲۶۱
باجی بو یر دشت غم و درد و بلادور	فرمایش حضرت حسین (ع)	۲۶۲ - ۲۶۳
بو یرده آل علی گلور فغانه باجی	فرمایش حضرت حسین (ع)	۲۶۴ - ۲۶۶
بو یرده گلور نالیه زهرا باجی زینب	فرمایش حضرت حسین (ع)	۲۶۷ - ۲۶۸
ای باجی بیر مقصودیله من بو دیاره گلمیشم	فرمایش حضرت حسین (ع)	۲۶۹ - ۲۷۱
ای باجی موسی عشقی گتورور شوره بو یر	فرمایش حضرت حسین (ع)	۲۷۲ - ۲۷۴
باجی بو چولده جانانلا بیر فراریم وار	فرمایش حضرت حسین (ع)	۲۷۵ - ۲۷۸
راه فراتی باغلا دی شمر ستمگر ای باجی	بسته شدن فرات	۲۷۹ - ۲۸۱
گوگل تصور ایدن بیر غریبه عالم دور	جنگ مقلوبه عصر تاسوعا گریزه عصر عاشورا غارت خیام	۲۸۲ - ۳۰۵
گفت شاهی که چنین غلظة ماتم از اوست	تضمین از غزل سعدی (ره)	۳۰۶ - ۳۰۸

فہرست مطالب جلد اول گنجینہ حسینی (صافی)

بو گجہ عترت پیغمبری نالان گورور	شب عاشورا	۲۰۹ - ۲۱۱
قارداش دی شمرہ بیزلرہ ویرسونلہ مہلت بو گجہ	در خواست مہلت شب عاشورا	۲۱۲ - ۲۱۴
زین بعد من بہ طرف چمن رو نمی کنم	اشعار فارسی در مصیبت حضرت علی اکبر (ع)	۲۱۵ - ۲۱۶
قرار و صبری می المیش گنہ باشیما کی شور	عید قربان و گریز بہ شہادت حضرت علی اکبر (ع)	۲۱۷ - ۲۲۷
من مجاہدم کوی عشقیدہ بسدور ای بابا بو شرف منہ	اجازہ خواستن حضرت علی اکبر (ع)	۲۲۸ - ۲۳۰
رزمگاہہ شاہد اول یارب علی اکبر گیدر	زیانحال حضرت امام حسین (ع)	۲۳۱ - ۲۳۲
شاہد اول الہی بو عرصہ دہ قوم کین علی اکبر تولدورور	زیانحال حضرت امام حسین (ع)	۲۳۳ - ۲۳۵
نہ تک قرارسی ہجر رخ نگار آپارور	وداع حضرت علی اکبر (ع)	۲۳۶ - ۲۳۸
ویروب اجازہ شہ جهان اکبر جوانہ	کیفیت وداع حضرت علی اکبر (ع)	۲۳۹ - ۲۴۱
اجازہ المیشام گیدم صف قتالہ آناجان	وداع حضرت علی اکبر (ع) با مادر مکرمہ اش	۲۴۲ - ۲۴۳
گل آنان ایتمہ غم ہجریلہ ہم خانہ غلی	زیانحال حضرت لیلہ (س)	۲۴۴ - ۲۴۷
ویرمیش اگر اجازہ امام رحید ارغول	زیانحال حضرت لیلہ (س)	۲۴۸ - ۲۵۱
ای حُسن و جاہدہ قمر طلعت لیلہ	زیانحال حضرت لیلہ (س)	۲۵۲ - ۲۵۴
سیاہ زلفون علی مہ یوزیوہ ہالہ سالوب	زیانحال حضرت لیلہ (س)	۲۵۵ - ۲۵۹
قلج چکوبلہ قتلوہ بو لشکر جفا علی	زیانحال حضرت لیلہ (س)	۲۶۰ - ۲۶۲
ترک سر ایتماقا مہیاسن جوانیم اوغول	زیانحال حضرت لیلہ (س)	۲۶۳ - ۲۶۵

فهرست مطالب جلد اول گنجینه حسینی (صافی)

ته تک قراریس هجر رخ نگار آهارور	کیفیت وداع حضرت علی اکبر (ع)	۲۶۸ - ۲۶۶
گنسن اوغول دالینجا لیلای مضطر آغلار	زیانحال حضرت لیلایس) در وداع حضرت علی اکبر (ع)	۳۶۹ - ۳۷۱
اولوسان عازم میدان اوغول گنت	زیانحال حضرت لیلایس) در وداع حضرت علی اکبر (ع)	۳۷۲ - ۳۷۵
زیردیم اجازه دلدن گنت نوجوان اوغول گنت	زیانحال حضرت لیلایس) در وداع حضرت علی اکبر (ع)	۳۷۶ - ۳۷۸
ویرسم اگر چه ارغول جمله جهانته سنی	زیانحال حضرت لیلایس) در وداع حضرت علی اکبر (ع)	۳۷۹ - ۳۸۲
قارداش علی گمشه دور دایان دور	زیانحال حضرت سسکینه (س) در وداع حضرت علی اکبر (ع)	۳۸۳ - ۳۸۴
کل گمشه رزمه بی یون قربانی قارداش	زیانحال حضرت سسکینه (س) در وداع حضرت علی اکبر (ع)	۳۸۵ - ۳۸۷
گلدی بهار غمزده گل بلبل اختارور	بهارتیه و گریز به مصیبت حضرت علی اکبر (ع)	۳۸۸ - ۳۹۷
آلدی دورمی صفا گل بابا هرایه گل	استمداد حضرت علی اکبر (ع)	۴۰۰ - ۳۹۸
دایتما گل یارالاندیم بابا گل	استمداد حضرت علی اکبر (ع)	۴۰۱ - ۴۰۳
گل بابا اکبرون اهل کوفه گور نه نوعیله بخوار نولندورور	استمداد حضرت علی اکبر (ع)	۴۰۴ - ۴۰۶
گل اول منه دادرس باقرزام یکسم تشنه ام جوانم بابا	استمداد حضرت علی اکبر (ع)	۴۰۷ - ۴۰۹
یغدیلاز آندان منی بی کس بابا	استمداد حضرت علی اکبر (ع)	۴۱۲ - ۴۱۰
بابا دایانسا داده گل یارالیم یارالیم	استمداد حضرت علی اکبر (ع)	۴۱۳ - ۴۱۵

فهرست مطالب جلد اول گنجینه حسینی (صافی)

ای بابا دایناما هرایه گل اوغلیام نجه گور یارالیم	استمداد حضرت علی اکبر(ع)	۲۱۶ - ۲۱۷
دایناما سنده منی آهار خیامه یارالیم یارالی ای عقاب	خطاب حضرت علی اکبر(ع) به عقاب	۲۱۸ - ۲۲۰
گون ایوبنده چوخ ساغلاما منی پیکریمده وار چوخ یارام عقاب	خطاب حضرت علی اکبر(ع) به عقاب	۲۲۱ - ۲۲۲
اکبرین میداندنا نعهشینی شاه عطفشان آختاروردی	آمدن حضرت حسین(ع) به بالین حضرت علی اکبر(ع)	۲۲۳ - ۲۲۵
ای کوکب صیح ای شبه نی کیم سالدی ستی بو حاله علی	خطاب حضرت حسین(ع) به حضرت علی اکبر(ع)	۲۲۶ - ۲۲۷
آج گوزون ای گوزلری شهلا اوغول	خطاب حضرت حسین(ع) به حضرت علی اکبر(ع)	۲۲۸ - ۲۳۰
ای شبه پیغمبر حق ای مظهر داور اوغول	خطاب حضرت حسین(ع) به حضرت علی اکبر(ع)	۲۳۱ - ۲۳۲
قوسادی سن گلماقا خیمه اعدا اوغول	خطاب حضرت حسین(ع) به حضرت علی اکبر(ع)	۲۳۳ - ۲۳۵
نهراتقارلار اوسته اکبری فرزند بوتراب	زیاتحال حضرت حسین(ع) سر بالین علی اکبر(ع)	۲۳۶ - ۲۴۱
آج گوزون گلمیشم باشون اوسته بیر اویان دور علی اکبر اوغولم	زیاتحال حضرت حسین(ع) سر بالین علی اکبر(ع)	۲۴۲ - ۲۴۵
آج گوزلرین گلدیم علی اکبر اوغول	زیاتحال حضرت حسین(ع) سر بالین علی اکبر(ع)	۲۴۶ - ۲۴۷
ای جوانلار جان ویرور اوغولم علی اکبردی بو	خطاب حضرت حسین(ع) به جوانان بنی هاشم	۲۴۸ - ۲۵۰

فہرست مطالب جلد اول گنجینۂ حسینی (صافی)

وای ایوای اوغول جوانیم ایوای	زیانحال حضرت امام حسین (ع)	۲۵۱ - ۲۵۲
اکبرین نعشین گتوردوم گل تماشایہ باچی	خطاب حضرت حسین (ع) بہ جناب زیب (س)	۲۵۵ - ۲۵۷
آنان نولسون علی اکبر ایوای اوغول وای	زیانحال حضرت لیلا (س)	۲۶۰ - ۲۶۱
ایوای جوان لیلا وای نوجوان اوغول وای	زیانحال حضرت لیلا (س)	۲۶۲ - ۲۶۳
تیل بہ تیل باتوب قانہ کاکلون وای اوغول علی وای اوغول علی	زیانحال حضرت لیلا (س)	۲۶۶ - ۲۶۷
اغلاز قالوبدی آنان ایوای اوغول وای اوغول	زیانحال حضرت لیلا (س)	۲۶۸ - ۲۶۹
گورمیبدیم بو گونی من کاش تولیدیم	زیانحال حضرت لیلا (س)	۲۷۰ - ۲۷۱
ویر اجازہ رہ جاناندا ویروم جان عموجان	اجازہ میدان خواستن حضرت قاسم (ع)	۲۷۲ - ۲۷۳
دیسم قریمان جانانم عموجان	اجازہ میدان خواستن حضرت قاسم (ع)	۲۷۴ - ۲۷۷
عمو اجازہ ویر گیدوم منده میدانہ	اجازہ میدان خواستن حضرت قاسم (ع)	۲۷۸ - ۲۷۹
ویرمیش عموم اجازہ سندہ آنا رضا اول	وداع حضرت قاسم (ع) یا مادر مکرمہاش	۲۸۰ - ۲۸۱
تک قالوب عموم شاہ کریلا چوخ پوزوب بو غم ای آنا منی	وداع حضرت قاسم (ع) یا مادر مکرمہاش	۲۸۲ - ۲۸۳
انصافدور کہ بلبل اولان گلدن آیریلا	زیانحال حضرت فاطمہ (س)	۲۸۴ - ۲۸۷
بولوسن منی بیر علاقہ وار گتوروب عراقہ ہم اوغلی جان	زیانحال حضرت فاطمہ (س)	۲۸۸ - ۲۹۱

فہرست مطالب جلد اول گنجینہ حسینی (صافی)

فرقتونده باغريم اولسا قان عم اوغلی	زیانحال حضرت فاطمہ (س)	۴۹۲ - ۴۹۳
ای عمو من بپر غزالم قالموشام جلاڈ الینده	استمداد حضرت قاسم (ع)	۴۹۴ - ۴۹۷
ای عمو گل ہرایہ چوخدور یاراسی قاسمون	استمداد حضرت قاسم (ع)	۴۹۸ - ۵۰۰
تولدوم جوانم یالتوزام گل داده ای سردار عمو	استمداد حضرت قاسم (ع)	۵۰۱ - ۵۰۲
خنجر لریله بو گل بدنیم باشندان ایاقا دوغراندی عمو	استمداد حضرت قاسم (ع)	۵۰۳ - ۵۰۴
عمو قویما منی جلاڈ الینده	استمداد حضرت قاسم (ع)	۵۰۵ - ۵۰۷
اوخلاتوب قلعلا تدم گل عمو امان تولدوم	استمداد حضرت قاسم (ع)	۵۰۸ - ۵۰۹
گلمیشم گلور سسون ای شاهزاده ہار داسان	زیانحال حضرت سیدالشہداء در میدان کریلا	۵۱۰ - ۵۱۲
بو فکر قاصریله بو عجز تمامیلہ	مقدمہ شہادت حضرت ابوالفضل (ع)	۵۱۳ - ۵۱۹
گنمہ قارداش اماندی یالتوزام من	زیانحال حضرت حسین (ع) در وداع حضرت ابوالفضل (ع)	۵۲۰ - ۵۲۴
سولویدی غنچہ لبریم تشنہام ای عمو	زیانحال حضرت سکینہ (س) بہ حضرت ابوالفضل (ع)	۵۲۵ - ۵۲۷
میدانہ لشکر گوردور سلطان بی یاور گلور	محاربه حضرت حسین (ع) بہ معیت حضرت ابوالفضل (ع)	۵۲۸ - ۵۳۰
۱۱ صفحہ	فہرست مطالب جلد اول	۵۳۱ - ۵۳۱
یہ قلم ناشر کتاب	فہرست	۵۳۲
انتشارات منشور	لیست معرفی کتب مذہبی و نوحہ	۵۳۳
شعر: صافی (رہ) ماندنی است	آقای سید محسن رجائی (مجنون)	۵۳۴

مژده

۱ - انشاء الله به زودی دیوان

مرموم مایه‌مسز زاهدی به نام دیوان «ارمغان زاهد»
چاپ و در دسترس علاقمندان قرار خواهد گرفت.

۲ - با اصرار دوستان یک جلد یادگاری بنام

«صدرالاشعار صدری» سروده نارسای اینجانب

سیدعلی‌اکبر صدرالدینی متعاقباً چاپ و منتشر

خواهد شد.

به امید توفیق الهی

بنام خدا

قابل توجه مذاحان عزیز و علاقمندان چهارده معصوم علیهم السلام کتب مذهبی، مدایح و مراثی زیر با کوشش و نظارت انتشارات منشور تبریز چاپ و در دسترس مذاحان و ارادتمندان حضرات معصومین علیهم السلام قرار می‌گیرد:

- ۱- «شمای رحمت در مدح حضرت علی(ع)» تألیف: آقای احمد محمدرزاده
- ۲- «خطبه حضرت فاطمه اصیل و جاودانه است» تألیف: آقای محمدعلی شمشیری

میلادی

- ۳- «حماسه آفرینان کربلا» تألیف: شادروان علامرضا اسمعیل پوران (هادی)
- ۴- «دیوان خوندل» تألیف: آقای حاج حیدر خوندل
- ۵- «مرآت عشق» تألیف: آقای فیروز جوانشیر (خادم)
- ۶- «منشور عاشورا جلد اول» تألیف و گردآوری: سیدعلی اکبر صدرالدینی
- ۷- «منشور عاشورا جلد دوم» تألیف و گردآوری: سیدعلی اکبر صدرالدینی
- ۸- «منشور عاشورا جلد سوم» تألیف و گردآوری: سیدعلی اکبر صدرالدینی
- ۹- «کلیات دیوان شامی با ملحقات» تألیف: شادروان حسین شامی (ره)
- ۱۰- «الزُفَةُ مِنَ الْقَبْرِ (در وجبات احکام میت)» تألیف: سیدعلی اکبر صدرالدینی
- ۱۱- «عقیده العرب: خطبه‌های حضرت زینب(س) در کوفه و مجلس یزید» تألیف: سیدعلی اکبر صدرالدینی

۱۲- «منشور عاشورا جلد چهارم» تألیف و گردآوری: سیدعلی اکبر صدرالدینی

۱۳- «بیرجستان خلقت» تألیف: آقای محمد کبکاووسی

۱۴- «دیوان گنجینه صافی» تألیف: آقای کریم صافی (ره)

۱۵- «دیوان ارمغان زاهد» تألیف: حاج حسن زاهدی، در دست اقدام

۱۶- «دیوان صدرالاشعار صدیقی» تألیف: سیدعلی اکبر صدرالدینی، در دست اقدام

نام صافی ماندنی است

صافی آن فرزانه کاندلر پهنه شعر و ادب
یادگار از طبع او اشعار شیوا مانده است
تا بهم آمیخته صد خرمن از گل‌های شعر
دیده بر گلزار او محو تماشا مانده است
قطره‌ای از جویبار عشق آل‌الله بود
حالی ز آن قطره دیوانی چو دریا مانده است
از خموش افتادگان هرگز نوایی برنخواست
وین عجب کاین بلبل خاموش گویا مانده است
دور هستی یاد او از سینه‌ها نزدوده است
خاطرانش در دل دلدادگان جا مانده است
بسکه نامش روز و شب در انجمن‌ها می‌رود
کس نمی‌داند که صافی رفته و یا مانده است
قصرها ویران شد از سیل حوادث در جهان
بی‌خلل اما بنای شعر زیبا مانده است
آن که (مجنون) باحسین ابن‌علی محشور شد
صیت نامش در دل تاریخ دنیا مانده است



کبریٰ - اول خیابان شریعتی شمالی

کتاب و کاتب کتب

ساختمان ۶۵۰ - طبقه اول - انتشارات منشور

تلفن: ۵۵۵۴۲۱۹ - ۵۵۳۵۳۸۶